

مجموعه نظریات شورای نگهبان

«تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی»

به انضمام استفساریه ها و تذکرات

۱۳۵۹-۱۳۸۸

(چاپ دوم، ویرایش اول)

مرکز تحقیقات شورای نگهبان



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده، که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)

مجموعه نظرات تفسیری و مشورتی

شورای نگهبان

«در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه ها و تذکرات»

۱۳۵۹-۱۳۸۸

(چاپ دوم، ویرایش اول)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین ، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
نشانی : تهران - خیابان ولی عصر (عج) ، بعد از چهار راه جمهوری اسلامی ، شماره ۱۱۵۸
تلفن : ۶۶۴۹۲۷۰۸ - ۹۸۲۱ + دورنگار : ۶۶۴۹۲۷۰۷ - ۹۸۲۱ +

نام کتاب : مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیری و مشورتی در فصوص اصول قانون اساسی
(قبل و بعد از بازنگری ۱۳۶۸) به انضمام استفساریه ها و تذکرات

تهیه و تنظیم : مرکز تحقیقات شورای نگهبان

ناشر: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری

لیتوگرافی و چاپ : اداره چاپ و انتشار

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۱

چاپ دوم (ویرایش اول) : تیرماه ۱۳۸۹

شمارگان : ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

شابک: ۷ - ۰۰ - ۵۸۴۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

کلیه حقوق برای مرکز تحقیقات شورای نگهبان محفوظ است.



فهرست

مقدمه

فصل اول ۱

نظریات تفسیری در خصوص اصول قانون اساسی

فصل دوم ۲۶۱

نظریات مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی

فصل سوم ۲۸۷

استفساریه‌ها در خصوص اصول قانون اساسی

فصل چهارم ۳۱۹

سؤالات متفرقه در خصوص جایگاه نهادهای قانونی و انقلابی و قوانین عادی

فصل پنجم ۳۷۵

تذکرات قانونی و ارشادی

فهرست اصول ۴۰۹

فهرست تفصیلی و موضوعی ۴۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

قانون اساسی وظایف متعددی را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است که از جمله این وظایف، تفسیر قانون اساسی است که با اکثریت سه چهارم اعضای شورا صورت می پذیرد. حاصل سی سال اجرای اصل نود و هشتم قانون اساسی،^(۱) نظرات مشورتی و تفاسیر رسمی از اصول قانون اساسی است که توسط شورای نگهبان از آغاز تشکیل و رسمیت آن در سال ۱۳۵۹ تا پایان سال ۱۳۸۸ صورت گرفته است و این محصول در قالب کتاب حاضر تقدیم می گردد.

در پیدایش نظرات و تفاسیر شورای نگهبان، فقهای گرانقدر و حقوقدانانی متبحر، جد و جهد فراوان و در خور تقدیر داشته اند که امروزه برخی از آنان چهره در نقاب خاک کشیده اند؛^(۲) خداوند رحمان و رحیم آنان را مشمول مغفرت و رحمت واسعه خود قرار دهد؛ و بسیاری نیز همچنان در شورای نگهبان یا در خارج شورا در مجامع علمی و فقهی به فعالیت های مرتبط اشتغال دارند.

دقت در بستر پیدایش تفاسیر و نظرات مزبور، از یک سو تحول نیازهای مختلف مدیریت کلان نظام جمهوری اسلامی را در طول سه دهه نشان می دهد و از سوی دیگر توان و ظرفیت قانون اساسی را در حل مشکلات و معضلات دوره های مختلف بر مبنای این قانون که میثاق ملی در مدیریت نظام است، متجلی می سازد.

۱. تفسیر، ضرورتی اجتناب ناپذیر

قانون برای تنظیم مناسبات اجتماعی، روابط قدرت و حاکمیت با مردم و تعیین حقوق و تکالیف متقابل افراد در گستره زمان وضع می شود. اگر چه قوانین برخاسته از اراده انسان ها، با همین اراده ها قابل تغییر و اصلاح هستند، ولی اصولاً ثبات و پایداری

۱. اصل نود و هشتم قانون اساسی: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود».

۲. از فقیهان فقید می توان به مرحوم آیات ربانی شیرازی، ربانی املشی و قدیری، و از حقوقدانان فقید مرحوم دکتر علی آراد، دکتر محمد صالحی و سیدرضا زواره ای اشاره نمود.

قوانین در طول زمان از اهداف قانونگذاری و لازمه آرامش و امنیت اجتماعی و اقتصادی و نیز فراهم آوردن موجبات برنامه‌ریزی پایدار و مناسب است؛ لذا اصولاً قوانین مقید به محدوده زمانی نیستند. واضح است آنچه گفته شد ناظر به قوانین بشری است، چرا که قوانین تشریعی الهی و مبتنی بر وحی، نه به زمان محدودند و نه مکان؛ اصالت و حقیقت آن قوانین هم تعلق به ذات ربوبی دارد و با اراده انسان‌ها قابل تغییر نیستند. قانون اساسی ما نیز بر همین اصل تأکید کرده و آن را از پایه‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی برشمرده است؛ از سویی در اصل چهارم تصریح کرده است همه قوانین و مقررات در موضوعات مختلف باید بر اساس موازین اسلامی باشند.

در چنین نظامی البته در دامنه آزاد حقوقی و در میدان «مالانص فیہ» در حدودی که مغایر با اساس موازین اسلامی نباشد، نهاد قانونگذاری مبادرت به وضع قاعده و ضابطه می‌کند؛ این نوع قوانین اگر چه مغایر با موازین شرعی نیستند، ولی در عین حال محصول تلاش انسان‌ها هستند؛ لذا هم می‌توانند مبتنی بر خطا و اشتباه باشند و هم بالتبع قابل تغییر و نیازمند بررسی و تفسیر هستند. با این وصف، این فرض طبیعی و قابل درک است که قانونگذار هر چند که تمامی دقت و جامعیت و آینده‌بینی خود را هم به کار گیرد، نتواند و نتوانسته باشد که تمام مسائل لازم آتی و حادث را پیش‌بینی کند؛ همچنین تعبیر و عبارات به کار گرفته شده در تحریر قانون برای فهماندن مقصود او به مخاطب کافی و وافی و رسا نباشند؛ و یا اجمال، ابهام و گاه تعارض در این قوانین وجود داشته باشد. به علاوه مقتضیات زمان، تحول جامعه و بروز مسائل و مشکلات جدید، هر از چندی فهم و استنباط جدیدی از قانون را برای حل معضلات زمان اقتضا کند.

در این جا است که حفظ قانون به شکل وضع اولیه و یا تغییر و تحریف آن، مسأله و مشکل مفسران و جامعه می‌شود؛ چه بسا که جریان سیاسی و فرصت‌طلبان تحت عنوان تفسیر، به تحریف و قلب حقیقت پرداخته باشند. آیا به راستی می‌توان این ادعا را باور کرد که در حقیقت، تفسیر قانون به معنای قلب حقیقت اولیه مورد نظر قانونگذار بوده است؟

اهل لغت تفسیر را به معنی ایضاح و تبیین دانسته‌اند؛ مؤلف لسان‌العرب گفته است: «تفسیر کشف مراد از لفظ مشکل است». دکتر جعفری لنگرودی گفته است: «لفظ تفسیر

قانون به همراه علوم تازه، از فرنگ به زبان فارسی راه یافته است؛ کلمه بومی آن در فارسی استنباط است که آن هم از زبان عرب و از یکی از آیات قرآن گرفته شده است.^(۱) چالش بین تحریف و قلب حقیقت از یک سو و جمود بر الفاظ و توقف در گذشته، حقوقدانان را به چاره‌جویی در یافتن حد اعتدال و یافتن ضابطه‌های منطقی تفسیر سوق داده است.

در هر حال، این «تفسیر» قانون است که به مثابه یک هنر مبتنی بر اصول و قواعد به قانون در هر زمان هویت می‌دهد؛ از معضلات گره‌گشایی کرده و به تنظیم امور و تحقق عدالت کمک می‌کند. تفسیر در عین حال که شناخت صحیح معنای قانون است، در بسیاری از مواقع از منطوق قانون تجاوز نمی‌کند و مدلول قانون را یا توسعه می‌دهد یا موجب تضییق می‌شود. اگر این توسعه و تضییق و تطبیق بر مصادیق متنوع در طول زمان به روش عالمانه و ابزار صحیح استنباط، بنیانگذاری شود، به پویایی قوانین در عین پایداری اصول کمک می‌کند.

از این رهگذر است که مکاتب مختلف و گوناگون تفسیری، جای خود را در قواعد حقوقی باز کرده‌اند. مکتب تفسیر لفظی یا تحلیلی، به عنوان قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شیوه تفسیر، بر این اعتقاد است که مراد قانونگذار را باید فقط از ظاهر الفاظ او یافت و هیچ مجری یا دادرسی حق ندارد به جای قانونگذار بنشیند؛ تفسیر فراتر از دامنه الفاظ، مفسر را به قاعده‌گذار و قانونگذار مبدل می‌کند در حالی که چنین امری منطبق با حق و واقع نیست.

مکتب تفسیر آزاد، قدرت و سلطه واقعی را در قانون جستجو می‌کند و نه مراد قانونگذار؛ پیروان این مکتب معتقدند اراده قانونگذار با وضع قانون از او سلب می‌شود و این نوزاد با تولد از مادر خود، یعنی قانونگذار، منقطع می‌شود، خود را با مقتضیات وفق می‌دهد و برای تفسیر خود، نیاز امروز را جستجو می‌کند و خود را اسیر اراده قانونگذار در دیروز، نمی‌کند؛ و همواره مفاهیم را با تحولات همراه می‌کند؛ اگر چه قواعد ویژه‌ای در این عرصه وضع می‌کند اما احراز نظر مراد قانونگذار او را مقید نمی‌کند. قوانین را سازگار با عرف و عادات‌ها پیش می‌برد و به زعم مفسر، عدالت اجتماعی را محقق می‌کند.

۱. مقدمه عمومی علم حقوق، صفحه ۱۲۹.

ناگزیر هر نظام حقوقی اصولی برای تفسیر دارد که پایه یک تفسیر علمی و متقن قرار می‌گیرد تا تفسیر روش کشف حقیقت باشد نه انحراف از آن. تعیین مرجع ذیصلاح و رسمی برای تفسیر قانون یکی از راه‌های تحقق تفسیر عالمانه و روشمند است؛ اگر چه هرکس که مجری قانون است اعم از قاضی یا کارگزار نظام اجرایی، در مقام اجرا مبادرت به تفسیر قانون می‌کند و این حد از تفسیر که اصولاً تفسیر شخصی است واقعیت حقوقی دارد که قهراً در ایجاد قواعد حقوقی مؤثر است.

۲. مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی

از آن جایی که تغییر یا اصلاح قانون اساسی از شیوه دشوارتری نسبت به اصلاح یا تغییر قوانین عادی برخوردار است و نیز ثبات و دوام قانون اساسی نسبت به سایر قوانین ضرورت بیشتری دارد و اینکه عدول از نصوص قانون اساسی و تجاوز از آن مآلاً به تباهی و فساد قدرت در جامعه منجر می‌شود، لذا تفسیر رسمی و لازم‌الاتباع قانون اساسی از چنان اهمیتی برخوردار است که قانون اساسی جمهوری اسلامی صراحتاً بدان توجه نموده و احکام لازم در این خصوص از جمله مرجع رسمی تفسیر را تعیین نموده است.

قانون اساسی مشروطه مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی را مشخص نکرده بود؛ لکن با استفاده از اطلاق لفظ قوانین در بیان اختیار مجلس شورای ملی در تفسیر قوانین، تا مدتی این استنباط وجود داشت که مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی نیز همان مرجع یعنی مجلس است. شکنندگی و غیرقابل ثبات بودن این روش از جمله عدول تدریجی و انحراف از اصول قانون اساسی نیاز به توضیح ندارد. با لحاظ این تجارب بود که قانون‌گذار مؤسس در نظام جمهوری اسلامی، مرجع تفسیر قانون اساسی را به صراحت در اصل ۹۸ پیش‌بینی نموده و تصریح می‌کند که تفسیر قانون اساسی با آرای سه‌چهارم اعضای شورای نگهبان یعنی حداقل ۹ نفر از ۱۲ نفر اعتبار و رسمیت پیدا می‌کند.

آراء و نظرات تفسیری شورای نگهبان همانند خود قانون اساسی دارای اعتبار است؛ بر همین اساس است وقتی که تفسیری از یک اصل وجود دارد تا زمانی که تفسیر جدیدی از آن اصل ارائه نشده است، شورای نگهبان در اظهار نظر خود همانطور که

اصول قانون اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد، به تفسیر قانون اساسی نیز ترتیب اثر می‌دهد؛ به عبارت دیگر اقدام خلاف تفسیر رسمی همانند اقدام خلاف خود قانون اساسی است.

باید توجه داشت که تفسیر رسمی که با رأی سه‌چهارم اعضاء حاصل می‌شود از تفسیر علمی و شخصی که اعضاء به طور مستمر در طول انجام وظیفه نظارتی خود در عدم مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی انجام می‌دهند متمایز است. به طور طبیعی وقتی شورای نگهبان با رأی اکثریت، مصوبه‌ای را خلاف قانون اساسی می‌شناسد، یا آن را مغایر قانون اساسی نمی‌داند؛ این فرآیند تطبیق و انطباق با تفسیر ذهنی اعلام نشده اعضاء صورت می‌گیرد. در حقیقت فهم اصل مربوط به قانون اساسی و فهم قانون و مصوبه مجلس به صورت اقدامات ذهنی اعضاء صورت می‌پذیرد و نتیجه این فرآیند، حکمی است که شورا به صورت اکثریت آراء در تطبیق یا مغایرت با قانون اساسی اعلام می‌دارد.

۳. فرآیند تفسیر رسمی

در سال‌های آغازین اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجریان قانون در سطوح مختلف مدیریتی یا نمایندگان مجلس حین تصویب یک قانون عادی، در مورد معنای اصلی از اصول قانون اساسی از شورای نگهبان سؤال می‌کردند؛ طبیعی است که اگر شورای نگهبان با هر تقاضایی مبادرت به تفسیر می‌نمود، ضمن امکان بروز تفاسیر متعارض موجب اختلال در مدیریت اجرایی نیز می‌گردید. تفسیر قانون اساسی نیز همانند خود قانون اساسی باید دستخوش تغییرات تند و سریع قرار نگیرد. از این رو شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ در اظهارنظر در خصوص «طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی» مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی این گونه اظهار نظر کرد:

«مستفاد از اصل ۹۸ قانون اساسی این است که در موارد اختلاف نظر در مفاد قانون اساسی چنانچه در اثر اختلاف نظر در مفاد اصلی از اصول برای مقامات و اشخاصی که در ارتباط با آن می‌باشند بن‌بست عملی ایجاد شده باشد به طوری که رفع بن‌بست متوقف بر کسب نظر مستقیم از شورای نگهبان باشد شورای نگهبان در صورت

تشخیص اجمال اصل، آن را تفسیر می‌نماید؛ ولی اگر موضوع مورد اختلاف در مسیر بررسی و تصویب مجلس شورای اسلامی و مآلاً شورای نگهبان باشد، تقاضای تفسیر از سوی یک یا جمعی از نمایندگان یا افراد و مقامات دیگر مورد ندارد. هر یک از نمایندگان طبق برداشت خود از قانون اساسی رأی می‌دهد و یا هیأت دولت لایحه مورد نظر را مطابق برداشت خود از قانون اساسی تنظیم می‌نماید و سرانجام چنانچه لایحه یا طرح تصویب شد، شورای نگهبان نظر خود را اعلام می‌دارد.

در مواردی که تفسیر به عنوان الغای خصوصیت و یا توسعه و تضییق موضوع مذکور در اصلی از اصول قانون اساسی باشد در صورتی که احتیاج مبرم کشور به تفسیر احساس شود و شورای نگهبان این احتیاج را تشخیص داد، اصل مورد نظر را تفسیر خواهد نمود.»

هم اکنون بر اساس ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹، تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.

در مواردی که اصلی در شورای نگهبان برای تفسیر به بحث و رأی‌گیری گذارده می‌شد و وفاق در حد ۹ رأی در خصوص موضوع حاصل نمی‌گردید؛ در این گونه موارد که نظر اکثریت اعضاء وجود داشت لکن اکثریت کمتر از ۹ نفر بودند شورای نگهبان نتیجه را به عنوان نظر مشورتی شورا (و نه نظر تفسیری) اعلام می‌کرد و به منظور تمیز نظرات تفسیری و مشورتی، شورای نگهبان به مشورتی بودن نظرات تصریح می‌نمود؛ لکن اگر شورا تفسیری یا مشورتی بودن نظریه را مسکوت می‌گذارد مطابق نظر شورا آن نظر تفسیری تلقی می‌گردد. تفاسیر رسمی شورای نگهبان در روزنامه رسمی منتشر می‌گردد. البته لازم به ذکر است که در حال حاضر، شورای نگهبان فقط اقدام به اعلام نظریه تفسیری رسمی می‌نماید و نظرات مشورتی ارائه نمی‌دهد.

۴. آثار تفسیر

اثر تفسیر قهقرایی است و به گذشته نیز سرایت دارد؛ زیرا تفسیر کشف نظر و هدف قانون‌گذار از زمان وضع و تصویب قانون قلمداد می‌گردد؛ اگرچه در چنین امری باید جانب احتیاط را در مورد حقوق مکتسبه و مواردی که در آن توقف و احتیاط لازم است، فرونگذاشت. شورای نگهبان در مقام تبیین اصل ۷۳ قانون اساسی، که ناظر به تفسیر قانون عادی است، نظری تفسیری ابراز نموده که حاوی چند نکته مهم است:

اول آن که مقصود از تفسیر را بیان مراد مقنن می‌داند؛ اگر چه این تعریف و مقصود از تفسیر، در مقام بیان تفسیر قانون عادی است ولی ملاک و مناط آن در مقام تفسیر قانون اساسی نیز قابل اخذ است؛ به عبارت دیگر برداشت فوق، رویکرد شورای نگهبان را از تفسیر نشان می‌دهد، که وجه مشخص این رویکرد، «دریافت مقصود مقنن» است. البته اگر این مقصود قابل دریافت باشد می‌توان مقتضیات عصر و نیازهای زمان و مصادیق جدید را با این مقصود منطبق نمود.

دوم، در این تبیین از تفسیر، «تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست» را تفسیر قلمداد نمی‌کند. در این شرایط، اگر تضییق یا توسعه دلالت قانون و یا موضوع و متعلق آن، از اموری باشد که مقصود قانونگذار بوده و رفع ابهام از قانون بنماید تفسیر محسوب می‌شود ولی توسعه یا تضییق اگر رفع ابهام نباشد، قانونگذاری جدید تلقی شده و تفسیر محسوب نمی‌شود. اثر این حکم در موضوع بعدی که از این تفسیر مستفاد می‌شود ظاهر می‌گردد.

سوم، «تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجرا است بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجرا گذاشته‌اند تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور تسری نمی‌یابد.»

این قاعده را در مورد تفسیر قانون اساسی نیز می‌توان تسری داد. چرا که مقصود شورا از بیان این موارد ناظر به «نفس تفسیر»، و تفسیر به ما هو تفسیر است و اختصاص به تفسیر قانون عادی یا قانون اساسی ندارد. بنابراین بالطبع باید همین نظر را در خصوص تفسیر قانون اساسی نیز لحاظ نمود.

۵. رویه شورای نگهبان در تفسیر اصول قانون اساسی

شورای نگهبان در یکی از نظریه‌های تفسیری خود، تعبیری دارد که نشان می‌دهد این شورا در مقام تفسیر، خود را مقید به تفسیر لفظی نمی‌داند، و از اصول استنباط در تفسیر اصول بهره می‌گیرد.

دقت مجدد در این تعبیر، این واقعیت را نشان می‌دهد:

«در مواردی که تفسیر به عنوان الغای خصوصیت و یا توسعه و تضیق موضوع مذکور در اصلی از اصول قانون اساسی باشد، در صورتی که احتیاج مبرم کشور به تفسیر احساس شود و شورای نگهبان این احتیاج را تشخیص داد، اصل مورد نظر را تفسیر خواهد نمود.»

در حقیقت شورا این قاعده را می‌پذیرد که با الغای خصوصیت مذکور در قانون، دامنه موضوع مربوط توسعه داده شده یا تضیق شود.

شاید یکی از تفاسیر شورا از اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی را بتوان مصداق این رویه شناخت. در اصل هفتاد و پنجم مقرر گردیده:

«طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

تعریف «طرح قانونی» در اصل هفتاد و چهارم ذکر شده و مقصود آن پیشنهاد حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس است.

از سوی دیگر در اصل یکصد و دوم به شورای عالی استان‌ها حق داده شده است که در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کنند. آیا این طرح‌ها هم مشمول حکم اصل هفتاد و پنجم از حیث بار مالی و ایجاد هزینه و یا کاهش درآمد می‌شوند؟ شورای نگهبان در پاسخ به این سؤال نظریه تفسیری خود را به این شرح اعلام نموده است:

«اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد و بار مالی داشته باشد می‌شود.»

شورای نگهبان با الغای خصوصیت از طرح‌های نمایندگان، آن را به طرح‌های

شورای عالی استان‌ها نیز تسری و توسعه داده است. از دیگر اصول پایه‌ای و بنیادی شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی، حاکمیت احکام شرعی بر عموم و اطلاق اصول قانون اساسی است. طبق اصل چهارم: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

اگر دامنه دلالت یک اصل با استفاده از الفاظ عام و مطلق مذکور در آن اصل، خلاف موازین شرعی شود، عموم یا اطلاق، منعقد نمی‌شود؛ و اعتبار اصول مزبور در حدود موازین شرعی است. البته تشخیص خلاف شرع بودن اطلاق یا عموم، فقط بر عهده فقهای شورای نگهبان است. این امر با اکثریت نظر فقهاء (حداقل ۴ نفر) حاصل می‌شود و تابع ضوابط راجع به نصاب سه چهارم آرای اعضاء نیست. دلیل آن نیز واضح است، قانون اساسی مشروعیت خود را از شرع اتخاذ کرده است و قانون‌گذار با این اراده، به وضع قانون اساسی پرداخته و آن را به مثابه یک قاعده حاکم در اصل چهارم مورد تأکید و تصریح قرار داده است.

مصادق این مورد - اگر چه به طور رسمی به عنوان تفسیر اعلام نشده ولی تأثیر واقعی خود را در نقش یک تفسیر نسبت به ارزیابی مصوبه مجلس شورای اسلامی بجای گذاشت - اظهار نظر شورای نگهبان در مورد لایحه بازرگانی خارجی در سال ۱۳۶۱ است؛ اگر چه اصل ۴۴، بازرگانی خارجی را مطلقاً در انحصار دولت تعریف می‌کرد، ولی فقهای شورای نگهبان، اطلاق دولتی بودن بازرگانی خارجی را خلاف موازین شرعی می‌دانستند، چرا که مانع حق مشروع اشخاص در بازرگانی و تجارت خارجی می‌شد. به همین دلیل اگر چه این قانون به تصویب نهایی نرسید ولی نگرش شورای نگهبان را در فهم اصل ۴۴، از حیث انطباق با موازین شرعی نشان می‌دهد. توضیح اینکه علی‌رغم اینکه اصل ۴۴، بازرگانی خارجی را علی‌الاطلاق با نص صریح، دولتی اعلام می‌کرد، ولی به دلیل اینکه این اطلاق مغایر شرع است و اصل ۴ شرع را حاکم بر این اطلاق قرار داده است، فقهای معظم، با اظهار نظر در مورد لایحه مزبور، دامنه اصل را مقید نموده‌اند و اجازه دادند که اشخاص غیردولتی نیز چون از حیث حق

شرعی اجازه بازرگانی و تجارت خارجی را دارند، در کنار دولت از این حقوق مشروع خود بهره‌مند شوند. لازم به تذکر است با تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به وسیله مقام معظم رهبری (طبق اصل ۱۱۰) موضوع بازرگانی خارجی اصل ۴۴ همانند نظر فقهای شورا، اجرایی گردیده است.

استفاده از ضابطه‌های شرعی و توجه به اراده قانون‌گذار و شأن تصویب قانون و مذاکرات حین تصویب آن نیز در تفسیر اصول قانون اساسی تأثیرگذار است، پایه‌های استدلالی شورای نگهبان در تفسیر اصل ۸۶ در مورد مصونیت پارلمانی بیانگر این نگرش است؛ در مقدمه تفسیر اصل مزبور، شورای نگهبان تصریح کرده که:

«با عنایت به:

۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل ۸۶ حاکی از این که مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون اساسی یکسان و برابرند و هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضائی باید او را تعقیب کند.

۲-

۴- عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم ...»؛

«اصل ۸۶ قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهارنظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می‌باشد و این آزادی منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد.»

ملاحظه می‌شود که شورای نگهبان این استنتاج تفسیری را بر اساس مشروح مذاکرات و مبانی شرعی ارائه نموده است.

البته، تنقیح مبانی شورای نگهبان در تفسیر نیاز به بررسی علمی و تدقیق عمیق‌تری دارد که در این مختصر در مقام احصای این مبانی نیستیم، بلکه باید با تحقیقی مستقل به این مهم پرداخت.

۶. نقش تفسیر در حل معضلات

امروزه اهمیت تفسیر شورای نگهبان در مورد اصول قانون اساسی نه تنها در حل برخی معضلات پوشیده نیست، بلکه تفسیر دقیق و هدفمند و در عین حال پویا که بتواند مشکلات مستحدث را در طول زمان با حفظ هدف و روح قانون اساسی یعنی مبنایی که بر آن اساس، قانون اساسی تدوین گردیده، انجام دهد می‌تواند از اختلافات بین قوا و بروز معضلات پیشگیری نماید. طبیعی است اگر از طریق تفاسیر عالمانه مبادرت به رفع مشکلات جاری نکنیم، تغییرات سریع قانون اساسی ممکن است اجتناب‌ناپذیر گردد که این امر نیز خود مشکلات بیشتری را ایجاد می‌کند.

نهاد شورای نگهبان که مجموعه‌ای متخصص و کارآمد از حیث فقهی و حقوقی است، با مبانی فقهی و عالمانه‌ای که باید انتظار آن را داشته باشیم و این توان در واقع مقتضی عضویت در این شورا است، از اعتبار و جایگاهی شایسته برخوردار است تا بتواند هم قانون اساسی را در بستر اجرا از انحراف و تحریف حفاظت کند و هم با پاسخ به موقع از بروز مشکلات در سطح عالی مدیریتی پیشگیری کند؛ به گمان ما بخش عمده‌ای از وظایف خطیر رهبری در اصول ۵۷ و ۱۱۰، در هماهنگی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و نیز حل معضلات نظام که از طریق مجمع تشخیص مصلحت پیش‌بینی شده است از طریق تفسیر رسمی قانون اساسی قابل اقدام بوده؛ و تفسیر قانون اساسی می‌تواند معین حقوقی رهبری در تحقق این مسئولیت‌ها باشد؛ چه بسا رهبری نیز از شورای نگهبان چنین مطالبه‌ای را داشته باشند. چرا که تفسیر رسمی قانون اساسی یک طریق عادی است، اما حل معضلات نظام با استفاده از مجمع تشخیص مصلحت و حکم حکومتی طریق فوق‌العاده حل یک مشکل است که طبعاً آثار اجتماعی و هزینه‌های سیاسی در بردارد و باید هنگامی از این طریق فوق‌العاده استفاده کرد که راه حل عادی معضل وجود نداشته باشد. با استفاده از نهاد تفسیر قانون اساسی می‌توان معضلات را به حداقل رساند.

به طور مثال در سال ۱۳۸۰، به دلیل فقدان دو عضو حقوقدان شورای نگهبان و عدم رأی مجلس به حقوقدانان معرفی شده در حد نصاب آیین‌نامه داخلی مجلس (اکثریت مطلق) و در آستانه تحلیف رئیس‌جمهور که باید در مجلس صورت می‌گرفت، شورای

نگهبان رسمیت این شورا را با توجه به دلیل فوق مخدوش می‌دانست و به خاطر معضلی که برای انجام مراسم تحلیف به دلیل عدم رسمیت مجلس که وابسته به رسمیت شورای نگهبان است پیش آمد موضوع به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع شد تا با شیوه بند هشتم اصل یکصد و دهم حل معضل شود،^(۱) در حالی که با انعطاف در نظریه شورا و بر اساس تفسیری قابل قبول امکان پیشگیری از بروز چنین معضلی وجود داشت.

در هر حال می‌توان بدون اینکه از ضوابط و معیارهای حقوقی و اصول استنباط خارج شد با تفسیر حقوقی و با مراعات مقتضیات زمان مشکلات حقوقی محتمل را حل نمود.

۱. نامه شماره ۲۰۳۱/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام:

محضر مبارک رهبر انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله خامنه‌ای «دامت برکاته»

عطف به دستور شماره ۱/۱۴۳۱ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۴ مبنی بر ارائه نظر مشورتی در حل و معضل ناشی از موضوع انتخاب حقوقدانان شورای محترم نگهبان به استحضار می‌رساند:

در اجرای بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۸۰/۵/۱۵ تشکیل جلسه داد. پس از بررسی تفصیلی معضل پیش آمده، دو راه حل مشخص و کلی به شرح ذیل مطرح شد:

الف- با نسی کردن اکثریت آراء بجای اکثریت مطلق، انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان حل می‌شود.

ب- با اعلان رسمی بودن شورای نگهبان با وجود سه چهارم اعضاء مشکلی برای تحلیف ریاست جمهوری و اعتبار مجلس باقی نمی‌ماند، اما مشکل انتخاب دو حقوقدان شورای نگهبان حل نشده باقی خواهد ماند.

پس از بررسی همه جانبه و استماع همه نظرات، مجمع تشخیص مصلحت نظام سه بند زیر را برای تقدیم به محضر مقام معظم رهبری، جهت تصمیم‌گیری نهایی، تصویب کرد:

تا زمان بررسی مجدد برای اصلاح آئین نامه مربوط به انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان، در این دوره و در اولین جلسه مجلس شورای اسلامی، بر اساس اسامی پیشنهادی ریاست محترم قوه قضائیه، بار دیگر رأی‌گیری بعمل آید و در صورت عدم حصول اکثریت مطلق در همان جلسه مجدداً رأی‌گیری شده و در مرتبه دوم، اکثریت نسبی برای انتخاب حقوقدانان ملاک خواهد بود.

شورای نگهبان با وجود اکثریت سه چهارم اعضاء رسمیت دارد (البته پیشنهاد جمعی دیگر از اعضاء مجمع اضافه کردن قید «تا اعلان نظریه تفسیری شورای نگهبان» بر ابتدای این بند بود و نظر دیگری نیز برخی از اعضاء داشتند که به جای سه چهارم، پنج ششم اعضاء شورای نگهبان مبنا قرار گیرد. ولی از آنجائیکه پیشنهاد اول رأی آورد، در مورد دو پیشنهاد دیگر رأی‌گیری بعمل نیامد).

با توجه به دو بند فوق و پس از انتخاب دو عضو حقوقدانان شورای نگهبان در اولین فرصت ممکن مراسم تحلیف رئیس جمهوری انجام پذیرد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

اینک ویرایش اول مجموعه نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان در خصوص اصول قانون اساسی در پیش روی خوانندگان عزیز قرار دارد. این کتاب در پنج فصل تدوین گردیده است که **فصل اول** شامل نظرات تفسیری است؛ **فصل دوم** نظرات مشورتی شورای نگهبان را در بر می‌گیرد. تعریف این دو قسم در این مقدمه ذکر شد. **فصل سوم** کتاب در مورد سئوالات و استفساریه‌هایی است که اشخاص حقیقی و حقوقی از شورای نگهبان پرسیده‌اند و شورا یا سؤال را از موارد تفسیر تلقی نکرده است و یا رأی لازم جهت تفسیر تحصیل نشده، و نظر مشورتی نیز ارائه نگردیده است؛ و یا به هر جهت دیگری پاسخ شورا، متضمن نظر مشورتی یا تفسیری نبوده است، لکن ملاحظه سابقه موضوع و پاسخ شورا برای خوانندگان از جهاتی مفید است. لذا به عنوان بخشی از اسناد موجود در بررسی اصول قانون اساسی و نسبت آن با مقررات و تصمیمات مختلف اجرایی، تقنینی و یا قضایی در این کتاب ذکر شده است. **فصل چهارم** مربوط به سئوالات متفرقه‌ای است که برخی راجع به قوانین عادی است و پرسش‌کننده از جهاتی آن قوانین را مغایر قانون اساسی می‌داند و یا خواهان شرح و توضیح قوانین عادی است، نگرش سؤال‌کننده و پاسخ شورا، در مواردی حکایت از مباحث مکتوب میان شورا و شخص یا نهاد مربوط دارد، به اعتقاد ما برای شناخت مبانی حقوقی افراد و سیر تحول حقوقی، این بخش بسیار مفید است اگر چه نظریه تفسیری و حقوقی به صراحت از آن استخراج نشود. **فصل پنجم**، مکاتباتی است که شورای نگهبان ابتدا به نوشتن و ارسال آن به مقامات عالی کشور نموده است؛ و آنچه را که به زعم شورا یا برخی از اعضا برخلاف قانون اساسی در جریان بوده است و یا مناسب دیده‌اند که در روند اداره امور کشور مورد توجه مجریان قرار گیرد، به متصدیان تذکر داده‌اند. موضوع این تذکرات امور مختلف از جمله انتخابات است. ذکر این بخش‌ها از آن جهت مناسب دیده شد که اگر چه حاوی نظر رسمی حقوقی نیست ولی با توجه به مبانی و استدلال‌های ذکر شده می‌تواند از جهت دریافت «دکترین» حقوقی اعضای شورای نگهبان مفید واقع گردد.

صاحب‌نظران می‌توانند با تدقیق در مبانی نظرات شورا، مکتب تفسیری آن را دریافته و نظرات حقوقی این شورا را در تبیین قانون اساسی استخراج کنند. انسجام، همگرایی یا واگرایی این نظرات را ارزیابی و با میزان علمی و حقوقی ارزیابی کنند و

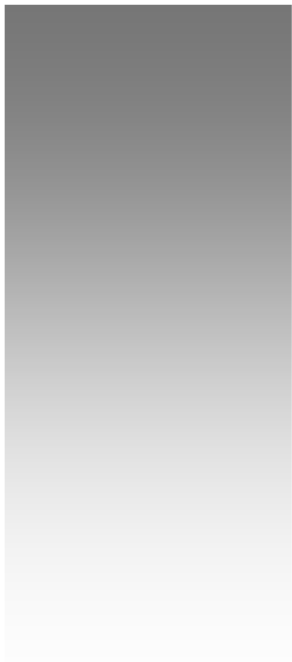
آن را نقادی نمایند. این نقادی عالمانه موجب غنای ادبیات حقوقی به ویژه در حوزه قانون اساسی خواهد شد، و کمکی شایان تقدیر نیز به اعضای محترم شورای نگهبان خواهد بود. مرکز تحقیقات شورای نگهبان ضمن اعلام آمادگی و سپاس پیشاپیش از نظرات خوانندگان فرهیخته و ارجمند از این حرکت علمی، استقبال و باب ارتباط در این عرصه را برای همیشه مفتوح می‌داند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

غلامحسین الهام

رئیس مرکز تحقیقات شورای نگهبان

مرداد ماه ۱۳۸۹



فصل اوّل

نظریات تفسیری

در خصوص اصول

قانون اساسی

در این فصل کلیه اصول مورد تفسیر شورای نگهبان که بر اساس اصل نود و هشتم قانون اساسی صورت گرفته است، به ترتیب تاریخی گنجانده شده که مانند قانون اساسی رسمیت داشته و لازم الاجرا است.



تفسیر اصل یکصد و شصتم قانون اساسی

شماره: ۷۷۲۷/ش

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در رابطه با حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری سئوالات زیر مطرح است. خواهشمند است با توجه به اصول مربوط از قانون اساسی نظر آن شورا روشن شود، تا تکلیف مسائل مورد تردید مشخص گردد:

۱- اصل پنجاه و هفتم^(۱)

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می گردد».

۲- اصل پنجاه و هشتم

«اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعدی می آید برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد».

۳- اصل شصتم^(۲)

«اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا است».

۴- اصل شصت و یکم

«اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد».

(۱) اصل پنجاه و هفتم (بعد از بازنگری): قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

(۲) اصل شصتم (بعد از بازنگری): اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

۵- اصل یکصد و پنجاه و ششم

«قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزائی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

۶- اصل یکصد و پنجاه و هفتم^(۱)

«به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون».

۷- اصل یکصد و شصتم

«وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضائی به نخست وزیر

(۱) اصل یکصد و پنجاه و هفتم (بعد از بازنگری): به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد».^(۱)

با توجه به اصول مزبور درباره اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور مالی، اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی، سازمان ثبت اسناد و املاک و نظائر اینها این سؤال مطرح است که آیا مسئولیت اداره آنها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است، یا با شورای عالی قضائی که مستقل از قوه مجریه است. یک نظر این است که مسئولیت این امور بر عهده شورای عالی قضائی است به دلایل زیر:

الف - استقلال قوه مقننه و قوه قضائیه ایجاب می‌کند که اداره امور مربوط به کلیه نیازمندیهای هر قوه نیز بدست همان قوه باشد. بهمین جهت با اینکه کار قوه مقننه قانونگذاری و نظارت بر امور کشور است اداره کارگزینی، کارپردازی و چاپخانه مجلس، کتابخانه مجلس، حسابداری و نظائر اینها در قوه مقننه در اختیار خود مجلس و هیأت رئیسه مجلس است، بدین ترتیب در مورد قوه قضائیه نیز، هر چند کار اصلی، رسیدگی به دعاوی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و نظائر اینها است، ولی کارهایی که در رابطه با تأمین نیازهای این دادگاهها و مدارک ثبتی مورد استناد این دادگاهها است، باید مستقل از قوه مجریه و در اختیار شورای عالی قضائی که مسئول قوه قضائیه است باشد.

ب - در اصل یکصد و شصتم وظایف وزیر دادگستری صریحاً ذکر و گفته شده است که وزیر دادگستری رابطه میان قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه است و مفاد آن این است که در اداره امور داخلی این قوه دخالت و مسئولیتی ندارد و کار او نظیر کاری است که در گذشته معاون پارلمانی وزارت دادگستری انجام می‌داده، منتهی در رابطه با مجلس و هیأت دولت هر دو.

(۱) اصل یکصد و شصتم (بعد از بازنگری): وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

ج - مشمول بند ۳ از اصل یکصد و پنجاه و هفتم: استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون. نظر دیگر این است که چون این امور به خودی خود و صرفنظر از ارتباطش با دادگاههای امور اجرایی است، باید در دست قوه مجریه باشد و در این صورت می‌تواند مسئولیت آن بر عهده وزیر دادگستری قرار گیرد. خواهشمند است با توجه به این جهات و ضرورت یکسان بودن وضع در مورد قوه مقننه و قوه قضائیه در رابطه با مسائل اداری و مالی مربوط به هر قوه، نظر آن شورای محترم را اعلام فرمایند.

از طرف شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران
سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۴۲۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۱

شورای عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۷۷۲۷/ش مورخ ۱۳۵۹/۹/۶:

موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اظهار نظر گردید:
«وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیأت وزیران می‌باشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی، وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضائی می‌باشد»^(۱).

شورای نگهبان

(۱) در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، شورای عالی قضائی حذف و رئیس قوه قضائیه جایگزین آن شد.

تفسیر اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۸۲۵۵/ش

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۲

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در نامه‌ای که از رئیس جمهور به شورای عالی قضائی رسیده با استناد به اصل ۱۱۳ قانون اساسی وظیفه خویش دانسته که در اعمال قوه قضائیه نظارت داشته باشند و نسبت به بعضی از کارهای انجام شده به شورای عالی قضائی اخطار نموده‌اند (فتوکپی نامه رئیس جمهور به پیوست ارسال می‌گردد)^(۲) در صورتی که طبق اصل یکصد و

(۱) اصل یکصد و سیزدهم (قبل از بازنگری): پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.

* اصل یکصد و سیزدهم (بعد از بازنگری): پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.

(۲) متن نامه رئیس جمهور:

شماره: ۱۸۱۵۶

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۵

در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۶ شورای عالی قضائی برای اعمالی از قبیل عدم رعایت استتار نور در منازل و معابر، خرید و فروش غیر مجاز سوخت و کوپن احتکار یا گرانفروشی مایحتاج عمومی، سد معبر و شایعه پراکنی مجازاتهایی حسب مورد از یکماه تا یکسال حبس و پرداخت جریمه نقدی و مصادره مال و غیره وضع کرده و تحت عنوان دستورالعمل تخلفات و جرائم زمان جنگ دستور اجرای آنرا به حکام شرع و دادسراهای انقلاب داده است. این دستور العمل (با در حقیقت وضع قانون مجازات) به جهات و دلایل زیر مخالف قانون اساسی و قوانین جزائی است:

- ۱- طبق اصل ۳۶ قانون اساسی: حکم مجازات و اجرای آن باید بموجب قانون باشد.
- ۲- طبق مدلول اصل ۱۶۹ قانون اساسی: جرم دانستن هر فعل یا ترک فعلی باید مستند به قانون باشد.
- ۳- به موجب ماده ۲ قانون مجازات عمومی که شامل مفهوم دو اصل فوق می‌باشد. هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون مجازات و مستلزم اقدامات تامینی یا تربیتی باشد جرم محسوب است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدام تامینی یا تربیتی تعیین شده باشد.
- ۴- طبق اصل ۵۸ قانون اساسی: اعمال قوه مقننه (وضع قانون) از طریق مجلس شورای اسلامی است همچنین طبق اصل ۷۱ و اصول دیگر فصل ششم وضع قانون منحصرأ از خصائص مجلس مذکور است.
- ۵- طبق اصل تفکیک قوا (اصل ۵۷ قانون اساسی): هر یک از قوای سه‌گانه مستقل است و هیچیک از آنها حق تجاوز به حدود وظایف و صلاحیت قوه دیگر را ندارد.

- ۶- طبق بند ۲ اصل ۱۵۷ قانون اساسی شورای عالی قضائی فقط اختیار تهیه لوایح قضائی را دارند نه وضع قانون مجازات.
- ۷- در قوانین جزائی برای احتکار و گرانفروشی و سد معبر و اشاعه اکاذیب مجازاتهای مشخصی تعیین شده که جز به موجب قانون قابل نسخ و تغییر نیست.

پنجاه و ششم نظارت بر حسن اجرای قوانین با قوه قضائیه است نه ریاست جمهوری، خواهشمند است آن شورای محترم نظر خود را در این زمینه و اصولاً مفاد اصل ۱۱۳ و محدوده اختیارات ریاست جمهور ابراز نمایند.

از طرف شورای عالی قضائی
سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۴۶۸

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۸

شورای عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۸۲۵۵/ش مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۲:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و به این شرح اظهار نظر شد:

«رئیس جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد و منافات با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد».

دبیر شورای نگهبان
لطف الله صافی

→ با توجه به اصل و قوانین فوق شورای عالی قضائی (که با تعیین مجازات بوضع قانون و نسخ بعضی از قوانین جزائی مبادرت نموده) قانون اساسی را نقض کرده است. جای تأسف است شورای عالی قضائی که به موجب اصل ۱۵۶ باید ناظر حسن اجرای قوانین باشد به نقض آشکار قانون اساسی اقدام نماید.

اینک حسب وظیفه‌ای که به موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی از لحاظ مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه بر عهده دارم به شورای عالی قضائی اخطار می‌کنم از نقض قانون و تجاوز به حدود صلاحیت و وظایف قوه مقننه اجتناب نماید.

بدیهی است دستورالعمل خلاف قانون آن شورا بی اعتبار و ملغی الاثر است.

رئیس جمهوری - ابوالحسن بنی صدر

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۸۳۸۲/ش

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

طبق اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند. با توجه به اصل فوق آیا آن عده از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در گذشته در دادگاههای انقلاب اسلامی اشتغال به قضاوت داشته‌اند نمی‌توانند در ضمن تصدی امر نمایندگی به قضاوت در دادگاههای انقلاب اسلامی ادامه دهند و یا شغل قضاوت دادگاههای انقلاب بدون استخدام رسمی دولتی مخالفتی با اصل فوق ندارد؟ مستدعی است نظر محترم شورا را مرقوم بفرمائید.

از طرف شورایعالی قضائی

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

(۱) اصل یکصد و چهل و یکم (قبل از بازنگری): رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است.

سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

نخست وزیر می‌تواند در موارد ضرورت به طور موقت تصدی برخی از وزارتخانه‌ها را بپذیرد.

* اصل یکصد و چهل و یکم (بعد از بازنگری): رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است.

سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

شماره: ۴۲۹/۲

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۸

شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۸۳۸۲/ش مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۳؛ در مورد اشتغال برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به قضاوت در دادگاههای انقلاب اشعار می‌دارد موضوع در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضای شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«قضاتی که طبق بند سوم اصل ۱۵۷ قانون اساسی از طرف شورای عالی قضائی استخدام و عزل و نصب آنها با شورای مزبور می‌باشد مطابق اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی‌توانند نماینده مجلس شورای اسلامی باشند».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

مغایرت دخالت مشاورین و نمایندگان رئیس جمهور

در امور اجرایی با قانون اساسی

شماره: ۲۸۸۶

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۶

شورای محترم نگهبان

چون مسئولین امور اجرایی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی استفسار کرده‌اند که اخیراً افرادی به عنوان مشاور و یا نماینده ریاست محترم جمهوری به سازمانهای دولتی مراجعه و پس از رهنمودهایی دستوراتی نیز می‌دهند که مامورین دولتی نسبت به اجرای آنها با توجه به قوانین موضوعه مملکتی دچار تردید شده و غالباً از نخست وزیری کسب تکلیف می‌نمایند. با توجه به نظریه مشاورین حقوقی مبنی بر اینکه مداخله این گونه افراد در امور اجرایی که هیچ گونه مسئولیت قانونی ندارند مغایر قانون اساسی است، لذا جهت روشن شدن مسئله که مبتلا به عموم کارکنان دولت می‌باشد، متمنی است در این مورد نظریه شورای محترم را اعلام فرمائید تا مسئولیت مامورین دولتی در قبال این گونه دستورات مشخص باشد.

نخست وزیر

محمدعلی رجائی

شماره: ۴۶۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۲۶

جناب آقای محمدعلی رجائی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۲۸۸۶ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۶:

در مورد کسب تکلیف نسبت به مراجعه افرادی به عنوان نماینده و مشاور ریاست جمهوری به سازمانهای دولتی و مداخله در امور اجرایی و صدور دستور به مأمورین اشعار می‌دارد: موضوع در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و

نظر اکثریت قاطع اعضای شورا به شرح زیر اعلام می گردد:

«چون مشاورین و نمایندگان رئیس جمهور مقام مسئول نیستند، طبق قانون اساسی حق مداخله در امور اجرایی و صدور دستور به مامورین دولتی را ندارند».^(۱)

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

(۱) در زمان استفسار، ریاست هیأت وزیران بر عهده نخست وزیر بوده است و در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، با عنوان نخست وزیری حذف شده و ریاست هیأت وزیران بر عهده رئیس جمهور قرار گرفت.

تفسیر اصل یکصد و چهل و چهارم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۹۳-۰۷-۸۰۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۸

دبیر محترم شورای نگهبان

از آنجا که ارتش جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی نیاز مبرمی به استخدام پرسنل کادر دارد و نیز با توجه به اینکه طرح جدید سازمان ارتش در ستاد مشترک ارتش در دست تهیه جهت پیشنهاد به مجلس می‌باشد، مستدعی است با توجه به مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین فرمایند که «آیا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌توانند اقلیتهای مذهبی رسمی را انتخاب نمایند یا تنها باید افراد مسلمان را به استخدام در آورند؟»

سرپرست اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا صفائی

شماره: ۹۹-۰۷-۸۰۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

شورای نگهبان مجلس شورای اسلامی

پیرو نامه شماره ۹۳-۰۷-۸۰۱ مورخ ۵۹/۱۰/۸:

خواهشمند است نتیجه اقدامات معموله را در مورد اینکه پرسنل استخدامی ارتش را از بین کدام ادیان و مذاهب می‌توان انتخاب نمود، به این اداره اعلام فرمایند.

سرپرست اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا صفائی

(۱) اصل یکصد و چهل و چهارم: ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

شماره: ۷۳۵

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۴

سرپرست محترم اداره سیاسی - ایدئولوژیک

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۸۰۱-۰۷-۹۳ مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۸:

«موضوع در شورای نگهبان مطرح، رأی متفق علیه اعضاء حاضر در جلسه بر این است که در استخدام پرسنل ارتش باید شرط اسلام مذکور باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

تفسیر اصل شصت و نهم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۷۷/دال هـ

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۱۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

براساس اصل شصت و نهم قانون اساسی مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود...

اولاً: مشروح مذاکرات علنی مجلس از طریق صدای جمهوری اسلامی مستقیماً از مجلس پخش می‌گردد، به نظر می‌رسد که چنانچه گزارشی فشرده حاوی همه‌ی نکات و تصمیمات متخذه در جلسات علنی توسط رادیو تهیه و در پایان اخبار روز پخش گردد مفیدتر است، نظر شما را در این مورد خواستاریم.

ثانیاً: با توجه به صرفه‌جویی و کمبود کاغذ انتشار چندین ساعت مذاکرات علنی در روزنامه رسمی مشکلاتی را فراهم می‌سازد، لذا پیشنهادات زیر جهت تصمیم‌گیری ارائه می‌شود تا در صورت عدم مغایرت با قانون اساسی یکی از دو راه انتخاب و بدان عمل شود:

۱- یکصد نسخه از صورت مشروح مذاکرات از هر جلسه تهیه و در اختیار روزنامه رسمی قرار گیرد تا به عنوان ضمیمه روزنامه در اختیار مراکز نیازمند گذارده شود.

۲- گزارشی فشرده حاوی تمام نکات و تصمیمات متخذه از مشروح مذاکرات در هر جلسه تهیه و در اختیار روزنامه رسمی جهت انتشار گذارده شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

(۱) اصل شصت و نهم (بعد از بازنگری): مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد. * لازم به ذکر است که در اصل شصت و نهم، بعد از بازنگری قانون اساسی، مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی و نخست‌وزیر به رئیس جمهور تغییر نام یافت.

ضمناً فتوکی مکاتبات مربوطه جهت اطلاع به پیوست ایفاد می‌گردد.^(۱)

(۱)

شماره: ۱/۲۸
تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً فتوکی نامه شماره ۱۲۷۵۲ مورخ ۵۹/۸/۲۴ آقای مدیر عامل روزنامه رسمی و ضمايم آن جهت استحضار و اعلام نظر به پیوست ایفاد می‌گردد.

برادر شما، ابراهیم احدی
وزیر دادگستری

شماره: ۱۲۷۵۲
تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۴

جناب آقای وزیر دادگستری

محترماً اصل ۶۹ قانون اساسی صراحت دارد که «مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود» لذا روزنامه رسمی با توجه به اصل مرقوم شرحی به هیأت رئیسه موقت مجلس نوشته و مراتب فوق را اعلام نموده و چون به نامه مرقوم پاسخی داده نشده لذا پس از انتخابات هیأت رئیسه دائمی مجلس مجدداً با مجلس شورای اسلامی در این مورد مکاتبه شده که تاکنون جوابی دریافت نگردیده است اینک فتوکی مکاتبات قبلی را جهت استحضار ارسال و چنانچه اقدامات دیگری لازم باشد معمول فرمایند.

ضمناً یکی از وظایف روزنامه رسمی درج و نشر قوانین و تصویب‌نامه‌های هیأت دولت بوده که با تماس‌های مکرر هیچ قانون یا تصویب‌نامه‌ای برای چاپ به روزنامه نرسیده است چون آقایان قضات و وکلای دادگستری و افراد عادی جهت اطلاع از مصوبات مراجع قانونگذاری مرتب به روزنامه مراجعه می‌نمایند خواهشمند است در صورتی که درج قوانین کماکان باید از طریق روزنامه با اطلاع عموم برسد دستور فرمائید در این مورد اقدامات لازم را معمول فرمایند که موجب تشکر است.

مدیر عامل روزنامه رسمی
اخوان ملایری

شماره: ۲۳۵
تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۲۰

جناب آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها

نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

طبق اصل شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مذاکرات مجلس باید از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.

در این زمینه در ابتدای دوره نامه‌ای تقدیم هیأت رئیسه سنی شده که برای تصمیم‌گیری به کمیسیون تدوین آئین‌نامه ارجاع گردید، تا ضمن تدوین آئین‌نامه، در این خصوص هم تصمیمی اتخاذ شود.

در تاریخ ۵۹/۸/۲۶ نامه‌ای در اجرای همین منظور از طرف جناب آقای وزیر دادگستری خدمت ریاست محترم مجلس تقدیم شد که مقرر فرمودند صورتجلسات ارسال گردد.

در پی این دستور آقای اخوان ملایری مدیر عامل شرکت سهامی روزنامه رسمی مراجعه و اظهار داشتند: چاپ مجدد صورت مذاکرات با توجه به ضرورت صرفه‌جویی و تأکید مکرر دولت و کمبود کاغذ ایجاد مشکلاتی می‌کند، ←

شماره: م/ ۵۴
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۷۷/دال - ه مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«اصل ۶۹ قانون اساسی صراحت دارد که باید گزارش کامل مذاکرات مجلس شورای اسلامی از طریق رادیو و روزنامه رسمی منتشر شود. بنابراین اکتفا به دو طریق پیشنهاد شده خلاف قانون اساسی می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

→ چنانچه اولیای محترم مجلس موافقت فرمایند حدود یکصد نسخه از هر جلسه در اختیار روزنامه رسمی قرار گیرد تا به عنوان ضمیمه روزنامه رسمی در آرشیو نگهداری شود از صرف بودجه هنگفتی جلوگیری به عمل خواهد آمد. چون نظر مدیر عامل روزنامه رسمی کاملاً صحیح به نظر می‌رسد مراتب به عرض عالی رسید تا با طرح در هیأت محترم رئیس، به هر صورت که مقرر فرمایند عمل شود.

سرپرست اداره کل قوانین
سید حسین ناظم‌زاده

بسمه تعالی

لازم است که در هیأت رئیس مطرح شود و نیز از جهت عمل به قانون اساسی باید با شورای نگهبان در میان گذاشته شود.
سید محمد موسوی خوئینی‌ها

تفسیر اصول نود و چهارم^(۱) و نود و ششم^(۲) قانون اساسی

شماره: ۲۱۶۶۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که مورد تأیید آن شورا قرار گرفته به جهات و دلایل زیر مخالف قانون اساسی است:

- ۱- طبق اصل ۱۷۵ قانون اساسی رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضائیه (شورای عالی قضائی) مقننه و مجریه اداره خواهد شد.
- ۲- طبق اصل ۶۰ اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا است.

- ۳- به موجب اصل ۱۱۳ رئیس جمهور ریاست قوه مجریه و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد.

در بند ب ماده ۲ قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای رئیس جمهوری اسلامی ایران، برای رئیس جمهوری که اعمال‌کننده قوه مجریه و تنظیم‌کننده قوای سه‌گانه و مسئول اجرای قانون اساسی است در انتخاب نماینده قوه مجریه حقی قائل نشده و فقط مقرر داشته‌اند نماینده قوه مجریه از طرف هیأت دولت تعیین و براساس اصل ۱۲۶ به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد. در حقیقت قوه مجریه را تجزیه کرده و فقط به قسمتی از آن قوه (هیأت وزیران) حق تعیین نماینده داده‌اند. نماینده منتخب به جای آنکه طبق مدلول اصل ۱۷۵ نماینده تمام قوه مجریه باشد، نماینده قسمتی از آن است. اصل ۱۲۶ هم که راجع به تصویب‌نامه و آئین‌نامه‌های صادره از طرف هیأت وزیران می‌باشد ارتباطی به موضوع اصل ۱۷۵ ندارد. (خاصه که ضمانت اجرایی هم برای آن مقرر نگردیده است).

(۱) اصل نود و چهارم: کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراء است.

(۲) اصل نود و ششم: تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

نظر شورای نگهبان نسبت به طرح سابق قانون صدا و سیما که اصول ۱۳۴ و ۱۳۸ و ۱۲۶ قانون اساسی را مانع از مباشرت و مداخله رئیس جمهوری در انتخاب نماینده قوه مجریه تلقی کرده‌اند موجه نیست زیرا اصول مذکور به ترتیب راجع است به: وظایف و اختیارات - نخست وزیر - وضع تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها به وسیله هیأت وزیران یا هر یک از وزرا، ارسال تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران برای اطلاع و اظهار نظر رئیس جمهوری است و ارتباطی به حکم خاص اصل ۱۷۵ که نظارت قوای سه‌گانه در اداره رادیو و تلویزیون باشد ندارد (اصول سه‌گانه فوق به اصطلاح خروج موضوعی دارند).

البته چنانکه شورا در نظر سابق بیان داشته است وفق قانون اساسی رئیس جمهوری را نباید در عداد نخست وزیر و هر یک از وزرا قرارداد ولی ترتیب معقول و منطقی رعایت اصول قانون اساسی این است که نماینده قوه مجریه یا به وسیله رئیس آن قوه (که منتخب مردم است) انتخاب شود یا به پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب رئیس جمهوری تعیین گردد.

از لحاظ مسئولیتی که در اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه بر عهده دارم به تذکرات قانونی فوق مبادرت نمودم.

رئیس جمهور

ابوالحسن بنی‌صدر

شماره: ۷۸۵

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۷

جناب آقای سید ابوالحسن بنی‌صدر

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۲۱۶۶۰ مورخ ۵۹/۱۰/۲۰؛ جنابعالی در مورد مخالفت قانون اداره صدا و سیما با جمهوری اسلامی ایران که به تأیید شورای نگهبان رسیده با قانون اساسی، اشعار می‌دارد که: «تشخیص مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی طبق اصول ۹۴ و ۹۶ قانون مزبور با شورای نگهبان است و رئیس جمهور در این خصوص وظیفه و مسئولیتی ندارد. شورای نگهبان در موقع بررسی قانون مزبور کلیه جهات و

نظریات مختلف از جمله نظریاتی را که جنابعالی مرقوم داشته‌اید مورد توجه و بحث قرار داده است و به حول و قوه الهی در هر مورد با عنایت کامل به جوانب موضوع و موازین شرعی و اصول قانون اساسی اظهار نظر می‌نماید.»

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و چهل و چهارم قانون اساسی

شماره: ۱۲۱-۰۳-۷۰۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۱۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

با توجه به اینکه نیروهای مسلح به منظور تأمین نیاز پرسنلی خود مستمراً از طریق استخدام و نیز اعزام به خدمت وظیفه افرادی را به کار می‌گیرند، خواهشمند است تعیین فرمائید «با نگرش به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز با نظر به اینکه افراد مزبور از قشرهای مسلمان، اقلیتهای شناخته شده در قانون اساسی، بهائیان و امثال آن و نیز پیروان مرام کمونیسم می‌باشند، استخدام کدامیک از اقشار فوق در نیروهای مسلح مجاز است. همچنین کدامیک از اقشار فوق می‌توانند به عنوان خدمت وظیفه در نیروهای مسلح وارد گردند. بدیهی است در صورتی که بعضی از اقشار فوق ورودشان به نیروهای مسلح به عنوان خدمت وظیفه ممنوع شناخته شود باید ترتیبی اتخاذ گردد که خدمت مزبور را در یکی دیگر از سازمانها و ارگانهای دولتی انجام دهند تا عدم صلاحیت آنها موجب معاف شدن آنها از خدمت نشود».

سرپرست اداره سیاسی - ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا صفائی

شماره: ۲۶۳۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۴

سرپرست محترم اداره سیاسی ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۲۱-۰۳-۷۰۱ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۵:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضای شورا بر این است که:

«در استخدام برای نیروهای مسلح طبق اصل ۱۴۴، افراد مکتبی و مؤمن به اهداف انقلاب باید استخدام شوند و نسبت به خدمت وظیفه اقلیتها از جهت قانون منعی نیست. هر نوع که وضع ارتش و مصالح عالی آن اقتضاء دارد اقدام نمائید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۷

حضور محترم اعضای شورای نگهبان قانون اساسی دامت برکاتهم

پس از سلام

جناب آقای عسگر اولادی، با داشتن سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی سرپرست اوقاف نیز می‌باشد از آن شورا محترماً تقاضا می‌شود که بیان فرمایند آیا ایشان با داشتن سمت نمایندگی می‌توانند شغل دیگری که سرپرستی اوقاف باشد داشته باشند یا خیر؟ و آیا این امر مخالف با قانون اساسی است؟

با تقدیم احترام - نمایندگان امام در سازمان اوقاف

سید مهدی امام جمارانی - محمد علی نظام‌زاده

شماره: ۱۴۰۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۱

دفتر نمایندگی امام در سازمان اوقاف

عطف به نامه مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۷:

موضوع در شورای نگهبان مطرح و بررسی شد نظر شورا بر این است، «چون سازمان اوقاف سازمان دولتی است، سرپرستی آن با سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی مخالف اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۲۹۸۹۳/۴

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۷

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

تصدیع می‌دهد: شعبه قاهره بانک ملی ایران در سال ۱۹۷۷ دو فقره اعتبار اسنادی بنفع شرکت بازرگانی دولتی سودان و به منظور ورود شکر و به تقاضای بانک اف سودان خرطوم جمعاً بمبلغ ۱/۸۵۴/۴۵۰ دلار افتتاح نموده است که وثیقه آن دو فقره سفته با ظهنویسی بانک مرکزی سودان بوده است. اما بعلت قطع کمکهای عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی به سودان، بنا بر جهات سیاسی، بانک مرکزی سودان نتوانسته تعهدات خود ناشی از سفته‌های مذکور را ایفاء نماید.

اخیراً مؤسسه MORGAN GENERAL به نمایندگی از طرف دولت سودان جلسه‌ای با حضور نمایندگان طلبکاران در لندن تشکیل که نماینده بانک ملی ایران نیز در آن حضور داشته است، و از طرف بانک مرکزی سودان پیشنهادی به منظور بازپرداخت اقساط معوق اعتبار فوق‌الذکر ارائه گردیده که با توجه به اوضاع و احوال فعلی و سنجش جوانب و اطراف امر قبول پیشنهاد مطروحه بسود این بانک خواهد بود.

اکنون نظر به اینکه این امر مستلزم امضای قراردادی فیما بین بانک اف سودان (دولت سودان) و بانک ملی ایران و تبادل اسناد و مدارک مربوط بمطالبات این بانک ناشی از اعطای دو فقره اعتبار اسنادی فوق‌الاشعار است که صرفاً به منظور وصول مطالبات بانک از یکی از مشتریان در خارج از کشور صورت می‌گیرد، خواهشمند است مقرر فرمائید رسیدگی فرموده جواباً تعیین و اعلام فرمایند امضاء قرارداد از طرف بانک با اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی مبیعتی دارد یا نه؟

موجب مزید تشکر و امتنان است.

بانک ملی ایران

(۱) اصل هفتاد و هفتم: عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

شماره: ۱۸۹۷ و - ۷

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۰

ریاست بانک ملی ایران

عطف به نامه شماره ۲۹۸۹۳/۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۷ و شماره ۲۹۶/۴ مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۶:
اشعار می‌دارد، مورد سؤال در شورای نگهبان مطرح شد و به نظر شورا موضوع که
مربوط به نحوه وصول طلب و بازپرداخت اقساط معوقه است مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی
نمی‌باشد.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصول هشتاد و دوم^(۱) و
یکصد و چهل و پنجم^(۲) قانون اساسی

شماره: ۹۴-۰۲/۴۲-۰۲/۴۰۲ پ

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

۱- به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

۲- برابر اصل ۱۴۵ قانون مذکور هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

۳- با توجه به وضع موجود و نیاز ارتش به استفاده از وجود افراد خارجی به طور موقت سازمانها و ادارات ذی‌ربط استعلام می‌نمایند با در نظر گرفتن مفاد ۲ اصل یاد شده بالا آیا می‌توان به طور موقت از خدمت این قبیل اشخاص استفاده نمود یا خیر؟

۴- به نظر وزارت دفاع ملی به کار گماردن افراد مورد بحث به طور موقت، استخدام یا عضویت در ارتش تلقی نمی‌گردد.

۵- استدعا می‌شود مقرر فرمائید با توجه به مراتب بالا نظریه آن شورای محترم را در این باره ابلاغ فرمایند تا به همان قرار اقدام شود.

وزیر دفاع ملی
سرهنک جواد فکوری

شماره: ۱۳۸۴

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۴

وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۹۴-۰۲/۴۲-۰۲/۴۰۲ پ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹ اشعار می‌دارد:

(۱) اصل هشتاد و دوم: استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

(۲) اصل یکصد و چهل و پنجم: هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«بکار گرفتن کارشناسان خارجی و استفاده از تخصص آنان به طور موقت در ارتش، عضویت در ارتش که در اصل ۱۴۵ قانون اساسی ممنوع شده محسوب نمی‌گردد. طبیعی است طبق اصل ۸۲ قانون مزبور استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هشتادم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۷۱۴۵۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

ساحت مقدس مجلس شورای اسلامی

شورای محترم نگهبان

به طوری که استحضار دارند طبق اصل ۸۰ قانون اساسی: «گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد». از مفاد این اصل چنین استنباط می شود که اخذ و پرداخت وامها و کمکهای یک دستگاه دولتی به دستگاه دیگر دولت مشمول این اصل نمی شود، چون مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر قانون اساسی در صلاحیت آن شورای محترم است. لذا تمنی دارد در این خصوص اعلام نظر فرمایند.

محمد علی رجائی

نخست وزیر

شماره: ۲۸۳۵ و - ۱۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۶

جناب آقای محمدعلی رجائی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه های شماره ۷۵۲۸ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳^(۲) و ۷۱۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰:

موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح شد و نظر اکثریت اعضای شورا به شرح ذیل اعلام می شود:

(۱) اصل هشتادم: گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

(۲) نامه دفتر نخست وزیر وقت به دبیرخانه شورای نگهبان مبنی بر تسریع در ارسال پاسخ آن شورا به سؤال نخست وزیر.

«اخذ و پرداخت وامها و کمکهای یک دستگاه دولتی به دستگاه دیگر دولتی مشمول اصل ۸۰ قانون اساسی نمی‌باشد. ولی با توجه به اصل ۵۲^(۱) اگر منتهی به تغییری در ارقام بودجه شود تابع مراتب مقرر در قانون می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل پنجاه و دوم: بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

تفسیر اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی

شماره: ۲۳/۵۶۵۴/۸۴۶۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه بعضی از قراردادهای منعقد شده بین سازمان صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات و شرکتهای خارجی به زیان این سازمان است و در مواردی ایجاب می‌کند که فسخ شود، مقتضی است پاسخ فرمایند که آیا فسخ و اقاله قراردادها هم منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است یا خیر؟

شورای سرپرستی صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۳۶

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۴

شورای سرپرستی صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۲۳/۵۶۵۴/۸۴۶۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و نظر شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«فسخ یا اقاله قراردادهای مذکور در حدود اختیارات قانونی که سازمان صدا و سیما و جمهوری اسلامی دارد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۷۴۸۴۲

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۷

شورای محترم نگهبان

یکی از موارد اختلاف اینجانب با رئیس جمهور، اصل ۱۲۸ قانون اساسی است. به نظر اینجانب رئیس جمهور استوارنامه را امضاء می‌کند، تصویب صلاحیت سفیر با وزیر امور خارجه است. آقای رئیس جمهور معتقدند که باید ایشان صلاحیت سفیر را تصویب کنند.

خواهشمند است نظر آن شورا را نسبت به موضوع فوق ابلاغ فرمایند.

نخست وزیر

محمدعلی رجائی

شماره: ۱۵۷۰- و- ۱۹

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۱

جناب آقای محمدعلی رجائی

نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۷۴۸۴۲ مورخ ۵۹/۱۲/۱۷:

موضوع مورد سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«طبق اصل ۱۲۸ قانون اساسی رئیس جمهور استوار نامه سفیران را امضاء می‌نماید و تصویب صلاحیت سفیر با رئیس جمهور نیست».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل یکصد و بیست و هشتم (قبل از بازنگری): رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

* اصل یکصد و بیست و هشتم (بعد از بازنگری): سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۳۶۹۳/د ح

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۴

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

احتراماً باستحضار می‌رساند:

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در گذشته چند مورد سرمایه‌گذاری در شرکتهای خصوصی داشته است و بعد از پیروزی انقلاب برای حفظ منافع سازمان و بیت المال نمایندگانی در شرکتها که ۴۹٪ سهام آن متعلق بسازمان است منصوب می‌نماید اما بعد از تصویب قانون اساسی نمایندگان سهام‌دار (سازمان) خود را مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌دانند و این امر مشکلی برای سازمان ایجاد نموده است حال با توجه به اینکه این اشخاص صرفاً نمایندگان صدا و سیما (سهام‌دار) می‌باشند دفتر حقوقی سازمان برای حل این مشکل محتاج به تفسیر و تاویل اصل مزبور به وسیله آن شورای محترم می‌باشد لذا خواهشمند است تصمیمات متخذه در این مورد که آیا نمایندگان سهام‌دار (سازمان) مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی هستند یا خیر؟ به این دفتر ابلاغ فرمایند.

از طرف دیگر کلیه نمایندگان سهام دارد (سازمان) کارمندان رسمی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بوده و تنها از بودجه و اعتبار سازمان حقوق دریافت می‌نمایند و برای نمایندگی خود در شرکتها که ۴۹٪ سهام آن به سازمان تعلق دارد چیزی به عنوان حقوق و یا غیره دریافت نمی‌نمایند.

مدیر دفتر حقوقی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۷۲۲

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۹

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۳۶۹۳/د ح مورخ ۵۹/۱۲/۲۴:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و بررسی شد، «در صورتی که نمایندگی مرقوم به عنوان مأموریت است و شغل مستقل شمرده نمی‌شود، مانع قانونی ندارد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصول پنجاه و سوم^(۱) و یکصد و سی و هشتم^(۲) قانون اساسی

شماره: ۷۵۶۶۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۴

شورای محترم نگهبان

با ارسال یک نسخه از تصویب نامه شماره ۷۲۶۳۸ مورخ ۵۹/۱۱/۳۰ هیأت وزیران در خصوص آئین نامه طرز انتخاب و استخدام پلیس قضائی و فتوکی نامه شماره ۲۶۰/ت مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰ ریاست جمهوری^(۳) به اطلاع می‌رساند که به موجب

(۱) اصل پنجاه و سوم: کلیه دریافت‌های دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

(۲) اصل یکصد و سی و هشتم (قبل از بازنگری): علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آئین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

* اصل یکصد و سی و هشتم (بعد از بازنگری): علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آئین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.

(۳)

شماره: ۲۶۰/ت

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

آقای محمدعلی رجائی

نخست وزیر

در مورد تصویب نامه مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۵ که بنابر پیشنهاد شورای عالی قضائی و به استناد تبصره ۱ ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل پلیس قضائی مصوب ۱۳۵۹/۴/۵ شورای انقلاب صادر گردیده است اشعار می‌دارد: اولاً در تبصره مزبور تصریح شده است که آئین نامه را وزارت دادگستری تهیه خواهد کرد (نه شورای عالی - قضائی) در اصل ۱۳۸ قانون اساسی نیز فقط به وزیر یا هیأت وزیران اجازه تدوین آئین نامه‌های اجرایی قوانین داده شده است و شورای عالی قضائی چنین وظیفه و اختیاری را به عهده ندارد.

←

قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل پلیس قضائی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۵ شورای انقلاب مقرر گردید:

«ترتیب استخدام و میزان حقوق و ترفیعات به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که وزارت دادگستری تهیه خواهد کرد و به تصویب هیأت وزیران یا شورای انقلاب می‌رساند».

بنابراین هیأت وزیران نظر به عدم تعیین وزیر دادگستری و با توجه به اصل ۱۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به موجب آن شورای عالی قضائی بالاترین مقام قوه قضائیه است و به استناد اختیار ناشی از تبصره مذکور اقدام به تصویب طرح پیشنهادی شورای عالی قضائی به شرح تصویب‌نامه فوق‌الذکر نموده است. اینک نظر به اینکه هم لایحه قانونی مزبور و هم تصویب‌نامه هیأت وزیران که مبتنی بر این لایحه قانونی بوده است مورد ایراد ریاست جمهوری قرار گرفته لذا خواهشمند است نظر آن شورا را در این خصوص اعلام نمایند تا اقدام لازم به عمل آید.

نخست وزیر

محمدعلی رجائی

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۰

جناب آقای رجائی

نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۷۵۶۶۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۴:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت،

→ **ثانیاً** در تبصره مزبور اجازه تعیین میزان حقوق در آئین‌نامه داده شده است در صورتی که به موجب اصل ۵۳ قانون اساسی (...) و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد) بنابراین تعیین میزان حقوق مستخدمین دولت و تصویب اعتبار آن از خصائص مجلس شورای اسلامی است (و یا شورای انقلاب بوده است) و شورای انقلاب مجاز نبوده اختیار قانونگذاری را به هیأت دولت بدهد. خاصه که در تاریخ تصویب لایحه قانونی فوق قانون اساسی تصویب و در حال اجراء بوده و تصویب نامه فوق مدت هشت ماه بعد از شروع به کار مجلس شورا صادر شده است.

اقتضاء دارد شورای نگهبان در این خصوص اظهار نظر نمایند.

رئیس جمهور

ابوالحسن بنی صدر

رونوشت: جهت امعان نظر قانونی به شورای نگهبان ارسال می‌شود.

«به نظر اکثریت اعضای شورا تصویب‌نامه مورد سؤال با اصل ۵۳ قانون اساسی مغایرت دارد و با اصل ۱۳۸ قانون اساسی مغایر شناخته نشد».

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

رونوشت

جهت استحضار مقام ریاست جمهوری ارسال می‌گردد.

تفسیر اصول هشتاد و یکم^(۱) و هشتاد و دوم قانون اساسی

شماره: ۲۵۲۵۰/۳۴۷۱/۴۵۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۵

شورای نگهبان قانون اساسی

به استحضار می‌رساند شرکت سهامی خدمات مهندسی آب که یکی از شرکتهای تابعه این وزارت است به لحاظ فوریت اجرای طرحهای عمرانی و شرایط خاص مربوط به سد گتوند و سد استور به منظور انعقاد قرارداد با شرکت خارجی انفرگوپروژکت طی نامه شماره ۴/۵۴۱۱ مورخ ۵۹/۱۲/۹ درخواست نموده تا در تعقیب نامه‌های شماره ۱۳۲۶۹/۲۰۶۸/۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱ و ۱۶۷۲۱/۲۴۸۱/۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۹/۳۰ به شورای عالی قضائی مجدداً از آن شورای محترم تقاضا گردد تا نسبت به موارد مذکوره در ذیل اعلام نظر فرمایند.

۱- نظر به اینکه برابر اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است هرگاه ثبت شعبه شرکت یا مؤسسه خارجی در ایران و یا مشارکت و تحصیل مالکیت سهام شرکتهای ایرانی در حد کمتر از پنجاه درصد سهام در هر مورد مشروط بر آن که در اساسنامه شرکت و موافقتنامه‌های فیما بین قدرت تصمیم‌گیری مدیران و سهامداران ایرانی در مجامع عمومی محدود نگردیده بلکه تفویض سهامداران ایرانی بر سهام خارجی به نحو بارزی مشهود و پیش‌بینی شده باشد باز هم مورد از نظر ثبت شرکتهای مشمول اصل هشتاد و یکم قانون اساسی است یا خیر؟

۲- تقاضا گردیده عندالاقضاء و در صورتی که قانوناً میسر باشد ماده واحده‌ای با قید دو فوریت با نظر شورای عالی قضائی تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد تا در جهت تسریع بیشتر در ادامه اجرای عملیات طرحهای عمرانی در مواردی که به پیشنهاد رئیس دستگاه اجرایی و وزیر مربوط استفاده از تخصص کارشناسان خارجی در داخل یا خارج از کشور به لحاظ عدم وجود یا دسترسی به خدمات افراد مشابه ایرانی

(۱) اصل هشتاد و یکم: دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

داشته و ضرورت امر ایجاب نماید از طریق مراجعه مستقیم به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی برای یک دوره آزمایشی یک ساله وفق ضوابط اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی اختیار صدور مجوز مصوبات لازم را همانند مجلس داشته باشد. قبلاً از دستوراتی که در این زمینه صادر خواهند فرمود سپاسگزاری می‌نماید.

با تقدیم احترام

حسن عباسپور

وزیر نیرو

شماره: ۱۷۲۳ ر - ۲۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۳

وزیر محترم نیرو

عطف به نامه شماره ۲۵۲۵۰/۳۴۷۱/۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۵:

موضوع در شورای نگهبان مطرح شد، نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«در هر دو موردی که سؤال شده با توجه به قیودی که در نامه مرقوم شده، مغایر با قانون اساسی شناخته نشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هشتاد و یکم قانون اساسی

شماره: ۸۳۲۴۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۸

شورای محترم نگهبان

همانطور که استحضار دارند حسب اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر است «دادن اختیار تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است» و از طرفی به موجب ماده ۳ قانون ثبت شرکتها از تاریخ اجرای قانون مزبور به شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده خود به امور تجاری و صنعتی و یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی در تهران به ثبت رسیده باشد، برخی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در رابطه با بهره‌گیری از متخصصین خارجی ناگزیر به انعقاد قرارداد با شرکتهای خارجی می‌باشند و به همین لحاظ لازم است حسب ماده ۳ قانون ثبت شرکتها این شرکتهای شعب خود را در ایران به ثبت برسانند تا اولاً اقامتگاه قانونی آنها معلوم و ثانیاً از نظر حقوق بین‌الملل بتوان در محلی که شعبه خود را به ثبت رسانده‌اند عنداللزوم علیه آنها اقامه دعوی نمود و بدین ترتیب علی‌الاصول تعیین اقامتگاه قانونی و ثبت شرکتهای طرف قرارداد با دولت ایران به منزله دادن امتیاز تأسیس شرکت نبوده بلکه ثبت شرکت در جهت انجام امور قانونی مربوط در حدود قرارداد منعقد خواهد بود پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره ثبت شرکتها و مالکیت‌های صنعتی با استناد به اصل هشتاد و یکم قانون اساسی از ثبت شرکتهای خارجی امتناع می‌نماید که این امر برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که طرف قرارداد شرکتهای خارجی می‌باشند مشکلاتی را به وجود آورده است و فعالیت برخی از این شرکتها که طرف قرارداد با دولت ایران می‌باشند به لحاظ عدم ثبت آنها در ایران تاکنون امکان‌پذیر نگردیده است خواهشمند است با عنایت به اصل هشتاد و یکم قانون اساسی نظر شورای محترم نگهبان را در این مورد که آیا شرکتهای خارجی طرف قرارداد با دستگاههای

دولتی ایران که در کشور خود به ثبت رسیده و فعالیت دارند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد شده با دولت جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده و فعالیت نمایند یا خیر؟ اعلام فرمایند.

نخست وزیر
محمدعلی رجائی

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۲

جناب آقای رجائی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۸۳۲۴۰ مورخ ۱۳۶۰/۱/۸:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت. نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد».

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۴۰۲/۰۲/۳۷/۹۳/پ

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۱۸

ریاست محترم شورای نگهبان قانون اساسی

وزارت دفاع در نظر دارد برای تأمین اعضاء هیأت مدیره سازمانها و شرکتهای دولتی وابسته، از پرسنل تابعه خود استفاده نماید، با توجه به اینکه چنین اشخاصی در هر صورت فقط از یک حقوق استفاده خواهند نمود لذا خواهشمند است با عنایت به اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی نظریه اعلام فرمایند.

وزیر دفاع ملی

سرهنک جواد فکوری

شماره: ۱۸۷۹ د - ۱۲

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۹

پیوست: یکبرگ

وزارت دفاع - معاونت پارلمانی

عطف به نامه شماره ۴۰۲/۰۲/۳۷/۹۳/پ مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۸:

محترماً فتوکپی نامه شماره ۲۰۹۱ ارسالی شورای نگهبان جهت جناب آقای رجائی نخست وزیر در خصوص تفسیر کلی اصل ۱۴۱ قانون اساسی به پیوست جهت اطلاع ارسال می گردد.

دفتر شورای نگهبان

شماره: ۲۰۹۱

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۳

جناب آقای محمد علی رجائی نخست وزیر

چون راجع به مفاد اصل ۱۴۱ قانون اساسی از جانب بعضی مقامات و افراد سئوالاتی از شورای نگهبان می شود، موضوع در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می شود:

«ممنوعیت دو شغل داشتن اعم از موظف بودن است و در مورد مؤسسات و سازمانهای تابعه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی اگر آن مؤسسات ضمیمه وزارتخانه یا اداره باشد، به‌طوری که تصدی و سرپرستی آن جزو وظایف وزیر یا مدیر یا رئیس مربوط باشد و تعیین مسئول دیگر برای آن قانوناً منتفی باشد، تصدی آن مغایر قانون اساسی نیست. ولی اگر تصدی سازمان یا مؤسسه با حفظ استقلال آن، برای شخص وزیر یا رئیس یا مدیر به عنوان رئیس یا سرپرست آن واحد باشد، مخالف قانون اساسی است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی

شماره: ۱۴۰۱/۰۹/۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۱۹

شورای نگهبان قانون اساسی

- ۱- به موجب اصل ۷۷ قانون اساسی عهد نامه‌ها و مقاوله نامه‌ها قراردادها و موافقت نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.
 - ۲- در اثر تجاوز دولت بعثی عراق و جنگ تحمیلی به منظور تأمین نیازمندیهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع ملی ناگزیر از عقد قرارداد خرید اسلحه با شرکتهای خارجی و یا ایرانی گردیده است و قراردادها بین این وزارت و شرکت طرف قرارداد امضاء شده و می‌شود.
- خواهشمند است با توجه به قانون اساسی اعلام دارند آیا این قراردادها نیز احتیاج به کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی دارد یا خیر تا بر طبق نظریه آن شورا رفتار گردد.

از طرف وزیر دفاع ملی

سرهنک جواد فکوری

شماره: ۱۹۰۰ د - ۱۲

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۰

وزارت دفاع ملی (پارلمانی)

عطف به نامه شماره ۱۴۰۱/۰۹/۴ مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۹:

مورد سؤال در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا بدین شرح است:

«عقد قرارداد مذکور در موضوع سؤال مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل چهارم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱/۱۱۴۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
اجرای قوانین و تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های گذشته که برخلاف موازین اسلامی
است و صدور حکم بر طبق آنها در محاکم، بخصوص با توجه به اصل چهارم و اصل
یکصد و هفتادم قانون اساسی به هیچ عنوان موجه نیست.
این نظر به شورای عالی قضائی پیشنهاد شده که با توجه به این دو اصل، همه
قوانین و تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های خلاف اسلام منسوخ و محاکم موظفند طبق
اصل یکصد و شصت و هفتم بر طبق موازین اسلام رأی دهند و این موازین به وسیله
شورای عالی قضائی طبق فتوای امام استخراج و به دادرها و دادگاههای انقلاب و
دادرها و دادگاههای دیگر ابلاغ گردد و به این ترتیب تا تصویب لوایح قانونی در
مجلس شورای اسلامی جلوی اجرای احکام خلاف اسلام گرفته شود.
خواهشمند است نظر آن شورا را کتباً اعلام فرمائید.

از طرف شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۱۹۸۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۸

شورای محترم عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۱/۱۱۴۳ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۵:

موضوع در جلسات شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به
شرح ذیل اعلام می‌گردد:

(۱) اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید
براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم
است و تشخیص این امر برعهده فقهاء شورای نگهبان است.

«مستفاد از اصل ۴ قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر بعهدہ فقہای شورای نگهبان است، بنابراین قوانین و مقرراتی را کہ در مراجع قضائی اجراء می‌گردد و شورای عالی قضائی آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقہاء شورای نگهبان ارسال دارید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و دهم قانون اساسی

شماره: ۲۱۴۸۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۶

شورای نگهبان قانون اساسی

با توجه به صدور ابلاغ جدید رئیس شهربانی کل کشور که از طرف آقای بنی صدر رئیس جمهور،^(۱) صورت گرفته است به نظر می‌رسد که آقای رئیس جمهور به عنوان فرماندهی کل قوا تعیین و انتصاب رئیس شهربانی کل (رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران) را از وظایف خود دانسته در حالیکه دولت از اختیارات وزیر کشور می‌داند خواهشمند است با توجه به اصل ۱۱۰ قانون اساسی در رابطه با وظایف فرمانده

(۱)

شماره: ۱/۶۶۷

تاریخ: ۵۹/۱۲/۱۴

سرکار سرهنگ هوشنگ وحید دستگردی

به موجب این حکم به سمت رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌شوید، انتظار دارد با کمال جدیت بافء وظیفه مشغول و در برقراری حفظ نظم و آسایش عمومی کوشش نمائید. «توفیق سرکار را در راه انجام وظیفه و پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی از درگاه خداوند متعال خواهانم».

محمدرضا مهدوی کنی

وزیر کشور

شماره: ۲۵۴۶۴

تاریخ: ۵۹/۱۲/۲۳

سرکار سرهنگ هوشنگ وحید دستگردی

بنا به پیشنهاد وزیر محترم کشور، به موجب این حکم از تاریخ چهاردهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و نه (۱۳۵۹/۱۲/۱۴) به ریاست شهربانی جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌شوید.

لازم است به منظور ایجاد رفاه، آسایش و صیانت مصالح آحاد جامعه از هرگونه تعرضات مادی و معنوی و حفظ انتخابات کامل شهرها در اجرای وظایف محوله با استفاده از کلیه اختیارات قانونی تکالیف و وظایف خود را قاطعانه انجام دهید و گزارش آنرا مستقیماً به اینجانب بدهید.

عین همان اختیاراتی که در عزل و نصب و ترفیع به فرمانده ژاندارمری در مورد پرسنل زیر فرمان آن تفویض کرده‌ام، به شما نیز تفویض می‌نمایم.

با توجه به قانون نیروهای مسلح و دستورات امام، بخصوص پیام نوروز ۱۳۵۹، در تأمین امنیت شهرهای کشور تمام کوشش خود را بکار برید تا مگر مردم در حدود قانون از امنیت برخوردار گردند.

رئیس جمهوری و فرمانده کل نیروهای مسلح

سید ابوالحسن بنی‌صدر

کل قوا، نظر آن شورا را جهت تعیین تکلیف به دولت اعلام فرمایند.

نخست وزیر
محمدعلی رجائی

شماره: ۱۹۸۵ و - ۱۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۸

جناب آقای رجائی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۲۱۴۸۰ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۶:

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«نصب رئیس شهربانی کل کشور به عنوان فرماندهی نیروهای مسلح براساس اصل ۱۱۰^(۱)»

(۱) اصل یکصد و دهم (قبل از بازنگری): وظایف و اختیارات رهبری:

۱- تعیین فقهای شورای نگهبان.

۲- نصب عالیترین مقام قضائی کشور.

۳- فرماندهی کلی نیروهای مسلح به ترتیب زیر:

الف - نصب و عزل رئیس ستاد مشترک.

ب - نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ج - تشکیل شورای عالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر از اعضاء زیر:

- رئیس جمهور.

- نخست وزیر.

- وزیر دفاع.

- رئیس ستاد مشترک.

- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- دو مشاور به تعیین رهبر.

د - تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع.

ه - اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع.

۴- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن

شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۵- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف

قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او.

۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومین، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوانعالی کشور.

موجه نیست و وظایفی که برای فرمانده نیروهای مسلح در این اصل معین شده، شامل آن نمی‌شود.^(۱)

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

→ * اصل یکصد و دهم (بعد از بازنگری): وظایف و اختیارات رهبر:

- ۱- تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
 - ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام؛
 - ۳- فرمان همه‌پرسی؛
 - ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح؛
 - ۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها؛
 - ۶- نصب و عزل و قبول استعفا؛
 - الف - فقهای شورای نگهبان؛
 - ب - عالی‌ترین مقام قوه قضائیه؛
 - ج - رئیس سازمان صدا و سیما؛ جمهوری اسلامی ایران؛
 - د - رئیس ستاد مشترک؛
 - هـ - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
 - و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛
 - ۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛
 - ۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست. از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
 - ۹- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
 - ۱۰- عزل رئیس جمهور یا در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم؛
 - ۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
- رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.
- (۱) ذکر این تفسیر فقط از جنبه تاریخی قابل اهمیت است چرا که در حال حاضر با توجه به ادغام سه نیروی شهربانی، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی در یکدیگر و تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، نصب فرماندهان عالی انتظامی طبق بند (و) قسمت ششم اصل ۱۱۰ از وظایف مقام رهبری برشمرده شده است.

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۸۰۳-ق

تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۴

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
چنانچه نماینده‌ای شغل رسمی دولتی از قبیل استانداری بپذیرد و استعفاء نیز بدهد
ولی استعفاء در جلسه علنی قرائت نشود و پس از مدتی بخواهد به شغل نمایندگی
برگردد آیا از نظر قانون اساسی منعی وجود دارد یا نه؟
مستدعی است بدلیل اینکه انتخابات نزدیک است ضرورتاً پاسخ را سریعاً مرقوم
فرمائید.

از طرف هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی

سید محمد موسوی خوئینی‌ها

شماره: م/ ۲۷۰۸

تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۸۰۳-ق مورخ ۱۳۶۰/۳/۲۴:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر
اکثریت اعضای شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:
«مستفاد از اصل ۱۴۱ قانون اساسی این است که نماینده مجلس شورای اسلامی با قبول و
عهده‌دار شدن یکی از مشاغل دولتی مذکور در اصل مرقوم در حکم مستعفی از نمایندگی
است هر چند به طور رسمی استعفاء نداده باشد یا استعفایش در مجلس قرائت نشده باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هفتاد و ششم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱۳۳۱/دال - هـ

تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ارتباط با مسائل حوزه انتخابیه خویش اقدام به ایجاد و تأسیس «دفتر همکاریهای مردم با نمایندگان» در شهرستانهای مختلف می‌نمایند. این دفاتر با ارسال نامه به ادارات و سازمانهای اجرایی خواستار اطلاعات مختلف می‌شوند. در پاره‌ای از شهرستانها مسئولین اجرایی و فرماندارها از پاسخ گفتن به سئوالات و نامه‌های دفاتر همکاری خودداری نموده‌اند که این امر موجب دلتنگی و اظهار گلایه نمایندگان شده است.

لذا با عنایت به مفاد اصل ۷۶ قانون اساسی و مطالب فوق نظر خود را در این خصوص که این عمل از حقوق نمایندگان است یا مجلس شورای اسلامی اعلام فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۲۸۱۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۳

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۳۱/د. هـ مورخ ۱۳۶۰/۳/۲۵؛

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضاء بر این است که «حق مذکور در اصل ۷۶ در حقوق مجلس شورای اسلامی است و نمایندگان این حق را ندارند».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل هفتاد و ششم: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

تفسیر اصول هفتاد و ششم، هشتاد و چهارم،^(۱) هشتاد و هشتم،^(۲)
یکصد و سی و چهارم^(۳) و یکصد و سی و هفتم^(۴) قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با توجه به نامه مورخ ۶۰/۳/۱۸ اینجانب در مورد دفتر ارتباطی مردم با نماینده مجلس و سؤال ریاست مجلس در رابطه با آن از شورای محترم نگهبان قانون اساسی لازم است به عرض برساند که اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده را در برابر تمام ملت مسئول دانسته و به او حق اظهار نظر در مسائل داخل و خارجی کشور داده است طبیعی است برای انجام این مسئولیت و توان اظهار نظر باید اطلاعات لازم را داشته باشد که

(۱) اصل هشتاد و چهارم: هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

(۲) اصل هشتاد و هشتم (قبل از بازنگری): در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

* اصل هشتاد و هشتم (بعد از بازنگری): در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

(۳) اصل یکصد و سی و چهارم (قبل از بازنگری): ریاست هیأت وزیران با نخست وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می‌کند.

نخست وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

* اصل یکصد و سی و چهارم (بعد از بازنگری): ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می‌کند.

در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است.

رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

(۴) اصل یکصد و سی و هفتم (قبل از بازنگری): هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

* اصل یکصد و سی و هفتم (بعد از بازنگری): هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

یکی از راههای کسب اطلاعات و انجام وظیفه وجود دفتری است که هم محلّ مشخصی داشته باشد و هم در حدود اختیارات و امکانات مکاتباتی بنماید. که به عملی شدن کار کمک کرده و از اتلاف وقت بیشتر هم جلوگیری می‌نماید.

اما در نامه ۱۲۳۱ د. ه مورخ ۶۰/۳/۲۵ ریاست محترم مجلس به شورای نگهبان ضمن عنوان کردن دفتر ارتباطی مردم با نمایندگان در مورد اصل ۷۶ که حق تحقیق و تفحص را به مجلس داده است سؤال شده و استناد گردیده است و جواب شورای نگهبان نیز در نامه شماره ۲۸۱۳ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳ با استناد به اصل ۷۶ قانون اساسی که از حقوق مجلس است و نماینده بشخصه این حق را ندارد می‌باشد. بنابراین تقاضا دارد برای روشن شدن مسئله و رفع ابهام موضوع مربوطه را با استناد به اصل ۸۴ قانون اساسی از شورای نگهبان استفسار بفرمائید.^(۱)

با تشکر و به امید توفیق برای شما

لطیف صفری

نماینده مردم اسلام‌آباد غرب

شماره: م/۳۰۹۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه بدون شماره مورخ ۱۳۶۰/۴/۲۷ موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان به این شرح اعلام می‌شود:

«از دقت در اصول ۷۶، ۸۴، ۸۸، ۱۳۴، و ۱۳۷ قانون اساسی استفاده می‌شود که دولت و وزرا در برابر مجلس و نمایندگان مجلس مسئولند و سؤال نمایندگان باید در مجلس عنوان و در مجلس به آن پاسخ داده شود و به غیر این صورت سؤال نمایندگان از دولت و هر مقام اجرایی دیگر و پاسخ آنها حکم سؤال و پاسخ‌های عادی را دارد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در هاشم نامه فوق چنین نوشت:

شورای محترم نگهبان

لطفاً به این سؤال پاسخ فرمائید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۶۰/۴/۲۷

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۱/۱۱۰۰۷

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دستور فرمائید جواباً اعلام دارند اعضای شورای عالی قضائی می‌توانند رئیس یکی از سازمانهای تابعه یا ارگانهای دادگستری مانند رئیس کل دادگاههای عمومی یا رئیس کل دادگاههای صلح و ... باشند یا خیر؟

از طرف شورای عالی قضائی

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۳۰۹۱ و - ۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۱۲

شورای عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۱/۱۱۰۰۷ مورخ ۶۰/۴/۲۸؛ موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و اکثریت اعضای شورای نگهبان «اعضای شورای عالی قضائی نمی‌توانند رئیس یکی از سازمانها یا ارگانهای دادگستری باشند و مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هشتاد و دوم قانون اساسی

شماره: ۱۰۸۱۰/۱۵۷۸/۴۵۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۳

شورای نگهبان قانون اساسی

محترماً چون به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخدام کارشناسان خارجی قبل از تصویب مجلس شورای اسلامی منع شده از آنجا که بعضی از شرکتها و سازمانهای وابسته به این وزارت در مورد غالب پروژههای نیمه تمام و در دست ساختمان خود نیاز به استفاده از کارشناسان خارجی متخصص به طور موقت دارند مستدعی است نظر آن شورا را در مورد استفاده از کارشناسان خارجی در پروژههای نیمه تمام و در دست ساختمان دایر به اینکه در این گونه موارد تصویب مجلس شورای اسلامی ضرورت دارد یا خیر به این وزارت اعلام فرمائید.

محمود مقدم

سرپرست وزارت نیرو

شماره: ۳۱۷۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۱۴

سرپرست وزارت نیرو

عطف به نامه شماره ۱۰۸۱۰/۱۵۷۸/۴۵۰ مورخه ۱۳۶۰/۵/۳:

موضوع در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت؛

«به نظر اعضای شورا همانطور که در اصل ۸۲ قانون اساسی تصریح شده است استخدام کارشناسان خارجی فقط در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان پذیر است بنابراین در مورد سوال نیز استخدام کارشناس خارجی باید با تصویب مجلس باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

تفسیر اصل نود و ششم قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲

در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۴/۲ که با حضور ۱۲ نفر اعضای تشکیل شد در مورد نحوه رای گیری در مورد مصوبات مجلس از لحاظ انطباق با قانون اساسی بحث و بررسی مفصل به عمل آمد برخی معتقد بودند «باید رای گیری به عدم مغایرت به عمل آید و چنانچه اکثریت اعضای شورای نگهبان رأی به عدم مغایرت مصوبه با قانون اساسی دادند مصوبه قابل اجراء است».

جمعی دیگر معتقد بودند «باید رای گیری به مغایرت مصوبه با قانون اساسی به عمل آید. و در صورتی که اکثریت اعضای رأی دادند مصوبه با قانون اساسی مغایر است مصوبه جهت تجدید نظر به مجلس شورای اسلامی داده می شود».

در این خصوص رای گیری به عمل آمد ۹ نفر با برداشت و تفسیر دوم یعنی اینکه رای گیری به عنوان مغایرت با قانون اساسی به عمل آید. رأی دادند و سه نفر آقایان ... به تفسیر اول رأی دادند و در نتیجه تفسیر دوم تصویب شد.

توضیح:

اصل ۹۶ قانون اساسی در مورد نحوه رای گیری نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی مقرر می دارد: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلامی با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است».

در شورای نگهبان بر سر این موضوع بحث بود که آیا باید در مورد انطباق مصوبه مجلس با قانون اساسی رای گیری شود و نتیجتاً اگر اکثریت مصوبه را مطابق قانون اساسی دانستند. تأیید می شود و اگر اکثریت یعنی اقلاً ۷ نفر از ۱۲ نفر آن را منطبق بر قانون اساسی ندانستند رد می شود و یا اینکه باید رای گیری بر مغایرت مصوبه با قانون اساسی به عمل آید بگونه ای که اگر اکثریت یعنی اقلاً ۷ نفر از ۱۲ نفر آن را مغایر قانون اساسی شناختند برای اصلاح به مجلس باز می گردد و اگر این اکثریت حاصل نشد

مصوبه تأیید می‌شود نتیجتاً اگر شش نفر آن را مغایر بدانند و شش نفر مغایر ندانند چون رأی اکثریت بر مغایرت حاصل نشده است مصوبه تأیید شده محسوب می‌شود، که همین نظر مورد تأیید اکثریت ۹ نفر اعضاء قرار گرفت و رأی‌گیری بر همین منوال ادامه یافت. متن بخصوصی در این زمینه به عنوان تفسیر تنظیم نشده ولی صورت جلسه فوق که این معنی را می‌رساند و حاوی رأی تفسیری است عیناً نقل گردید.^(۱)

(۱) مجموعه نظریات شورای نگهبان - دکتر حسین مهرپور - جلد سوم، صص ۶۰ و ۶۱.

تفسیر اصل شصت و هفتم قانون اساسی^(۱)

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۸

وزارت کشور

در مورد صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی چون در ضمن آنها افرادی را مثل آقایان احسان طبری و نورالدین کیانوری که مشهور به داشتن عقاید مارکسیستی و ضد اسلامی می‌باشند اعلام کرده‌اند لازم به تذکر است که این موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و بدین شرح اعلام نظر شد:

«آنچه از قانون اساسی مخصوصاً اصل ۶۷ در مورد سوگند به خداوند متعال و پاسداری از حریم اسلام و مفهوم اصل ۶۴^(۲) استفاده می‌شود، فقط کسانی صلاحیت نمایندگی مجلس

(۱) اصل شصت و هفتم: نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، و دعوای را که ملت به ما سپرده، به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پای‌بند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم».

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند، مراسم سوگند را به‌جای آورند.

(۲) اصل شصت و چهارم (قبل از بازنگری): عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از اقلیت‌ها پس از هر ده سال به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می‌کند.

* اصل شصت و چهارم (بعد از بازنگری): عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

شورای اسلامی را دارند که یا مسلمان و متعهد به مبانی اسلام و یا از اقلیتهای مذکور در اصل ۶۴ باشند. بنابراین دستور دهید اسامی اینگونه افراد را از لیست نامزدها حذف و به اطلاع عموم برسانند».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

رونوشت:

هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی

تفسیر اصول یکصد و سیام^(۱) و یکصد و سی و یکم^(۲) قانون اساسی

شماره: ۱۷۶۲ دال هـ

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

طبق اصل ۱۳۰ قانون اساسی که در هنگام غیبت یا بیماری و یا عزل رئیس جمهور شورایی به نام «شورای موقت ریاست جمهوری» که مرکب از «رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس و نخست وزیر» تشکیل می‌گردد آیا طبق این اصل با وجود اکثریت اعضاء این شورا، شورا قانونی است و می‌تواند به وظایف محوله در قانون عمل کند؟ مثلاً تشکیل شورا با وجود رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس قانونی است و می‌تواند وظایف تشریح شده در اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ را انجام دهد؟ مقتضی است هرچه سریع‌تر نظر آن شورای محترم به مجلس شورای اسلامی ابلاغ گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

(۱) اصل یکصد و سیام (قبل از بازنگری): در هنگام غیبت یا بیماری رئیس جمهور شورایی به نام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از نخست وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی کشور وظایف او را انجام می‌دهد، مشروط بر اینکه عذر رئیس جمهور بیش از دو ماه ادامه نیابد و نیز در مورد عزل رئیس جمهور یا در موردی که مدت ریاست جمهوری سابق پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده، وظایف ریاست جمهوری بر عهده این شورا است.

* اصل یکصد و سیام (بعد از بازنگری): رئیس جمهور استعفاي خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفاي او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

(۲) اصل یکصد و سی و یکم (قبل از بازنگری): در صورت فوت، کناره‌گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس جمهور، یا موجبات دیگری از این گونه، شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست جمهوری را جز در امور همه‌پرسی بر عهده دارد.

* اصل یکصد و سی و یکم (بعد از بازنگری): در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

شماره: ۳۵۵۶

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۷۶۲ دال ه مورخ ۶۰/۶/۸:

موضوع در شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به شرح زیر اعلام می شود:

«با توجه به اینکه عمده نظر قانون اساسی در اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ عدم وقوع فترت و جلوگیری از تعطیل امور کشور می باشد و نظر به اینکه در صورت اتفاق رأی دو نفر از سه عضو شورای موقت ریاست جمهوری اکثریت که مناط اعتبار قانونی است حاصل می شود در صورت فوت یکی از سه نفر اعضای شورای مذکور در مواردی که دو نفر دیگر اتفاق رأی داشته باشند اقدامات و تصمیمات آنها به عنوان شورای ریاست جمهوری قانونی و معتبر است.»

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

تفسیر اصل بیست و دوم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۶۰/۳۵۲۵

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

خواهشمند است نظر خود را در باب درخواست سوابق نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از سوی مسئولان و ارگانهای مختلف دولتی انجام می‌پذیرد، با توجه به اعطای مصونیت سیاسی و اهمیت رعایت مسائل حفاظتی به این مرکز اعلام فرمائید.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۸

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عطف به نامه شماره ۶۰/۳۵۲۵ مورخ ۱۳۶۰/۶/۲۶:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضای شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«در صورتی که از سوی مسئولین قانونی تشخیص صلاحیت داوطلبان نمایندگی در حدود موانع مذکور در ماده ۱۰ قانون انتخابات پرسشی شود، مرکز اسناد می‌تواند در خصوص نفی یا اثبات هر یک از موانع مذکور بدون شرح و تفصیل پاسخ دهد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

تفسیر اصل بیست و دوم قانون اساسی

شماره: ۶۰/۳۵۲۵

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

خواهشمند است نظر خود را پیرامون درخواست سوابق داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی که از سوی دست‌اندرکاران وزارت کشور صورت می‌پذیرد، با توجه به اهمیت و مسئولیت شرعی حفظ سوابق طبقه‌بندی شده، اعلام فرمایند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۸

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عطف به نامه شماره ۶۰/۳۵۲۵ مورخ ۶۰/۶/۲۶:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضای شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«به طور کلی اطلاع دادن از سوابق مربوط به تعرض به حیثیت اشخاص طبق اصل ۲۲ قانون اساسی در غیر مواردی که قانون تجویز می‌نماید، جایز نیست».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی

شماره: ۶۵۰۱۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۷/۱۸

پیوست: دارد

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

محترماً به پیوست نامه بانک ملی ایران مبنی بر تقاضای اعلام نظر پیرامون شرکت این بانک در (مؤسسه نقد عربی) در عربستان سعودی ارسال می‌گردد.

خواهشمند است با توجه به اهمیت موضوع، در فرستادن پاسخ تسریع به عمل آید.

احمد اشرف اسلامی

معاون نخست وزیر

شماره: ۱۵۷۱۲/۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۷/۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

محترماً به استحضار می‌رساند بانک ملی ایران به منظور ارائه خدمات و انواع عملیات بانکی و رفع حواجیح پولی حجاج ایرانی از سالهای قبل شعبه‌ای در کشور عربستان سعودی (شهر جده) تأسیس نموده که نتیجه آن از جهات مادی و معنوی رضایت بخش می‌باشد.

چندی قبل در کشور نامبرده قانونی به تصویب رسیده است که طبق آن کلیه بانکهای خارجی در کشور مزبور باید سعودی شوند، بدین معنی که بانکهای خارجی بایستی با بانکهای محلی ادغام و مشارکت نمایند به نحوی که حداکثر ۴۰٪ سهام آنها متعلق به بانکهای خارجی و ۶۰٪ بقیه متعلق به اتباع سعودی باشد در غیر اینصورت از ادامه فعالیت شعب بانکهای خارجی جلوگیری و اخراج خواهند شد.

این رویه در مورد چندین بانک خارجی در سعودی انجام شده و در مورد بانک ملی ایران نیز اعلام داشته‌اند که شعبه بانک ملی در جده با شعبه بانکهای لبنانی و پاکستانی در بانکی به نام مؤسسه نقد عربی ادغام و مشارکت نمایند به نحوی که ۳۰٪ سهام بانک مزبور متعلق به سه بانک ایران، لبنانی، پاکستانی (هر کدام ۱۰٪) و ۷۰٪ بقیه متعلق به

دولت سعودی باشد چون این عمل طبق قوانین سعودی اجباری اعلام شده اگر هر چه زودتر با آن موافقت نشود مانع ادامه کار شعبه بانک ملی ایران شده و بدین ترتیب امتیاز آن لغو بانک ملی از صحنه خارج و مشکلات عدیده جهت زائرین و غیره ایجاد خواهد شد باضافه با این مشارکت ۱۰٪ سهم بانک ملی ایران که مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال سعودی می‌شود از محل وجوه همان شعبه جده بانک ملی ایران تأمین می‌گردد و پولی از کشور ارسال نمی‌شود.

با عرض مراتب فوق متمنی است به موضوع رسیدگی فرموده با توجه به اصل ۷۷ قانون اساسی بلاشکال بودن مشارکت بانک را به شرح فوق و بدون نیاز به قانون جدید اعلام فرمایند تا قبل از اینکه فرصت از دست برود مراتب جهت انجام تشریفات مشارکت مزبور به شعبه جده این بانک ابلاغ گردد.

بانک ملی ایران

شماره: ۳۸۲۷

تاریخ: ۱۳۶۰/۷/۱۹

جناب آقای نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۶۵۰۱۰ مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۸ به پیوست نامه شماره ۱۵۷۱۲/۴ مورخ ۱۳۶۰/۷/۸ بانک ملی اشعار می‌دارد:

«به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان موضوع مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی

شماره: ۸۵۱۱۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۲

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه مقداری از طرحهای پیشنهادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی در ارتباط با قراردادهایی است که یکطرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارج می‌باشد و تطابق و یا عدم تطابق مورد با اصل ۷۷ قانون اساسی که قراردادهای بین‌المللی را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده مواجهه با ابهام است لذا خواهشمند است دستور فرمائید موضوع با رعایت اصل ۹۸ قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و نظر آن شورای محترم را در خصوص اینکه قراردادهای فوق‌الذکر از جمله قراردادهای بین‌المللی محسوب می‌گردند یا خیر اعلام نمایند.

احمد اشرف اسلامی

معاون نخست وزیر در امور حقوقی و پارلمانی

شماره: ۳۹۰۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۷

نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۸۵۱۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲:

موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«قراردادهایی که یکطرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی می‌باشد قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

تفسیر اصل یکصد و دهم قانون اساسی

شماره: ۱۹۶-۱۱-۲-۴۰۲

تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۲۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱- به موجب بند الف قسمت / ۳ اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «نصب و عزل رئیس ستاد مشترک» جزء وظایف و اختیارات مقام معظم رهبری شناخته شده است.

۲- برابر مقررات ماده ۸ قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح به مجموعه ارتش، ژاندارمری کل کشور، شهرانی کل کشور اطلاق می‌شود.

۳- بر طبق مقررات ماده ۱۲۱ قانون مزبور، افسران و کارمندان ژاندارمری تابع مقررات این قانون خواهند بود.

۴- در اجرای «قانون شمول قانون، استخدام نیروهای مسلح به افسران و درجه‌داران و افراد شهرانی مصوب ۱۳۴۴/۴/۱» افسران و درجه‌داران و افراد شهرانی مانند افسران و درجه‌داران و افراد ژاندارمری، از لحاظ کلیه مقررات استخدامی تابع قانون استخدام نیروهای مسلح خواهند بود.

۵- براساس لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۹ شورای انقلاب اسلامی ایران مادام که سازمانهای ژاندارمری کل کشور و شهرانی جمهوری اسلامی دارای قوانین و مقررات جداگانه مربوط به خود نشده‌اند کماکان تابع مقررات قانون استخدامی ارتش خواهند بود.

۶- با عنایت به اینکه به موجب مقررات مذکور در بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ بالا کلیه افسران و درجه‌داران و افراد ژاندارمری و شهرانی تابع مقررات استخدامی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و اینکه تنظیم و هماهنگی امور پرسنلی در نیروهای مسلح قاعداً باید از طریق ستاد مشترک انجام گیرد، این ستاد چنین استنباط می‌نماید که منظور از «نصب و عزل رئیس ستاد مشترک» مندرج در اصل یکصد و ده قانون اساسی «نصب و عزل رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح» می‌باشد و مقام مزبور همانگونه که در امور استخدامی پرسنل نظامی ارتش وظایف و مسئولیت‌ها و اختیاراتی را بر عهده دارد همانطور وظیفه و مسئولیت‌ها و اختیارات را در امور استخدامی پرسنل

نظامی ژاندارمری و شهربانی نیز بر عهده خواهد داشت.

۷- خواهشمند است مقرر فرمائید در صورتی که استنباط مذکور در بند «۶» این نامه مورد تأیید است اجازه داده شود. این استنباط به عنوان نظر شورای نگهبان در جهت رفع ابهام و اجمال از عبارت «نصب و عزل رئیس ستاد مشترک» مندرج در اصل یکصد و دهم قانون اساسی به ارتش و ژاندارمری و شهربانی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ گردد.

رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد

شماره: ۴۰۹۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۲/۲۰

ریاست محترم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۹۶-۰۲۱۱-۴۰۲ مورخ ۶۰/۹/۲۳:

مورد سؤال در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و «استنباط آن ستاد مندرج در بند ۶ نامه فوق‌الذکر مورد تأیید اکثریت شورای نگهبان قرار نگرفت».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

تفسیر اصول یکصد و سیزدهم و یکصد و بیست و یکم^(۱) قانون اساسی

شماره: ۳/۱۲۸۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۱۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

رئیس جمهور طبق قانون اساسی مکلف به اجرای قانون اساسی و شرع مقدس و ... است به نظر می‌رسد که انجام این مسئولیت بدون نظارت دقیق بر ارگانهای اجرایی (اعم از قوه قضائیه و مجریه) امکان‌پذیر نیست، بدین جهت دفتر ریاست جمهوری در صدد است به تشکیل یک واحد بازرسی ویژه اقدام نماید، خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد این اقدام از جهت انطباق با قانون اساسی بیان نمائید.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۴۲۱۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۱

حضرت حجت الاسلام آقای سید علی خامنه‌ای

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران دامت برکاته

عطف به نامه شماره ۳/۱۲۸۹ مورخ ۶۰/۱۰/۱۳؛ موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان

(۱) اصل یکصد و بیست و یکم: رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگند نامه را امضاء می‌نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خود کامگی پرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده‌است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم».

* لازم به ذکر است که در مقدمه اصل ۱۲۱ (قبل از بازنگری) چنین آمده است: رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه‌ای که با حضور رئیس دیوانعالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگند نامه را امضاء می‌نماید.

مطرح و بررسی شد، نظر اکثریت به این شرح اعلام می‌شود:

«آنچه از اصول ۱۱۳ و ۱۲۱ در رابطه با اصول متعدد و مکرر قانون اساسی استفاده می‌شود رئیس جمهور پاسدار مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد، در رابطه با این وظایف و مسئولیت‌ها می‌تواند از مقامات مسئول اجرایی و قضائی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظفند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهوری بگذارند، بدیهی است رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد اقدامات لازم را معمول دارد.

بنابراین تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری با قانون اساسی مغایرت دارد».

دبیر شورای نگهبان
 لطف‌الله صافی

شماره: ۲۱۸۷/م
 تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

محترماً، پیرو نامه شماره ۳/۱۲۸۹ و عطف به نامه شماره ۴۲۱۴ مورخ ۶۰/۱۱/۱ نظر
 اعضاء محترم شورای نگهبان را به مراتب زیر جلب می‌نمایم:

نظر به اینکه مسئولیت اجرای قانون اساسی و پاسداری از آن و تنظیم روابط قوای
 سه‌گانه و حمایت از حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته و به طور کلی سایر
 مسئولیت‌های مصرّحه در قانون اساسی به عهده رئیس جمهوری است لذا:

۱- ایجاد تشکیلات لازم به منظور انجام وظایف و تکالیف محوله نیز در اختیار
 رئیس جمهور می‌باشد زیرا به موجب قاعده کلی که اختیار، فرع و نتیجه مسئولیت
 است و همچنین نظر به قاعده دیگر که «اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز هست»
 تصمیماتی که برای اعمال مسئولیت‌های محوله به رئیس جمهور لازم و ضروری است
 از لوازم اجرای قانون اساسی محسوب می‌شود و رئیس جمهور مأذون به آن خواهد بود
 و عدم ذکر آن در قانون اساسی موجب عدم جواز نمی‌باشد.

۲- چنانچه انجام تکالیف ریاست جمهور محدود به مکاتبه گردد معمولاً اختیار

جواب با طرفی خواهد بود که گیرنده نامه است و نیز تشخیص صحت و سقم گزارشات و توضیحات رسیده از چه طریقی جز بازرسی میسر خواهد بود.

۳- به طوری که در نامه شورای محترم نگهبان آمده است ... رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد اقدامات لازم را معمول دارد به نظر می‌رسد یکی از وسایل لازم این تشخیص بازرسی خواهد بود.

۴- نظر به تقسیم کار و تسریع در امور و استفاده از اشخاص مطمئن و بصیر و بی‌نظیر در امر بازرسی اختصاص قسمتی از تشکیلات دفتر ریاست جمهور به عنوان واحد ویژه بازرسی ضروری به نظر می‌رسد. شایسته است چنانچه نامه دفتر ریاست جمهوری در مورد تشکیل واحد بازرسی گویا نبوده است بنا به مراتب فوق شورای محترم نگهبان در مورد واحد بازرسی دفتر ریاست جمهوری مشروحاً و با استناد به اصول مشخص قانون اساسی اعلام نظر فرمایند.^(۱)

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

(۱) در خصوص نامه مذکور در صفحه ۸۵ و ۸۶ جلد سوم مجموعه نظریات شورای نگهبان که توسط آقای دکتر حسین مهرپور (عضو وقت حقوقدانان شورای نگهبان) تدوین شده است چنین آمده است: «نامه ریاست جمهوری در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۵ شورای نگهبان مطرح شد و در آن جلسه تصویب شد اینجانب (مهرپور) با ریاست محترم جمهوری ملاقات نموده و نظر شورا را در زمینه مغایرت تشکیل واحد بازرسی مستقل در دفتر ریاست جمهوری حضوراً تبیین کنم و توضیحات کافی را بدهم و اگر پس از این ملاقات لازم شد، شورا پاسخ کتبی بدهد که این ملاقات انجام گرفت و بعداً هم نیازی به دادن پاسخ کتبی پیش نیامد».

تفسیر اصول یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و هفتاد و چهارم^(۱) قانون اساسی

شماره: ۳/۴۰۶/۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۲۹

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر آن شورای محترم را در مورد حدود و نحوه نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین با توجه به بند ۳ اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ قانون اساسی و مواد ۹ و ۱۰ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اعلام فرمائید.

با احترام

سید مصطفی محقق داماد

رئیس سازمان بازرسی کل کشور

شماره: ۴۲۰۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۵

ریاست محترم سازمان بازرسی کل کشور

عطف به نامه شماره ۳/۴۰۶/۹ مورخ ۶۰/۱۰/۲۹:

موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و به شرح ذیل اعلام نظر شد:

«بر حسب بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه نظارت بر حسن اجرای قوانین دارد، بنابراین اصل می‌تواند در موارد تخلف از اجرای قوانین به مقامات مسئول اخطار کند و مقامات مسئول موظفند به اخطارات قوه قضائیه که به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی انجام می‌شود توجه نمایند و در صورت عدم توجه، از قانون اساسی تخلف نموده‌اند و ترتیب و حدود این وظایف در قانون عادی نیز بیان شده است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل یکصد و هفتاد و چهارم: براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.

حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

* لازم به ذکر است که در اصل یکصد و هفتاد و چهارم قبل از بازنگری قانون اساسی تشکیلات «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر «شورای عالی قضائی» قرار داشت.

تفسیر اصول هشتاد و چهارم، هشتاد و ششم و هشتاد و هشتم قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۶

محضر مبارک آیات عظام و حقوقدانان پراج

اعضاء محترم شورای نگهبان انقلاب اسلامی ایران

با تقدیم و ادای تحیت و سلام احتراماً معروض می‌دارد: عطف به مرقومه شماره ۴۱۳۷ مورخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۰ و اطلاع اینکه الی اکنون هیچ‌گونه اقدامی از ناحیه دفتر ریاست جمهوری مبذول نگردیده توجه آقایان را نسبت به مسئله‌ای که ذیلاً مطرح خواهد شد جلب و مستدعی است در صورتی که این جانب در برداشت آن دچار انحراف و اشتباه ذهنی باشم با نظرات شورا آشنا و رفع ابهام گردد. ستاد بسیج اقتصادی بر حسب یک تصویب‌نامه هیأت وزیران به طور موقت و در زمان جنگ رتق و فتق و تصمیم‌گیری درباره امور اقتصادی به ویژه مواد اساسی و اولیه را عهده‌دار شده و هرگونه تصمیم را به اجراء می‌گذارد. آیا با در نظر گرفتن اینکه حقوق پس از فوت یک فرد و تأدیه آن به خانواده وارث به مجلس ارجاع می‌شود که رد یا تصویب شود چگونه این نوع تصمیمات که با سرنوشت چهل میلیون جمعیت از ابعاد مختلف بستگی دارد بدون اینکه در مجلس مطرح شده و شورای نگهبان نظارت نماید عمل گردیده و می‌گردد در حالی که طرحهایی که در مجلس شورای اسلامی از زیر نظر دویست نفر نمایندگان که غالب آنها فقیه و عالم می‌باشند می‌گذرد باز دچار نواقصی است که با دستورات شرع مقدس اسلام مطابقت ندارد به همین دلیل رد می‌شود.

مستدعی است از مجموعه نظرات شورای محترم به طور خلاصه این جانب را مستحضر فرمائید. مزید تشکر و امتنان خواهد بود. توفیق همگان را در پیشبرد مبانی انقلاب اسلامی ایران از خداوند متعال خواستاریم.

با تقدیم احترام - سعید امانی

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

شماره: ۴۲۳۷

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۸

برادر جناب حاج سعید امانی

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

نامه مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۶ جنابعالی در شورای نگهبان مطرح شد. در پاسخ اشعار می‌دارد:

«جنابعالی نماینده مجلس شورای اسلامی هستید و شرعاً و به موجب سوگندی که یاد کرده‌اید موظفید در مقام نمایندگی مجلس طبق اصل ۸۸ قانون اساسی هرگونه توضیح و سئوالی را که لازم بدانید از وزیر مسئول بنمایید و طبق اصل ۸۴ قانون اساسی در برابر تمام ملت مسئولید و حق دارید در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نمایید و مطابق اصل ۸۶ قانون اساسی^(۱) در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی کاملاً آزاد می‌باشید. بنابراین می‌توانید رابطه تصویب‌نامه هیأت وزیران را با اصل ۱۳۶ قانون اساسی^(۲) از هیأت دولت سئوال نمایید. بدیهی است اگر خارج از حدود این اصل باشد قانونی نیست و عمل به آن تخلف از قانون می‌باشد».

و السلام

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل هشتم و ششم: نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

(۲) اصل یکصد و سی و ششم (قبل از بازنگری): هرگاه نخست وزیر بخواهد وزیری را عزل کند و وزیر دیگری را به جای او برگزیند، باید این عزل و نصب با تصویب رئیس جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیأت وزیران تغییر نماید دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

* اصل یکصد و سی و ششم (بعد از بازنگری): رئیس جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

تفسیر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی

شماره: ۳۲/۱۷۸۸

تاریخ: ۱۳۶۱/۸/۲۲

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

احتراماً پیرو مذاکرات حضوری در جلسه تاریخ ۶۱/۸/۱۲ در حضور جمعی از اعضا محترم آن شورا و پیرو مکاتبات مختلف از جمله نامه شماره ۴۲۲۰/م. ن مورخ ۱۳۶۱/۸/۱۱ و شماره ۳۲۴/م. ن مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۴ معاون نخست وزیر در امور حقوقی و پارلمانی و نامه شماره ۴۷۴۴/م. ن مورخ ۶۱/۸/۱۸ سرپرست محترم دفتر حقوقی نخست وزیری مبنی بر استفسار از آن شورای محترم در مورد عدم شمول مفاد اصل ۵۳ قانون اساسی به درآمدهای اختصاصی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مراتب زیر به استحضار می‌رسد:

۱- اصولاً جمعیت هلال احمر بنا به مقررات بین‌المللی صلیب سرخ که به تصویب مراجع قانونگذاری ایران نیز رسیده برای حفظ مصونیت‌های بین‌المللی خود نمی‌تواند مؤسسه‌ای دولتی یا وابسته به دولت شناخته شود و الزاماً مقررات دولتی شامل جمعیت نخواهد شد.

با اینکه امر غیر دولتی بودن جمعیت را قبلاً سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه هر یک بنا به موردی در ارتباط با جمعیت طی مکاتباتی اعلام نموده‌اند (فتوکی نامه‌ها ضمیمه است) و با توجه به اینکه عنصر تشکیل‌دهنده جمعیت‌های هلال احمر در ایران و در سطح جهانی افراد داوطلب و خیر هستند که جمعیت را پایگاهی برای ارائه خدمات نیکوکارانه خود میدانند و در واقع جمعیت متکی به اعانات این‌گونه افراد است به طوری که با جمع اعانات دریافتی از آنان تأسیس شده. مع‌هذا بعضی از سازمانهای دولتی، جمعیت را در زمره مؤسسات دولتی منظور می‌کنند که مشکلاتی را در اجرای برنامه‌های جمعیت با توجه به اساسنامه تنظیمی به وجود می‌آورد با بیان دیگر اگر جمعیت هلال احمر طبق مقررات بین‌المللی اتحادیه صلیب سرخ و هلال احمر جهانی بخواهد با برخورداری از مصونیت‌های بین‌المللی وظایف خود را در زمان صلح و جنگ انجام دهد نمی‌تواند مؤسسه‌ای دولتی

باشد و اگر مؤسسه‌ای دولتی بخواهد چنین وظایفی را انجام دهد آن مؤسسه بدون تردید جمعیت هلال‌احمر نخواهد بود که بتواند از مصونیت‌های بین‌المللی بویژه در زمان جنگ برخوردار باشد.

۲- بنا به مراتب فوق با قبول اصل غیر دولتی بودن جمعیت و با علم به اینکه هیچ قانونی دال بر دولتی بودن جمعیت وجود ندارد نمی‌توان درآمدهایی که به نام جمعیت و هر یک به موجب مجوز قانونی خاص به همکاری و کمک دولت وصول می‌شود به حساب درآمدهای دولت منظور نمود. در حالیکه سازمانهای دولتی در وصول درآمدهای مزبور به عنوان نماینده و وکیل جمعیت عمل می‌کرده‌اند و حتی در بعضی موارد مأمورینی از طرف جمعیت این درآمدها را وصول می‌نموده‌اند و دولت علاوه بر این همکاری سالیانه مبالغی به عنوان کمک یا اعانه در بودجه سالیانه پیش‌بینی و به این جمعیت پرداخت مینموده با این وجود از سال ۱۳۵۸ تاکنون با تفسیر خود از قانون بودجه سال ۱۳۵۸ و اصل ۵۳ قانون اساسی نه تنها خزانه‌داری کل از واریز درآمدهای وصولی به حساب این جمعیت خودداری می‌نماید بلکه سازمان برنامه و بودجه هم که خود غیر دولتی بودن جمعیت را اذعان نموده، درآمدهای به نام جمعیت را در قانون بودجه ضمن درآمدهای عمومی دولت منظور کرده است. خواهشمند است با توجه به مراتب مذکور و با در نظر گرفتن فرموده امام «مدظله العالی» که جمعیت را مؤسسه‌ای عام المنفعه و سازمان کمک رسانی به طبقه محروم و گرفتار می‌داند و اکنون تحت نظر نماینده محترم امام «مدظله العالی» از نهایت جدیت به وظایف امدادی، اجتماعی، درمانی در جبهه‌های جنگ و در سطح کشور می‌پردازد.

لذا از آن مسئولین محترم تقاضا می‌شود در موارد زیر اظهار نظر فرمایند تا راهنمای ما در انجام وظایفمان باشد:

۱- آیا استقلال و غیر دولتی بودن جمعیت هلال‌احمر به عنوان یک جمعیت عام المنفعه مغایر قانون اساسی است؟

۲- وجوهاتی که به عنوان کمک و اعانه در بودجه دولت برای کمک به خدمات خیریه و امدادی این جمعیت منظور می‌شود نیاز به پاسخگویی یک نفر وزیر در مجلس دارد؟

۳- درآمدهای اختصاصی جمعیت هلال‌احمر که مطابق قانون مصوب به نام این جمعیت توسط دولت وصول می‌شود آیا دریافتی دولت تلقی می‌شود و بایستی مطابق اصل ۵۳ قانون اساسی به خزانه واریز شود؟

یا این درآمدها به جمعیت هلال احمر اختصاص دارد و بایستی صرف انجام خدمات خیریه و امدادی آن شود.

برادر شما - دکتر سید حسن فیروزآبادی
سرپرست و دبیر کل جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۶۶۷۱
تاریخ: ۱۳۹۱/۹/۲۲

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۳۲/۱۷۸۸ مورخ ۶۱/۸/۲۲؛

نظریه شورای نگهبان را در مورد سئوالات آن جمعیت در رابطه با قانون اساسی و اصل ۵۳ آن به شرح زیر اعلام می‌دارد:

- ۱- استقلال و غیر دولتی بودن جمعیت هلال احمر مغایر قانون اساسی نیست.
- ۲- وجوهی که به عنوان کمک و اعانه در بودجه دولت برای کمک به خدمات خیریه و امدادی جمعیت هلال احمر منظور می‌شود از نظر قانون اساسی نیاز به اینکه وزیر یا شخص دیگری مسئول پاسخگویی آن در مجلس باشد ندارد.
- ۳- درآمدهای اختصاصی جمعیت هلال احمر که مطابق قانون توسط دولت وصول می‌شود دریافتی دولت تلقی نمی‌شود و به هلال احمر اختصاص دارد.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

تفسیر اصول هفتاد و ششم، هشتاد و چهارم و هشتاد و هشتم قانون اساسی

شماره: ۲۲۳۵-ق

تاریخ: ۱۳۶۱/۱۲/۲۶

شورای محترم نگهبان

یادداشت مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۳ جناب آقای هرایر خالاتیان منضم به مراسله شماره ۵۰/۴۴۸ مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۸ اسقف اعظم آرداک مانوکیان خلیفه ارامنه تهران و شمال ایران در خصوص تفسیر اصول بیست و ششم،^(۱) پنجاه و هفتم، هفتاد و ششم و هشتاد و چهارم قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی

شماره: ۵۰/۴۴۸

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۲/۱۸

جناب آقای هرایر خالاتیان

نماینده محترم ارامنه شمال در مجلس شورای اسلامی

ضمن قدردانی از زحمات شما در انجام وظایف خطیر نمایندگی و با توجه به بررسیهای انجام شده در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین در مصوبات مجلس شورای اسلامی پرسشهای زیرین در رابطه با وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس مطرح گردیده است که تقاضا دارد از طریق ریاست محترم مجلس و شورای محترم نگهبان تفسیرها و پاسخهای لازمه را دریافت و در اختیار اینجانب قرار دهید که موجب نهایت امتنان خواهد بود.

با علم و آگاهی از اصول ۷۶ و ۸۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از طرفی حق تحقیق و تفحص را در تمامی امور کشور را به مجلس و مجلسیان می‌دهد و از طرف دیگر هر نماینده را در برابر تمام ملت مسئول قرار داده و حق اظهار نظر در

(۱) اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

همه مسائل داخلی و خارجی را به آنان می‌دهد؟

- ۱- آیا نمایندگان مجلس به عنوان نمایندگان قوه مقننه، با توجه به اصل تفکیک قوا حق دارند به طور انفرادی یا گروهی با وزارتخانه‌ها و به طور کلی ارگانهای اجرایی دولتی، قرارداد، یا موافقت‌نامه امضاء نموده و در امور اجرایی عملاً مداخله نمایند؟
- ۲- آیا نمایندگان اقلیتهای دینی در مجلس شورای اسلامی با توجه به اصل ۲۶ قانون اساسی (احزاب و جمعیتها) و لایحه تصویبی مجلس شورای اسلامی در خصوص احزاب و جمعیتها، حق دارند امور اجرایی اقلیتهای دینی را در امور اجتماعی و فرهنگی و غیره انجام دهند؟

خواهشمند است پاسخهای خودتان یا تفسیرها و پاسخهای دریافتی به طور کتبی در اختیار اینجانب گذارده شود تا از این راه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های مراجع دینی و انجمنها و شوراهای جوامع اقلیتهای دینی که طبق اساسنامه‌های خود و رأی مردم اقلیتها انتخاب و اداره امور اقلیتها به آنها سپرده شده است. قانوناً و شرعاً روشن و معین گردد.

دعاگو

اسقف اعظم آرداک مانوکیان

شماره: ۲۴۳۹

تاریخ: ۱۳۹۱/۱/۱۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۲۳۵- ق مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۶ موضوع سؤال نماینده ارامنه در مجلس شورای اسلامی، آقای هرایر خالاتیان، در ارتباط با اصول ۷۶، ۸۴ و ۲۶ قانون اساسی به استحضار می‌رساند که مفاد قانون اساسی در این موارد روشن است.

«اصل ۷۶ قانون اساسی مربوط به مجلس شورای اسلامی است نه آحاد نمایندگان و اصل ۸۴ نیز ناظر به حق اظهار نظر نمایندگان است. البته طبق اصل ۸۸ نماینده مجلس حق دارد از وزیر سؤال نماید و از او توضیح بخواهد و به هر حال از این اصول و سایر اصول قانون اساسی استفاده نمی‌شود که نماینده مجلس شورای اسلامی بتواند در امور اجرایی مربوط به انتخاب‌کنندگان خود دخالت کند و برای انجام آنها با ارگانهای دولتی قرارداد یا موافقتنامه‌ای امضاء کند».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱۰۱-۲۱۰-۲۰۴

تاریخ: ۱۳۶۱/۱۲/۲۶

شورای محترم نگهبان

پیرو شماره: ۱۳۵-۲۱۰-۱۰۱ مورخ ۱۳۶۱/۹/۱۸ نداجا به سماجا ۴:^(۲)

(۱) اصل یکصد و بیست و پنجم: امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

شماره: ۱۰۱-۲۱۰-۱۰۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۱

پیوست: صورتجلسه کمیسیون ۱۳۶۲/۳/۲۴

از: مدیریت فنی نداجا - تعمیر و نگهداری

به: سماجا ۴ (معاونت طرح و خط مشی)

موضوع: همکاری بین نداجا و کشور هندوستان

پیرو شماره ۲۱-۲۱۰-۱۰۱ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۷؛ شورای عالی دفاع طی نامه شماره ۱۴۲-۳-۰۵-۲۰۱ مورخ ۶۱/۱۱/۲۳ مجوز همکاری فنی بین نداجا و نیروی دریایی کشور هندوستان را صادر نمود، بر مبنای آن نداجا از کشور هندوستان خواستار اعزام تیمی به ایران جهت مذاکره درباره انجام تعمیرات اساسی تعدادی از یگانهای شناور نداجا به طور همزمان در کشور هندوستان و ایران گردید.

تیم مذکور در مورخ ۶۱/۷/۱۶ به ایران وارد و به مدت چهار روز از کارخانجات عباسی در بندر عباس و واحدهای شناور مورد نظر جهت تعمیرات بازدید به عمل آورده و سپس گروه فنی این هیأت به مدت سه روز در تهران بسر برده و روزانه در مدیریت فنی نداجا به بررسیهای فنی و مذاکرات با مقامات فنی نداجا ادامه داده شد.

نتیجه مذاکرات انجام شده طی نامه شماره ۱۰۸-۲۱۰-۱۰۱ مورخ ۶۱/۹/۳ به قسمتهای ذیصلاح و سماجا ۴ جهت بررسی فنی و ارائه پیشنهادات احتمالی ارسال گردید.

۲- شورای عالی دفاع طی نامه شماره ۱۹۲-۳-۰۵-۱۰۱ مورخ ۱۳۶۲/۱/۷ اعلام نموده که ارسال نامه درخواست کار (LETTER OF INTENT) مورد نظر نداجا به کشور هندوستان بلامانع است.

۳- ودجا (دایره حقوقی و امور مجلس) طی نامه شماره ۴۲-۵۲-۱۴۰۱-۵۷۵-ح مورخ ۶۱/۹/۳۰ اعلام نموده که ارسال نامه درخواست کار (LETTER OF INTENT) برابر اصل ۱۲۵ قانون اساسی منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

۴- با توجه به مراتب فوق‌الذکر و با توجه به ضرورت امر و احتمال طولانی شدن اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی، نداجا متن کامل مذاکرات انجام شده بین مقامات نیروی دریایی ایران و هندوستان و مکاتبات انجام شده در این زمینه را طی نامه شماره ۲۰۴-۲۱۰-۱۰۱ مورخ ۶۱/۱۲/۲۶ جهت تفسیر اصل ۱۲۵ قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی ایران (شورای نگهبان) ارسال و با توجه به پیگیریهای متوالی تاکنون پاسخی دریافت ننموده است.

۵- پیرو مذاکرات تلفنی وزیر محترم دفاع با جانشین فرماندهی نداجا در مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۱ که طی آن از طرف شخص وزیر دفاع اعلام گردید، ارسال نامه درخواست کار (L.O.I) و کتب و اطلاعات فنی مربوطه را در تاریخ ۶۲/۵/۱ برای نیروی دریایی هندوستان ارسال دارد.

←

۱- موضوع استفاده از امکانات دریائی کشور هندوستان در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۴/۱ شورای عالی دفاع مطرح و مجوز بازدید و همکاری فنی نداجا با کشور هندوستان طی نامه شماره ۱۲۸-۳-۰۵-۱۰۱ مورخ ۱۳۶۱/۴/۳ به این نیرو ابلاغ گردیده است.

۲- پیرو بازدید گروه هندی از امکانات نداجا، چارچوب همکاریهای مورد نظر تعیین گردیده و متن مذاکرات انجام شده نیز تهیه که بر مبنای این متن قرار شد با توجه به نیازمندیهای یک سری بررسیهای فنی مقدماتی انجام و نداجا ضمن ارسال نامه درخواست کار (LETTER OF INTENT) همراه با مدارک و نقشه‌جات فنی به مقامات صنایع دریائی این کشور به مدت ۶۰ روز فرصت دهد که امکانات، نحوه و چگونگی انجام همکاریها در چهار چوب مشخص شده مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه به این نیرو ارائه شود تا در صورت توافق نسبت به عقد قرارداد و موافقتنامه از طریق قوانین جاری مملکت اقدام گردد. بدیهی است نداجا هزینه مطالعات و بررسیهای مقامات

→ خواهشمند است مقرر فرمایند نظریه آن قسمت را در مورد ارسال نامه درخواست کار (L.O.I) همراه با مدارک و اطلاعات سیستمهای یگانهای شناور مورد نظر به شرکت مازاگون هندوستان از طریق اداره دوم و وابسته نظامی ایران در هندوستان با توجه به تاریخ ذکر شده (۶۲/۵/۱) به این نیرو اعلام فرمایند. بدیهی است عدم اعلام نظریه بمنزله موافقت با متن صورتجلسه پیوستی یعنی درخواست اخذ پیشنهاد از کشور هندوستان تلقی خواهد شد.

فرمانده نداجا: ناخدا یکم فرماندهی ستاد

اسفندیار حسینی

صورتجلسه کمیسیون مورخه ۶۲/۳/۲۴

محل کمیسیون: دفتر جانشین فرمانده نداجا

موضوع کمیسیون: بررسی ارسال نامه درخواست کار به کشور هندوستان

اعضاء کمیسیون:

۱- ناخدایکم	رزمجو	جانشین فرمانده نداجا
۲- سرهنگ	افراخته	معاون حقوقی وزارت دفاع
۳- ناخدایکم	محمدزاده	مدیر فنی نداجا
۴- ناخدایکم	عسگری	معاون مدیر فنی
۵- ناخدا دوم	سید نژاد	رئیس تعمیر و نگهداری مدیریت فنی

پس از بحث و گفتگو و تبادل نظر اعضاء کمیسیون باتفاق آرا به نتیجه زیر رسیدند:

با توجه به نیاز مبرم نداجا به تعمیرات اساسی واحدهای شناور و موقعیت جنگی و به استناد مصوبه شماره ۲۰۱-۰۵۱۳/۱۲۸ مورخ ۱۳۶۱/۴/۳ شورای عالی دفاع فعلاً نامه درخواست کار (L.O.I) به نحوی که هیچگونه تعهدی برای امضاء قرارداد انجام کار از طرف نداجا و کارخانه مازاگون تا دریافت پیشنهاد رسمی از کشور هندوستان نداشته باشد ارسال و پس از خاتمه این مرحله و دریافت پیشنهاد رسمی از شرکت مازاگون در صورتی که نتیجه منجر به عقد قرارداد یا توافق نامه گردد پیش نویس این قرارداد یا توافق نامه برای اقدامات بعدی به وزارت دفاع ارسال گردد.

هندی در طول مدت روز را پرداخت خواهد نمود.

۳- یک نسخه از متن مذاکرات انجام شده (RECORD OF DISCUSSION) و ترجمه آن همراه با توضیحات مورد نظر در مورد ارسال نامه درخواست انجام کار (L.O.I) به سماجا و وزارت دفاع ملی ارسال گردید. (پیوستی)

۴- وزارت دفاع (دایره حقوقی و پارلمانی) طی نامه شماره: ۵۷۵-۱۴۰۱-۵۲-۴۲ مورخ ۱۳۶۱/۹/۳۰ اعلام نمود که از آنجائیکه بر طبق اصل ۱۲۵ قانون اساسی هرگونه تفاهم نامه یا مقاوله نامه و قرارداد با دول خارجی می‌باید با تصویب مجلس شورای اسلامی و با امضاء ریاست جمهوری انجام پذیرد، ارسال نامه درخواست کار (L.O.I) منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

۵- ضمن تماس با مقامات وزارت دفاع (حقوقی و پارلمانی) توضیح داده شد که بدون بررسیهای مقدماتی اصولاً امکان همکاری و یا عقد قرارداد و موافقت‌نامه برای نداجا ممکن نمی‌باشد و در عین حال با توجه به نیاز نداجا به چنین تعمیراتی و اینکه وضعیت و شرایط همکاری در کشور هندوستان از نظر این تعمیرات روشن نبوده، ارجاع این امر در حال حاضر به مجلس شورای اسلامی زودرس بوده و مسلماً پس از دریافت درخواست و پیشنهاد کشور هندوستان در صورتی که شرایط پیشنهادی آن کشور مورد قبول قرار گیرد عقد قرارداد از طریق مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری اخذ خواهد شد.

۶- نظر به اینکه اخذ پیشنهاد مستلزم هزینه‌ای برای این نیرو و ارسال کتب و نقشه‌جات و یگانهای شناور است وزارت دفاع (معاونت حقوقی) لازم می‌داند در این مرحله مجلس شورای اسلامی اجازه این اقدام را به نداجا صادر نماید. بدیهی است همانطوری که از عرض گذشت در صورت توافق با پیشنهادات دریافتی توافقهایی حاصله منوط به تصویب مجلس خواهد بود.

۷- مکاتبات بیشتری در این زمینه با وزارت دفاع و سماجا ۴ به انجام رسید و نظریه این نیرو مبنی بر عدم نیاز به ارجاع مسئله در این مرحله به مجلس شورای اسلامی از طرف وزارت دفاع (معاونت حقوقی و پارلمانی) مورد تأیید واقع نگردید.

۸- استحضاراً حدود همکاریهای تعمیراتی این دو نیرو منوط به تعمیرات اساسی دو فروند از یگانهای نداجا در کشور هندوستان با همکاری پرسنل ایرانی و همزمان تعمیرات اساسی یک فروند دیگر در کارخانجات بندر عباس با همکاری پرسنل هندی خواهد بود.

۹- با توجه به مراتب بالا و با توجه به ضرورت امر و احتمال طولانی شدن اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی مستدعی است مقرر فرمایند تفسیر اصل ۱۲۵ قانون اساسی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه جهت اجراء از طریق وزارت دفاع و سماجا به این نیرو ابلاغ گردد.

۱۰- با توجه به مراتب بالا و نظر به اینکه عقد قرارداد از طرف نیروی دریائی با کشورهای دوست (تأیید شده از نظر سیاست خارجی) در زمینه تعمیرات یگانهای شناور و یا احتمالاً خرید بعضی از دستگاهها و یا قطعات می تواند جزو اقدامات معمول و مورد نیاز بوده و اجرای این برنامه از نظر زمانی حائز اهمیت می باشد مستدعی است مقرر فرمائید اصل ۱۲۵ قانون اساسی تفسیر تا در صورت امکان در هر مرحله ای این نیرو مجبور نباشد وقت زیادی را برای اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی در آمادگی رزمی از دست بدهد. بدیهی است در صورت نیاز نداجا به عقد قراردادهای کلی در سطح دولت ها (مثلاً خریدهای اقلام عمده دفاعی در سطوح بالا)، مراتب از تصویب مجلس خواهد گذشت. فرمانده نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران

ناخدا یکم ستاد - بهرام افضلی

شماره: ۹۰۳۹

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۹

فرمانده محترم نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه های شماره ۱۰۱-۰۱-۲۱۰/۲۰۴ مورخ ۶۱/۱۲/۲۶ و شماره ۱۰۱-۰۱-۲۱۰/۳۰ مورخ ۶۲/۴/۱:^(۱)

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان بدین شرح اعلام می شود:

«چون ارسال نامه درخواست کار چنانکه در صورت جلسه ارسالی مرقوم است متضمن قرارداد و تعهدی نیست مشمول اصل ۱۲۵ قانون اساسی نمی باشد و نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

(۱) نامه فرمانده نیروی دریائی مبنی بر تسریع در ارسال پاسخ.

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۴۰۵ ک ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۲/۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

احتراماً در اجرای اصل نود و هشتم قانون اساسی که تفسیر قانون اساسی را به عهده شورای نگهبان گذاشته است. استدعا می‌شود نسبت به وضع نمایندگان در ارتباط با اصول «یکصد و چهل و یکم» و «پنجاه و هفتم» قانون اساسی در موارد زیر نظرتان را اعلام فرمائید:

- ۱- ریاست دانشگاههای کشور
- ۲- عضویت در هیأت‌های مربوط به قانون بازسازی نیروی انسانی
- ۳- عضویت در هیأت‌های گزینش دستگاهها و ...
- ۴- سرپرستی و اشتغال در ارگانهای انقلابی و نهادها و بنیادها

ضمناً برداشت ما از تفسیر مذکور چنین است:

یکی از اهداف اصل ۱۴۱ قانون اساسی ۲ بار حقوق نگرفتن یک فرد از صندوق دولت است. به علاوه تأمین اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی یعنی تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه منظور مقنن بوده است، زیرا مسلم است که مجاز نبودن نمایندگان مجلس به پذیرفتن مشاغل دیگر فقط بدلیل حقوق نیست و با نگرفتن حقوق، نمایندگان محلی نمی‌توانند سمتی دیگر را تصدی نمایند، دلیل این موضوع این است که در همین اصل ۱۴۱ می‌گوید: سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است، یعنی نماینده مجلس می‌تواند استاد دانشگاه یا شاغل در یک سمت تحقیقاتی باشد و از این بابت حقوق هم دریافت کند و در گذشته هم چنین بوده است و نمایندگان مجلس به عنوان استاد و ... خدمت می‌کرده‌اند. بنابراین نمایندگان مجلس در اجرای ۲ اصل فوق نمی‌توانند در مسئولیت‌های دیگر قرار بگیرند.

احمد کاشانی - محمد رشیدیان - علی موحدی ساوجی - عباسعلی اختری - اسماعیل فردوسی‌پور - بهاء‌الدین علم‌الهدی - علم‌الهدی - مهدی طیب و...

ضمناً آقای محمد یزدی نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در هاشم نامه

چنین مرقوم نموده است:

بسمه تعالی

سؤال در بند اول این است که ریاست دانشگاه آیا یک سمت آموزشی است یا اداری؟
و در بندهای دیگر این است که آیا شغل رسمی دولتی است یا نه؟ نظر مبارک را مرقوم
فرمائید.

محمد یزدی

شماره: ۸۵۱۳

تاریخ: ۱۳۶۲/۲/۲۰

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۰۵-ک ق مورخ ۱۳۶۲/۲/۶:

نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل ۱۴۱ قانون اساسی به شرح زیر اعلام
می‌شود:

«۱- ریاست دانشگاه، نظر به اینکه سمت اداری محسوب می‌شود مانع از اشتغال به سمت
نماینده‌گی است.

۲ و ۳- عضویت در هیأت‌های بازسازی و گزینش برای نمایندگان مجلس در صورتی که
شاغل سازمانی تحت عناوین مذکور پیش‌بینی شده باشد و نماینده با عضویت در هیأت‌های
مزبور کارمند دولت محسوب شود مانع از اشتغال او به نمایندگی مجلس است.

۴- نهادها و ارگانها و بنیادهای انقلابی که دولت بودجه آنها را تأمین می‌نماید و
مسئولیت‌های اجرایی برحسب قانون عهده‌دار می‌باشند دولتی محسوب می‌شوند و کارمندی
آنها کارمندی دولت می‌باشد و مانع از اشتغال به نمایندگی است و چنانچه در رابطه با خدماتی
که می‌نمایند مسئولیت‌های اجرایی قانونی ندارند کارمندی آنها کارمندی دولت محسوب
نمی‌گردد هر چند دولت به آنها کمک مالی بنماید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصول هشتاد و هشتم و یکصد و شصتم قانون اساسی

شماره: ۴۵۳۶-ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۹

شورای محترم نگهبان

معمولاً نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس اصل ۸۸ قانون اساسی از عملکرد دادگاهها و مسئولان قضائی کشور و امور مربوط به شورای عالی قضائی سئوالاتی می‌نمایند و شورای عالی قضائی خود را ملزم به جواب سئوالات نمی‌داند. وزیر دادگستری هم اظهار می‌دارد در اموری که تصمیم‌گیری آن به وزیر دادگستری محول نشده امکان جواب گفتن ندارد.

لطفاً با توجه به همه اصول مربوطه قانون اساسی حدود و حقوق نمایندگان، وظایف شورای عالی قضائی و وزارت دادگستری را در رابطه با اصل ۸۸ مشخص فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۹۰۷۵

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۱۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۵۳۶-ق مورخ ۶۲/۴/۹:

موضوع سئوال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بدین شرح اعلام نظر شد:

«در رابطه با سئوال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل ۸۸ قانون اساسی مطرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل ۱۶۰ قانون اساسی برای او مقرر شده است مسئول می‌باشد و علیهذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود ولی در رابطه با شکایات از طرز کار قوه قضائیه به موجب اصل ۹۰^(۱)

(۱) اصل نودم: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

قانون اساسی عمل خواهد شد و نیز در رابطه با مواردی که مجلس شورای اسلامی تحقیق و تفحص را لازم بداند طبق اصل ۷۶ قانون اساسی می‌تواند تحقیق و تفحص نماید. بدیهی است در رابطه با این دو اصل و کیفیت تحقیق و تفحص و اقدامی که مجلس شورای اسلامی در صورتی که پاسخ را قانع‌کننده ندانست باید بنماید می‌تواند قانون لازم را تصویب نماید. علاوه بر این چون طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید در امور قضائی نیز می‌تواند هرگونه نظری را لازم بداند در مجلس شورای اسلامی اظهار نماید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱/۷۳۴۶

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

خواهشمند است نظر آن شورا نسبت به موافقت یا مخالفت ماده ۱۸ از مصوبه مجلس خبرگان با قانون اساسی را اعلام فرمایند.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۹۳۲۶

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۲

مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۷۳۴۶ مورخ ۱۳۶۲/۵/۵؛

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر

(۱) اصل یکصد و یازدهم (قبل از بازنگری): هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم گردد از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است.

مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاس خبرگان تعیین می‌شود.

* اصل یکصد و یازدهم (بعد از بازنگری): هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود. یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد.

تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.

در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقهاء، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد.

این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند.

هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

شورا بدین شرح اعلام می‌شود:

«تشخیص مغایرت و عدم مغایرت مصوبات مجلس خبرگان با شورای نگهبان نیست ولی علی‌الاصول که همه نهادها رعایت قانون اساسی را می‌نمایند ماده ۱۸ مصوبه مجلس خبرگان به اصل ۱۱۱ قانون اساسی ارتباط ندارد و مصوبات مجلس خبرگان خارج از محدوده این اصل و اصول دیگر قانون اساسی اعتبار قانونی ندارد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی

شماره: ۴۹۶۳/۲۵/د.ه.

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۱

شورای محترم نگهبان

لطفاً در تفسیر اصل ۱۱۱ قانون اساسی نظر بدهید که:

آیا مجلس خبرگان آئین‌نامه اجرایی آن اصل را فقط می‌تواند در اجلاسیه اول تنظیم کند یا ممکن است در اجلاسیه‌های بعد هم اصلاحاتی به عمل آورد؟

نایب رئیس مجلس خبرگان

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۹۳۳۳

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۸

نایب رئیس محترم مجلس خبرگان

عطف به نامه شماره ۴۹۶۳/۲۵/د.ه مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۱:

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مفصلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظریه تفسیری شورای نگهبان به شرح ذیل می‌باشد:

«مستفاد از اصل ۱۱۱ قانون اساسی این است که مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل به عهده مجلس خبرگان است و تعیین آن در اولین اجلاسیه مربوط به دستور اولین اجلاسیه می‌باشد بنابراین تغییر و هرگونه اصلاح لازم از طرف مجلس خبرگان در مقررات مذکور از لحاظ قانون اساسی بلامانع است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم (قبل از بازنگری)

شماره: ۱۶۱۵-م/۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

بعد السلام، خواهشمند است نظر آن شورای محترم را نسبت به موارد زیر اعلام فرمایند:

- ۱- تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بدون وزیر.
- ۲- لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی با تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر، به وسیله نخست وزیر.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۹۳۴۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۶

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۶۱۵-م/۱ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۳، سئوالات مرقوم در شورای نگهبان مطرح و مفصلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتیجه به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- «۱- پرسش اول به عنوان تفسیر رای کافی نیاورد.
- ۲- نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به پرسش دوم این است که: در مواردی که بر حسب ضرورت به طور موقت نخست وزیر متصدی وزارتخانه‌ای می‌شود باید با تصویب رئیس جمهور و تصویب مجلس شورای اسلامی باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل نود و چهارم قانون اساسی

شماره: ۴۸۳۰/ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۲۰

شورای محترم نگهبان

در پاسخ به نامه شماره ۹۳۶۱ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۸:^(۱)

تفسیر قوانین چیزی جز اظهار نظر درباره مفاد قانونی نیست که در گذشته تصویب شده و ارتباطی به فرمان امام «مدظله العالی» ندارد. و به همین جهت مراعات نصاب دو سوم آرای نشده و ضمناً مستدعی است نظر آن شورای محترم را درباره اینکه آیا تفسیر قوانین هم احتیاج به تأیید شورای نگهبان دارد یا خیر اعلان فرمایند.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

شماره: ۹۴۰۴

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۲۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۸۳۰/ق مورخ ۱۳۶۲/۵/۲۰: موضوع مجدداً در شورای نگهبان مطرح و بررسی و به شرح زیر اظهار نظر شد:

«۱- در مورد اصل تفسیر علاوه بر اینکه به موجب اصل ۹۴ کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان ارسال شود و تفسیر قوانین نیز مصوبه است. از سایر اصول

(۱)

شماره: ۹۳۶۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۸۱۳/ق مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۶؛ نظر به اینکه مصوبه ارسالی عنوان تفسیر مواد ۹-۱۴-۱۵ و تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اراضی شهری مصوب جلسه ۱۳۶۲/۵/۱۳ مجلس شورای اسلامی را دارد که با استفاده از فرمان حضرت امام «مدظله» در رابطه با تشخیص ضرورت در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۹ تصویب شده است. مقتضی است مشخص فرمائید که تفسیر مذکور طبق فرمان معظم له با تصویب دو ثلث نمایندگان محترم از باب تشخیص ضرورت بوده است تا شورای نگهبان با رعایت تمام جوانب درباره عنوان تفسیر این مصوبه و انطباق آن با موازین شرعی و قانون اساسی اظهار نظر نمایند.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

مربوط به انطباق قوانین با موازین اسلامی و عدم مغایرت با قانونی اساسی نیز استفاده می‌شود که تفسیر قوانین عادی از لحاظ اینکه متضمن رفع اجمال و ابهام و توضیح یا توسعه قانون است قابل عدم انطباق با موازین شرعی و مغایرت با قانون اساسی است لذا باید به شورای نگهبان ارسال شود.

۲- در مورد مصوبه‌ای که به عنوان تفسیر مواد ۹ و ۱۴ و ۱۵ قانون اراضی شهری تصویب شده است نیز نظر به اینکه صورت توسعه ضرورت مذکور در قانون فوق را دارد و به تصویب دو ثلث نمایندگان محترم نرسیده است با موازین شرع منطبق نمی‌باشد.^(۱)

تفسیر ماده ۱۵ که در رابطه به دخالت قوای انتظامی است در مواردی که طرف مدعی حقی برای خود می‌باشد با موازین شرعی منطبق نیست و اصل دخالت قوای انتظامی بدون نظر مقام قضائی صالح با قانون اساسی مغایرت دارد.

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

(۱) تفسیر قانونی مواد ۹-۱۴-۱۵ و تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اراضی شهری:

شماره: ۴۸۱۳/ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۶

در تبصره ۲ ماده ۱۰، از جمله با نظر وزارت مسکن و شهرسازی این منظور مستفاد است که واگذاری زمین از طرف متولیان به افرادی که صلاح می‌دانند با کسب مجوز از وزارت مسکن و براساس ضوابط مسکن و شهرسازی باید باشد. در مواد ۱۴ و ۱۵، منظور این است که تصرف و تجاوز و هرگونه عملی برخلاف این قانون شامل تصرف و بنا و احداث ساختمان در زمین خود شخص بدون رعایت ضوابط مسکن و شهرسازی هم می‌شود و منظور از دخالت مستقیم قوای انتظامی در ماده ۱۵ دخالت آن قوا به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی است نه دادگاه. در ماده ۹، منظور از عبارت زمینهای مورد نیاز دولت اعم از نیازی است که جهت احداث ساختمانهای دولتی است یا نیاز جهت واگذاری به متقاضیان بی مسکن و منظور از مالکین اراضی دایر شهری مالکین هرگونه اراضی مزروعی و غیره باستانی باغات است.

تفسیر قانونی فوق در جلسه روز پنجشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی

تفسیر اصل شصت و نهم قانون اساسی

شماره: ۵۶۲۸/۲۵۰.د. ه.

تاریخ: ۱۳۶۲/۶/۱۶

پیوست: دارد

شورای محترم نگهبان

استفسار جمعی از نمایندگان از قانون اساسی را برای جواب تقدیم می‌دارم.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۴۸۸۷-ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۶/۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

در اجرای اصل ۹۸ قانون اساسی که تفسیر اصول قانون اساسی را به عهده شورای نگهبان قرار داده است استدعا می‌شود نظرتان نسبت به مسئله زیر اعلام فرمائید: اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مذاکرات مجلس شورای اسلامی را اساساً علنی اعلام کرده است و تشکیل جلسه غیر علنی را موقوف به وجود شرایط اضطراری نموده است. چون آئین‌نامه داخلی مجلس پیش‌بینی کیفیت تشکیل جلسه غیر علنی را نکرده بود ماده واحده‌ای به صورت طرح قانونی تقدیم شد و هنگام رسیدگی به این طرح که مرجع تشخیص شرایط اضطراری را مجلس شورای اسلامی قرار داده بود، برای کمیسیون این شبهه پیش آمد که اصل ۶۹ قانون اساسی مرجع تشخیص شرایط اضطراری را همان تقاضاکننده مذکور در اصل ۶۹ یعنی نخست وزیر، یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان می‌داند و نمی‌توان مرجع دیگری را برای این امر قرارداد. از طرف دیگر این نظر وجود داشت که با توجه به اینکه اساساً اصل ۶۹ الزام به علنی بودن مجلس دارد و یکی از پایه‌های مهم حفظ حاکمیت ملت نیز همین امر می‌باشد بنابراین اعلام شرایط اضطراری و بالتیجه تشکیل جلسه غیر علنی به صرف تقاضای تقاضاکننده مذکور در اصل مربوطه

منطقی نبوده و علی‌الخصوص با توجه به اصل ۷۹^(۱) که برقراری محدودیتهای ضروری و طبعاً اعلام شرایط اضطراری را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده منطقی به نظر می‌رسد که در مورد اصل ۶۹ نیز مرجعی تعیین شود، و بهترین مرجع خود مجلس می‌باشد. علیهذا: پس از مذاکراتی که در کمیسیون به عمل آمد به اینجا منجر شد که از شورای نگهبان استفسار شود که آیا مجلس می‌تواند مرجعی مثلاً خودش را برای اعلام شرایط اضطراری با وصفی که در اصل ۶۹ آمده است تعیین کند یا خیر؟

غلامحسین نادى - علی‌اصغر باغانى - محمد یزدى - سید داود مصطفوی - سید احمد کاشانی - مهدی طیب - حسین هراتی - موسی سلیمی سید هاشم حمیدی - مجید انصاری - حسین محلوچی - علی کاظمی و...

شماره: ۹۵۹۰

تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۱۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵۶۲۸/۲۵۰.د. ه مورخ ۱۳۶۲/۶/۱۶:

«سؤال آقایان نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره تفسیر اصل ۶۹ قانون اساسی در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مستفاد از اصل ۶۹ قانون اساسی این است که در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند مقامات صالح برای تقاضای جلسه غیر علنی نخست وزیر یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان می‌باشند و باید طبق تقاضای آنها جلسه غیر علنی تشکیل شود ولی پس از تشکیل جلسه غیر علنی در صورتی که اکثریت مجلس شورای اسلامی دلایل تقاضاکننده را نسبت به وجود شرائط اضطراری کافی ندانست موضوع در جلسه علنی قابل طرح و رسیدگی خواهد بود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل هفتاد و نهم: برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱/۱۱۲۷۸

تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۲۳

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر آن شورای محترم را درباره اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی به شرح زیر اعلام فرمائید:

۱- آیا «تصویب» عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی (مندرج در اصل ۷۷) با «تصویب» عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی (مندرج در اصل ۱۲۵) موضوعاً یکی هستند؟

۲- آیا منظور از «تصویب» مندرج در اصل ۱۲۵ «تصویب» مقدم بر انجام قرارداد است یا تصویب مؤخر از انعقاد قرارداد؟

۳- آیا به فرض آنکه جواب بند ۲، تصویب مقدم بر انجام قرارداد باشد، نیازی به تصویب مجدد از سوی مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۷) خواهد بود یا خیر؟

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۹۷۸۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۳

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۱۱۲۷۸ سئوالات در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی واحد است و تصویب مجلس شورای اسلامی که به قرارداد رسمیت می‌دهد مؤخر از انعقاد قرارداد انجام می‌شود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم^(۱) قانون اساسی

شماره: ۴۶/ک. س

تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۲۱

برادر بزرگوار جناب آقای هاشمی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

با احترام، همانطور که اطلاع دارید اصل ۱۳۹ و اصل ۷۷ قانون اساسی، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی را در صورتی که مورد دعوی خارجی باشد، موکول به تصویب مجلس دانسته و عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه، قراردادها نیز باید به تصویب مجلس برسد، آنچه که برای کمیسیون سئوالات باید روشن گردد این است که آیا در موارد جزئی که تصرف در قراردادها می‌شود و بعضی از مواد آن را از نظر مقدار پول و یا زمان تحویل تغییر می‌دهند، این نیز باید به تصویب مجلس برسد، یا خیر؟

و آیا تفاهم نامه‌هایی که نمایندگان دولت با طرفهای خارجی امضاء می‌کنند و بر آن فعالیت طرفین مبتنی می‌گردد، جزء قرارداد حساب می‌آید؟

و آیا بعد از تصویب اصل، داشتن رابطه تجاری با دولتهای خارجی، مسئولین دولت جمهوری اسلامی حق دارند در این چارچوب در هر موردی که صلاح دانستند، برای داد و ستد قرارداد بسته موارد جزئی را مشخص نمایند؟

لطفاً پاسخ موارد فوق را از شورای محترم نگهبان استفسار نموده به اطلاع کمیسیون رسانید.^(۲)

رئیس کمیسیون سئوالات

ابوالقاسم وافی

(۱) اصل یکصد و سی و نهم: صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

(۲) رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در هاشم نامه فوق چنین نوشت:

شورای محترم نگهبان

لطفاً پرسش‌های فوق را پاسخ بفرمائید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۶۲/۸/۲۳

شماره: ۹۹۹۳

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۶۷۰۱/۲۵۰/د. ه مورخ ۶۲/۸/۲۶^(۱) پاسخ پرسش؛ در رابطه با اصول ۱۳۹ و ۷۷ به شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- در هر مورد عمل دولت یا هر مقام مسئولی به استناد تصویب مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود. فقط در محدوده مصوبه قانونیت دارد و خارج از آن محدوده جزئاً و کلاً به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارد.

۲- یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید مثل قرارداد است و بایستی ضوابط مذکور در قانون اساسی نسبت به آن رعایت شود.

۳- قراردادهای جزئی در رابطه با اصل قراردادهای موضوع اصل ۷۷ قانون اساسی در صورتی که خارج از محدوده قرارداد اصل باشد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) نامه دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی مبنی بر ارسال سئوالات آقای ابوالقاسم وافی جهت استفسار از شورای نگهبان.

تفسیر اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی

شماره: ۸۳۳۴/م ن

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۷

شورای محترم نگهبان

احتراماً نظر به اینکه در اجرای اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی ابهاماتی ایجاد شده است، علیهذا خواهشمند است با عنایت به اصل نود و هشتم در خصوص موارد زیر اعلام نظر فرمایند.

۱- آیا قسمت ذیل اصل یکصد و سی و ششم که مقرر نموده است. «در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیأت وزیران تغییر نماید دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رای اعتماد کند».

ناظر به موردی است که تغییر نیمی از اعضای هیأت وزیران دفعتهً واحداً صورت پذیرفته باشد یا به هر ترتیبی که این تغییر از زمان ابراز رای اعتماد مجلس به دولت حاصل گردد مشمول اصل فوق‌الذکر خواهد بود؟

۲- در صورت اخیر چنانچه تعداد اعضای هیأت وزیران پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت افزایش یافته باشد ملاک احتساب تغییر نیمی از اعضای هیأت وزیران چیست؟

نخست وزیر

میرحسین موسوی

شماره: ۱۰۰۹۴

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۹

جناب آقای میرحسین موسوی نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۸۳۴۴/م ن مورخ ۱۳۶۲/۹/۷:

راجع به سؤال از اصل ۱۳۶ قانون اساسی موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت شورا (بیش از سه‌چهارم) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- ذیل اصل ۱۳۶ قانون اساسی که مقرر نموده است (.. و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیأت وزیران تغییر نماید، دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند) منحصر به موردی نیست که تغییر نیمی از اعضای هیأت وزیران دفعتهً

واحدتاً صورت پذیرفته باشد، بلکه به هر ترتیبی پس از زمان ابراز اعتماد مجلس به دولت، این تغییر حاصل شود، مشمول اصل فوق‌الذکر است و دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

۲- در صورتی که تعداد اعضاء هیأت وزیران افزایش یافته باشد ملاک احتساب تغییر نیمی از اعضاء وضع حاضر هیأت وزیران است یعنی هر زمان با توجه به تعداد اعضاء هیأت وزیران در همان حال، چنانچه ملاحظه شد نیمی از اعضاء آن تغییر یافته‌اند، تقاضای رأی اعتماد مجدد از مجلس لازم است».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

تفسیر اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی و اعلام مغایرت تعیین مشاور یا
معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور در امور اجرایی با قانون اساسی

شماره: ۵۳۵۳-ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۱

شورای محترم نگهبان

در اجرای اصل ۸۸ قانون اساسی وزرا موظف به حضور در مجلس و پاسخ به
سئوالات نمایندگان محترم می‌باشند.

خواهشمند است اعلام فرمایند آیا وزیر مشاور در امور اجرایی نیز چون سایر وزرا
موظف به پاسخگویی است، یا خیر؟

از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی

سید محمد موسوی خوئینی‌ها

شماره: ۱۰۱۸۴

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵۳۵۳/ق مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۱:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت
اعضای شورا (بیش از سه‌چهارم) به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«هر وزیری که طبق قانون و با رای اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشد طبق
اصل ۱۳۷ قانون اساسی در برابر مجلس مسئول است و مطابق اصل ۸۸ می‌توان از او سؤال
کرد، و تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور جهت عملیات اجرایی، مغایر
قانون اساسی است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل سی‌ام قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱۰۳۰۳/م ن

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۰/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بدین وسیله به استحضار می‌رساند دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور قبل از اجرای مقررات مربوط به آموزش رایگان براساس مصوبات وزرات علوم و آموزش عالی (سابق) سالیانه مبلغی در حدود ۸/۵۰۰ ریال الی ۱۲/۰۰۰ ریال برای دانشگاههای دولتی و رقمی در حدود ۴۱/۰۰۰ ریال برای مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی به عنوان شهریه متناسب با رشته و دوره تحصیلی از دانشجویان خود دریافت می‌نمودند. در مرداد ماه سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون «تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» تحصیلات در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور مجانی اعلام گردید و به موجب ماده ۷ همین قانون بهره‌مندان از آموزش رایگان مکلف شدند معادل دو برابر مدتی که از تحصیلات رایگان استفاده نموده‌اند، در صورت نیاز دولت در رشته متناسب با تحصیلات خود در دستگاههای دولتی و یا به معرفی دولت در دستگاههای خصوصی در کشور خدمت نمایند و در صورت استنکاف از انجام تمام و یا قسمتی از خدمات مذکور باید هزینه تحصیلات رایگان را به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند، به دولت بپردازند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران لایحه قانونی مذکور در شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۶ بررسی و ماده ۷ قانون مذکور اصلاح و مدت تعهد فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان به میزان مدت بهره‌مندی از آموزش رایگان به ازای هر سال بهره‌مندی یک سال اصلاح گردید که تاکنون نیز ملاک عمل بوده است و در حال حاضر نیز به همین نحو عمل می‌گردد.

در جهت اجرای این قانون و به موجب مواد ۴ و ۱۰ همین قانون دانشگاهها در هر نیمسال تحصیلی فهرست اسامی و مشخصات تحصیلی و سجلی فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان را به تفکیک رشته تحصیلی و با قید مدت تعهد آنان به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارسال می‌دارند تا از طریق سازمان امور اداری و

(۱) اصل سی‌ام: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

استخدامی کشور نسبت به کارایی آنان اقدام گردد و در همین مورد صراحتاً اعلام گردیده است چنانچه فارغ‌التحصیلان مشمول ماده ۷ تمام و یا قسمتی از خدمت مذکور در ماده ۷ این قانون را انجام نداده باشند، باید هزینه تحصیلات خود اعم از شهریه و کمکهای دریافتی را به طور کامل یا به تناسب عدم انجام خدمت مقرر نقداً از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی به خزانه دولت پرداخت نمایند.

لذا بر همین اساس در سال ۱۳۵۴ کمیته‌ای به منظور بررسی و تعیین هزینه تحصیلی سرانه دانشجویان در گروهها و رشته‌های مختلف تحصیلی تشکیل و هزینه شهریه سالانه دوره‌های مختلف تحصیلی را مشخص و به عنوان ملاک میزان شهریه طی بخشنامه‌های شماره ۱۰۶/۲۶۶ مورخ ۱۳۵۴/۴/۸ و شماره ۱۰۶/۶۵۱ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۹ به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اعلام گردید در صورتی که دانشجویان مایل به استفاده از مزایای آموزش رایگان نباشند و یا قبل از انجام خدمت مقرر تعهد خدمتی خود را لغو نمایند، نسبت به پرداخت هزینه شهریه خود اقدام نمایند و در همین رابطه از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان که قبل از انجام تعهد مذکور قصد بازپرداخت هزینه شهریه به منظور لغو تعهد و دریافت مدرک تحصیلی خود را داشته‌اند، در خلال سالهای ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۱ مبلغ ۷۳/۰۷۲/۹۹۱ ریال اخذ گردید و به حساب خزانه‌داری کل واریز شده است.

اکنون که براساس اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اشعار می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

خواهشمند است پاسخ سئوالات ذیل را با توجه به تفسیر اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند تا جهت اجراء به واحدهای ذی‌ربط ابلاغ گردد:

۱- آیا لایحه قانونی تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که مؤخر به تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، کماکان به قوت خود باقی است و از اختیار قانونی جهت اجراء برخوردار می‌باشد. بدیهی است با اعلام پاسخ به سؤال فوق نحوه برخورد با افرادی که حاضر به سپردن تعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل در قبال مدت استفاده از آموزش رایگان نیستند، مشخص خواهد شد.

۲- آیا مجوزی جهت اخذ وجه از افرادی که دارای تمکن مالی جهت پرداخت مبلغی به عنوان شهریه و یا کمک به دانشگاه می‌باشند، وجود دارد؟ آیا تصویب چنین مقرراتی خلاف قانون اساسی تلقی خواهد شد؟

۳- مسکوت بودن موضوع شهریه دانشجویان اتباع خارج که در دانشگاههای داخل کشور تحصیل می‌نمایند، در قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به این نکته که امکان اخذ تعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل از نامبردگان موجود نیست و همچنین به علت ضعف مالی بسیار شدید گروهی از این دانشجویان آیا:

الف - اخذ شهریه از دانشجویان اتباع خارج کدامیک از وجوه: الزامی، مجاز، و یا ممنوع را دارا می‌باشند؟

ب - در صورت الزامی بودن اخذ شهریه از دانشجویان اتباع خارج در خصوص آن عده از آنان که از بضاعت مالی لازم برخوردار نیستند، به چه نحو می‌توان عمل نمود؟

۴- در مورد معاودین عراقی که براساس مصوبه هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران در دانشگاههای داخل کشور مشغول تحصیل می‌گردند، با توجه به بازگشت نامبردگان به کشور عراق پس از پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان اسلام و نیز با توجه به وضعیت اخراج نامبردگان از عراق به چه نحو می‌توان اقدام نمود؟

میرحسین موسوی

نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران

آقای پرورش وزیر وقت آموزش و پرورش نیز در همین رابطه نامه‌ای به شورای نگهبان ارسال داشته‌اند که به این شرح می‌باشد:

شماره: ۱۰۹۰۷

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۳

دفتر شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محترماً به استحضار می‌رساند، نظر به اینکه در اجرای طرح اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بخصوص در تعیین مصادیق (وسایل آموزش و پرورش رایگان و شمول یا عدم شمول رایگان بودن کارنامه و گواهی نامه تحصیلی مقاطع تحصیلی (ابتدائی - راهنمایی تحصیلی - متوسطه - هنرستانها و مراکز تربیت معلم) نظرات متفاوتی در وزارت آموزش و پرورش و سایر سازمانها به وجود آمده

است. لذا تقاضا می‌شود، موضوع به شورای محترم نگهبان قانون اساسی تسلیم و عنداللزوم با تعیین وقت نمایندگان این وزارتخانه را برای اداء توضیح دعوت فرمایند تا اشکال موجود رفع گردد.

لزوماً مختصری از توضیح و توجیهات مربوط به مطلب را ذیلاً به عرض می‌رساند:

وسایل آموزش و پرورش با توجه به گستردگی و تنوع دروس و رشته‌های موجود می‌تواند به کلیه ابزار و آلات و تجهیزاتی که برای آموزش و پرورش آن دروس بکار گرفته می‌شود، اطلاق گردد. در این صورت کتابهای درسی و نوشتافزار و وسایل نقاشی و رسم و ابزار لازم برای تهیه نمونه و مدل در رشته‌های فنی نیز شمول تعریف خواهد بود و لباس ورزش و کفش و توپ و ... نیز که از وسایل اولیه پرورش می‌باشد، در نظر بالا باید به طور رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

البته در رشته‌های فنی و آموزش فنون مختلف ابزار اولیه که برای ارائه آموزش کلی ضرورت دارد، از طرف هنرستان تهیه و در اختیار هنرآموزان و دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، لکن برای کسب مهارت بیشتر و انجام تمرینهای مکرر و ذوق‌آزمایی‌های افزون بر آنچه در برنامه‌های مصوب آموزش و پرورش قرار دارد، دانش‌آموز خود وسایل و ابزار لازم را تهیه می‌نماید.

کارنامه و گواهی نامه‌های مؤید تحصیلات نیز با ترتیب و کیفیتی که مرسوم است، نباید از بودجه دولت تهیه شود.

تقاضا می‌شود با عنایت به اصل سی‌ام قانون اساسی دایره شمول عبارت وسایل آموزش و پرورش رایگان را تفسیر و ابلاغ فرمایند.

سید اکبر پرورش

وزیر آموزش و پرورش

شماره: ۱۵۴۳

تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۱۷

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۳۰۳/م ن مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۹، موضوع سئوالات در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضاء به شرح

ذیل اعلام می‌گردد:

«اصل ۳۰ قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید، بنابراین آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود. و با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویتها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل ۳۰ قانون اساسی دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاههای ملی به موجب قوانین عادی نمی‌باشد. علیهذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نمی‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

رونوشت:

جناب آقای پرورش وزیر محترم آموزش و پرورش عطف به نامه شماره ۱۰۹۰۷ مورخ ۱۳۶۲/۹/۳.

تفسیر اصل یکصد و هشتم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۲۵۹۲/۵۵

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۱۵

تلفنگرام فوری

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

احتراماً چون در نظر است انتخابات میان دوره‌ای مجلس خبرگان و دومین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان برگزار گردد و در برگزاری همزمان دو انتخابات هماهنگی مهلت‌های قانونی حائز کمال اهمیت می‌باشد. خواهشمند است موافقت نمایند اصلاحیه مواد ۱۳ و ۱۶ آئین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان موضوع اصول ۵ و ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی را که به موجب آن زمان ثبت‌نام داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس - خبرگان از ۷ روز به ۱۴ روز افزایش یافته کان لم یکن تلقی و در اجرای ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون انتخابات خبرگان زمان ثبت‌نام داوطلبان ۷ روز منظور گردد.

تا هماهنگی لازم در مهلت ثبت‌نام داوطلبان هر دو انتخابات رعایت گردد.

مصطفی طهرانی

سرپرست ستاد انتخابات کشور

شماره: ۱۰۸۰۰

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۱۶

ستاد انتخابات کشور

عطف به تلفنگرام ۲۵۹۲/۵۵ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۵:

(۱) اصل یکصد و هشتم (قبل از بازنگری): قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون در صلاحیت مجلس خبرگان است.

* اصل یکصد و هشتم (بعد از بازنگری): قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهاء اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

«به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان چون مجلس خبرگان تشکیل شده است، بنابراین طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی هرگونه دستبرد در قانون انتخابات خبرگان با مجلس خبرگان می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و چهل قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱/۵۶۵۲۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۲۵

پیوست: دارد

شورای محترم نگهبان

با ارسال تصویر نامه‌های شماره ۲۰/۳۰۳۰۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۵ و ۲۰/۱۸/۹۵۷۲ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۳ دادستان عمومی تهران و نامه شماره ۷/۶۰۰۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۶ اداره حقوقی دادگستری به تجویز اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفسیری از اصل ۱۴۰ قانون اساسی از نظر حدود جرائم عادی مذکور در اصل مزبور با تصریح به اینکه جرائم ارتكابی وزرا حین انجام وظیفه یا به سبب آن هم عنوان جرائم عادی را دارد یا خیر؟ معمول و نتیجه را به شورای عالی قضائی اعلام فرمائید.

از طرف شورای عالی قضائی

ابوالفضل میرمحمدی

شماره: ۲۰/۱۸/۹۵۷۲

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۳

شورای محترم عالی قضائی

به پیوست تصویر نامه شماره ۲۰/۳۰۳۰۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۵^(۲) این دادسرا به عنوان

(۱) اصل یکصد و چهل (قبل از بازنگری): رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای ملی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

* اصل یکصد و چهل (بعد از بازنگری): رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

شماره: ۲۰/۳۰۳۰۴

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۱/۱۵

(۲)

ریاست اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

به طوری که استحضار دارند طبق اصل ۱۴۰ قانون اساسی رسیدگی به جرائم عادی وزرا با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود. به لحاظ سکوت قانون مذکور در مورد سایر جرائم وزیران من جمله جرایمی که به سبب و حین انجام وظیفه مرتکب می‌شوند راجع به صلاحیت و تشریفات رسیدگی ابهام ایجاد گردیده است خواهشمند است دستور فرمائید بررسی و اعلام فرمایند:

«۱- آیا قانون محاکمه وزرا و هیأت منصفه مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۷ به اعتبار خود باقی است یا خیر؟

اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران و پاسخ اداره مذکور به شماره ۷/۶۰۰۴ مورخ ۶۲/۱۱/۲۶^(۱) ارسال می‌گردد نظر به اینکه استنباط می‌گردد موضوع تفسیر اصل ۱۴۰ قانون اساسی پیش آمده است که در صلاحیت شورای محترم نگهبان می‌باشد خواهشمند است موضوع را از شورای محترم نگهبان استعلام و با توجه به اینکه پرونده چند تن از وزرا در این دادرسی مطرح که جنبه‌های متعددی را نیز در بر دارد هر چه زودتر باید بررسی شود تقاضا می‌شود که خارج از نوبت رسیدگی و اظهار نظر فرمایند.

دادستان عمومی تهران

میرعمادی

شماره: ۱۰۸۷۰

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۲۹

شورای محترم عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۱/۵۶۵۲۱ مورخ ۶۲/۱۲/۲۵ اشعار می‌دارد:

«مفاد اصل ۱۴۰ قانون اساسی روشن است و نیازی به تفسیر ندارد و ارتکاب جرم در حین یا به سبب انجام وظیفه، وصف عادی بودن آنرا از میان نمی‌برد و همانطور که در نظر مشورتی

→ ۲- در صورتی که اطلاع مجلس شورای اسلامی در رسیدگی به جرائم عادی وزیران تصریح گردیده است انجام این تشریفات در جرائم مربوط به سبب یا حین انجام وظیفه ضرورت دارد یا خیر؟

دادستان عمومی تهران

میرعمادی

شماره: ۷/۶۰۰۴

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۱/۲۶

(۱)

آقای دادستان محترم دادرسی عمومی تهران

بازگشت به استعلام شماره ۲۰/۳۰۳۰۴ مورخ ۶۲/۱۱/۱۵ نظر مشورتی کمیسیون قوانین جزائی اداره حقوقی به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«با توجه به قوانین جاریه خصوصاً اصول ۱۴۰ و ۱۶۸ و ۱۷۲ و ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۳۰۷ که بر مبنای اصل ۶۹ قانون اساسی منسوخ رژیم سابق به تصویب رسیده است به لحاظ انتفاء مبنای آن ملغی است. و مراد از جرائم عادی مذکور در اصل ۱۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جرائم غیر سیاسی و نظامی است و شامل جرائم عادی ارتکاب شده در حین انجام وظیفه یا به سبب آن هم می‌شود.

نتیجتاً رسیدگی به جرائم عادی وزرا اعم از اینکه در حین و یا به سبب انجام وظیفه باشد یا نباشد با اطلاع مجلس، در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود».

رئیس اداره حقوقی

اداره حقوقی دادگستری آمده، رسیدگی به جرائم عادی (نه سیاسی، نظامی، مطبوعاتی....) ارتكابی رئیس جمهور، نخست وزیر و وزرا چه در حین یا به سبب انجام وظیفه باشد یا نباشد، با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می شود».

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی

شماره: ۳۶۹۷۸

تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۳۰

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه در خصوص نحوه اداره بعضی از سازمانهای مستقل که وابسته به نخست وزیری هستند ابهاماتی ایجاد شده لذا خواهشمند است با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند:

«آیا وجود یا ایجاد سازمانهای مستقل و وابسته که زیر نظر نخست وزیر اداره می‌شوند (مانند سازمان برنامه و بودجه) و در جهت انجام وظایف مذکور در اصل ۱۳۴ فعالیت می‌نمایند مغایرتی با قانون اساسی دارد یا خیر؟ و آیا با وضع قانون می‌توان سازمانهایی که وسیله و ابزار نظارت نخست وزیر بر کار وزیران و هماهنگی تصمیمات دولت و تعیین برنامه و خط‌مشی دولت و سایر موارد مندرج در این اصل است از نخست وزیری متزع و به وزارتخانه‌ای واگذار نمود؟

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۱۶۱۹

تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۳

جناب آقای موسوی نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۳۶۹۷۸ مورخ ۱۳۶۳/۵/۳۰:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«وجود یا ایجاد سازمانهای وابسته به نخست وزیری که وسیله و ابزار نظارت نخست وزیر بر کار وزیران و هماهنگی تصمیمات دولت و تعیین برنامه و خط‌مشی دولت و به طور کلی مربوط به وظایف نخست وزیر مندرج در اصل ۱۳۴ قانون اساسی است، مغایر قانون اساسی نمی‌باشد. انتزاع سازمانهای مزبور از نخست وزیری و واگذاری آنها به وزارتخانه‌ای دیگر با قانون اساسی مغایرت دارد.

بدیهی است مقررات قانونی مربوط به وظایف و اختیارات سازمانهای یاد شده باید با قانون اساسی مطابقت داده شود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱/۱۲۸۳۹/۲

تاریخ: ۱۳۶۳/۶/۲۹

شورای محترم نگهبان

به تجویز اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی را در زمینه این که منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی چیست و مراجع قضائی ارتباط وظایف را با جرائم باید بر چه مبنائی قرار دهند تفسیر و نتیجه را به شورای عالی قضائی اعلام فرمائید.

از طرف شورای عالی قضائی

ابوالفضل میرمحمدی

شماره: ۱۷۹۰

تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲

شورای محترم عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۱/۱۲۸۳۹/۲ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۹ موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح شد و جواباً به استحضار می‌رسانند:

«مفهوم کلی جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی روشن است و محتاج به تفسیر نیست، و منظور تخلفاتی است که مأمور نظامی یا انتظامی در ارتباط با وظایف خاص خود مرتکب می‌شود و وظایف خاص و حدود آن را قانون عادی معین می‌نماید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) اصل یکصد و هفتاد و دوم: برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

تفسیر اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱/۴۸۴۸

تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۲

شورای محترم نگهبان

با توجه به اصل ۱۲۶ قانون اساسی، خواهشمند است تفسیراً نظر خود را در مورد این اعلام فرمائید:

- ۱- تشخیص خلاف قانون بودن تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها با کیست؟
- ۲- در صورت اختلاف نظر میان رئیس جمهور و هیأت دولت، آیا نظر رئیس جمهور متعین است؟ یا مرجع نهایی دیگری وجود دارد؟

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۱۹۴۷

تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۵

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی

عطف به نامه شماره ۱/۴۸۴۸ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۲:

در ارتباط با اصل ۱۲۶ قانون اساسی نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

«در اینکه تشخیص مغایرت تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها با رئیس جمهور است اصل ۱۲۶ به وضوح دلالت دارد و محتاج به تفسیر نیست و در موارد اختلاف بین رئیس جمهور و هیأت وزیران نظر شورا بر این است که بدون رعایت نظر رئیس جمهور تصویب‌نامه و آئین‌نامه قابل اجراء نمی‌باشد.»

(۱) اصل سابق یکصد و بیست و ششم (قبل از بازنگری): تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیأت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد و در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران می‌فرستد.

* اصل سابق یکصد و بیست و ششم (بعد از بازنگری): رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

تذکراً در صورتی که اختلاف مربوط به اختلاف استنباط از قانون اساسی با قانون عادی باشد چنانچه شورای نگهبان طبق اصل ۹۸ قانون اساسی یا مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۷۳ قانون را تفسیر نمود، تفسیر قانون مستند خواهد بود.^(۱)

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

(۱) لازم به توضیح است که بعد از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ براساس قسمت اخیر اصل ۱۳۸ قانون اساسی تشخیص مخالفت تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت با قوانین (عادی) به عهده رئیس مجلس شورای اسلامی گذاشته شده است.

تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی

شماره: ۵۸۱۱۰

تاریخ: ۱۳۶۳/۸/۳

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه دستگاههای مختلف اجرایی در رابطه با اصل ۷۷ قانون اساسی دچار ابهاماتی هستند و همین امر موجبات رکود نسبی اقدامات این دستگاهها را فراهم آورده، خواهشمند است نسبت به سؤال زیر که در نامه‌های شماره ۳۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۷ و شماره ۸۸۰۳۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۱ نیز آمده است اعلام نظر فرمایند:

«آیا قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت دولتی ایران از یک طرف، با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی از طرف دیگر منعقد می‌شود، قرارداد بین‌المللی محسوب و مشمول اصل فوق‌الذکر می‌باشد؟»

تسریع در اعلام نظر موجب امتنان خواهد بود.

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۲۰۰۹

تاریخ: ۱۳۶۳/۸/۱۶

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۸۱۱۰ مورخ ۱۳۶۳/۸/۳؛

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح گردید و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه‌ها و سایر سازمانهای دولتی ایران و شرکتهای خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می‌گردد منصرف است و موارد خاص این‌گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد. ولی قانون عادی می‌تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز به طور موردی موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی بنماید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی (قبل از بازنگری)

شماره: ۷۳۸۹۴

تاریخ: ۱۳۶۳/۹/۲۵

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عطف به نظریه شماره ۱۹۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ آن شورای محترم در خصوص اصل ۱۲۶ قانون اساسی خواهشمند است نسبت به موارد زیر اعلام نظر فرمایند:

۱- با توجه به اینکه ذکر دلیل برای اعاده تصویب نامه‌ها به هیأت وزیران مطابق اصل ۱۲۶ لازم می‌باشد آیا در مواردی که در اعلام مغایرت مصوبات دولت بعضی از قوانین ملحوظ نگردیده باشد می‌توان مراتب را به استحضار ریاست محترم جمهوری رساند تا چنانچه توضیحات را کافی دانستند مطابق تصویب نامه صادره عمل شود؟

۲- در مواردی که دلایل ابرازی موضوع اصل ۱۲۶ با صریح قوانین تعارض آشکار داشته باشد چه صورتی دارد و در این موارد استفسار از مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان لازم است یا خیر و آیا می‌توان اختیاراتی را که در قانون برای هیأت وزیران در جهت وضع تصویب نامه‌ها و آئین نامه منظور شده به استناد اصل مزبور محدود نمود؟

جهت مزید اطلاع تصویر مصوبات شماره ۱۴۱۶۰ مورخ ۶۳/۵/۱ و شماره ۱۴۲۳۰ مورخ ۶۳/۳/۲۴ و شماره ۴۳۴۹۰ مورخ ۶۳/۶/۲۱ و شماره ۹۴۲۴۸ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۹ و شماره ۹۴۱۰۸ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۸ و شماره ۹۳۸۶۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۴ و شماره ۸۶۹۱۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۹ و شماره ۴۴۹۳۲ مورخ ۱۳۶۳/۶/۱۸ هیأت وزیران به انضمام مکاتبات مربوطه ایفاد می‌گردد.

۳- در صورتی که مصوبات دولت به تأیید دیوان عدالت اداری یا سازمان بازرسی کل کشور با توجه به وظایف و اختیاراتی که در قانون اساسی و قوانین تشکیل دارند برسد در ارتباط با اصل ۱۲۶ به چه نحو اقدام باید کرد علی الخصوص با عنایت به اینکه در اصل ۱۲۶ فرصتی معین نشده است.

۴- آیا به استناد اصل ۱۲۶ می‌توان از طرف ریاست محترم جمهوری مغایرت تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولت را با قوانین اعلام نمود؟

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۲۳۶۰

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۵

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۷۳۸۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۹/۲۵:

پرسش‌های مطروحه در جلسات شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اعلام نظر شد:

«۱- دولت در رابطه با نظر ریاست جمهوری اگر توضیحات و دلایلی داشته باشد به رئیس جمهوری ارائه دهد تا چنانچه رئیس جمهوری توضیحات را کافی دانست تصویب نامه صادره اجراء شود.

۲- پاسخ سئوال دوم از نظریه شماره ۱۹۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ شورای نگهبان معلوم می‌شود و بررسی جدید لزوم ندارد.

۳- مستفاد از اصل ۱۲۶ قانون اساسی این است که قبل از اعلام نظر رئیس جمهور مصوبه رسمیت اجرایی ندارد. علیهذا تعارض بین نظر دیوان عدالت اداری که پس از رسمیت یافتن مصوبه قابل اظهار است با نظر رئیس جمهور بی‌موضوع می‌باشد.

۴- به موجب این اصل بررسی و اظهار نظر در مغایرت مصوبه با قوانین با شخص رئیس جمهور است، ولی اعلام نظر او از سوی مشاور یا رئیس دفتر ریاست جمهوری به طور رسمی در صورتی که قبلاً رئیس جمهور به مسئولیت خود رسمیت و اعتبار امضاء او را اعلام کرده باشد مغایر با قانون اساسی نیست.»

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل نود و ششم قانون اساسی

شماره: ۱۳۰۴۷/۲۵۱.د. ه.

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۵

شورای محترم نگهبان

لطفاً به سؤال ضمیمه از جناب آقای رضوی نماینده تبریز جواب بفرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۴

حضور مبارک ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی «دام ظلّه»

سلام علیکم

در خصوص اصل ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سؤالی داشتم از آن جایی که گمان کردم باید مسائل مربوط به قوه مقننه را به عنوان یک نماینده با مسئول خودم یعنی ریاست محترم مجلس در میان بگذارم لذا مزاحم اوقات آن جناب شدم و اگر شرعاً یا قانوناً خودتان را مرجع این گونه سؤالات نمی دانید لطفاً به عنوان مسئول مجلس، پاسخ آنرا از هر مقامی که صلاحیت و مسئولیت آن را شرعاً و قانوناً دارد تهیه فرموده و اینجانب را هدایت فرمائید.

سؤال:

طبق اصل ۹۶ قانون اساسی تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است، سؤال این است که این تشخیص کدام یک از صور زیر می باشد:

مغایرت با احکام شرع یعنی مغایرت:

۱- با اجماع مسلمین

۲- با اجماع فقهاء مسلمین

۳- با فتوای مشهور

۴- با نظر و اجتهاد خود اعضای شورای نگهبان

که در سه صورت اول نقش فقهای محترم شورای نگهبان نقش تشخیص دهنده و در صورت اخیر نقش فتوادهنده خواهد بود.

و مطابقت با احکام شرع یعنی مطابقت با:

۱- نظر و اجتهاد اعضاء محترم شورای نگهبان

۲- با اجماع مسلمین

۳- با اجماع فقها

۴- با فتوای مشهور

۵- با فتوای غیر مشهور و غیر نادر

و به عبارت دیگر آیا موافقت فی الجمله کافی نیست (مانند صورت پنجم)؟

با تقدیم احترام

مرتضی رضوی

نماینده مردم تبریز

شماره: ۲۴۳۷

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۱۱

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۳۰۴۷/۲۵۱/د - ه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۵ اگرچه پاسخ سؤال با دقت در اصل ۴، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی به وضوح معلوم می شود، مع ذالک پرسش ارسالی در جلسه شورای نگهبان مطرح و نظر اعضای شورا بر این است که: «تشخیص مغایرت یا انطباق قوانین با موازین اسلامی به طور نظر فتوایی با فقهای شورای نگهبان است».

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

تفسیر اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱/۹۷۹۵

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۱

شورای محترم نگهبان

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی مصوب مجلس شورای اسلامی برای ابلاغ به دولت به امضای «رئیس جمهور» می‌رسد (مفاد اصل ۱۲۳ قانون اساسی)، آیا مراد از «امضاء عهد نامه‌ها و... به وسیله رئیس جمهوری یا نماینده قانونی او» که در اصل ۱۲۵ به آن تصریح شده، همان است که فوقاً بدان اشاره شد؟ خواهشمند است نظر تفسیری خود را بیان فرمایند.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۲۹۶۱

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۸

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۹۷۹۵ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱؛

در ارتباط با اصل ۱۲۵ قانون اساسی نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود: «مستفاد از اصل ۱۲۵ قانون اساسی این است که امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و... با امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است و سند قرارداد با امضای رئیس جمهوری یا نماینده قانونی او رسمیت خواهد یافت».^(۱)

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) ریاست محترم وقت جمهوری اسلامی به علت ابهام در پاسخ مجدد سئوالی به این شرح از شورای نگهبان نمودند که در سوابق شورا پاسخی به آن مشاهده نگردید، لذا جهت ثبت در تاریخ عیناً درج می‌گردد:

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۱۵

شورای محترم نگهبان

بازگشت به پاسخ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۸ آن شورا، خواهشمند است اعلام فرمائید:

آیا امضای عهد نامه‌ها، مقاوله نامه‌ها و... از سوی رئیس جمهور یا نماینده قانونی او، همان امضای تصریح شده در اصل ۱۲۳ است؟

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی (قبل از بازنگری)

شماره: ۱/۱۰۵۰۴

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۲۵

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را درباره موارد زیر اعلام فرمائید:

- ۱- آیا استعفای وزرا پس از موافقت نخست وزیر، به مانند عزل و نصب آنان، به تصویب و تأیید رئیس جمهور نیاز دارد؟
- ۲- آیا تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌ای بی‌وزیر به تصویب و تأیید رئیس جمهور نیاز دارد؟

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۳۱۳۷

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۲۹

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۱۰۵۰۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۵؛

نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

- ۱- «از قانون اساسی راجع به لزوم یا عدم لزوم قبول استعفاء از طرف نخست وزیر یا رئیس جمهور مطلبی استفاده نمی‌شود. علیهذا ترتیب کار باید طبق قانون عادی معین شود.
- ۲- در قانون اساسی سرپرستی (تصدی) موقت وزارتخانه‌ها جز برای نخست وزیر که آن هم باید با موافقت رئیس جمهور و تأیید مجلس شورای اسلامی انجام شود پیش‌بینی نشده است و مسئولیت وزارتخانه‌ها فقط با وزرا یا نخست وزیر در حال تصدی او می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی

شماره: ۱۵۵۶۸/۲۵۱.د. ه.

تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۱۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

پس از سلام، پیرو سؤال عده‌ای از نمایندگان مجلس از آقای نخست وزیر و اشکالی که در اعلام وصول آن مطرح فرمودید، اینک استفساریه جمعی از نمایندگان از شورای محترم نگهبان در خصوص مسئله «سؤال از نخست وزیر» به پیوست تقدیم و به منظور پیشگیری از فوت وقت و تضییع حقوق ملت ایران تقاضای تسریع در تعیین تکلیف می‌شود.^(۱)

شورای محترم نگهبان «ایدهم الله تعالی»

با سلام و تقدیم احترام پس از نظری که آن شورا در بررسی آئین‌نامه داخلی مجلس طی شماره ۴۵۱۳ مورخ ۱۳۶۱/۲/۲ درباره مسئولیت نخست وزیر، مستند به اصل ۸۸ قانون اساسی ارائه فرمودند و اظهار شد که سؤال به ترتیب موجود در اصل ۸۸ از وزیر عملی می‌شود،^(۲) طی نظریه شماره ۶۲۰۶ مورخ ۶۱/۸/۲۳ درباره طرح قانونی تشکیل

(۱) رئیس وقت مجلس شورای اسلامی پی‌نوشت نمود:

شورای محترم نگهبان

لطفاً به سؤال نمایندگان پاسخ فرمائید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۶۴/۲/۱۸

(۲) اولاً وزیر مسئول در اصل ۸۸ نخست وزیر را هم شامل می‌شود، چرا که نخست وزیر خود یک وزیر است و کلمه وزیر اول به نخست وزیر ترجمه شده است و کلمه وزیر مسئول در این اصل عام می‌باشد. ثانیاً به نظر می‌رسد که اصل ۸۸ قانون اساسی بحث در نحوه و کیفیت پاسخگویی به مجلس دارد و مسئله امکان و توانائی سؤال از وزیر یا نخست وزیر مطرح نیست که شورای نگهبان در نظریه شماره ۴۵۱۳ مورخ ۶۱/۲/۲ خویش با عبارت با توجه به اینکه در اصل ۸۸ تصریح شده که نماینده از وزیر مسئول می‌تواند سؤال کند ... روی مسئله امکان سؤال تکیه کرده است. در حالی که قانون اساسی در اینجا در مقام بیان این مطلب نبوده است که نماینده از وزیر می‌تواند و از نخست وزیر نمی‌تواند سؤال کند. حتی دامنه‌اش توسعه هم یافته و گفته شود در قانون اساسی پیش‌بینی سؤال از نخست وزیر نشده است، در این صورت صراحت اصل ۱۳۴ چه می‌شود؟ (پاورقی مربوط به نامه مذکور می‌باشد.)

شورای عالی صنایع به این شرح. تشکیل این شورا با توجه به اینکه مسئول تصمیمات آن در برابر مجلس معلوم نشده است و مستفاد از اصل ۸۸، ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون اساسی این است که مجلس و نمایندگان در کل امور اجرایی از نخست وزیر و وزرا حق سؤال دارند با سه اصل مذکور مغایر است نخست وزیر را مسئول دانسته و اجازه سؤال از وی داده‌اید همچنین در ماده ۱۵۱ آئین‌نامه داخلی که به تأیید آن شورا نیز رسیده اجازه سؤال از نخست وزیر داده شده است و خصوصاً که براساس نص صریح ذیل اصل ۱۳۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد:

نخست وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است. طبعاً و به طور قطع نظریه شماره ۴۵۱۳ شورای نگهبان نمی‌تواند منجر و منتج به عدم مسئولیت نخست وزیر گردد. بعلاوه:

اولاً، ذیل اصل ۱۳۴ نمی‌تواند ناظر بر مسئولیت نخست وزیر به عنوان امکان استیضاح باشد، چون استیضاح نخست وزیر به تنهایی معنا ندارد، زیرا هم قانون اساسی در اصل ۸۹ پیش‌بینی استیضاح هیأت وزیران را کرده است و هم اینکه چون در استیضاح مسئله اخذ رأی اعتماد مطرح است نمی‌تواند درباره شخص نخست وزیر معنی داشته باشد.

ثانیاً، کلمه «مجلس» در ذیل اصل ۱۳۴ به این معنی نیست که نخست وزیر باید پاسخگوی کل مجلس به عنوان یک شخصیت حقوقی باشد، چرا که مجلس اساساً یک شخصیت حقوقی نیست، و به علاوه در اصل ۱۳۷ درباره وزرا نیز عیناً چنین عبارتی وجود دارد.

یا مثلاً نمی‌توان چنین تفسیر کرد که باید مجلس مورد سؤال را تصویب کند، آنگاه نخست وزیر برای پاسخگویی حاضر شود، زیرا وقتی قانون اساسی به ۱۰ نفر نماینده اجازه استیضاح هیأت دولت را می‌دهد، چطور می‌توان پذیرفت که برای یک سؤال از نخست وزیر آرای حداقل نصف به علاوه یک نمایندگان حاضر ضروری است. خواهید گفت از ذیل اصل ۱۳۴ چه چیزی مورد نظر بوده است؟ به نظر می‌رسد که عمده دلیلی که برای ذیل اصل ۱۳۴ قانون اساسی وجود دارد این است که خواسته است مواردی را

که به وزارتخانه خاصی ارتباط نداشته و بلکه با تصمیم هیأت وزیران عملی می‌شود. بلا تکلیف نگذاشته و مسئولش را مشخص کند که گفته است، «نخست وزیر» باید پاسخگو باشد که مورد پیوست نمونه‌ای از این حالت است.

بالتبع اختیارات و مسئولیت‌هایی که در قانون اساسی منحصر به نخست وزیر بوده و به وی واگذار شده باید پاسخگویی باشد یا تصمیماتی که شخص وی اتخاذ نموده و یا اقداماتی که شخص وی می‌نماید باید نسبت به آنها در برابر مجلس پاسخگو باشد و اساساً نمی‌شود فردی به هر عنوان از مجلس رای اعتماد بگیرد و پاسخگوی مجلس نباشد^(۱) و البته به غیر از شیوه مذکور در اصل ۸۸ روش دیگری که با سایر اصول قانون اساسی سازگاری داشته و اقناع‌کننده آنها باشد، نمی‌توان یافت. مضافاً بر اینکه اعلام غیر بودن نخست وزیر به نحوی که الآن مطرح است، باعث می‌شود که قانونگذار نتواند هیچ وظیفه‌ای را به عهده وی بگذارد، در حالی که در مواردی، غیر از نخست وزیر هیچ عنصری نمی‌تواند آن وظیفه را به نحو احسن اداره نماید (سازمان امور اداری و استخدامی، سازمان حفاظت محیط زیست و... از آن جمله‌اند). لذا استدعا می‌شود راهنمایی بفرمائید.

محمدرضا باهنر، اسماعیل فدائی، سید احمد کاشانی، سید محمد حسن علوی،

سید رضا زواره‌ای، لطیف صفری، غلامرضا رحیمی، محمد یزدی،

رحیم علیزاده، فریدون استکی، حسین محمد خانی شاهرودی، جعفری،

محمد صالح طاهری، سید جواد حسینی، سید اسداله بادامچیان،

محمدرضا عباسی‌فرد، محمد محمدی، سید ابوطالب محمودی، سید جلیل صدر طباطبائی.

(۱) وظایف انحصاری نخست وزیر مثل معرفی وزرا به مجلس چگونه باید مورد سؤال قرار گیرد؟ (قریب یکسال است که وزیر دفاع در شرایط جنگی وجود ندارد) و کلاً تصمیماتی که نخست وزیر اتخاذ می‌نماید چه کسی باید پاسخگویی باشد؟ چه براساس قوانینی که از همین مجلس گذشته و شورای نگهبان هم تأیید کرده است (مثل قانون نحوه اداره صدا و سیما مستند به اصل ۱۷۵ قانون اساسی)، یا تصمیماتی که هیأت وزیران براساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌گیرد؟ یا نخست وزیر باید دستور اجرای قوانین را بدهد و... یا در مورد مسائل مربوط به داوری در لایحه بین ایران و آمریکا که شخص نخست وزیر تصمیم گیرنده است؟ (پاورقی مربوط به نامه مذکور می‌باشد).

شماره: ۳۳۹۱

تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۲۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۵۵۶۸/۲۵۱.د. ه مورخ ۱۳۶۴/۲/۱۸:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح شد و پس از دقت مجدد در اصل ۸۸ قانون

اساسی نظر اکثریت اعضای به شرح زیر اعلام می شود:

«به موجب اصل مذکور نمایندگان فقط حق سؤال از وزیر مسئول را دارند».

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

تفسیر اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی (قبل از بازنگری)

شماره: ۶۷/۶۴ م

تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۲۶

شورای محترم نگهبان

بعد التحیه و السلام

نظر به اینکه مطابق اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی:

«شورای عالی قضائی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور

۲- دادستان کل کشور

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور

اعضاء این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان

بلامانع است.

شرائط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را قانون معین می‌کند.

و نظر به اینکه تعبیر «مدت پنج سال» با توجه به دوره‌ای بودن برخی دیگر از تأسیسات قانون اساسی، نظیر: ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی محلّ سؤال و تفسیر قرار گرفته است که آیا «مدت پنج سال» در خصوص شورای عالی قضائی نیز افاده دوره می‌کند یا نه؟ خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را درباره این اصل قانون اساسی اعلام فرمایند.

با عنایت به اینکه تاریخ تشکیل اولین شورای عالی قضائی تیر ماه ۱۳۵۹ بوده است تسریع در اعلام نظر شورای محترم نگهبان موجب سپاسگذاری است.

از طرف شورای عالی قضائی

مرتضی مقتدائی

شماره: ۳۴۷۲

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۱

شورای محترم عالی قضائی

عطف به نامه شماره ۶۷/۶۴ م مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۶؛

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت

و نظر اکثریت اعضا (بیش از سه چهارم) به شرح ذیل اعلام می گردد:

«مستفاد از اصل ۱۵۸ قانون اساسی دوره ای بودن شورای عالی قضائی است لذا باید در هر پنج سال انتخاب اعضای شورای مزبور تجدید شود هر چند برخی از آنها در اثناء دوره انتخاب شده باشند».^(۱)

دبیر شورای نگهبان
لطف الله صافی

(۱) درج این تفسیر فقط از جنبه تاریخی قابل اهمیت است، چرا که پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ شورای عالی قضائی منحل و تمام اختیارات قوه قضائیه به رئیس آن که براساس اصل یکصد و پنجاه و هفتم و بند «ب» قسمت (۶) اصل یکصد و دهم قانون اساسی انتخاب می شود واگذار گردیده است. ضمناً لازم به توضیح است که اصل ۱۵۸ (بعد از بازنگری قانون اساسی) در خصوص وظایف رئیس قوه قضائیه می باشد.

تفسیر اصول یکصد و بیست و چهارم،^(۱) یکصد و سی و پنجم^(۲) و
یکصد و چهل و یکم قانون اساسی (قبل از بازنگری)

شماره: ۱۶۰۴۸/۲۵۸. د. ه.

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۸

شورای محترم نگهبان

به خاطر نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و نداشتن سه وزیر در کابینه و ابهام قانون اساسی لازم است که نظر شورا در تفسیر اصول ۱۲۴، ۱۳۵ و ۱۴۱ روشن باشد. خواهشمند است نظر شورا را در مورد مسائل زیر بیان فرمائید:

۱- با توجه به دو اصل ۱۲۴ و ۱۳۵ آیا پس از انتخاب رئیس جمهور نخست وزیر و کابینه به اعتبار سابق خود باقی هستند و یا نیاز به معرفی جدید به مجلس و گرفتن رأی تمایل و اعتماد وجود دارد؟

۲- بر فرض نیاز به معرفی جدید، در فرض انتخاب مجدد رئیس جمهور قبلی که خود، نخست وزیر و کابینه را به مجلس آورده نیز چنین نیازی هست یا نه؟

۳- جواز سرپرستی نخست وزیر نسبت به وزارتخانه‌های فاقد وزیر براساس اصل ۱۴۱ احتیاج به تصویب مجلس و موافقت ریاست جمهوری و یا یکی از آن دو دارد و یا ندارد؟

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

(۱) اصل یکصد و بیست و چهارم (قبل از بازنگری): رئیس جمهور فردی را برای نخست وزیری نامزد می‌کند و پس از کسب رأی تمایل از مجلس شورای ملی حکم نخست وزیری برای او صادر می‌نماید.

* اصل یکصد و بیست و چهارم (بعد از بازنگری): رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت.

(۲) اصل یکصد و سی و پنجم (قبل از بازنگری): نخست وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس است در سمت خود باقی می‌ماند استعفای دولت به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و تا تعیین دولت جدید نخست وزیر به وظایف خود ادامه می‌دهد.

* اصل یکصد و سی و پنجم (بعد از بازنگری): وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند. استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد.

رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

شماره: ۳۵۸۷

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۶۰۴۸/۲۵۸/د. ه مورخ ۱۳۶۴/۳/۸:

موضوع سئوالات در جلسات شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا (با اکثریت سه چهارم اعضاء) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- مستفاد از اصل ۱۲۴ قانون اساسی این است که رئیس جمهور پس از انتخاب موظف است فردی را برای نخست وزیری تعیین و برای کسب رای تمایل به مجلس معرفی نماید، بنابراین پس از تجدید انتخابات ریاست جمهوری، خواه رئیس جمهور جدیدی انتخاب شده یا همان رئیس جمهور قبلی مجدداً برگزیده شود می‌بایست نسبت به تعیین نخست وزیر و معرفی او به مجلس برای کسب رای تمایل اقدام نماید.

۲- جواز سرپرستی نخست وزیر نسبت به وزارتخانه‌های فاقد وزیر به موافقت ریاست جمهوری و تصویب مجلس احتیاج دارد، در این خصوص قبلاً هم طی شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ در پاسخ مقام محترم ریاست جمهوری به همین نحو اعلام نظر شده است»^(۱)

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) درج این تفسیر فقط از جنبه تاریخی قابل اهمیت است، همچنین جهت اطلاع از نظریه آن شورا که در بند (۲) آمده است به صفحه ۱۱۸ همین مجموعه مراجعه نمایید.

تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: م/ ۱/۲۱۱۲

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۸

شورای محترم نگهبان

با ارسال تصویر نامه شماره ۲۰/۲۳۶۱ مورخ ۱۳۶۴/۲/۵ دادستان عمومی تهران منضم به تصاویر نامه‌های مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۹ و ۱۳۶۴/۱/۲۸^(۱) بازپرسی شعب ۳۵ و ۴۰ دادرای عمومی تهران تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مورد زیر را اعلام فرمائید:

۱- صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده در مواردی که طرف دعوی شرکت دولتی خارجی است و حاصل از قراردادی باشد که انعقاد اصل قرارداد با توجه به تفسیر شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ از اصل ۷۷ قانون اساسی نیاز به تصویب مجلس نداشته، آیا احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد؟

۲- تفاهم‌نامه مورخ ۱۳۶۲/۲/۲ به نحو عنوان شده در گزارش مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۹

(۱)

تاریخ: ۱۳۶۴/۱/۲۸

ریاست محترم دادرای عمومی تهران

با توجه به دستور مورخ ۶۴/۳/۲ جناب‌عالی قبل از طرح سؤال مورد نظر تذکاره زیر جهت روشن شدن قضیه ضرورت دارد:

۱- شرح سؤال در تاریخ ۶۳/۱۰/۹ وسیله آقای بازپرس شعبه ۳۵ دادرای عمومی تهران (صفحات ۲۳۶ تا ۲۴۹ پرونده) اشاره شده که فتوایی آن نزد جناب‌عالی ارسال شده است ولی تاکنون پاسخ آن داده نشده است.
۲- ضمناً تفاسیری که از اصول ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی از طرف شورای نگهبان داده شده است، در تاریخهای ۶۲/۹/۸ و ۶۳/۸/۱۶ مغایر یکدیگر بوده و رافع مشکل پرونده نیست توجه ریاست محترم دادرای را به این دو نظریه جلب می‌نمایم. و اما سؤال مورد نظر فعلی از شورای نگهبان به شرح زیر می‌باشد:

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده، در موردی که طرف دعوی شرکت دولتی خارجی است، چنانچه حاصل از قراردادی باشد که انعقاد اصل آن قرارداد با توجه به تفسیر شماره ۲۰۰۹ - ۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان در مورد اصل ۷۷ قانون اساسی که اظهار نظر نموده احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد، آیا صلح دعاوی مذکور احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد یا خیر؟

بازپرس شعبه ۴۰ دادرای عمومی تهران

قسمت کارکنان دولت

مصدق صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی را دارد یا خیر؟

از طرف شورای عالی قضائی
ابوالفضل میرمحمدی

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۱۹

شورای محترم عالی قضائی

عطف به نامه شماره م/۱/۲۱۱۲ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۸:

«توجه آن شورای محترم را بدین نکته معطوف می‌دارد که اصل ۱۳۹ قانون اساسی صراحت دارد که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی در صورتی که طرف دعوی خارجی باشد، باید علاوه بر تصویب هیأت وزیران به تصویب مجلس نیز برسد و هیچ‌گونه استثنائی هم پیش‌بینی نشده و از این جهت موردی برای تفسیر آن ندارد و اما برخلاف استنباط آقایان بازپرسان ابهام و یا تعارض بین دو نظر شورای نگهبان که در تاریخ‌های ۱۳۶۲/۹/۸ و ۱۳۶۳/۸/۱۶ در رابطه با تفسیر اصل ۷۷ قانون اساسی و قراردادهای بین‌المللی ابراز شده وجود ندارد. زیرا در نظریه مورخ ۱۳۶۲/۹/۸ خلاصه نظر شورای نگهبان در رابطه، با سؤال نمایندگان مجلس این بوده که یادداشت تفاهم اگر ایجاد تعهد نماید و قراردادهای جزئی اگر خارج از محدوده اصل قرارداد باشد در حکم قرارداد است و ضوابط حاکم بر قرارداد بر آنها در این مورد باید رعایت شود. یعنی چنانچه قرارداد بین‌المللی محسوب شود، طبقاً طبق اصل ۷۷ باید به تصویب مجلس برسد.

و نظریه مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ نیز در مقام بیان مفاد قرارداد بین‌المللی بوده و اظهار نظر شده که قراردادهایی که برای انجام معامله با شرکتهای خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می‌شود، خود به خود مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نبوده یعنی قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و انعقاد آن نیاز به تصویب مجلس ندارد طبق ضوابطی که به وسیله قانون عادی معین می‌شود، قابل انعقاد است بنابراین تعارضی بین دو نظریه شورای نگهبان وجود ندارد و هیچ یک از آنها نمی‌تواند در مورد صلح دعاوی دولتی مورد استناد قرار گیرد. زیرا صلح دعوی ارتباطی با انعقاد قرارداد ندارد و در اصل ۱۳۹ بدون ابهام حکم آن تعیین شده است. به جاست شورای عالی قضائی ارشاد و راهنمایی لازم را در این خصوص نسبت به قضات مربوطه معمول فرمایند.

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۳۰۶/۵۵

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

به طوری که استحضار دارند به موجب اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی، رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت کنندگان انتخاب می شود و در صورتی که در مرحله اول هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورند، انتخابات به مرحله دوم کشیده می شود.

با عنایت به اینکه کیفیت انتخاب رئیس جمهور در مرحله دوم مشخص نگردیده خواهشمند است دستور فرمایند در پاسخ اعلام نمایند که در مرحله دوم نیز اکثریت مطلق آرا ملاک عمل خواهد بود و یا کسب اکثریت نسبی آرا کافی است.

علی اکبر ناطق نوری

وزیر کشور

شماره: ۲۷۶۴

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۵

جناب حجت الاسلام ناطق نوری

وزیر محترم کشور

عطف به نامه شماره ۳۰۶/۵۵ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۹:

نظر اکثریت (سه چهارم) اعضای شورا به شرح زیر اعلام می شود:

«در دوره دوم هر یک از دو نفر که اکثریت داشته باشند انتخاب می شود. نهایت این است

(۱) اصل یکصد و هفدهم: رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت کنندگان انتخاب می شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرای بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرای بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته اند برای انتخاب مجدد معرفی می شوند.

که اگر در قانون انتخابات آرای مربوط به غیر این دو نفر باطل اعلام شود که در این صورت صاحب اکثریت به اکثریت مطلق انتخاب شده است و اگر آرای مربوط به دیگران را هم در جمع آرا به حساب بیاورند به اکثریت نسبی انتخاب شده است و در هر صورت نتیجه واحد است. و فردی که از دو نفر اکثریت دارد منتخب و بعد از آن تجدید انتخابات قانونی نیست».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: ۱/۲۱۳۶

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۲

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر خود را در پاسخ به سؤال دادستان عمومی تهران، که عیناً به پیوست ایفاد می‌گردد، بیان فرمائید.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۲۰/۷۱۱۷

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۰

پیوست: ۱ برگ

حضرت حجت الاسلام خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عین نامه شماره ۲۰/۱۸/۳۲۸۵ مورخ ۶۴/۳/۱۴ بازپرس شعبه ۴۰ دادرسی عمومی تهران جهت طرح در شورای محترم نگهبان به پیوست، تقدیم می‌گردد.^(۱)

دادستان عمومی تهران

میر عمادی

شماره: ۳۷۸۶

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۱۹

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۲۱۳۶ مورخ ۱۳۶۴/۴/۲:

«توجه آن جناب را بدین نکته معطوف می‌دارد که اصل ۱۳۹ قانون اساسی صراحت دارد که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی در صورتی که طرف دعوی خارجی باشد باید

(۱) مضمون این نامه عیناً در پاورقی صفحه ۱۲۷ درج گردیده با این تفاوت که هر دو نامه در دو تاریخ متفاوت نوشته شده است.

علاوه بر تصویب هیأت وزیران به تصویب مجلس نیز برسد و هیچگونه استثنائی هم پیش‌بینی نشده و از این جهت موردی برای تفسیر آن ندارد و اما برخلاف استنباط آقایان بازپرسان ابهام و یا تعارضی بین دو نظر شورای نگهبان که در تاریخهای ۱۳۶۲/۹/۸ و ۱۳۶۳/۸/۱۶ در رابطه با تفسیر اصل ۷۷ قانون اساسی و قراردادهای بین‌المللی ابراز شده وجود ندارد زیرا در نظریه مورخ ۶۲/۹/۸ خلاصه نظر شورای نگهبان در رابطه با سؤال نمایندگان مجلس این بود که یادداشت تفاهم اگر ایجاد تعهد نماید و قراردادهای جزئی اگر خارج از محدوده اصل قرارداد باشد در حکم قرارداد است و ضوابط حاکم بر قرارداد در مورد آنها باید رعایت شود یعنی چنانچه قرارداد بین‌المللی محسوب شود طبق اصل ۷۷ باید به تصویب مجلس برسد. و نظریه مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ نیز در مقام بیان مفاد قرارداد بین‌المللی بوده و اظهار نظر شده که قراردادهایی که برای انجام معامله با شرکتهای خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می‌شود خود بخود مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نبوده یعنی قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود. و انعقاد آن نیاز به تصویب مجلس ندارد و طبق ضوابطی که به وسیله قانون عادی معین می‌شود قابل انعقاد است.

بنابراین تعارضی بین دو نظریه شورای نگهبان وجود ندارد و هیچ یک از آنها نمی‌تواند در مورد صلح دعاوی دولتی مورد استناد قرار گیرد زیرا صلح دعاوی ارتباطی با انعقاد قرارداد ندارد و در اصل ۱۳۹ بدون ابهام حکم آن تعیین شده است.^(۱)

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) این نظریه با نظریه مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۹ شورای نگهبان راجع به تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم قانون اساسی از شباهت زیادی برخوردار می‌باشد اما از آنجا که در یک تاریخ و در پاسخ به دو مرجع مختلف قانونی صادر شده است لذا به لحاظ ثبت در تاریخ درج می‌گردد.

تفسیر اصل سی‌ام قانون اساسی

شماره: ۵۷۵۰/د ش

تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۱

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

محترماً به استحضار می‌رساند، شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی مذاکرات جلسات اخیر در مورد دریافت شهریه از دانشجویانی که استطاعت پرداخت دارند علی‌الاصول نظر مساعد داشته است ولی نظر به اینکه موضوع در رابطه با اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد لذا در جلسه مورخ ۶۴/۱۱/۲۹ شورای عالی مقرر گردیده است که قبل از اخذ تصمیم در این مورد نظر آن شورای محترم استفسار گردد. متمنی است پاسخ لازم عنایت فرمایند.

با آرزوی توفیقات الهی

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

دکتر سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی

شماره: ۵۵۷۸

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۱۶

شورای عالی انقلاب فرهنگی

عطف به نامه شماره ۵۷۵۰/د ش مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اظهار می‌گردد:

«با توجه به اینکه از اصل ۳۰ قانون اساسی دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود، چنانچه تأسیس مدارس و آموزشگاه‌های ملی در کشور آزاد اعلام شود اضطراب دولت به دریافت شهریه مرتفع می‌گردد، و چنانچه با تأسیس مدارس ملی رفع اضطراب نشود تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود.»

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: ۱۹۳۰-۵۲-۱۴۰۱-۴۵۴-ح

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۰/۱۰

ریاست محترم شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

۱- در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۳ قراردادی بمبلغ ۷۳۵۵۰۰۰۰ دلار آمریکائی به منظور خرید تجهیزات نظامی بین وزارت دفاع و شرکت ایرانی اینتر پارتس بامضاء می‌رسد. شرکت مذکور شخصی به نام احمد حیدری (یکی از سهامداران شرکت) را در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۴ به عنوان نماینده فروشنده و وزارت دفاع نیز کاردار وقت سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید را به عنوان نماینده خریدار تعیین و معرفی می‌نمایند.

۲- بانک ملی ایران - شعبه پاریس در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۳ به استناد اوراقی که به امضای نمایندگان فوق رسیده بود کلاً مبلغ ۵۶/۹۴۶/۸۶۸ دلار را در وجه شرکت اونیورسال اوپل ترید پرداخت در حالی که مطلقاً کالا و تجهیزاتی تحویل نماینده وزارت دفاع نشده بود.

۳- وزارت دفاع با هماهنگی و همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس آقای بورگه را که به عنوان وکیل جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت امور خارجه تعیین شده بود مأمور می‌نماید تا در مقام احقاق حق حقوق از دست رفته برآید. وکیل مذکور و نماینده اعزامی از طرف این وزارت پس از انجام تحقیقاتی مطلع می‌شوند که احتمالاً ممکن است مقداری از مبالغ کلاهبرداری شده در حسابهای شخصی کلاهبرداران در سوئیس موجود باشد. مراجع قضائی سوئیس توقیف موقت حسابهای شخصی کلاهبرداران را منوط به سپردن وثیقه‌ای می‌نمایند که این وثیقه بلافاصله به دادگاه ارائه و نهایتاً موفق به توقیف چندین حساب مشترک و شخصی کلاهبرداران و شرکت اونیورسال اوپل ترید می‌گردد.

۴- وکلای کلاهبرداران و همچنین شرکت اونیورسال اوپل ترید در جهت اعتراض به توقیف حسابهای مسدود شده به مراجع قضائی سوئیس دادخواستهایی تقدیم می‌نمایند.

مراجع مذکور طی پنج فقره رأی جداگانه کلیه شکایات آنان را مردود اعلام داشته و

در حال حاضر وزارت دفاع با سپردن ده میلیون فرانک سوئیس به عنوان وثیقه حسابهای مذکور را که حدوداً بین ۲۳ تا ۳۰ میلیون دلار موجودی آنهاست در توقیف دارد. وکیل شرکت اونیورسال ترید سعی دارد به نحوی از انحاء با ارائه دلایل و ایرادات مختلف وزارت دفاع را محروم از ادامه توقیف وجوه نماید. به منظور دستیابی به این هدف از یکسال گذشته وکیل مذکور به بهانه واهی و با استناد به اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ادعا نموده که:

اولاً - بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی ایران تفاوت وجود دارد و طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران صلاحیت و اختیار اقامه دعوی برای قراردادی که وزارت دفاع منعقد نموده در مراجع قضائی خارجی را ندارد. ثانیاً - طرح دعوی منحصراً در صلاحیت وزارتخانه‌ها بوده و نه در صلاحیت جمهوری اسلامی ایران.

۵- این وزارت بنا به پیشنهاد وکیل سوئسی پرونده و با هماهنگی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تأییدیه یکی از استادان دانشکده حقوق دانشگاه تهران را اخذ و به دادگاه ارسال نمود. مجدداً ایراد گرفته شد که در خصوص اصل ۱۳۹ قانون اساسی گواهی دیگری توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئیس تهیه و ارائه شود که پس از هماهنگی با وزارت امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی گواهی مورد نظر نیز تهیه و به دادگاه تسلیم گردید.

۶- در جلسه رسیدگی ماهوی وکیل شرکت اونیورسال ترید از محضر دادگاه درخواست نمود که در خصوص مسئله تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی بحث و تبادل نظر گردد که درخواست مذکور مورد قبول واقع و جلسه رسیدگی بعدی به تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ موکول گردیده است.

بدیهی است اگر دادگاه نظریه وکیل شرکت مذکور را بپذیرد دعوی مطروحه علیه شرکت مردود و توقیف انجام شده باطل اعلام خواهد شد.

با نگرش به موارد فوق استنباط این وزارت از برداشت وکیل شرکت اونیورسال اوایل ترید بر این منوال است که وقتی «صلح دعاوی و ارجاع به داوری راجع به اموال عمومی و دولتی در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد و در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید

به تصویب مجلس نیز برسد» و با توجه به اینکه رئیس هیأت وزیران نخست وزیر می‌باشد بنابراین اقامه دعوی بالاخص زمانیکه طرف دعوی خارجی باشد نیز می‌بایست توسط رئیس دولت و یا وزارتخانه ذی‌ربط صورت گیرد نه «جمهوری اسلامی ایران» و در واقع «جمهوری اسلامی ایران» به طور مطلق با «دولت جمهوری اسلامی ایران» متفاوت می‌باشد. خواهشمند است مقرر فرمایند در خصوص تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظریه عالی آن شورای محترم را اعلام تا مورد اقدام قرار گیرد.

وزیر دفاع

سرهنک ستاد - خلبان محمدحسین جلالی

شماره: ۷۴۸۴

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۰/۱۱

وزارت محترم دفاع جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۹۳۰-۵۲۰-۱۴۰۱-۴۵۴- ح مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۰:

اشعار می‌دارد موضوع در شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اظهار نظر گردید:

«۱- انجام تشریفات مذکور در اصل ۱۳۹ قانون اساسی منحصرأ مربوط به صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و یا ارجاع دعاوی به داوری می‌باشد و شامل طرح دعوی در مراجع قضائی نمی‌باشد.

۲- در مواردیکه حقوق و اموال عمومی و دولتی مورد تعدی قرار گیرد جمهوری اسلامی ایران با توجه به قانون اساسی می‌تواند برای احقاق حقوق مزبور اقدامات لازم، از جمله طرح دعوی در مراجع قضائی اعم از داخلی و خارجی، معمول دارد. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به وسیله وزارتخانه‌ها و یا سازمانهای ذی‌ربط اقدامات مزبور را انجام دهد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل هفتادم^(۱) قانون اساسی

شماره: ۵/۳۵۹۷ هـ د

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۰/۱۲

دبیر محترم شورای نگهبان

حضرت آیت الله صافی «دام تأیید الله العالی»

محترماً همانطور که عنایت دارید ذیل اصل هفتادم قانون اساسی می گوید «و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود»، که رئیس جمهور، نخست وزیر و وزرا می توانند وقت بگیرند و مطالبشان را در مجلس بیان کنند آیا اطلاق این جمله شامل گزارشاتی که توسط کمیسیون اصل نود که ذیل آن می گوید «و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه می رساند» یا کمیسیونهای ویژه ای که تشکیل می شود برای بررسی مسئله ای و گزارش دادن به مجلس که پس از آنکه گزارش کمیسیون در مجلس قرائت شد اگر علیه دولت باشد بیابند و مجلس را تکذیب کنند یا انصراف دارد یا تقیید می شود و مسئله چون بُعد قضائی می یابد باید به دستگاه قضائی داده شود؟ لطفاً دستور فرمائید این دو اصل در این جهت تفسیر شده پاسخ مرقوم فرمایند.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

محمد یزدی

شماره: ۷۴۹۴

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۱

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای یزدی

نائب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵/۳۵۹۷ هـ د مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۲: نظر اکثریت اعضای شورای

(۱) اصل هفتادم (قبل از بازنگری): رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیران به اجتماع یا به افراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود. دعوت رئیس جمهور به مجلس باید به تصویب اکثریت برسد.

* اصل هفتادم (بعد از بازنگری): رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به افراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود.

نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

«اگر مقصود از گزارش اعلام نتیجه مذکور در اصل ۹۰ باشد اطلاق اصل ۷۰ شامل آن نمی‌شود.» لازم به تذکر است نظر فوق به لحاظ عدم رأی کافی نظر تفسیری نیست.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

شماره: ۵/۳۶۲۲ هـ ر

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۵

دبیر محترم شورای نگهبان

حضرت آیت‌الله صافی دام تأییدالله العالی

عطف به نامه شماره ۷۴۹۴ مورخه ۶۵/۱۱/۱ روح سئوال اینجانب این است که وزیر می‌تواند با استفاده از اصل ۷۰ گزارش یک کمیسیون مجلس را تکذیب کند و ادعای گزارش خلاف واقع نماید و علیه کمیسیون که رسماً مطالبی را گزارش کرده صحبت کند، جمله اعلام نتیجه مذکور در اصل ۹۰ که از وظایف کمیسیون است آیا وزیر پس از اعلام می‌تواند خلاف آنرا اعلام کند؟ یا باید به دستگاه قضائی داده شود ضمناً متمنی است نظر تفسیری آن شورای محترم هر چه هست امر به ابلاغ فرمایند.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

محمد یزدی

شماره: ۲۶۵۶۱

تاریخ: ۱۳۶۶/۳/۲۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «ایدهم الله التعالی»

سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۵/۳۵۹۷ هـ د مورخه ۶۵/۱۰/۱۲ نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و عطف به نامه شماره ۷۴۹۴ مورخه ۶۵/۱۱/۱ آن شورای محترم خواهشمند است نظر تفسیری خود را اعلام فرمائید که:

آیا وزیر و یا مقام مسئولی که کمیسیون اصل ۹۰ به مقتضای اصل مزبور گزارشی

تهیه و به اطلاع عامه می‌رساند می‌تواند به عنوان اصل ۷۰ و یا به هر عنوان دیگر از تریبون مجلس آن را تکذیب کند یا خیر؟

رئیس کمیسیون اصل نود قانون اساسی
مرتضی فہیم کرمانی

شماره: ۱۶۸۹/۲۵-۶۶

تاریخ: ۱۳۶۶/۹/۱۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دامت برکاتہم
سلام علیکم

عطف به نامه شماره ۷۴۹۴ مورخ ۶۵/۱۱/۱ که به عنوان نایب رئیس محترم مجلس صادر گردیده (تصویر آن پیوست می‌باشد)، خواهشمند است مقرر فرمائید نظر تفسیری آن شورای محترم را در خصوص اینکه: «آیا اشخاص و مقامات مذکور در اصل ۷۰ قانون اساسی می‌توانند در رابطه با اعلام نتیجه و گزارشات این کمیسیون مذکور در اصل ۹۰ قانون اساسی آن را نقض یا دفاع نمایند» به این کمیسیون ابلاغ فرمایند.
کمیسیون اصل نود قانون اساسی

شماره: ۲۹۹۸۸/۲۵۰-د. هـ

تاریخ: ۱۳۶۶/۴/۲۲

شورای محترم نگهبان

لطفاً نظر آن شورا را در تفسیر اصل ۷۰ قانون اساسی که به رئیس جمهوری و نخست وزیر و وزرا حق داده مطالبشان را در جلسات مجلس شورای اسلامی اظهار نمایند، بفرمائید که آیا این حق مطلق است و در هر مورد که مطلبی دارند در محدوده آئین‌نامه مجلس حق دارند بگویند؟ یا اینکه حق محدود به مطالب و موضوعات در دستور است؟

و در فرض محدودیت، آیا این حق شامل مواردی از قبیل گزارش کمیسیونهای اصل ۹۰ و سئوالات و اصل ۷۶ و اظهارات نمایندگان در نطقهای پیش از دستور می‌شود یا محدود به لوایح و طرحها است؟

و در هر صورت این حق اظهار نظر محدود به زمان انجام دستور است یا اینکه

ممکن است قبل یا بعد از آن انجام شود و اطلاق اصول فوق‌الذکر با اطلاق اصل ۷۰ قانون اساسی چگونه قابل جمع است؟

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۸۸۴۶

تاریخ: ۱۳۶۷/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به شماره ۲۵۰/۲۹۹۸۸/د. ه. مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۲:

موضوع سئوال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت اینک نظریه اکثریت اعضای شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«آنچه از اصل ۷۰ قانون اساسی استفاده می‌شود این است که مقامات مذکور در این اصل حق شرکت در جلسات مجلس شورای اسلامی را دارند و مطالبشان را در ارتباط با دستور مجلس بیان می‌نمایند. زاید بر این چنانچه در آئین‌نامه حقی برای آنها مقرر شود گرچه به موجب قانون اساسی نیست با قانون اساسی مغایرت ندارد».

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی

شماره: ۱۰۱۲۶۲

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۲

شورای محترم نگهبان

با توجه به ضرورت هماهنگی و ایجاد تمرکز در دفاع غیر نظامی در زمان جنگ و به ویژه در شرایط کنونی که شهرهای کشور اسلامیان زیر فشار بمباران شدید و گسترده هواپیماهای رژیم بعثی عراق قرار گرفته خواهشمند است با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایند:

«آیا تشکیل سازمانی تحت عنوان سازمان دفاع غیرنظامی زیر نظر نخست وزیر جهت ایجاد هماهنگی و سیاستگذاری اقدامات دستگاههای اجرایی و برنامه ریزیهای لازم به منظور انجام پدافند غیر عامل و بسیج امکانات همه دستگاههای اجرایی در این راستا با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مخالفت دارد یا خیر؟»

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۷۷۵۱

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۵

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۱۲۶۲ مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۲:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح گردید و نظر شورا به شرح زیر اعلام می شود:

«نظر به اینکه به موجب اصل ۱۳۴ قانون اساسی هماهنگی ساختن تصمیم های دولت و... از وظایف نخست وزیر است همانطور که در نامه شماره ۱۶۱۹ مورخ ۱۳۶۳/۷/۳ اظهار نظر شده است. تشکیل سازمانی تحت هر عنوان زیر نظر نخست وزیر صرفاً جهت ایجاد هماهنگی و سیاستگذاری اقدامات دستگاههای اجرایی و برنامه ریزیهای لازم به منظور انجام پدافند غیر عامل و بسیج امکانات دستگاههای اجرایی با قانون اساسی مغایرت ندارد.»

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

خسرو بیژنی

تفسیر اصول چهل و سوم^(۱) و چهل و نهم^(۲) قانون اساسی

شماره: ۵۳۰۱۸

تاریخ: ۱۳۶۷/۱۲

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت، مؤسسات و شرکتهای ایرانی از دولتها و مؤسسات و شرکتهای خارجی براساس قراردادهای منعقدۀ غالباً از سوی اطراف و مراجع خارجی مغایر با موازین اسلامی و اصول ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌گردد. علیهذا خواهشمند است با توجه به اینکه اصول قانون اساسی حاکم بر روابط اتباع ایرانی است در اجرای اصول ۴ و ۹۸ قانون

(۱) اصل چهل و سوم: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت به احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفائی برساند و از وابستگی برهاند.

(۲) اصل چهل و نهم: دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم‌نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود.

اساسی اعلام نظر فرمایند:

«آیا حق اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت و مؤسسات و شرکتهای ایرانی از دولتها مؤسسات و شرکتهای خارجی که در قراردادهای منعقدۀ ملحوظ یا براساس آنها ایجاد شده یا می‌شود و بنا به تفحص و تشخیص طرف ایرانی، اطراف و مراجع خارجی به لحاظ مبانی عقیدتی خود دریافت این وجوه را ممنوع ندانسته و حتی قانونی و یا مشروع می‌دانند مغایرتی با احکام و موازین شرع مقدس اسلام و یا اصول قانون اساسی دارد؟»

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۹۳۴۸

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۴

جناب آقای مهندس موسوی

نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۳۰۱۸ مورخ ۱۳۶۶/۷/۱۲:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، نظر

تفسیری شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولتها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آنرا ممنوع نمی‌دانند شرعاً مجاز است، لذا مطالبه وصول این‌گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل نودم قانون اساسی

شماره: ۶۵-۲۹۵۰/۲۵

تاریخ: ۱۳۶۶/۷/۲۹

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

نظر به اینکه موضوع تعدادی از شکایات واصله به این کمیسیون مربوط به قبل از انقلاب اسلامی می‌باشد، خواهشمند است مقرر فرمائید آیا تخلفاتی که مربوط به قبل از انقلاب اسلامی بوده و قوانین آن هنوز ملغی نگردیده، این کمیسیون می‌تواند به موضوع این گونه شکایات رسیدگی نماید یا خیر؟

کمیسیون اصل نود قانون اساسی

شماره: ۶۵-۲۹۵۰/۲۵

تاریخ: ۱۳۶۶/۸/۱۸

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۶۵-۲۹۵۰/۲۵ توضیح می‌دهد، بسیاری از کسانی که اساس شکایت آنها مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است پس از پیروزی انقلاب و تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز برای احقاق حق خویش به مراجع ذی‌ربط قانونی مراجعه کرده ولی موفق به اخذ نتیجه نگردیده‌اند و این امر نیز مورد شکایت آنهاست.

خواهشمند است نظر تفسیری خودتان را امر به ارسال فرمائید.

کمیسیون اصل نود قانون اساسی

شماره: ۹۵۹۶

تاریخ: ۱۳۶۶/۸/۲۷

کمیسیون محترم اصل نود قانون اساسی

عطف به نامه‌های شماره ۶۵-۲۹۵۰/۲۵ مورخ ۱۳۶۶/۷/۲۹ و ۱۳۶۶/۸/۱۸:

«در صورتی که شکایت مربوط به طرز کار مسئولین فعلی باشد کمیسیون اصل ۹۰ در

محدوده صلاحیت خود می‌تواند به آن رسیدگی نماید».

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

شماره: ۶۵-۲۹۵۰/۲۵
تاریخ: ۱۳۶۶/۹/۲۴

شورای محترم نگهبان «ایدهم الله تعالی»

سلام علیکم

عطف به نامه شماره ۹۵۹۶ مورخ ۱۳۶۶/۸/۲۷ به استحضار می‌رساند، غالب اعضای کمیسیون از مفاد آن این برداشت را دارند که:

«چون شکایت اصلی در رژیم سابق واقع شده است هر چند پس از انقلاب به مسئولین فعلی هم مراجعه و شکایت خود را تعقیب کرده و از طرز کار آنها شکایت داشته باشند قابل رسیدگی در این کمیسیون نیست».

خواهشمند است اگر این استنباط از نظر شورای محترم صحیح می‌باشد در پاسخ اعلام فرمائید.

رئیس کمیسیون اصل نود قانون اساسی
مرتضی فہیم کرمانی

شماره: ۹۹۰۶
تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۳

کمیسیون محترم اصل نود قانون اساسی

عطف به نامه‌های شماره ۶۵-۲۹۵۰/۲۵ مورخ ۱۳۶۶/۹/۲۴ و مورخ ۱۳۶۶/۷/۲۹ و مورخ ۱۳۶۶/۸/۱۸:

موضوع سؤال مجدداً در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«چنانچه شکایت مربوط به تخلفات مسئولین فعلی در ارتباط با وظایف آنها بعد از انقلاب اسلامی است (مثل اینکه موظف به رسیدگی به شکایت شاکی باشد) قابل طرح و رسیدگی در کمیسیون اصل نود است».

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی

شماره: ۳۲۸۵۱/۲۵۰.د. ه

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۲

شورای محترم نگهبان

لوایحی در خصوص الحاق ایران به سازمانها و مجامع بین‌المللی از قبیل بانک توسعه اسلامی در مجلس مطرح می‌شود در اینکه این‌گونه موارد از مصادیق عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مذکور در اصل ۷۷ می‌باشد یا نمی‌باشد بین نمایندگان اختلاف نظر وجود دارد، لطفاً نظر آن شورای محترم را در این خصوص بفرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۱۲۸۸۷

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۳۲۸۵۱/۲۵۰.د. ه مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۲؛

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«با توجه به اینکه بر الحاقهای مورد سؤال علیه طرفی که ملحق می‌شود نتایجاً آثار موارد مذکور در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مرتب می‌شود، در حکم موافقت‌نامه است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۶/۲۲/۱۴۱۸۲

تاریخ: ۱۳۶۷/۶/۲۹

شورای محترم نگهبان

با سلام

احتراماً، ضمن ارسال فتوکپی نامه شماره ۲۸۷۸۸-۲۱۰/۴ مورخ ۶۷/۶/۱۴ دانشگاه تهران در خصوص جناب آقای دکتر حسین فروتن نماینده محترم تهران^(۱) و فتوکپی نامه مورخ ۶۷/۶/۱۳ راجع به آقایان دکتر محمد کریم شهرزاد و دکتر علی عنایت نمایندگان محترم اصفهان و خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی^(۲) به استحضار

(۱)

شماره: ۲۸۷۸۸-۲۱۰/۴

تاریخ: ۱۳۶۷/۶/۱۴

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم؛

احتراماً همانگونه که استحضار دارید برادر دکتر حسین فروتن عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران به عنوان نماینده مردم محترم تهران در سومین دوره مجلس انتخاب و مشغول به کار گردیده‌اند. اخیراً طبق فتوکپی دو فیش پیوست مجلس شورای اسلامی از ۶۷/۳/۷ برای ایشان حقوق وضع و پرداخت نموده است. از آنجا که دانشگاه علوم پزشکی بدلیل نیاز به خدمات آموزشی مشارالیه ایشان را به صورت مأموره مجلس شورای اسلامی اعزام نموده و تعهد می‌نماید که در مدت تصدی نمایندگی ایشان حقوق و مزایای مشارالیه را مطابق مقررات پرداخت نماید.

لذا متمنی است موافقت و دستور فرمایند ضمن برداشت مبالغ پرداخت شده به ایشان ترتیبی اتخاذ گردد که در ماههای آتی و تا پایان دوره نمایندگی مشارالیه حقوق و مزایای خود را از دانشگاه علوم پزشکی تهران دریافت نماید.

به امید توفیق الهی

دکتر محمد حسن باستان حق

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران

تاریخ: ۱۳۶۷/۶/۱۳

(۲)

کارپردازی محترم مجلس شورای اسلامی برادر ارجمند جناب آقای کتیرانی

سلام علیکم؛

پیرو مذاکرات حضوری و باتوجه به اینکه ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاهها منوط به استمرار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی می‌باشد و از طرفی طبق اصل ۱۴۱ قانون اساسی این فعالیت‌ها با نمایندگی مجلس منافاتی ندارد، خواهشمند است به منظور حفظ ارتباط اداری و آموزشی مقرر فرمائید حقوق اینجانبان دکتر علی عنایت و دکتر محمد کریم شهرزاد کماکان از محل دانشگاههای تابعه دریافت گردد. توضیح اینکه قطع فعالیت‌های آموزشی ما به مصلحت خودمان و مردم نیست و مراکز دانشگاهی اصفهان و خرم‌آباد با مأموریت ما و پرداخت حقوق موافقت دارند.

دکتر محمد کریم شهرزاد - نماینده مردم اصفهان

دکتر علی عنایت - نماینده مردم خرم‌آباد

می‌رساند: چون نامبردگان تقاضا نموده‌اند فعالیتهای آموزشی و پژوهشی و همچنین رابطه استخدامی آنان با دانشگاههای مربوطه کماکان استمرار داشته باشد و با عنایت به اصل ۱۴۱ قانون اساسی که پستهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی را از حکم ممنوعیت بیش از یک شغل دولتی مستثنی دانسته است و با التفات به ماده ۶ قانون انتخابات مصوب ۶۶/۱۲/۹ که صراحت دارد در دوران نمایندگی، نمایندگان فقط حقوق مجلس را دریافت خواهند نمود خواهشمند است تصریح گردد آیا نمایندگان مذکور می‌توانند به منظور حفظ رابطه استخدامی‌شان با وزارت علوم ساعات موظف خود را در دانشگاههای مربوطه تدریس و به صورت مأمور در مجلس انجام وظیفه نمایند.

هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی
با تجدید احترام «کارپردازی»

شماره: ۲۴۳۲

تاریخ: ۱۳۶۷/۷/۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۶/۲۲/۱۴۱۸۲ مورخ ۱۳۶۷/۶/۲۹:

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت
نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«با توجه به ذیل اصل ۱۴۱ قانون اساسی اشتغال نماینده مجلس شورای اسلامی به سمت آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی بلامانع است و در جهات دیگر مذکور در نامه قوانین عادی باید ملاک عمل قرار گیرد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان
خسرو بیژنی

تفسیر اصل هفتاد و ششم قانون اساسی

شماره: ۴۳۳- ۳۱۳/۲۱۴

تاریخ: ۱۳۶۷/۱۰/۱

تلفنگرام فوری

برادر ارجمند آیت‌الله محمدی گیلانی دامت برکاته

دبیر شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

احتراماً در پی درخواست جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ریاست محترم مجلس براساس اصل ۷۶ قانون اساسی در مورد تحقیق شخصی در خصوص علت ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه در مرحله اول دوره سوم و ارجاع نامه شماره ۳۰۳۹- ق مورخ ۶۷/۹/۱۷ ریاست محترم مجلس به کمیسیون داخلی نظر به اینکه کمیسیون مزبور قرار است کار تحقیقات و تفحص انتخابات مذکور را با مدارک لازم انجام و گزارش آن را به ریاست محترم مجلس ارسال نماید.

لذا تقاضامندم حضرتعالی در جلسه کمیسیون شوراها و امور داخلی مورخه ۶۷/۱۰/۴ ساعت ۱۴ تشریف‌فرما شوید. ضمناً مدارک ابطال را کتباً به این کمیسیون ارسال فرمائید.

موجب کمال تشکر و امتنان است.

اشرفی اصفهانی

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی

شماره: ۳۳۰۸

تاریخ: ۱۳۶۷/۱۰/۳

تأییدیه تلفنگرام

ریاست محترم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی

عطف به تلفنگرام شماره ۴۳۳- ۳۱۳/۲۱۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱:

و علیکم السلام و رحمه‌الله، «براساس نظر تفسیری شورای نگهبان اصل ۷۶ شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان نمی‌شود».

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

شماره: ۳۳۴۴

تاریخ: ۱۳۶۷/۱۰/۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

شورای نگهبان در مقام تفسیر اصل ۷۶ قانون اساسی نظر تفسیری متفق علیه خود را
به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

«اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و
شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند نمی‌شود».

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۱۲۷۹۶

تاریخ: ۱۳۶۸/۱/۲۸

شورای محترم نگهبان

با سلام و درود

با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی خواهشمند است اعلام نظر فرمایند آیا عضویت وزرا و کارکنان دولت در هیأت امنای مؤسسات خصوصی و یا دولتی از جمله عضویت در هیأت امناء دانشگاهها و مدارس غیر انتفاعی مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی دارد یا خیر؟ خصوصاً با توجه به مشابهت مسئولیتی که هیأت امنای مؤسسات با مجامع عمومی شرکتها دارند و وزرا با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان در مجامع عمومی شرکتهای مختلف عضویت یافته‌اند از جمله قانون اخیر التصویب نحوه اداره شرکتهای بیمه در این مورد قابل ذکر است.

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۱۱۸

تاریخ: ۱۳۶۸/۲/۱۹

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم

عطف به نامه شماره ۱۲۷۹۶ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۸:

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«عضویت وزرا و کارمندان دولت در هیأت امناء و مؤسسات خصوصی و یا دولتی (از جمله عضویت در هیأت امناء دانشگاهها و مدارس غیر انتفاعی) به لحاظ اینکه سمتهای مذکور، شغل سازمانی تلقی نمی‌گردد مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی ندارد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

خسرو بیژنی

تفسیر اصل نود و هفتم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱۲۵۸

تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

به پیوست نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل نود و هفتم قانون اساسی در رابطه با مفهوم فوری بودن لوایح و طرحها ارسال می‌گردد، عنایت می‌فرمائید که با توجه به تفسیر مزبور طرحها و لوایح یک فوریتی که صرفاً رسیدگی خارج از نوبت و یک شوری بودن را طبق تعریف ماده ۱۱۶ و ۱۱۹ آئین‌نامه داخلی مجلس اقتضا دارد از شمول فوری بودن مذکور در اصل ۹۷ خارج است، بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده ۸۶ آئین‌نامه داخلی مجلس اصلاح یا به عدم شمول حکم آن نسبت به لوایح و طرحهای یک فوریتی تفسیر گردد.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

شماره: ۱۲۵۸

تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

تفسیر اصل نود و هفتم قانون اساسی:

«مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نود و هفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه‌ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرحهایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست شامل نمی‌شود». تفسیر فوق در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۴ شورای نگهبان با اکثریت ۱۱ رأی به عمل آمد.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

(۱) اصل نود و هفتم: اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

تفسیر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۴۳۶/م

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۲۹

شورای محترم نگهبان

با اهدای سلام و تحیات، استحضار دارید که دیوان محاسبات کشور حسب وظیفه قانونی خود می‌بایستی نسبت به حسابرسی و رسیدگی کلیه حسابهای درآمد و هزینه و سایر دریافتها و پرداختها و صورتهای مالی دستگاهها، از نظر انطباق با قوانین و مقررات اقدام نماید. براساس قسمتی از اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «... همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون صورت می‌گیرد.» بنابراین وظیفه دیوان محاسبات کشور انطباق دریافت و پرداخت کلیه دستگاهها با قوانینی است که در اجرای اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. در رسیدگی‌های به عمل آمده مشاهده می‌شود با وجود گذشت ده سال از تصویب قانون اساسی برخلاف اصل ۵۳ قانون اساسی پرداخت در شرکتهای دولتی و مصرف برخی اعتبارات براساس قانون نمی‌باشد. تاکنون هیچ قانونی جهت تعیین نحوه پرداخت شرکتهای دولتی به تصویب نرسیده است بلکه در حال حاضر پرداخت در شرکتهای دولتی مستند به آئین‌نامه‌هایی صورت می‌گیرد که مرجع تصویب

(۱) اصل هشتاد و پنجم (قبل از بازنگری): سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

* اصل هشتاد و پنجم (بعد از بازنگری): سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

آنها متفاوت است. همچنین اعتبارات کلیه شرکتهای دولتی که به موجب اصل ۵۵ قانون اساسی^(۱) جمهوری اسلامی ایران می‌بایستی توسط دیوان محاسبات کشور رسیدگی یا حسابرسی گردد، در قانون بودجه منظور نمی‌شود. با وجود تصریح تبصره (۲) قانون بودجه سال ۶۷ اعتبارات بسیاری از شرکتهای دولتی و بانکها در بودجه کل کشور درج نگردیده و مفاد اصل ۵۵ قانون اساسی نادیده نگرفته شده است.

ذیلاً شرح مبسوط جهت در نظر داشتن موضوع در اجرای اصل ۹۶ قانون اساسی به استحضار می‌رسد.

۱- اساسنامه شرکت بازرسی مهندسی صنعتی ایران در جلسه مورخ ۶۵/۱/۶ هیأت وزیران به تصویب رسیده است به موجب ردیف ۵ ماده ۱۰ اساسنامه مذکور تصویب آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت براساس قوانین و مقررات مربوط از وظایف مجمع عمومی می‌باشد همچنین در اصلاحیه اساسنامه (مصوبه ۶۶/۲/۶ هیأت وزیران) عبارت براساس قوانین و مقررات مربوط حذف گردیده است بنابراین آئین‌نامه مالی و معاملاتی شرکت فوق‌الذکر بدون رعایت قوانین و مقررات به تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد.

۱-۱- براساس بند ۶ ماده ۱۰ اساسنامه تصویب تشکیلات و آئین‌نامه‌های استخدامی شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط از وظایف مجمع عمومی تعیین گردیده است.

ملاحظه می‌فرمائید که:

الف: مرجع تصویب‌کننده تشکیل شرکت هیأت وزیران است.

ب: مرجع تصویب‌کننده آئین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی مجمع عمومی شرکت می‌باشد.

۲- اساسنامه شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۶۶/۶/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است به موجب بند ۸ ماده ۱۰ اساسنامه مذکور بررسی و

(۱) اصل پنجاه و پنجم: دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

تصویب آئین‌نامه‌های استخدامی و مالی و معاملاتی شرکت و ارائه آن به هیأت وزیران جهت تصویب نهایی از وظایف مجمع عمومی شرکت راه آهن تعیین گردیده است.
این امر بیانگر آن است که:

الف: مرجع تصویب‌کننده اساسنامه مجلس شورای اسلامی است.

ب: آئین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۳- اساسنامه سازمان مرکزی تعاونیهای معدنی در جلسه مورخ ۶۵/۷/۶ هیأت وزیران به تصویب رسیده و براساس ماده ۶ اساسنامه سازمان از لحاظ استخدامی، مالی و معاملاتی تابع مقررات مربوط به شرکتهای دولتی می‌باشد. بدین ترتیب چون هیچ مقرراتی از لحاظ مالی و معاملاتی بر شرکتهای دولتی مترتب نمی‌باشد تکلیف شرکت از این لحاظ مشخص نمی‌باشد.

۴- به موجب ماده ۴ قانون اداره امور شرکتهای بیمه شرکتهای بیمه ایران، البرز و دانا با رعایت قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری و این قانون، طبق مقررات اساسنامه مربوط اداره خواهند شد و در موارد پیش‌بینی نشده مشمول قانون تجارت می‌باشند و در صورتی تابع مقررات عمومی مربوط به دولت و مؤسساتی که با سرمایه دولت تشکیل شده‌اند، می‌گردند که در مقررات مزبور صراحتاً از آنها یاد شده باشد. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۶۸/۹/۱۵ اساسنامه شرکتهای یاد شده را به تصویب رسانده است. براساس بند ۷ اساسنامه تصویب تشکیلات و آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت از طرف مدیر عامل پس از تأیید هیأت مدیره پیشنهاد می‌شود از وظایف مجمع عمومی تعیین شده است همچنین به موجب ماده ۵ قانون اداره امور شرکتهای بیمه آئین‌نامه استخدامی مشترک شرکتهای بیمه و بیمه مرکزی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.
بنابراین:

الف: آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکتهای بیمه به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

ب: آئین‌نامه استخدامی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

آنچه که در کلیه اساسنامه‌ها و یا قانون تشکیل رعایت نشده است اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است با وجود آنکه قانون استخدام شرکتهای دولتی کماکان به قوت خود باقی است لکن به موجب اساسنامه و قوانین موجود حتی امور استخدامی شرکتهای دولتی را نیز خارج از شمول قانون مذکور دانسته‌اند آیا با وجود اصل ۵۳ قانون اساسی می‌توان پرداخت را اعم از حقوق و مزایا و یا خرید و معاملات را تابع آئین‌نامه‌ای نمود که به تصویب هیأت وزیران و یا مجمع عمومی می‌رسد؟ در بسیاری از موارد مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان حتی از تشکیل شرکتهای دولتی اطلاعی ندارند آیا می‌توان قبول نمود که مصوبات هیأت وزیران و هر مرجع دیگری به جز مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و یا احکام اسلام نبایستی تطبیق داده شود؟ مصوبات هیأت وزیران در اجرای اصل ۱۲۶ قانون اساسی^(۱) به اطلاع ریاست مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد حال در صورتی که مصوبات هیأت وزیران برخلاف قانون اساسی و یا به احتمال ضعیف و خدای ناکرده برخلاف احکام اسلام باشد چه مرجعی مسئولیت تشخیص را به عهده دارد.

اعضاء محترم شورای نگهبان به استحضار می‌رساند در قانون تشکیل و یا اساسنامه شرکتهای دولتی که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد اجازه داده شده است تا شرکت بتواند رأساً نسبت به تشکیل شرکتهای فرعی اقدام نماید. طبق قسمت اخیر بند ۳ اساسنامه شرکتهای بیمه البرز، دانا، ایران و آسیا «شرکت می‌تواند طبق مقررات به هر نوع عملیات (از جمله تأسیس شرکتهای فرعی... مبادرت نماید» و یا براساس تبصره ۲ ماده واحده قانون تشکیل شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه آن (مصوب ۶۶/۶/۲۹) «شرکت مجاز است برای انجام قسمتی از وظایف محوله با تصویب مجمع عمومی خود مبادرت به تشکیل شرکتهای دیگر نماید...» این امر سبب خواهد شد تا شرکتهایی که به موجب قانون تشکیل شده‌اند به صورت ستادی عمل نموده و اجراء را به شرکتهای ایجاد شده بسپارند چه تضمینی وجود دارد که تشکیل شرکتهای جدید با اساسنامه مصوب مجمع عمومی شرکت اصلی و آئین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و

(۱) اصل مذکور (۱۳۸) صحیح است که چون به لحاظ حفظ امانت لازم است خدشه‌ای به اسناد وارد نگردد لذا عیناً درج گردیده است.

استخدامی مصوب مجمع عمومی شرکت جدید (که از بین وزرا نمی‌باشند) در چارچوب قانون اساسی عمل نمایند آیا پرداخت شرکتهای جدید به استناد آئین‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد؟ آیا عدم درج اعتبارات شرکتهای جدید (که براساس اطلاعات موجود چند برابر شرکتهای اصلی می‌باشند) در بودجه کل کشور مغایر اصل ۵۵ قانون اساسی نیست.

التهایه به لحاظ انجام تکلیف شرعی و قانونی اعلام می‌گردد علاوه بر اینکه کلیه پرداختهای شرکتهای دولتی که هم اکنون براساس آئین‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی شرکتهای اصلی، مجمع عمومی شرکتهای فرعی، هیأت وزیران و صورت می‌گیرد برخلاف نصّ صریح اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، چندگانگی در پرداخت سبب بروز تبعیض در توزیع نیروی انسانی، عدم توانائی دولت در مهار تورم، رشد بی‌رویه جمعیت، بالا رفتن حجم نقدینگی و... نیز گردیده است. مضافاً اینکه برخی از شرکتهای دولتی بدون اساسنامه، قانون تشکیل و آئین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی به فعالیت ادامه می‌دهند.

ایرج صفاتی دزفولی

رئیس دیوان محاسبات کشور

شماره: ۰۲۵۴

تاریخ: ۱۳۶۹/۲/۲۶

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم رئیس جمهوری

با سلام، حسب اعلام دادستان محترم دیوان محاسبات اخیراً اساسنامه‌هایی در اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب دولت رسیده و به مورد اجراء گذاشته شده بدون اینکه اصل ۹۶ قانون اساسی رعایت شده و جهت اظهار نظر از لحاظ انطباق با قانون اساسی و موازین شرع به شورای نگهبان فرستاده شده باشد خواهشمند دستور فرمائید چگونگی امر به شورای نگهبان اعلام و مفاد اصل ۸۵ در این خصوص رعایت گردد.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

دکتر حسین مهرپور

شماره: ۱۶۱۹۸

تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۷

جناب آقای دکتر مهرپور؛ قائم مقام محترم دبیر شورای نگهبان

عطف به نامه شماره ۰۲۵۴ مورخ ۶۹/۲/۲۶ به پیوست نظریه اداره کل حقوقی ریاست جمهوری^(۱)

(۱)

شماره: ۱/۲۵۴ الف ح

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۹

برادر گرامی دکتر حبیبی

معاون اول محترم رئیس جمهور

عطف به مرقومه در هامش نامه ۲۵۴. مورخ ۶۹/۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص گزارش دادستان محترم دیوان محاسبات مبنی بر عدم رعایت اصل ۹۶ قانون اساسی در مورد اساسنامه‌هایی که اخیراً دولت در اجرای اصل ۸۵ اصلاحی قانون اساسی تصویب نموده، پیرو گزارش قبلی به استحضار می‌رساند:

۱- فهرست اساسنامه‌هایی که دولت جدید بعد از اصلاح قانون اساسی تصویب نموده پیوست است که ملاحظه می‌فرمایند مستند تصویب کلیه اساسنامه‌های مزبور مقدم بر اصلاحیه قانون اساسی است فلذا طبقاً در اجرای اصل ۸۵ اصلاحی قانون اساسی به تصویب نرسیده است تا مشمول احکام مقرر در اصل اصلاحی باشد.

۲- نکته قابل توجه در مورد اساسنامه‌هایی که بعد از اصلاحیه قانون اساسی اجازه تصویب آن به دولت داده می‌شود این است که آیا به صرف تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی متضمن تعیین هیأت دولت به عنوان مرجع تصویب اساسنامه، موضوع مشمول اصل ۸۵ قانون اساسی است یا اینکه مجلس در مواردی که نظر دارد اصل ۸۵ قانون اساسی اجراء شود لازم است نسبت به موضوع تصریح نماید؟ طبیعی است تبیین این نکته برای اساسنامه‌هایی که بعد از اصلاحیه قانون اساسی اجازه تصویب آنها به دولت داده شود حائز اهمیت است.

به نظر این دفتر، مجلس شورای اسلامی در هر مورد که نظر دارد اجازه مشمول اصل ۸۵ قانون اساسی باشد باید نسبت به موضوع تصریح نماید زیرا اصل ۸۵ اصلاً ناظر به ممنوعیت تفویض حق قانونگذاری بوده است و اصلاحیه اصل مزبور موارد استثناء را توسعه داده است از طرفی تصویب اساسنامه فی حدّ نفسه به منزله قانونگذاری نیست زیرا در غیر این صورت مجلس شورای اسلامی قبل از اصلاحیه قانون اساسی نمی‌توانست اجازه تصویب اساسنامه‌ای را به دولت بدهد حال آن که به دفعات این امر قبل از اصلاحیه قانون اساسی محقق شده و شورای محترم نگهبان نیز آنرا تأیید نموده است. طبقاً اساسنامه‌هایی که بدون استناد بر اصل ۸۵ اجازه تصویب آنها داده می‌شود صرفاً در حد تصویب‌نامه دولت اعتبار دارد. ایرادات شرعی آن از طریق ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری به شورای محترم نگهبان منعکس می‌گردد و مرجع رسیدگی به ایرادات قانونی آن، هم ریاست محترم مجلس شورای اسلامی است و هم دیوان عدالت اداری.

در صورتی که اساسنامه‌هایی که در اجرای اصل ۸۵ به تصویب دولت می‌رسد در حکم قانون است و دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات از مصوباتی که در حکم قانون است نمی‌باشد. به همین جهت است که در اصل ۸۵ اصلاحی ترتیب مندرج در اصل نود و ششم قانون اساسی در مورد آنها اعمال می‌شود. مؤید مطلب آنکه اصل ۸۵ هیأت دولت را مقید ننموده که در چارچوب قوانین اساسنامه‌های مزبور را تصویب نماید بلکه دولت صرفاً موظف شده از وضع احکام مغایر با قوانین خودداری نماید لذا چنانکه در اساسنامه حکمی وضع نماید که قوانین در مورد آن ساکت است قابل رد کردن نیست. در خاتمه خواهشمند است به لحاظ تأثیراتی که توضیحات مندرج در بند ۲ این نامه در اساسنامه‌های آتی دارد نسبت به آن اتخاذ تصمیم یا چنانکه مقتضی و ضروری تشخیص فرمایند مراتب در شورای محترم نگهبان جهت تفسیر نهایی مطرح گردد.

اداره کل حقوقی ریاست جمهوری

سعید تقدیسیان

را ملاحظه می‌فرمایند.

نکته مهم همان است که در بند دوم نامه آمده است و براساس آن باید به یکی از دو صورت زیر عمل شود.

۱- چنانچه استدلال مذکور در بند ۲ بدون اظهار نظر تفسیری شورای محترم نگهبان مورد قبول باشد به طور عادی به ترتیبی که ذکر شده است عمل خواهد شد، یعنی در مواردی که اجازه تصویب اساسنامه - نظیر گذشته - بدون اشاره به اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به دولت اجازه داده می‌شود (نظیر تبصره ۲ قانون انتزاع سازمان چای کشور از وزارت بازرگانی و الحاق آن به وزارت کشاورزی مصوب شانزدهم اسفند ماه ۱۳۶۸) نیاز به مراجعه به شورای محترم نگهبان نیست، و در مواردی که تصریح می‌شود باید به شورا مراجعه شود.

۲- در صورتی که به نظر شورای محترم نگهبان اصل هشتاد و پنجم از جهت مورد بحث نیاز به تفسیر داشته باشد، شورای محترم به ترتیبی که مقتضی می‌دانند اعلام نظر فرمایند تا به همان صورت عمل شود.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

شماره: ۰۵۶۵

تاریخ: ۱۳۶۹/۶/۱۱

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم ریاست جمهوری

عطف به نامه شماره ۱۶۱۹۸ مورخ ۱۳۶۹/۵/۷ و پیرو نامه شماره ۰۲۵۴ مورخ ۱۳۶۹/۲/۲۶:

موضوع در جلسه روز یکشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورا (۱۰ نفر) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«کلیه اساسنامه‌های سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که پس از تاریخ اصلاحیه قانون اساسی به تصویب هیأت دولت رسیده یا برسد خواه اجازه تصویب آن قبل از تاریخ اصلاحیه قانون اساسی داده شده و یا بعد از تاریخ مزبور باشد و خواه در ضمن واگذار

کردن اجازه تصویب، تصریح به اصل ۸۵ قانون اساسی شده یا نشده باشد، مشمول حکم مقرر در اصل فوق‌الذکر بوده و باید برای تشخیص عدم مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

تفسیر اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱۴۰/۶۹/۸۶۶۱/۶۱

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۰

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

با عنایت به اینکه طبق قوانین موجود (که قسمتی از آن به ضمیمه ارسال می‌گردد)^(۲)

(۱) اصل یکصد و شصت و یکم: دیوانعالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

(۲) قسمتی از مواد قانونی که دلالت بر اختیارات و حق نظارت دادستان کل بر محاکم و دادرها دارد:

* ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری: «مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند.»

* ماده ۵۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری: «مدعیان عمومی نسبت به جریان امور محاکمی که در نزد آن محاکم مأموریت دارند نظارت داشته و مراقب می‌باشند که تجاوز از حدود قانونی کشور و در صورت تجاوز و سوء جریان به وزارت عدلیه راپورت خواهند داد.»

* ماده ۱۷ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری: «دادستان کل بر کلیه دادرهای شهرستان و استان و دیوان کیفر نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آنها پیشنهادهای لازم را به وزیر دادگستری می‌دهد. چون طبق ماده ۱۷ دادستان کل بر دادرهای عمومی نظارت دارد و دادستانهای عمومی نیز به موجب دو ماده فوق بر حسن اجرای قوانین در محاکم نظارت دارند در نتیجه دادستان کل نیز نظارت بر محاکم و دادرها را دارد.»

* ماده ۱۹۳ قانون دیات: «هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور به منزله ولی او است و موظف است حق او را بدون عفو استیفا نماید.»

* ماده ۵۲ قانون حدود و قصاص: «... اگر ولی دم غایب باشد و غیبت او طولانی شود حاکم شرع ولی او است و برابر مصلحت تصمیم می‌گیرد.»

به موجب مصوبه شورای عالی قضائی چون قضات مأذون در محاکم حاکم شرع نیستند لذا در مورد ماده ۵۲ قانون حدود و قصاص نیز طبق ماده ۱۹۳ قانون دیات باید عمل شود.»

* ماده ۵۵۱ قانون آئین دادرسی مدنی: «... عضو ممیز مکلف است ضمن مراجعه به پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هر یک از قضات یا دادستانها یا دایاران یا بازپرس‌ها که در آن پرونده مداخله داشته‌اند تخلف مواد قانون و یا اعمال غرض و یا بی‌اطلاعی از مبانی قضائی مشاهده نمود آنرا مشروحاً و با استدلال در گزارش خود تذکر دهد و همچنین نماینده دادستان دیوان کشور در آن شعبه نیز مکلف است چنانچه تخلفاتی به شرح فوق در پرونده مشاهده نمود که عضو ممیز آن را در گزارش خود قید نکرده بود آن را به مشارالیه تذکر دهد و در هر دو صورت هرگاه بین عضو ممیز و نماینده دادستان موافقت در تعقیب حاصل شد رونوشتی از گزارش مزبور رأساً به دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود که طبق مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد...».

←

نظارت بر دادرها و محاکم با دادرای دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور است و از سوی دیگر بر مبنای استنباط از اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی واحد نظارت بر محاکم زیر نظر ریاست محترم دیوان عالی کشور تشکیل شده است. خواهشمند است اعلام نظر فرمائید:

→ * ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور: «هرگاه رئیس دیوانعالی کشور با دادستان کل کشور آرای هریک از محاکم اعم از حقوقی، کیفری، مدنی، خاص انقلاب و نظامی را ولو اینکه در مقام تجدید نظر صادر شده باشد نسبت به موارد تجدید نظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدی نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها قابل تجدید نظر بدانند حق درخواست تجدید نظر بنحو مندرج در قانون مذکور را دارند در مورد این ماده مرجع تجدید نظر مجدد آرای صادره وسیله دادگاه در مقام تجدید نظر دیوانعالی کشور است. تبصره - آرائی که وسیله دادگاههای حقوقی یا کیفری و نظامی یک در مقام رسیدگی تجدید نظر نسبت به آرای دادگاههای حقوقی یا کیفری یا نظامی دو صادر می شود جز به درخواست رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور قابل تجدید نظر مجدد در دیوانعالی کشور نمی باشد.»

* ماده ۴۲ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور: «متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی شوند مگر آنکه شعبه دیوانعالی کشور حضور آنان را برای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است، احضار می گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رأی می نماید.... تبصره - دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رأی دادگاه می تواند به یک یا چند جهت پیش بینی شده برای تجدید نظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی حق قرار گرفته تقاضای تجدید نظر نماید.»

* قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸: «ماده واحده - هرگاه در شعب دیوانعالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیأت عمومی دیوانعالی کشور موضوع مختلف فیه را بررسی کرده نسبت به آن اتخاذ نظر می نماید نظر اکثریت برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع خواهد بود.»

* ماده ۳ اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷: «هرگاه از طرف دادگاههای اعم از جزائی و حقوقی راجع به استنباط از قوانین رویه های مختلفی اتخاذ شده باشد دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیأت عمومی دیوان کشور مطرح نموده رأی هیأت عمومی را در آن باب بخواهد رأی هیأت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی اثر است ولی از طرف دادگاهها باید در موارد مشابه پیروی شود.»

* ماده ۴۰ قانون اصول تشکیلات دادگستری: «... در صورتی که عقیده دادیار انتظامی بر تخلف و دادستان انتظامی بر عدم تعقیب باشد پرونده نزد دادستان کل فرستاده می شود در این صورت نظر دادستان دیوان عالی کشور اجراء خواهد شد در مواردی که عقیده به تعقیب باشد ادعای نامتهیه و به امضای دادستان انتظامی قضات دادگاه عالی انتظامی فرستاده می شود...»

* ماده ۴۳ قانون امور حسبی: «دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سوء استنباط از مواد این قانون در دادگاهها بشود به اختلاف نظر دادگاهها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیأت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می دهد که به دادگاهها ابلاغ شود و دادگاهها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند.»

- ۱- دیوان عالی کشور در اصل مذکور شامل دادسرای دیوان عالی هم هست یا خیر؟
- ۲- در صورتی که دیوان عالی کشور شامل دادسرای دیوان هم باشد، نظارت ریاست دیوان بر محاکم نیاز به قانون دارد یا طبق همین اصل ریاست دیوان می‌تواند در عرض دادسرای دیوان نظارت بر محاکم داشته باشد؟

دادستان کل کشور

محمد محمدی‌ری‌شهری

شماره: ۴۱۸۰

تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۲

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی‌ری‌شهری

دادستان محترم کل کشور

عطف به نامه شماره ۱۴۰/۶۹/۸۶۶۱/۶۱ مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۰:

موضوع سؤال در جلسه روز سه‌شنبه دوم مرداد ماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر متفقاً علیه شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- با توجه به تشکیلات موجود عنوان دیوان عالی کشور در اصل ۱۶۱ قانون اساسی شامل دادسرای دیوان عالی نیز می‌باشد.

۲- در خصوص نظارت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل و ایجاد واحد نظارت توسط هر یک از آنان اصل ۱۶۱ ساکت است و نیاز به قانون دارد».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

رونوشت:

حضرت آیت‌الله آقای حاج آقای شیخ محمد یزدی ریاست محترم قوه قضائیه جهت استحضار

تفسیر اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی^(۱)

شماره: م/ ۱/۵۶۳۹

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۴

حضرت آیت الله محمدی گیلانی «دام تأییداته العالیه»

دبیر محترم شورای نگهبان

خاطر مبارک مستحضر است که در بحثهای بازنگری قانون اساسی این جانب اصرار داشتم که ابهام از اصل یکصد و شصت و چهارم برداشته شود و پیشنهاد مشخص این بود که پس از پایان جمله اول اصل، کلمه «یا بدون رضای او» جداگانه به شکل جمله مستقل بیاید که تغییر محل خدمت یا سمت متعلق مستثنی منه باشد و به هر دلیل پذیرفته نشد.^(۲) دستور فرمائید نظر تفسیری آن شورای محترم را نسبت به قید و استثناء که آیا به جمله اخیر می خورد یا به همه، ابلاغ فرمایند.

محمد یزدی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۴۴۸

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۲۳

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضائیه

عطف به نامه شماره م/ ۱/۵۶۳۹ مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۴:

موضوع سؤال در جلسه روز سه شنبه نوزدهم تیر ماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می گردد:

«استثنای مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی (مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم

(۱) اصل یکصد و شصت و چهارم: قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

(۲) برای اطلاع بیشتر به صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جلد ۳ جلسه ۴۱ (صفحات ۱۶۷۴ تا ۱۶۷۷) مراجعه نمایید.

رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت (یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد) می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

تفسیر اصل نود و هشتم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۷/۵۳۲۷

تاریخ: ۱۳۶۹/۸/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

خواهشمند است اعلام فرمائید که نظریات ذیل با اکثریت سه چهارم آرای اعضای محترم آن شورا اعلام گردیده آیا تفسیر قانون اساسی است یا خیر؟

۱- نظریه شماره: م/ ۴۳/۴۲۹ مورخ ۵۹/۱۰/۸،

۲- نظریه شماره: م/ ۵۴ مورخ ۵۹/۱۱/۸،

۳- نظریه شماره: ۱۳۸۴ مورخ ۵۹/۱۲/۱۴،

۴- نظریه شماره: ۱۴۰۱ مورخ ۵۹/۱۲/۷،

۵- نظریه شماره: ۸۳۲۴۰ مورخ ۶۰/۱/۸،

و نیز نظریاتی که در جواب به نامه‌های شماره ۸۵۱۱۴ مورخ ۶۰/۸/۲ نخست‌وزیری، شماره ۸۲۵۵ مورخ ۵۹/۹/۱۲ شورای عالی قضائی، شماره ۷۴۸۴۲ مورخ ۵۹/۱۲/۷ نخست‌وزیری، شماره ۷۵۲۸ مورخ ۶۰/۴/۳ و شماره ۷۱۴۵۰ مورخ ۵۹/۱۲/۱۰ نخست‌وزیری و شماره ۲۱۴۸۰ مورخ ۶۰/۱۰/۲۶ نخست‌وزیری و شماره ۸۰۳ ق مورخ ۶۰/۳/۲۴ مجلس شورای اسلامی اعلام گردیده است.^(۲)

رئیس اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا شهری

شماره: ۱۱۵۸

تاریخ: ۱۳۶۹/۱۰/۶

ریاست محترم اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۷/۵۳۲۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۹:

(۱) اصل نود و هشتم: تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

(۲) کلیه نظریات مذکور در نامه فوق عیناً در همین مجموعه آمده است که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه نمایند.

«نظریه‌های عنوان شده در نامه مذکور عنوان نظر تفسیری دارد و اصولاً نظریاتی که در ارتباط با قانون اساسی از سوی شورای نگهبان ابراز شده، در صورتی که تصریح نشده باشد که مشورتی است طبق اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام شده و تفسیری است».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

تفسیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱۳۷۱۸۲

تاریخ: ۱۳۶۹/۱۲/۱۳

شورای محترم نگهبان

با ابلاغ سلام

همانطور که مستحضرنه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به استیضاح هیأت وزیران و هر یک از وزرا اشارت دارد.

اصل هشتاد و نهم

«۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد.»

اصل یکصد و سی و دوم

«در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل ۱۳۱ منصوب می‌گردد وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.»

اصل یکصد و سی و پنجم

«وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند...».

قسمت اخیر اصل هشتاد و نهم و اصول یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم تعبیر «رای عدم اعتماد» مجلس را به کار برده‌اند.

به این نکته هم باید عنایت داشت که متن کنونی اصل یکصد و سی و پنجم کلاً در بازنگری قانون اساسی تدوین و تصویب شده است و از لحاظ تاریخی مؤخر بر اصل هشتاد و نهم است.

با توجه به اصول یاد شده، براساس دستور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، تقاضا دارد که شورای محترم نگهبان تفسیر خود را از اصول مذکور اعلام فرمایند و معین نمایند که چنانچه هیأت وزیران یا هر یک از وزرا مورد استیضاح واقع شوند، مجلس محترم شورای اسلامی:

الف: باید به آنها رای عدم اعتماد بدهد، به نحوی که در سه اصل هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به صراحت ذکر شده است.

ب: و یا باید رای اعتماد بدهد، همانطور که در اصل هشتاد و هفتم^(۱) و یکصد و سی و سوم^(۲) و یکصد و سی و ششم آمده است.

این مطلب از آن جهت مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد، قانون اساسی هنگامی تعبیر «رای اعتماد» را به کار می‌برد که مجلس در صدد است نسبت به هیأت وزیران یا وزیری که رئیس جمهور معرفی کرده است، قبل از شروع کار رسمی آنها، اعلام نظر کند.

حال آنکه تعبیر «رای عدم اعتماد» وقتی به کار رفته است که منظور از آن اعلام نظر مجلس، پس از استیضاح هیأت وزیران یا وزیر بوده است.

نتیجه یا ثمره بحث نیز در تعداد آرای لازم برای ابقای هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح و یا کناره‌گیری آنها، پس از استیضاح ظاهر می‌شود، بدین معنی که اگر پس از استیضاح مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رای اعتماد داده شود، باید نصف به اضافه یک آرای نمایندگان حاضر در مجلس به نفع وزیر (مثبت) باشد و آرای ممتنع جزء آرای مخالف محسوب گردد.

(۱) **اصل هشتاد و هفتم:** رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و بیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضا رای اعتماد کند.

(۲) **اصل یکصد و سی و سوم:** وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس، گرفتن رای اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

حال آنکه اگر مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رای عدم اعتماد داده شود باید نصف به اضافه یک آرای نمایندگان حاضر در مجلس به ضرر وزیر (منفی) باشد و آرای ممتنع جزء آرای منفی به حساب نیاید.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

شماره: ۱۰۳۶

تاریخ: ۱۳۷۰/۱/۲۲

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم ریاست جمهوری

عطف به نامه شماره ۱۳۷۱۸۲ مورخ ۶۹/۱۲/۱۳:

موضوع سؤال در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۱ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر تفسیری اکثریت اعضای شورا به شرح ذیل اعلام می گردد:

«با توجه به صراحت اصل ۱۳۵ قانون اساسی مصوب شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ که ملاک کنار گذاشتن وزرا را در مورد استیضاح رای عدم اعتماد مجلس شورای اسلامی دانسته است و با عنایت به استصحاب اعتماد ابراز شده به وزرا از سوی مجلس در آغاز کار آنها، هیأت وزیران، یا وزیر مورد استیضاح هنگامی عزل می شود که اکثریت نمایندگان رای عدم اعتماد بدهند و صرف عدم احراز رای اعتماد اکثریت موجب عزل نمی گردد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

تفسیر اصل نود و نهم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۳/۳۳

تاریخ: ۱۳۷۰/۲/۲۲

شورای محترم نگهبان

با سلام و تحیات

نظر به اینکه امر انتخابات از امور مهمه کشور است و امت اسلامی با رشد انقلابی در تمام دوره‌های اخذ رأی به نحو چشمگیری در انتخابات شرکت نموده‌اند و من بعد نیز باید به نحوی عمل شود که حضور آزادانه مردم هم چنان محفوظ بماند و این امر مستلزم نظارت شورای نگهبان است تا در تمام جهات رعایت بیطرفی کامل معمول گردد و در این خصوص در کیفیت اجراء و نظارت گاهی شائبه تداخل مطرح می‌گردد بنا به مراتب استدعا دارد نظر تفسیری آن شورای محترم را در مورد مدلول اصل ۹۹ قانون اساسی اعلام فرمایند.

غلامرضا رضوانی

رئیس هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

شماره: ۱۲۳۴

تاریخ: ۱۳۷۰/۳/۱

هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات

عطف به نامه شماره ۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۲:

موضوع در جلسه ۷۰/۳/۱ مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود».

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

(۱) اصل نود و نهم: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد.

تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

شماره: ۴۱۹ ه ب

تاریخ: ۱۳۷۰/۸/۱۳

شورای محترم نگهبان

قطع نظر از یادآوری این نکته مهم که مقید تلقی کردن لفظ قوانین مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به قوانین عادی، حداقل نیازمند قوت استدلالی درخور و متناسب با ساقط ساختن لفظی از اطلاق آن است اصولاً آنچه مسلم است و اضعان قانون اساسی با لحاظ اهمیت مصوبات دولت و آثار فراوان مترتب بر این مصوبات، با وضع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به مقام آن بوده‌اند که مصوبات دولت مورد بررسی و اعلام نظر مرجعی صالح قرار گیرد تا چنانچه برخی از این مصوبات با مطلق قانون اعم از قانون اساسی و یا قانون عادی مغایرت داشته باشد از اجرای آنها خودداری شود و حال اگر غرض از قوانین مذکور در اصل مزبور را به قوانین عادی محصور سازیم بی‌تردید نقض غرض محقق است زیرا با وصف آنکه لزوم تطابق مصوبات دولت با قانون اساسی ارزش و اهمیت به مراتب بیشتری از لزوم تطابق این مصوبات با قوانین عادی دارد معذک با عنایت به عدم پیش‌بینی مقام یا مرجعی برای تمیز و تشخیص تطابق یا عدم تطابق مصوبات دولت با قانون اساسی (باستثناء موارد مذکور در اصل هشتاد و پنجم) چنانچه مصوبه یا مصوباتی متضمن نقض بعضی اصول قانون اساسی باشد این قبیل مصوبه یا مصوبات بدون آنکه در هیچ مرجع صالحی مورد بررسی و اعلام نظر قرار گیرد خود به خود مجری خواهند بود.

علیهذا اگرچه نظر اینجانب به شرحی است که فوقاً به اختصار ذکر شد معذک با توجه به نظر متفاوتی که از سوی برخی مقامات اجرایی ابراز شده، تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در خصوص موضوع مطروحه مورد تقاضاست.

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروبی

شماره: ۱۳۴۴۵

تاریخ: ۱۳۷۱/۵/۲۰

حضور مستطاب آیت الله جنتی**دبیر محترم شورای نگهبان**

پیرو نامه شماره ۴۱۹/هـ ب مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۳ ریاست محترم وقت مجلس شورای اسلامی در خصوص استفسار از اصل (۱۳۸) قانون اساسی، خواهشمند است با عنایت به اصل (۹۸) قانون اساسی نظر آن شورای محترم را در خصوص موارد زیر مرحمت فرمایند:

۱- آیا لفظ «قوانین» مندرج در قسمت اخیر اصل (۱۳۸) قانون اساسی قابل تسری به قانون اساسی نیز بوده و بالتبیین ریاست محترم مجلس شورای اسلامی مسئولیت تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی را نیز خواهند داشت یا به دلالت قسمت اخیر اصل (۸۵) قانون اساسی ناظر به قوانین عادی است؟

خصوصاً با توجه به اینکه مصوبات دولت باید در چارچوب قوانین عادی تنظیم گردد و علی القاعده در صورت تطبیق آنها با مصوبات مجلس شورای اسلامی قهراً و تبعاً مغایر با قانون اساسی نخواهند بود.

عنایت دارند در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت مانند قانون کار تصویب برخی آئین نامه ها به هیأت دولت واگذار شده و به لحاظ اینکه در اصل قانون، به لحاظ مصلحت یا ضرورت، قانون اساسی به طور کامل مراعات نشده مصوبات هیأت وزیران نیز به تبع احکام قانون نمی تواند به طور کامل با قانون اساسی منطبق باشد و ایراد به مصوبات دولت در این موارد نقض غرض خواهد شد.

به علاوه همین اشکال به ترتیب دیگر در قوانینی که قبل از قانون اساسی وضع شده امکان پذیر است، طبیعی است در این موارد که ایراد به عدم تطبیق قانون عادی با قانون اساسی برگشت دارد ترتیب و مرجع رسیدگی متفاوت می گردد و از طرفی عدم التزام مقامات و مراجع اجرایی به احکام قوانین عادی قبل از اصلاح و یا لغو آنها مشکلات پیچیده بدنبال دارد.

۲- آیا اصل (۸۵) قانون اساسی که تصویب اساسنامه را توسط دولت موکول به اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی نموده قابل تسری به اصلاح تصویب نامه های هیأت

وزیران نیز می‌باشد؟ و به عبارت دیگر آیا هیأت وزیران برای اصلاح مصوبات خود که متضمن اساسنامه است و قبلاً مجوز آنرا از مجلس گرفته باید مجدداً از مجلس اجازه بگیرد؟^(۱)

سید عطاءالله مهاجرانی

معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور

شماره: ۲۱۰۱

تاریخ: ۱۳۷۱/۶/۱۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۱۹ ه ب مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۳:

در خصوص تفسیر اصل (۱۳۸) قانون اساسی موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«کلمه قوانین مذکور در ذیل اصل (۱۳۸) قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی‌شود.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

(۱) در سوابق و اسناد شورا پاسخی به نامه معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور مشاهده نشد، لذا نامه مذکور جهت ثبت در تاریخ درج گردید.

تفسیر اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی^(۱)

(در خصوص مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام)

شماره: ۱۶۴۶/۲۲۳۶-۱-ر

تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۱۸

شورای محترم نگهبان

لطفاً با توجه به اصول قانون اساسی در مورد مجمع تشخیص مصلحت نظر آن شورای محترم را در خصوص مسائل زیر بیان فرمائید:

۱- آیا مجمع می‌تواند پس از تصویب و ابلاغ مصوبات خود درباره آنها تجدید نظر کند.

۲- اگر ابهامی در مفهوم مصوبات بود رفع ابهام آن و تفسیر مصوبه با خود مجمع است و یا مرجع تفسیر مجلس شورای اسلامی و یا تفسیرها احتیاج به ارجاع مجدد از سوی مقام رهبری است.

۳- و اصولاً آیا مصوبات مجمع قانون است و همه ویژگیهای قوانین عادی باید در مورد آنها مراعات شود و من جمله تفسیر؟

۴- اگر تعارضی بین مصوبات مجمع و قوانین عادی و اساسی و مقررات رسمی دیگر کشور به وجود آید تکلیف چیست؟ و حاکم کدامند؟

۵- آیا مجلس شورای اسلامی و سایر مراکزی که به نحوی حق تعیین ضوابط و مقررات و قوانین را دارند می‌توانند مصوبات مجمع را رد و نقض و یا فسخ و ابطال کنند؟

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

(۱) اصل یکصد و دوازدهم: مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود.

اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

شماره: ۴۵۷۵

تاریخ: ۱۳۷۲/۳/۳

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

عطف به نامه شماره ۲۲۳۶/۱۶۴۶ - ۱ - ر مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۸؛

نظر تفسیری شورای نگهبان بدین شرح اعلام می‌گردد:

۱- مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند مستقلاً در مواد قانونی مصوبه خود تجدید نظر کند.

۲- تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تبیین مراد با مجمع است. اما اگر مجمع در مقام توسعه و تضییق مصوبه خود باشد مستقلاً نمی‌تواند اقدام نماید.

۳- مطابق اصل چهارم قانون اساسی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند خلاف موازین شرع باشد و در مقام تعارض نسبت به اصل قانون اساسی مورد نظر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (موضوع صدر اصل ۱۱۲) و همچنین نسبت به سایر قوانین و مقررات دیگر کشور مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام حاکم است.

لازم به ذکر است که در مورد تعارض مصوبات مجمع با سایر اصول قانون اساسی شورای نگهبان به رأی نرسید.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۲۴۰۹/۳۷۸۶ - ۱ - ر

تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۳

شورای محترم نگهبان

عطف به نظریه تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ خواهشمند است اعلام فرمائید، منظور آن شورای محترم از عبارت خلاف موازین شرع در بند سوم تفسیری فوق‌الذکر چیست؟ با عنایت به اینکه براساس صدر اصل ۱۱۲ قانون اساسی، شأن مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین تکلیف در همین موارد است.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

شماره: ۴۸۷۲

تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۲۰

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

عطف به نامه شماره ۲۴۰۹/۳۷۸۶-۱- ر مورخ ۷۲/۴/۳ و پیرو نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳:

منظور از «خلاف موازین شرع» آنست که نه با احکام اولیه شرع سازگار باشد و نه با احکام عناوین ثانویه و در این رابطه صدر اصل ۱۱۲ به مجمع تشخیص مصلحت تنها اجازه تعیین تکلیف به لحاظ عناوین ثانویه را داده است.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۱/۲۶۳۰/۷۷۷۸-ر

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۵

شورای محترم نگهبان

پیرو نامه شماره ۲۲۳۶/۱۶۴۶-۱- ر مورخ ۷۲/۲/۱۸ و عطف به نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ در خصوص «حوزه اختیارات و وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام» با توجه به اصول قانون اساسی و با عنایت به مذاکرات جلسه اخیر مجمع، نظر به اینکه نظریه تفسیری آن شورای محترم در مورد بند پنج نامه فوق اشاره مجمع، و اصل نگردیده، لذا خواهشمند است در اعلام نظر تسریع فرمایند.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

شماره: ۵۳۱۸

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۴

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

عطف به نامه‌های شماره ۱/۲۶۳۰/۷۷۷۸-ر مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ و ۱/۲۲۳۶/۱۶۴۶-ر مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۸ و پیرو نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ بند ۵ سؤال مورد اشاره در جلسه مورخ ۷۲/۷/۲۱ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«هیچ یک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدّبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۲۲۲/د/ک

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۱۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی «دامت توفیقاتهم»

با سلام و دعای خیر

همانگونه که استحضار دارید براساس ماده ۱۱ قانون دیوان محاسبات انتخاب رئیس دیوان محاسبات کشور براساس پیشنهاد این کمیسیون و رأی مجلس شورای اسلامی انجام می‌پذیرد و نظر به اینکه تعدادی از نمایندگان مجلس در صدد معرفی یک نفر از نمایندگان جهت تصدی این پست با حفظ سمت نمایندگی می‌باشند.

خواهشمند است نظر آن شورا را به کمیسیون در این خصوص جهت بهره‌برداری اعلام فرمائید. ضمناً اضافه می‌نماید دیوان محاسبات کشور تنها دستگاه نظارتی مجلس است که جدای از قوه مجریه انجام وظیفه می‌نماید و رئیس آن نیز مستقیماً از طرف مجلس انتخاب می‌گردد.

با تشکر

علی کامیار

رئیس کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس

شماره: ۵۴۰۰

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

نامه شماره ۲۲۲/د/ک مورخ ۷۲/۷/۱۹ رئیس محترم کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۱ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«چون رئیس دیوان محاسبات کشور کارمند دولت محسوب می‌شود لذا با حفظ سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در دیوان محاسبات انجام وظیفه نماید و موضوع با اصل ۱۴۱ قانون اساسی مغایر شناخته شد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصول یکصد و سی و چهارم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

شماره: ۸/۲ ب

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۸

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اینکه اولاً به موجب اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی هیأت وزیران می‌تواند برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید و نه به یکی از معاونت‌های ریاست جمهوری و ثانیاً نظر به اینکه رفع اختلافات موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی به صراحت این اصل با پیشنهاد رئیس جمهور به عهده هیأت وزیران محول شده است لذا تصویب‌نامه شماره ۳۵۶۰۰/ت-۲۰۷ هـ مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ که نظر معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری را در زمینه رفع اختلافات مورد نظر کافی تلقی کرده است مغایر دو اصل فوق‌الاشعار می‌باشد ضمناً یادآوری این نکته را نیز لازم می‌داند که هیأت وزیران در محدوده اعمال یکصد و سی و چهارم قانون اساسی با ارسال این قبیل مصوبات نزد اینجانب این امکان را فراهم می‌ساخت که قطع نظر از بررسی مسئله مورد اختلاف یا تداخل در وظایف قانونی و ارزیابی امر نیاز به تفسیر یا تغییر قانون که از جمله مصوبات اصل مزبور می‌باشد چنانچه احتمالاً تصمیم متّخذ با قانون مغایرت می‌داشت ضمن استدلال و ذکر مستند یا مستندات قانونی، اینجانب مراتب مغایرت مصوبه را اعلام می‌نمایم تا نسبت به الغاء آن قسمت از مصوبه که مغایر با قانون تشخیص شده اقدام قانونی به عمل آید در حالی که تفویض اختیار یا مسئولیت کنونی موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی به معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری علاوه بر اینکه امری آن چنان مهم و اساسی که واضعان قانون اساسی آن را در صلاحیت هیأت وزیران و آن هم به پیشنهاد ریاست جمهوری قرار داده‌اند به یک نفر محول شده است اصولاً چون اتخاذ تصمیم معاونت مزبور در غالب تصویب نامه‌ها و آئین‌نامه‌های موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی قرار نمی‌گیرد لذا با

عدم ارسال این قبیل تصمیمات نزد اینجانب عملاً انجام رسالت قانونی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز متعسر و شاید هم غیر ممکن خواهد شد علیهذا با عنایت به تفسیری که طی شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ آن شورای محترم از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به عمل آمده است ضمن ارسال تصویری از تصویب نامه شماره ۳۵۶۰۰/ت ۲۰۷ هـ مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ هیأت وزیران چگونگی امر جهت نوعی چاره جوئی در این قبیل موارد و اعلام مراتب به اینجانب به آگاهی می‌رسد.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۵۴۶۲

تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲/هـ ب مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۸:

موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۸/۵ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«از اصل ۱۳۴ قانون اساسی استفاده می‌شود که در هر یک از موارد اختلاف، هیأت وزیران مرجع اتخاذ تصمیم است و لاغیر.

مگر در واگذاری تصویب برخی از امور مربوط به وظایف دولت به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر (به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی)».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۶۸۴/ب - هـ

تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۲۸

شورای محترم نگهبان

پیرو نامه شماره ۲/هـ ب مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۸ و ضمن ارسال تصویرهایی از دو فقره

تصویب‌نامه‌های شماره ۲۱۱۱۵/ت/۲۱۱ هـ مورخ ۱۳۷۲/۷/۸^(۱) و شماره ۴۲۵۱۸/ت/۲۴۴ هـ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۸^(۲) به طوری که ملاحظه می‌فرمائید هیأت وزیران با اصلاح تبصره ۱

(۱)

شماره: ۲۱۱۱۵/ت/۲۱۱ هـ

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۸

ریاست جمهوری - دبیرخانه شورای مناطق آزاد تجاری، صنعتی

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۶/۳۱ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

وظایف و اختیارات هیأت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری، اسلامی ایران (به استثنای تبصره (۲) ماده (۱) قانون مزبور) - مصوب ۱۳۷۲ - به‌وزرای شورایی (کمیسیون) به ریاست رئیس جمهور و متشکل از وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کشور، کار و امور اجتماعی، صنایع، صنایع سنگین، معادن و فلزات، راه و ترابری، نفت، نیرو و رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون اقتصادی ریاست جمهوری، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دبیر شورای مناطق آزاد تجاری صنعتی تفویض می‌شود.

تبصره ۱- ملاک تصویب در شورای (کمیسیون) فوق موافقت اکثریت وزرای عضو می‌باشد و مصوبات مزبور در صورت تأیید رئیس جمهور با رعایت ماده (۱۹) آئین‌نامه داخلی هیأت دولت قابل صدور خواهد بود.

تبصره ۲- شورای (کمیسیون) مناطق آزاد تجاری - صنعتی دارای دبیرخانه‌ای خواهد بود که زیر نظر دبیر شورای مزبور اداره می‌شود.

تبصره ۳- دبیر شورای مناطق آزاد تجاری - صنعتی با حکم رئیس جمهور منصوب می‌گردد.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

رونوشت با توجه به اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اطلاع مقام محترم ریاست مجلس شورای اسلامی ارسال می‌گردد.

(۲)

شماره: ۴۲۵۱۸/ت/۲۴۴ هـ

تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۱۸

ریاست جمهوری - دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۲ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

تصویب‌نامه شماره ۲۱۱۱۵/ت/۲۱۱ هـ مورخ ۱۳۷۲/۷/۱۸ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- تبصره (۱) به شرح زیر تغییر می‌یابد:

ملاک تصویب در شورای (کمیسیون) فوق، در موارد تفویضی، موافقت حداقل چهار نفر از وزرای حاضر در جلسه است.

۲- عبارت «شورای مناطق آزاد» به عبارت «شورای عالی مناطق آزاد» اصلاح می‌شود.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

رونوشت با توجه به اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اطلاع مقام محترم ریاست مجلس شورای اسلامی ارسال می‌گردد.

تصویب‌نامه قبلی خود به گونه‌ای اتخاذ تصمیم نموده‌اند که اگر فی‌المثل ده یا نه نفر از وزرا عضو شورا یا کمیسیون در یکی از جلسات شرکت داشتند و پنج یا چهار نفر از اعضای غیر وزیر شورا یا کمیسیون مزبور نیز در جلسه شرکت داشته باشند بالتبقیه در فرض آنکه شش یا پنج نفر از وزرا با امری موافقت نداشته باشند لکن پنج یا چهار نفر از اعضا غیر وزیر در معیت چهار نفر از وزرا با امر مزبور موافقت داشته باشند چنین مصوبه‌ای مستنداً به تصویب‌نامه شماره ۴۲۵۱۸/ت/۲۴۴ هـ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۸ اعتبار و قوت اجرایی خواهد داشت در حالی که با عنایت به حضور ده یا نه نفر از وزرا بر حسب مورد موافقت شش نفر یا پنج نفر آنان ضرورت دارد علیهذا چون به نظر می‌رسد تبصره یک اصلاحی با منظور اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی که لزوم اکثریت آرای وزرای عضو هر یک از کمیسیونهای متشکله با امر مطروحه در کمیسیون می‌باشد در تضاد و بالتبقیه مغایر با قانون اساسی است لذا مراتب جهت نوعی چاره‌جویی از طرف آن شورای محترم اعلام گردید دستور فرمائید از نتیجه تصمیم متّخذه اینجانب را مطلع سازند.

علی‌اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۵۶۸۶

تاریخ: ۱۳۷۲/۱۰/۱۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۶۸۴/ب. هـ مورخ ۷۲/۹/۲۸ در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۱ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«مستفاد از مصوبه هیأت دولت این است که غیر وزرا حق رأی ندارند و لذا محذور مذکور در نامه فوق پیش نمی‌آید لکن از این لحاظ که غیر وزرا را نیز عضو کمیسیون مذکور دانسته است خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم و استفساریه در خصوص اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱۰/۴۴۱۶۲/د

تاریخ: ۱۳۷۳/۶/۵

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

در اجرای اصل ۹۸ و با توجه به اصول ۱۴۱ و ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را در دو مورد زیر اعلام فرمائید:

- ۱- آیا اعطای مسئولیت ریاست یا سرپرستی دانشکده‌های دانشگاه‌های کشور به نمایندگان مجلس شورای اسلامی مانع از اشتغال به سمت نمایندگی است یا این قبیل سمت‌ها مشمول قسمت اخیر اصل ۱۴۱ قانون اساسی که صراحت دارد سمتهای آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است می‌باشد؟
- ۲- آیا قوانینی که به صورت اجرای آزمایشی در کمیسیونهای داخلی مجلس تصویب می‌شوند و برای مدت معین با تصویب مجلس به اجراء در می‌آیند قابل تمدید و اجراء برای یک دوره یا مدت دیگر نیز می‌باشد یا خیر؟

علی‌اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۶۷۷۲

تاریخ: ۱۳۷۳/۲/۲۲

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

- عطف به نامه شماره ۱۰/۴۴۱۶۲/د مورخ ۱۳۷۳/۶/۵ موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۶/۲۳ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:
- ۱- در مورد بند اول به اتفاق آرا نظر به اینکه ریاست دانشکده مانند ریاست دانشگاه سمت

اداری محسوب می‌شود تصدی آن برای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خلاف اصل ۱۴۱ قانون اساسی است.

در این رابطه نظر ریاست محترم مجلس را به بند اول نامه شماره ۸۵۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۰ شورای نگهبان جلب می‌کنیم.

۲- در مورد بند ۲، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید.^(۱)

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

احمد علیزاده

(۱) در خصوص اصل ۸۵ قانون اساسی (اختیار وضع بعضی از قوانین به کمیسیونهای داخلی مجلس شورای اسلامی) شورای نگهبان در پاسخ به نامه‌های ۸۸۸ ق مورخ ۶۰/۴/۱۶ و ۸۸۷ ق مورخ ۶۰/۴/۱۶ رئیس وقت مجلس شورای اسلامی (ارسال لایحه الحاقیه به ماده ۲۲۶۸ آئین نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب کمیسیون دارائی مجلس، جهت اظهار نظر شورا) نظریه‌ای بیان نموده است که اگرچه عنوان تفسیری ندارد اما به لحاظ مرتبط بودن با موضوع مذکور ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

«مطابق اصل ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است و طبق اصل ۸۵، مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند و تنها در مورد ضرورت ممکن است اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند آن هم با تعیین مدت معین برای اجراء به صورت آزمایشی و قید اینکه تصویب نهایی با خود مجلس است. بنابراین در نظام جمهوری اسلامی و در سایه حکومت قانون اساسی جمهوری اسلامی هنگامی کمیسیونهای داخلی مجلس می‌توانند به وضع بعضی از قوانین پردازد که این اختیار صریحاً از ناحیه مجلس شورای اسلامی به آنها تفویض گردد».

(ر. ک به روزنامه رسمی شماره ۱۰۶۳۵ مورخ ۱۳۶۰/۶/۱۱)

تفسیر اصل هفتاد و سوم قانون اساسی^(۱)
(تفسیر قوانین عادی)

شماره: ۷۸۱۰۸

تاریخ: ۱۳۷۳/۱۲/۲۲

شورای محترم نگهبان

همان‌گونه که عنایت دارند مطابق اصل ۷۳ قانون اساسی، قوانین عادی در موارد ابهام و اجمال، تفسیر می‌شوند مع هذا نظر به اینکه اصولاً در اکثر قریب به تمامی موارد بین وضع قانون و تفسیر آن فاصله زمانی وجود دارد و در این مدت با اجرای قانون اصلی، برای اشخاص، حقوقی ایجاد می‌شود و در بسیار از اوقات نیز این حقوق به غیر، منتقل و یا به ارث می‌رسد مضافاً اینکه اجرای قوانین مزبور در موارد معتناهی مستلزم ارجاع امر به قوانین دیگر نیز هست (کما اینکه هزینه اعتبار طرح‌ها که موضوع قانون بودجه است در بسیاری از موارد ملازمه با پرداخت حقوق کارگر یا خرید اجناس دارد و این امر براساس قوانین کار و مدنی، حقوقی را برای طرف، ایجاد می‌کند) و در نتیجه بر حسب قوانین مرتبط با یکدیگر و در پی اجرای آنها پیچیدگی‌های زیادی در امور مردم به وجود می‌آید.

با توجه به این پیچیدگی‌ها هنگامی که تفسیر مؤخر انجام می‌یابد این سؤال مطرح می‌شود که مطابق اصول کلی آیا تفسیر قانون به لحاظ آثار و نتایج مترتب بر آن تا چه حد باید و می‌تواند عطف به گذشته شود و حقوق ایجاد شده را منتفی نماید و یا کدام دسته از حقوق و آثار را می‌تواند نادیده بگیرد؟

به عنوان مثال به موجب قانونی که تحت عنوان اعاده به خدمت کارکنان بازنشسته دولت در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس رسید دولت اجازه یافت تعدادی از بازنشستگان را اعاده به خدمت نماید.

در سال ۱۳۶۶ نیز قانون تعدیل نیروی انسانی تصویب شد و در آن دولت اجازه یافت افراد بازنشسته را به صورت موقت به خدمت بگیرد. از آن پس دولت به دو

(۱) اصل هفتاد و سوم: شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.

صورت زیر عمل کرده است:

الف - اعاده به خدمت تعدادی از بازنشستگان متخصص به استناد قانون مصوب سال ۱۳۶۱.

ب - تصویب اشتغال موقت برخی از بازنشستگان به استناد ماده ۸ قانون تعدیل نیروی انسانی مصوب ۱۳۶۶.

قابل ذکر است که مصوبات اعاده به خدمت دولت در فاصله دی ماه ۱۳۶۶ تا خرداد ۱۳۷۳ که بالغ بر ۴۶ تصویب‌نامه و ناظر به تعداد ۱۳۰ نفر است نیز مورد ایراد ریاست محترم جمهوری وقت به استناد اصل ۱۲۶ و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به استناد اصل ۱۳۸ قرار نگرفته است.

در سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تفسیر ماده ۸ قانون تعدیل نیروی انسانی مقرر داشت:

«ممنوعیت اشتغال به کار بازنشستگان موضوع ماده ۸ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی شامل اعاده به خدمت بازنشستگان نیز می‌گردد».

اکنون اگر قانون تفسیر فوق‌الذکر (مصوب ۱۳۷۳) در این قضیه، عطف به ماسبق گردد و شامل افرادی هم بشود که در فاصله سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ اعاده به خدمت شده‌اند و مسئولیت‌های مختلفی را ایفا کرده و تعدادی از آنها تصمیمات مهم مالی و اداری فراوانی گرفته‌اند موجب می‌شود حقوق ایشان و حقوق دیگر اشخاص و حق کلیه اموری که براساس تصمیمات ایشان محقق شده است (از جمله معاملات و عقود) که با تجویز آنان صورت گرفته است) محل اشکال قرار گیرد زیرا در قانون تفسیر، مقرر شده است که افراد مزبور، ممنوعیت از اشتغال داشته‌اند و علی‌القاعده بر امر ممنوع، آثار امر مجاز نباید مترتب شود.

اشاره به این نکته بجاست که با توجه به قواعد و اصول حقوق اداری، امور و حقوق مزبور براساس فهم مجری از قانون حاکم در زمان خود ایجاد شده است به ویژه آن که تفسیر، علی‌الاصول در مواردی صورت می‌گیرد که قانون، مشتمل بر چند معنی است و اتخاذ هر یک از آنها قبل از تغییر مرجع ذی‌صلاح، مغایر با قانون اصلی نمی‌باشد و همانطور که در بالا یادآوری شد در موضوع مطروحه، ریاست محترم جمهوری وقت و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نیز اعلام مغایرت مصوبات را

با قانون اعلام نداشته‌اند.

با عنایت به آنچه گذشت خواهشمند است با توجه به اصول ۷۳ و ۹۸ قانون اساسی نظریه تفسیری شورای محترم نگهبان را در مورد اینکه آیا با قوانین تفسیری می‌توان حقوق و شرایطی را که طبق قوانین اولیه برای اشخاص ایجاد شده است خصوصاً در موارد زیر به طور یک جانبه زایل نمود، اعلام فرمایند:

- ۱- هنگامی که قانون تفسیری جدید، حوزه شمول قانون اصلی را توسعه می‌دهد به نحوی که برای افراد در زمان مقدم بر تصویب، تکالیفی ایجاد می‌نماید.
- ۲- تجدید یا تضییع حقوق استخدامی که در زمان گذشته برای افراد ایجاد شده است.
- ۳- تأثیر در عقود و معاملات گذشته و سایر تصمیماتی که برای اشخاص غیر دولتی، حقوقی ایجاد کرده است.
- ۴- تسری مستقیم یا غیر مستقیم مقررات جزائی به فعل یا ترک فعلی که در گذشته انجام شده است.

رئیس جمهور

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۷۶/۲۱/۵۸۳

تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۱۰

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام، نامه شماره ۷۸۱۰۸ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۳/۷ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

- ۱- مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است بنابراین تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر، تلقی نمی‌شود.
- ۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجرا است. بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور، تسری نمی‌یابد.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

استفساریه پیرامون نظریه ۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان

شماره: ۱۸۴۴۸/۴۰/۱۰۰

تاریخ: ۱۳۷۹/۳/۳۰

حضرت آیت الله جناب آقای جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیت

همانگونه که استحضار دارید شورای محترم نگهبان طی نظریه شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۷۶/۳/۱۰ در خصوص تفسیر قوانین چنین اعلام نظر فرموده‌اند:

۱- ...

۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجرا است. بنابراین، در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند، تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور تسری ندارد.

استنباط این وزارت از توضیح قسمت اخیر نظریه تفسیری آن شورای محترم این است که چنانچه موضوعی مختومه نشده بلکه بعد از تفسیر قانون به اجراء در می‌آید و امکان استفاده از نظریه تفسیری نسبت به مورد وجود دارد، اولی تبعیت از نظریه تفسیری است زیرا با انجام تفسیر معنای واقعی و حقیقت هدف قانونگذار برای مجریان روشن و ابهامات و شبهاتی که در استنباط از آن وجود داشته زائل می‌گردد. لذا مستدعی است نظریه شورای محترم نگهبان را در این خصوص به این وزارت ابلاغ فرمائید.

حبیب الله بیطرف

وزیر نیرو

شماره: ۷۹/۲۱/۱۵۴۰

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۲۰

جناب آقای مهندس بیطرف

وزیر محترم نیرو

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۸۴۴۸/۴۰/۱۰۰ مورخ ۷۹/۳/۳۰ مبنی بر تقاضای ارائه توضیح نسبت به نظر تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۷۶/۳/۱۰ بدینوسیله اعلام می‌گردد:

«همانطوری که در نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ آمده است که تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجراء است با این قید که به موارد مختومه تسری نمی‌یابد.

بنابراین چنانکه تا هنگام لازم الاجراء شدن تفسیر قانون، موضوعی مختومه نشده باشد باید مطابق نظریه تفسیری اقدام گردد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل پنجاه و دوم و استفساریه در خصوص اصل پنجاه و سوم قانون اساسی

شماره: ۳۸۲۸ ق

تاریخ: ۱۳۷۴/۲/۱۸

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

خواهشمند است با توجه به اصول ۵۲، ۵۳ و ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمائید آیا بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات مربوط به قانون باید به صورت لایحه از سوی دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد یا به صورت طرح^(۱) هم ممکن است.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

(۱) از جمله می توان به طرح زیر اشاره نمود:

تاریخ: ۱۳۷۴/۲/۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم؛

احتراماً؛ از آنجائیکه در تصویب قانون بودجه سال ۷۴ بعثت فشرده گی زمان تصویب قانون پیش آمد و نقایصی در این قانون به چشم می خورد که از موارد مهم آن حذف کمک های دولت به شرکت های اتوبوس رانی شهرهای بزرگ می باشد که مشکلات فراوانی را در آینده پیش خواهد آورد. مطلب دیگر در مناطق محروم کشور بعثت پراکندگی فراوان، دختران دانش آموز قادر به ادامه تحصیل بیش از مقطع ابتدائی نمی باشند مطلب سوم در بحث بخش آب اعتراضات فراوان نسبت به تغییرات این قسمت که توسط کمیسیون نیرو به عمل می آید وجود داشت برای اصلاح موارد فوق طرح ذیل تقدیم مجلس شورای می گردد که تقاضای تصویب آنرا داریم.

ماده واحده - طرح الحاق یک تبصره به قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور:

۱- از هر کیلو پسته صادراتی مبلغ یک هزار ریال یا سقف یکصد و بیست میلیارد ریال عوارض اخذ و به خزانه واریز می گردد.

۲- ۲٪ درصد از مابه التفاوت افزایش نرخ فراورده های نفتی در بودجه سال ۷۴ تا سقف هشتاد میلیارد ریال اخذ و به خزانه واریز می گردد.

۳- ۶۰٪ درصد مبالغ واریزی فوق در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد ۴۰٪ مابقی جهت احداث مدارس شبانه روزی دخترانه در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می گیرد.

کلیه ردیف های امور آب وزارت نیرو و سایر سازمان های مربوطه به لایحه دولت در سال ۱۳۷۴ برگردد.

فاطمه همایون مقدم - محمدهادی عبدخدائی - احمد سالک - سید جواد انگجی - کریمی - محسن کوهکن -

سید مسعود حسینی - ابراهیم صراف مرندی - علی یوسف پور سید یوسف طباطبائی - کمال دانشیار و ...

شماره: ۲۸۷

تاریخ: ۱۳۷۴/۳/۱۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۳۸۲۸- ق مورخ ۷۴/۲/۱۸:

شورای نگهبان به منظور رسیدگی و تهیه پاسخ لازم به سئوال مذکور در نامه تشکیل جلسه داد و نتیجه به شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل ۵۲ قانون اساسی این است که:

بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات بعدی مربوط - در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه - می‌بایست به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد.

۲- در مورد امکان تغییر در ارقام بودجه از طریق طرحی که نمایندگان محترم تقدیم مجلس می‌کنند شورای نگهبان به رأی نرسید».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصول هفتاد و یکم^(۱) و نود و سوم^(۲) قانون اساسی (ملاک و معیار ترجیح یکی از دو قانون معارض)

شماره: ۸۲۰۹۶

تاریخ: ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه تشخیص قانون مؤخر با عنایت به تحوّل و اصلاح قوانین، امری ضروری است و در مواردی احراز تقدّم و تأخّر، مستلزم آن است که معین شود اعتبار قانون متکی به تصویب یا تأیید شورای نگهبان می‌باشد، علیهذا با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی که وضع قانون را به مجلس شورای اسلامی محوّل نموده و اصل ۹۳ که مجلس را بدون شورای نگهبان، فاقد اعتبار قانونی اعلام داشته، نظر تفسیری آن شورای محترم در مسئله زیر مورد تقاضاست:

آیا در تشخیص قانون مؤخر، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی مؤثر در مقام است یا ملاک، تأیید شورای نگهبان می‌باشد؟

برای مزید استحضار و به عنوان نمونه اضافه می‌نماید قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کلّ کشور با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در موارد متعدد، تعارض دارد که لازم است تأخیر یکی از آنها احراز شود خصوصاً اینکه زمان تصویب، زمان اجراء و زمان تأیید شورای نگهبان در مورد آنها به شرح زیر بوده است:

قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور	قانون نحوه وصول برخی از درآمدها
۱۳۷۳/۱۲/۲۸	۱۳۷۳/۱۲/۲۸
مؤخر (بعد از دستور جلسه ش ۷-ص ۲۸)	مقدم (دستور جلسه ش ۶-ص ۲۵)
۱۳۷۴/۱/۱	۱۳۷۴/۱/۱
مقدم ۱۳۷۳/۱۲/۲۸	مؤخر: ۱۳۷۴/۱/۱۶
زمان تصویب	زمان قابلیت اجراء
تأیید شورای نگهبان	تأیید شورای نگهبان

طبیعی است در صورتی که ملاک در مسئله مطروحه، زمان تصویب باشد قانون

(۱) اصل هفتاد و یکم: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

(۲) اصل نود و سوم: مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

بودجه کل کشور که در روز ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ در دستور بعدی مجلس قرار داشته مؤخر است و چنان‌که تأیید شورای نگهبان ملاک در اعتبار قانون باشد قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، قانون مؤخر است ولو آن که قابلیت اجرای هر دو ۷۴/۱/۱ بوده است.

رئیس جمهور
اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۷۵/۲۱/۰۶۵۰

تاریخ: ۱۳۷۵/۴/۱۲

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۸۲۰۹۶ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۴ در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۴/۶ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:
«بدون تردید اعتبار قانونی مصوبات مجلس شورای اسلامی منوط به اظهار نظر شورای نگهبان است و در مقام تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تأیید نموده است معیار و ملاک، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است و در صورت وحدت زمان، قانون خاص، قانون عام را تخصیص می‌زند».

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

تفسیر اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱۰۴۱۵۱

تاریخ: ۱۳۷۵/۹/۶

شورای محترم نگهبان

همانگونه که استحضار دارند در بودجه کل کشور جهت ایجاد و یا توسعه فعالیتهای تولیدی بخشهای مختلف اقتصادی، اعتباراتی برای پرداخت قسمتی از کارمزد تسهیلات بانکی شرکتهای تعاونی و خصوصی منظور می‌گردد که از آن جمله بند (ب) تبصره (۳) و بند (ه) تبصره (۶) و بند (۴) تبصره (۱۱) و تبصره‌های (۵۱ و ۵۲) بودجه کل کشور سال جاری است.

هم چنین در مورد مؤسسات غیر دولتی که متصدی خدمات عمومی و عام‌المنفعه هستند و در عین حال جزء بخش دولتی اصل (۴۴) قانون اساسی و از مصادیق موضوعات اصل (۴۵) قانون اساسی محسوب نمی‌شوند از قبیل کمیته امداد امام - کمیته ملی المپیک - شهرداریها - هلال‌احمر - مدیریت حوزه علمیه قم - کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی، قانونگذار اعتباراتی را در بودجه سالیانه منظور می‌نماید تا تداوم خدمات آنان میسر گردد. بدین ترتیب این قبیل مؤسسات تعاونی، خصوصی و یا عمومی غیر دولتی به اصطلاح از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند.

اخیراً این توهّم ایجاد شده است که دیوان محاسبات کشور مکلف است به کلیه حسابهای این مؤسسات، هم در آن قسمت که از محل بودجه عمومی کل کشور تأمین شده است و هم قسمت‌های دیگر که مربوط به درآمدهای داخلی و موقوفات و هدایا و دیگر منابع باشد رسیدگی و حسابرسی نماید.

خواهشمند است با توجه به اصل (۹۸) قانون اساسی تفسیر فرمایند آیا اصل (۵۵) قانون اساسی ناظر به کلیه حسابها و هزینه‌های مؤسسات عمومی غیر دولتی و مؤسسات خصوصی و تعاونی است که جزئی از اعتباراتشان از محل بودجه کل کشور تأمین می‌شود یا اینکه با توجه به دلالت عبارت «اعتبارات مصوب» در اصول (۵۳ و ۵۵) قانون اساسی، حسابهای این مؤسسات صرفاً در حدود اعتباراتی که در بودجه کل کشور برای آنان منظور شده و تخصیص یافته است مشمول رسیدگی دیوان محاسبات می‌باشد؟

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور

شماره: ۷۵/۲۱/۱۱۱۶

تاریخ: ۱۳۷۵/۹/۱۴

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۱۰۴۱۵۱ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶ مبنی بر تفسیر اصل ۵۵ قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصول یکصد و بیست و ششم، یکصد و بیست و هفتم^(۱)
و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

شماره: ۶۱۸۳۳/۲۰

تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۱۱

شورای محترم نگهبان

با ابلاغ سلام، نظر به اینکه از زمان پایان یافتن دوره ریاست جمهوری تا معرفی وزرا به مجلس و اخذ رأی اعتماد، با توجه به سابقه، فاصله چند هفته‌ای وجود دارد و در این مدت، چگونگی تصدی امور وزارتخانه‌ها و اعتبار تصمیمات هیأت وزیران و مقاماتی که به نمایندگی از ریاست جمهوری مسئولیت یافته‌اند محل سؤال است، لطفاً نظر تفسیری آن شورا را نسبت به اصول قانون اساسی در موارد زیر اعلام فرمایند:

- ۱- آیا وزرا از زمان اختتام دوره ریاست جمهوری تا رأی اعتماد به وزرای جدید کماکان بر مسئولیت خود باقی می‌مانند؟
- ۲- در صورتی که وزرای موجود در فاصله مزبور بر مسئولیت باقی باشند تشکیل و تصمیم‌گیری هیأت وزیران تحت نظر ریاست جمهوری جدید میسر است یا خیر؟
- ۳- معاونان رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی برای اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی منصوب شده‌اند بعد از پایان دوره ریاست جمهوری می‌توانند به کار ادامه دهند یا نیاز به حکم جدید دارند؟
- ۴- کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی انتخاب شده‌اند در این مدت نافذ است یا صرفاً تصمیماتی که در حکم صمیم هیأت وزیران باشد اعتبار خواهد داشت؟
- ۵- آیا تشکیل کمیسیونهای متشکل از وزرای موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی در فاصله زمانی مزبور مجاز است و تصمیمات ایشان با تأیید ریاست جمهوری جدید، لازم‌الاجرا است یا خیر؟

معاون اول رئیس جمهور

حسن حبیبی

(۱) اصل یکصد و بیست و هفتم: رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود.

شماره: ۷۶۲۱/۱۱۴۴

تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۱۳

معاون اول محترم رئیس جمهور

با سلام، نامه شماره ۶۱۸۳۳/۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۱ در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می گردد:

«۱- وزرا از زمان اختتام دوره ریاست جمهوری تا رأی اعتماد به وزرای جدید کماکان بر مسئولیت خود باقی می مانند.

۲- وزرای موجود در فاصله مزبور بر مسئولیت باقی هستند و تشکیل و تصمیم گیری هیأت وزیران تحت نظر ریاست جمهوری جدید میسر است.

۳- معاونان رئیس جمهور به عنوان معاون به کار خود ادامه می دهند لکن در آن قسمت که مربوط به اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی است اداره کار منوط به نوعی موافقت رئیس جمهور می باشد.

۴- کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی انتخاب شده اند در این مدت نافذ نمی باشد.

۵- در بند ۵ با تأیید ریاست جمهوری جدید، تصمیمات مذکور، لازم الاجرا است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

شماره: ۱۴۴۹۰-۷۷م

تاریخ: ۱۳۷۷/۱۲/۱۸

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

طبق ماده ۱۸ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب شهریور ماه ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی مقرر شده است آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور توسط هیأت عالی گزینش و سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی برسد.

در اجرای ماده مزبور آئین‌نامه فوق‌الذکر در مرداد ماه ۱۳۷۷ به تصویب جلسه مشترک کمیسیونهای یاد شده مجلس رسیده و ظاهراً بدون ملاحظه شورای نگهبان و اظهار نظر درباره آن طی نامه شماره ۲۳۶۷ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی با امضای رئیس مجلس شورای اسلامی برای رئیس جمهور فرستاده شده است و اینجانب نیز به حکم قانون طی نامه شماره ۴۳۵۸۴ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۱ دستور اجرای آن را داده‌ام.

ولی مسئله‌ای که در اینجا مطرح است و خواستم نظر شورای محترم نگهبان را بدانم این است که مصوبه کمیسیون مشترک یا جلسه مشترک کمیسیونها چه وضعیتی دارد آیا طبع قانون و مصوبه مجلس را دارد یا طبع آئین‌نامه اجرایی از نوع آئین‌نامه‌های دولتی؟

طبق اصل ۹۴ قانون اساسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود تا از لحاظ مغایرت یا عدم مغایرت آنها با قانون اساسی و موازین شرع مورد بررسی قرار گیرد، در مواردی هم که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب برخی از قوانین به صورت آزمایشی یا تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت به طور دائم به کمیسیونها تفویض می‌شود باید مصوبه کمیسیون به شورای نگهبان ارسال شود. بنابراین اگر ارجاع تصویب آئین‌نامه اجرایی به کمیسیون داخلی مجلس علی‌رغم اسم آن طبع و خاصیت مصوبه قانونی را داشته و از

نوع اول باشد می‌بایست به شورای نگهبان ارسال گردد که چنین چیزی صورت نگرفته است.

ولی اگر کمیسیونهای داخلی از سوی مجلس مأموریت پیدا کردند که آئین‌نامه اجرایی قانونی را تهیه کنند، به نحوی که طبق اصل ۱۳۸ ممکن است هیأت دولت یا یکی از وزرا چنین مأموریتی پیدا نمایند، در این صورت اولاً این سؤال مطرح است که آیا غیر از دولت و وزیر مربوط و یا کمیسیونهای متشکل از چند وزیر مذکور در اصل ۱۳۸، حق وضع آئین‌نامه به معنای خاص آن را دارند و مجلس می‌تواند حق وضع و تصویب آئین‌نامه را با داشتن طبع آئین‌نامه اجرایی با همان ماهیت و آثاری که آئین‌نامه دولتی دارد به غیر از هیأت وزیران و یا یکی از وزرا و یا کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید؟

ثانیاً اگر چنین امری مجاز باشد، چه مرجعی صلاحیت کنترل و بررسی آئین‌نامه مزبور را از لحاظ عدم مغایرت با قوانین و موازین شرع دارد؟ ذیل اصل ۱۳۸ مقرر می‌دارد که تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی باید به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد، که اگر آنها را برخلاف قوانین دید، جهت تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستند. اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز قضات دادگاهها را از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است منع کرده و ابطال آنها را با دیوان عدالت اداری دانسته است، اصل ۱۷۴ نیز مرجع رسیدگی به شکایات مردم از آئین‌نامه‌های دولتی را دیوان عدالت اداری دانسته است، حال آیا آئین‌نامه‌های اجرایی مصوب کمیسیونهای داخلی مجلس می‌تواند مورد کنترل و ممیزی رئیس مجلس یا دیوان عدالت اداری قرار گیرند؟ یا در صورت مخالف بودن با موازین شرع و قانون، قضات از عمل کردن به آنها خودداری نمایند؟ با وجود اینکه در هر سه مورد آئین‌نامه دولتی مورد تصریح قرار گرفته و اطلاق آئین‌نامه دولتی به مصوبه کمیسیون مجلس صحیح به نظر نمی‌رسد. اگر همانگونه که در شق اول بیان شد برای این نوع مصوبات کمیسیونها نتوان خاصیت مصوبه قانونی قائل شد، به شورای نگهبان هم فرستاده نخواهد شد همانطور که عملاً چنین شده است و نتیجتاً هیچ کنترلی در زمینه انطباق یا عدم انطباق آنها با موازین شرع و قانون اساسی و قوانین عادی

وجود ندارد.

چنانچه صلاح می‌دانید شورای محترم نگهبان، موضوع را بررسی نموده و استنباط و تفسیر خود را از اصول قانون اساسی مربوطه در خصوص سه مسئله زیر اعلام فرماید:

۱- آیا ارجاع وضع و تصویب آئین‌نامه اجرایی قانون به کمیسیون یا کمیسیونهای داخلی مجلس صحیح است؟

۲- در صورت صحت، آیا این نوع مصوبات کمیسیونها مانند سایر مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود یا خیر؟ و در صورت عدم لزوم ارسال به شورای نگهبان، آیا رئیس مجلس شورای اسلامی یا دیوان عدالت اداری می‌توانند آنها را مورد بررسی قرار دهند یا خیر؟

۳- آیا این‌گونه مصوبات کمیسیونها مشمول عنوان مصوبات مجلس موضوع اصل ۱۲۳ قانون اساسی می‌باشند و رئیس جمهور طبق اصل مزبور موظف است آنها را امضاء و برای اجراء در اختیار مسئولان قرار دهد با اینکه مورد رسیدگی و اظهار نظر شورای نگهبان قرار نگرفته است؟

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۷۸/۲۱/۴۵۱۲

تاریخ: ۱۳۷۸/۱/۲۵

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۴۴۹۰-۷۷/م مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۵ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«ارجاع تصویب آئین‌نامه به کمیسیون یا کمیسیونهای مجلس خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۳۱۱۵-ق

تاریخ: ۱۳۷۸/۳/۱۸

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

همانگونه که مستحضرید، به موجب ماده (۱۸) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب شهریور ماه ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی، مقرر گردیده که آئین نامه اجرایی آن به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس برسد که به همین نحو عمل شده است و آئین نامه مزبور پس از تصویب کمیسیون مشترک توسط اینجانب به ریاست محترم جمهوری جهت اجراء ابلاغ گردیده است.

از سوی دیگر اخیراً در استعلامی که از ناحیه ریاست محترم جمهوری در خصوص موضوع از شورای محترم نگهبان به عمل آمده، شورای محترم، ارجاع تصویب آئین نامه را به کمیسیون یا کمیسیونهای مجلس برخلاف اصل (۱۳۸) قانون اساسی دانسته است. اینک خواهشمند است با توجه به اینکه شورای محترم نگهبان در هنگام بررسی قانون گزینش معلمان که متضمن ماده (۱۸) آن به شرح فوق الاشعار بوده است، آن را مغایر با قانون اساسی تشخیص نداده است و روال قانونی آن و تصویب و ابلاغ آئین نامه اجرایی وفق ماده (۱۸) طی شده است، آیا نظریه اخیر شورای محترم نگهبان عطف به ماسبق نیز می گردد یا اینکه اعتبار آئین نامه مورد بحث به قوت خود باقی خواهد بود.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۷۸/۲۱/۴۸۰۰

تاریخ: ۱۳۷۸/۳/۲۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

نامه شماره ۳۱۱۵-ق مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۸ شما در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۶ شورای

نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می گردد:

«چون ماده ۱۸ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش از نظر شورای نگهبان گذشته و مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص داده نشده است، فلذا ماده مذکور قانونیت دارد و قابل اجراء می باشد بالتبع اعتبار آئین نامه ای که بر مبنای ماده مذکور به تصویب رسیده به قوت خود باقی است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل پنجاه و دوم و استفساریه در خصوص اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۳۰۴۴-ق

تاریخ: ۱۳۷۸/۲/۲۵

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اطلاق اصل (۵۲) قانون اساسی که دولت را مکلف به تهیه بودجه سالانه کل کشور و تسلیم آن به مجلس شورای اسلامی نموده است آیا انجام هرگونه اصلاحات در قانون بودجه از قبیل تغییر در ارقام، الحاق، حذف، جابجائی و متمم یا چند دوازدهم بودجه از طریق تقدیم طرحهای قانونی موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی امکانپذیر می باشد یا مستلزم تقدیم لایحه از سوی دولت محترم است؟

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۷۸/۲۱/۵۱۴۶

تاریخ: ۱۳۷۸/۵/۲۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به شماره ۳۰۴۴-ق مورخ ۷۸/۲/۲۵ موضوع در جلسات شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می گردد:

«نظر به اینکه عبارت «هرگونه اصلاحات در قانون بودجه» کلی است باید مصادیق آن مشخص گردد تا پاسخ روشن داده شود.

- ۱- تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد به وسیله طرح قانونی با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکانپذیر نیست.
- ۲- تصویب متمم و چند دوازدهم بودجه از طریق طرح قانونی با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی جایز نمی باشد.

(۱) اصل هفتاد و چهارم: لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

- ۳- در خصوص تغییر در ارقام بودجه به وسیله طرح قانونی در صورتی که در بودجه کل کشور تأثیر نگذارد رأی تفسیری نیآورده است.
- ۴- الحاق و حذف نیز همانند تغییر در ارقام بودجه است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۳۰۵۴۲

تاریخ: ۱۳۷۸/۶/۹

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه تقسیم یک استان با توجه به ارتقای سطح سازمانهای محلی و لزوم ایجاد ادارات کل جدید در هر استان و تغییر تشکیلاتی و ضرورت تأمین عوامل و پرسنل مناسب با این تشکیلات و تغییر در بودجه اصولاً متضمن بار مالی است، علیهذا خواهشمند است با توجه به اصل ۷۵ قانون اساسی اعلام فرمایند تأییدیه مورخ ۷۶/۹/۱۷ آن شورا راجع به مصوبه مورخ ۷۶/۹/۹ مجلس شورای اسلامی (در خصوص طرح تقسیم استان خراسان) مستظهر بر این تلقی بوده است که حتماً براساس این مصوبه مجلس، لایحه تقسیم استان خراسان که متضمن بار مالی معتنا به است به مجلس تقدیم شود و یا بر این مبنا بوده است که مطالعات کارشناسی توسط دولت انجام پذیرد و در صورت لزوم گزارش این مطالعات برای اطلاع مجلس شورای اسلامی ارسال شود.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهور

شماره: ۷۸/۲۱/۵۲۵۴

تاریخ: ۱۳۷۸/۶/۲۱

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای خاتمی

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

نامه شماره ۳۰۵۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۶/۹ شما در جلسه مورخ ۷۸/۶/۲۱ شورای نگهبان مطرح شد که نظر شورا بدین شرح اعلام می گردد؛

(۱) اصل هفتاد و پنجم: طرحهای قانونی و پیشنهادهای اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد با تأمین هزینه جدیدی نیز معلوم شده باشد.

«استظهار شورا از طرح تقسیم استان خراسان الزام دولت به کارشناسی بوده است وگرنه طرحی که دولت را ملزم کند تا استان خراسان را به چند استان تقسیم نماید خلاف اصل ۷۵ قانون اساسی است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصول یکصد و پنجاه و هشتم^(۱) و یکصد و شصتم قانون اساسی

شماره: ۱/۷۸/۶۷۸۸

تاریخ: ۱۳۷۸/۷/۱۳

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیات

چون طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی مقام معظم رهبری، رئیس قوه قضائیه را به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی تعیین می‌فرمایند و نظر به اینکه طبق بند ۱ اصل ۱۵۸ این قانون ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از وظایف رئیس قوه قضائیه محسوب گردیده است.

و با عنایت به اصل ۱۶۰ قانون اساسی که در آن عنوان وزارت دادگستری ذکری به میان نیامده و تنها وزیر دادگستری را به عنوان مسئول کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه معرفی نموده است در صورتی که وزیر محترم دادگستری بخواهد تشکیلاتی را برای وزارت ایجاد نماید.

آیا این تشکیلات و معاونت‌های مربوط به آن بایستی به نحوی که در اصل ۱۵۸ آمده ایجاد شود و از اعتبارات اداری مالی قوه قضائیه استفاده نماید یا تشکیلات ایجاد شده جزء تشکیلات قوه مجریه محسوب گردیده و خارج از شمول اصل مذکور است و نیازی به تصویب و تأیید رئیس قوه قضائیه ندارد؟

خواهشمند است با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی نظر تفسیری شورای نگهبان را اعلام فرمائید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

(۱) اصل یکصد و پنجاه و هشتم: وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و هشتم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

شماره: ۷۸/۲۱/۵۵۱۵

تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۲

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۷۸/۶۷۸۸ مورخ ۷۸/۷/۱۳:

موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۹ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«آنچه مربوط به وظایف وزیر دادگستری مذکور در اصل ۱۶۰ قانون اساسی است مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود. این تشکیلات باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد و اعتبارات آن باید از طرف قوه قضائیه تأمین شود.

آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری و نیز وظایفی است که هیأت دولت به عهده وی واگذار کرده مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۱/۷۸/۷۷۱۶

تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۸

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

عطف به شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ مورخ ۷۸/۸/۲ با توجه به قسمت دوم پاسخ شورای محترم نگهبان این سؤال پیش می‌آید آیا تشکیلات جدید التاسیس به عنوان تشکیلات وابسته به هیأت دولت است و یا تشکیلاتی است که به عنوان وزارت دادگستری ایجاد می‌شود در صورت دوم چون مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود دولت نمی‌تواند وزارتی جداگانه با تشکیلاتی جدید برخلاف آنچه که در قانون اساسی آمده

است ایجاد نماید خواهشمند است پس از بررسی مجدد نظریه توضیحی شورای محترم نگهبان را اعلام فرمائید.

سید محمود هاشمی شاهرودی
رئیس قوه قضائیه

شماره: ۷۸/۲۱/۵۶۱۰

تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۱۳

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه‌های شماره ۱/۷۸/۷۷۱۶ مورخ ۱۳۷۸/۸/۸ و شماره ۱/۷۸/۶۷۸۸ مورخ ۷۸/۷/۱۳ و پیرو نامه شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ مورخ ۷۸/۸/۲:

موضوع در جلسه مورخ ۷۸/۸/۱۲ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری است که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و نیز در مورد وظایفی که هیأت دولت به عهده وی واگذار کرده است مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد».

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

شماره: ۱/۷۸/۸۱۱۵

تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۱۹

محضر شریف برادر بزرگوار حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

عطف به پاسخ آن شورای محترم که شفاهاً بدین شرح اعلام گردید.

آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری است که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و نیز در مورد وظایفی که هیأت دولت به عهده وی واگذار کرده است مشمول اصل ۱۵۸ نمی‌باشد، مراتب زیر معروض می‌گردد:

اولاً از مفاد این پاسخ چنین استنباط می‌گردد حتی اگر هیأت دولت وظایفی را بر عهده وزارت دادگستری نگذارد وزارت دادگستری وظایف دیگری دارد که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و این مطلب یقیناً برخلاف قانون اساسی است چون معنایش این است که این وزارت ابتدا هم می‌تواند وظایفی خارج از محدوده رابط بودن قوه قضائیه با دو قوه دیگر داشته باشد که بعید است منظور عزیزان در آن شورای محترم با آن تیزبینی و دقت نظر که حقیر در آنان سراغ داشتم این مطلب باشد.

ثانیاً چنانچه برخی از اعضاء محترم شورا با این پیشنهاد نیز موافق نباشند که ظاهراً در آن روز جلسه چنین احساس کردم از جنابعالی به عنوان دبیر شورای نگهبان تقاضا دارم این مکاتبات را در سابقه مربوط به این اصل از اصول قانون اساسی منظور و محفوظ بدارید تا مظلومیت قوه قضائیه برای تاریخ و آیندگان ثبت شود. اینجانب خوف آن را دارم که بر اثر این تفسیر شورای محترم نگهبان در آینده دو تشکیلات مستقل از هم و غیر هماهنگ یکی به عنوان قوه قضائیه و دیگری به عنوان تشکیلات وزارت دادگستری ایجاد شود و باز در درون وزارت دادگستری دو سنخ تشکیلات عریض و طویل راه یابد یکی مربوط به قوه قضائیه و دیگری مستقل و آزاد عمل کند. که قطعاً مضر بوده و برخلاف روح تمرکز قوه قضائیه و استقلال آن که از اصول مربوط به قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی استفاده می‌شود خواهد بود.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

تفسیر اصول چهل و چهارم^(۱) و یکصد و هفتاد و پنجم^(۲) قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۷۹/۴/۲

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً، با توجه به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون نحوه اداره صدا و سیما و خصوصی سازی شبکه های رادیویی و تلویزیونی و برداشتهای مختلف از اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی و همچنین با عنایت به اینکه در جلسه ای که در محل شورای نگهبان در جریان مذاکرات اصل ۴۴ قانون اساسی به همراه دو تن از حقوقدانان این شورا با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت داشتیم در مورد امکان خصوصی سازی صدا و سیما مطالبی عنوان نمودند لذا مطابق ماده ۱۸ آئین نامه داخلی شورای نگهبان درخواست می شود تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند:

الف - مطابق ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی خطمشی و ترتیب اداره نظارت بر سازمان صدا

(۱) اصل چهل و چهارم: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعادلی شامل شرکتهای و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.

(۲) اصل یکصد و هفتاد و پنجم: در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خطمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.

و سیمای جمهوری اسلامی ایران را قانون معین می‌کند. آیا عبارت «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد»، نیز که در صدر این اصل ذکر شده است می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟

ب - آیا مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان ایجاد و راه اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی وجود دارد یا خیر؟

محمد یزدی

عضو فقهاء شورای نگهبان

شماره: ۱۷۰۱/۵۴۰۰/۲۳۰۰/م

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۳۰

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً با عنایت به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون خصوصی‌سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و چگونگی اداره این وسیله و رسانه ارتباط جمعی و معطوفاً به اصول ۵^(۱)، ۴۴، ۵۷، ۱۱۰ و ۱۷۵ قانون اساسی، خواهشمند است تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند.

۱- تفسیر آن شورای محترم نسبت به اصل ۱۷۵ قانون اساسی در خصوص موارد ذیل به چه ترتیبی است؟

۱/۱- آیا صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است؟

۱/۲- آیا مقام معظم رهبری صرفاً نصب و عزل و قبول استعفاء رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد یا اینکه علاوه بر آن سیاستگذاری، هدایت و تدابیر معظم‌له در همه ابعاد، خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور نیز به آن اشاره شده است از اختصاصات مستمر مقام معظم رهبری بوده و

(۱) اصل پنجم: در زمان غیبت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

بر صدا و سیما حاکم است؟

۲- تفسیر آن شورای محترم نسبت به اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص موارد ذیل به چه ترتیبی است؟

آیا اجازه تأسیس و راه اندازی رادیو و تلویزیون و یا شبکه‌های خصوصی در داخل یا خارج از کشور و یا انتشار فراگیر (مانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و ...) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مجاز می‌باشد؟

علی لاریجانی

رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۷۹/۲۱/۹۷۹

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۱۰

حضرت آیت‌الله یزدی

عضو محترم فقهاء شورای نگهبان

عطف به نامه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲ جنابعالی مبنی بر اینکه آیا عبارت «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» که در صدر اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است، می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ و همچنین آیا امکان ایجاد و راه اندازی شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد یا خیر؟

موضوع با توجه به ماده ۱۸ آئین‌نامه داخلی (شورای نگهبان)^(۱) در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۶ شورای نگهبان مطرح و نظریه تفسیری شورا در خصوص این دو اصل به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

الف - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۱۷۵ قانون اساسی:

«مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صدا و سیما زیر نظر

(۱) ماده ۱۸ آئین‌نامه داخلی شورای نگهبان: «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.»

مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد».

ب - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی:

«مطابق نصّ صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد.

بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبرنوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و بیست و هفتم^(۱) قانون اساسی

شماره: ۲۷۵۸/هـ/ب

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۴

دبیر محترم شورای نگهبان

مقدمتاً یادآوری این نکته را لازم می‌داند که تا قبل از نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ آن شورای محترم^(۲) اولاً مصوبات ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه و به تبع آن، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مزبور، حاوی امور اجرایی و غیر آن می‌بود ثانیاً این مصوبات و تصمیمات حاوی امور اجرایی و غیر آن، کلاً برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شد و ثالثاً کلیه مصوبات و تصمیمات مزبور از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و اعلام نظر نهایی قرار می‌گرفت و اما در دفاع حقوقی و قانونی از شیوه فوق‌الذکر که پس از بازنگری قانون اساسی قریب به یازده سال مستمراً مورد استفاده مراجع قانون ذی‌ربط قرار گرفته است، نظر آن شورای محترم را به استدلالات ذیل که با استفاده از الفاظ و عبارات اصل ۱۲۷ قانون اساسی و صورت مشروح مذاکرات شورای محترم بازنگری قانون اساسی در خصوص اصل مزبور، به عمل آمده و کلاً مبین شمول این اصل به امور اجرایی و غیر آن به نظر

(۱) اصل یکصد و بیست و هفتم: رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود.

(۲)

شماره: ۷۸/۲۱/۶۱۸۶

تاریخ: ۷۸/۱۱/۲۰

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۳۵۴۴-ق مورخ ۷۸/۱۱/۵ و پیرو نامه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۳۸ مورخ ۷۸/۱۱/۱۳؛ طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب چهارم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هشت مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

در تبصره (۳) با استظهار اینکه اصل ۱۲۷ مربوط به امور اجرایی است الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل ۱۲۷ قانون اساسی به رئیس مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

می‌رسد جلب می‌نماید.

۱- در مجموع الفاظ و عبارات مذکور در اصل ۱۲۷ نه فقط هیچ لفظ و عبارتی مشاهده نمی‌شود که صریحاً مبین حصر این اصل به امور اجرایی باشد بلکه هیچ لفظ و عبارتی وجود ندارد که تلویحاً نیز مفید حصر مزبور باشد.

۲- هیچ یک از دو عبارت «موارد خاص» و «اختیارات مشخص» مذکور در اصل ۱۲۷ که عمده‌ترین نقش را در تشخیص دامنه شمول اصل مزبور به امور اجرایی یا غیر آن ایفاء می‌کنند مقید به امور اجرایی نبوده همچنانکه اطلاق دو عبارت دیگر مذکور در این اصل یعنی عبارت «تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه» و عبارت «در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران» نه فقط شامل امور اجرایی و غیر آن می‌شوند بلکه ذکر کلمه «تصمیمات» در هر دو عبارت، پیش و بیش از آنکه به امور اجرایی دلالت کند به غیر این امور دلالت دارد.

۳- صورت مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز ضمن آنکه مبین اهمیت فوق‌العاده انتخاب نماینده یا نمایندگان ویژه و وسعت دایره اختیار فراوان آنان در رفع مشکلات و معضلات پیچیده و سطوح بالای مملکتی است نه فقط به هیچ وجه محدود و محصور به امور اجرایی نیست که نوعاً مستلزم ایفاء نقش نمایندگی در رهگذر صدور دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، تصمیم‌نامه‌ها و از این قبیل است که اغلب به بیش از امور اجرایی تسری دارد اینک برای ذکر نمونه بعضی از مذاکرات مزبور را ذیلاً به آگاهی می‌رساند:

الف: «ما فکر می‌کنیم دولت این اختیار را داشته باشد که گاهی در حدود اختیارات خودش نه فراتر از آن به بخشی از اختیارات خودش که مشخص می‌شود، تعیین می‌شود، حدودش در دولت تصویب می‌شود، به افرادی یا فردی یک اختیاراتی بدهد که اینها بروند کار بکنند و مسائل را حل کنند» (دو سطر آخر صفحه ۱۱۳۲ و سطر اول صفحه ۱۱۳۳ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی) به طوری که ملاحظه می‌شود **اولاً** واگذاری بخشی از اختیارات دولت به طور مطلق، مطرح است و نه مقید **ثانیاً** حدود اختیارات اعطائی باز هم به طور مطلق از طرف دولت تعیین می‌شود و **ثالثاً** مسائلی که نوعاً ناظر به اختیارات هیأت دولت است حداقل اغلب مستلزم وضع مقررات و ضوابطی بیش از محدوده امور اجرایی است.

ب: «... حداقل در ذهن من این است که وزیری را که شما تعیین فرمودید در قانون اساسی که وزیر مسئول وظایف خاص خویش است براساس همان اصل اگر رئیس جمهور و هیأت وزیران آمدند برای یک منطقه‌ای مثل کردستان گفتند ما یک نفر را می‌خواهیم بفرستیم تا الاختیار که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنجا را همه تحت نظرش باشند، نمی‌تواند این کار را بکند برای اینکه وزیر کشور می‌گوید من مسائل امنیتی را نمی‌خواهم واگذار کنم. قانون اساسی شما محدودش کرده است بنابراین همین جا پیش‌بینی کنید یعنی در خود قانون اساسی باید راه حل بدهید که اگر فردا شورایی آمد تصمیمی گرفت وزیری نباید بگوید نخیر، وظایف خاص من مربوط به خودم هست نمی‌خواهم وظایفم را واگذار به شخص دیگر بکنم ... (پاراگراف دوم صفحه ۱۱۳۶ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

ملاحظه می‌شود استنباط شورای محترم بازنگری از اصل ۱۲۷ قانون اساسی اولاً شامل اختیارات تام ثانیاً شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی و ثالثاً مقتضی واگذاری مطلق بعضی از وظایف خاص یک یا چند وزیر بوده است بنابراین ایفاء مسئولیتی این چنین مهم که نوعاً بدون وضع ضوابط و مقررات لازم الاتباع امکان‌پذیر نیست شمول مدلول اصل ۱۲۷ قانون اساسی به امور اجرایی و غیر آنرا اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

ج: «... یکی از اختیاراتی که او می‌تواند داشته باشد اختیار هماهنگی است و خوب ما در دستگاه‌های مختلف فرض بکنیم در یک موردی که مسائل امنیتی خوب اوایل انقلاب بود در بعضی استانها دیدیم که خوب وزارت آموزش و پرورش یک نوعی می‌رود یعنی برخوردش با معلم‌ها فرضاً استاندار که مسئول امنیت آن مناطق بود می‌گفت که این تصفیه باید انجام صورت بگیرد برخوردها با ضد انقلاب باید صورت بگیرد. خوب یک مشکلی در این رابطه داشتیم قسمت اقتصادی به یک نوعی، قسمت‌های انتظامی به نوعی دیگر هماهنگ کردن تمام این دستگاهها کار مشکلی در آنجا بود ... (اواخر صفحه ۱۱۴۲ مجلد سوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی و نیمه اول سطر اول صفحه ۱۱۴۳ همین مجلد).

ملاحظه می‌شود اولاً موضوع نمایندگی نوعاً رفع مشکلات و معضلات پیچیده

مملکتی است **ثانیاً** رفع مشکلات و معضلات مزبور، نوعاً مستلزم ایجاد هماهنگی بین تعدادی از مقامات مسئول محلی است و **ثالثاً** رفع این قبیل مشکلات و معضلات و یا ایجاد این گونه هماهنگی ها مقتضی برخی امور اجرایی و وضع پاره ای ضوابط و مقررات به صورت دستورالعمل، بخشنامه، تصمیم نامه و از این قبیل است.

بنا به مراتب مذکور، به نظر می رسد شیوه قبلی هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه و رئیس مجلس شورای اسلامی که به تبع استدلالات فوق الذکر و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی اتخاذ شده بود حداقل فاقد قوت استدلال نبوده و از وجاهت حقوقی و قانونی بی بهره نباشد. و اما اینک که شورای محترم نگهبان به موجب نظریه اخیر خود تبصره ۳ طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی را از جهت الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی خلاف قانون اساسی می داند این اشکال پدید آمده است که سوی شورای محترم نگهبان به اجرایی بودن موارد و اختیارات موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی دلالت دارد لکن با التفات به اینکه قبل از تفسیر اصل مزبور و روشن شدن این نکته که شورای محترم نگهبان به لحاظ تفسیری نیز عقیده بر محدود و محصور بودن اصل ۱۲۷ قانون اساسی به امور اجرایی دارد یا نه خواهشمند است برای روشن شدن تکلیف قانونی مراجع ذی ربط مقرر فرمائید با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی نسبت به تفسیر اصل مورد نظر اقدام و از نتیجه اینجانب و سایر مراجع ذی ربط مزبور، را آگاه فرمایند.

ضمناً برای استحضار بیشتر از نحوه استنباط و عمل هیأت وزیران و نماینده یا نمایندگان ویژه، فهرست برخی از تصویب نامه های ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه به انضمام تصویب نامه های مزبور و نیز فهرست برخی از تصمیم نامه های این نماینده یا نمایندگان به انضمام تصمیم نامه های مزبور را که فهرست نخست مبین اعطای اختیاری بیش از موارد اجرایی به نماینده یا نمایندگان ویژه و فهرست اخیر نیز مبین اتخاذ تصمیماتی زائد بر امور اجرایی از سوی این نماینده یا نمایندگان است به پیوست ارسال می دارد.

مهدی کروی

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۷۹/۲۱/۳۳۷

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۳۰

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۷۵۸/هـ/ب مورخ ۷۹/۵/۴:

موضوع در جلسه مورخ بیست و چهارم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه شورای نگهبان مطرح شد، نظر به اینکه اصول ۸۵ و ۱۳۸ مراجع وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده است و این امور غیر از تصمیم است و نظر به اینکه اصل ۱۲۷ صراحتاً به تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران اشاره کرده است نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«محدوده اصل ۱۲۷ شامل تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل نود و هشتم قانون اساسی

شماره: ۷۹/۲۱/۸۹۲

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۳

ریاست محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

با سلام

با توجه به نامه شماره ۱۸۱۳/د/ش مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۵ دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی^(۱) مبنی بر ارائه متنی به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تفسیر اصل ۲۴ قانون اساسی^(۲) موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۳ شورای نگهبان مطرح شد و به شرح زیر اظهار نظر گردید:

«مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر هر یک از اصول آن انحصاراً بر عهده شورای نگهبان است و هیچ مرجع دیگری حق تفسیر هیچ یک از اصول قانون اساسی را ندارد». لذا مقتضی است دستور فرمایند موضوع در دستور کار قرار نگرفته و اقدامی ناسازگار با قانون اساسی به عمل نیاید.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

(۱)

شماره: ۱۸۱۳/د/ش

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۲۵

اعضاء محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

با سلام و احترام، پیرو نامه شماره ۱۷۳۵/د/ش مورخ ۷۹/۵/۱۷ و به دنبال تصمیم جلسه ۴۶۴ مورخ ۷۹/۴/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیوست تصویرنامه شماره ۱۷۸۳ مورخ ۷۹/۵/۲۴ حجت الاسلام والمسلمین آقای اعرافی درباره متن کامل و نهایی تفسیر اصل ۲۴ قانون اساسی برای استحضار ایفاد می‌شود.

دکتر محمدعلی کی‌نژاد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

(۲) اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

تفسیر اصول یکصد و پنجاه و ششم، یکصد و پنجاه و هفتم و یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی

شماره: ۱۷۹/۱۰۴۷۰

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۱۷

خدمت حضرات اعضاء محترم شورای نگهبان «دامت برکاتهم»

با عرض سلام خدمت همه بزرگواران و عزیزان آن شورای محترم استدعا دارد در رابطه با بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی که سابقاً نیز در زمانی که خدمتتان بودیم یکبار مورد بحث و تفسیر قرار گرفت، جهات زیر را روشن نمائید مزید امتنان و تشکر است.

۱- تعریف لایحه قضائی و فرق آن با لایحه قانونی چیست؟

۲- آیا قوه قضائیه پس از تهیه کردن لایحه قضائی توسط ریاست قوه (همانطوری که در بند ۲ آمده است) لازم است آن را ابتدا به هیأت دولت جهت تصویب ارسال داشته و سپس از طریق دولت به مجلس شورا ارسال شود و یا خود قوه قضائیه می تواند رأساً آن را به مجلس شورا ارسال نماید؟

۳- آیا هیأت دولت می تواند مستقلاً لایحه قضائی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید یا خیر؟

۴- آیا هیأت دولت می تواند در لایحه قضائی که توسط قوه قضائیه آماده شده است تغییر محتوایی (به نحو حذف و یا اضافه کردن موادی و یا تغییر مفاد ماده) انجام داده و سپس آن را به مجلس شورا ارسال نماید یا خیر؟

۵- آیا مقصود از لایحه قضائی تنها لوایحی است که جداگانه و مستقل به مجلس می رود و یا شامل مواد قضائی که ممکن است در لوایح قانونی گنجانیده شود نیز می گردد؟

۶- بنابراین که قوه قضائیه بتواند لایحه قضائی را ابتدا به مجلس شورا ارسال نماید در صورتی که آن لایحه دارای بار مالی و مستلزم بودجه اضافی باشد آیا مخالف اصل ۷۵ خواهد بود و یا خیر؟

۷- آیا مجلس شورا می تواند قوانین قضائی را از طریق طرح و پیشنهاد نمایندگان به تصویب برساند یا لازم است از طریق قوه قضائیه و به نحو لایحه قضائی تقدیم شده باشد؟

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۵۰۴۸
تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۲۶

حضرت آیت الله جنتی
دبیر محترم شورای نگهبان (دام عزه)
سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷۰ مورخ ۷۹/۷/۱۷ و سئوالاتی که در آن از شورای محترم نگهبان به عمل آمده بود نظر مبارک حضرات را به دو مطلب ذیل معطوف می دارم:

۱- فعلاً سئوال شماره ۲ و به تبع آن سئوال شماره های ۶ و ۷ مورد نیاز قوه قضائیه نبوده لهذا تقاضا می شود این سه سئوال را از لیست حذف نمایند.

۲- در مورد سئوال اول (تعریف لایحه قضائی) منظور از سئوال مشخص کردن ماهیت مسائل و مواد قضائی است که به نظر اینجانب کلیه موارد ذیل را شامل می شود:

۱- هرگونه تعیین جرم و مجازات آن.

۲- کلیه تشریفات قضائی و آئین های دادرسی مربوط به جنبه شکلی قضاوت

۳- کلیه قوانین و لوایحی که به عنوان قانون عادی راجع به یکی از اصول فصل یازدهم قانون اساسی تنظیم شده باشد.

در صورت مطابقت نظر مبارک حضرات با این موارد و یا هرگونه تغییری در آن ما را بهره مند فرمائید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

سید محمود هاشمی شاهرودی
رئیس قوه قضائیه

شماره: ۷۹/۲۱/۱۰۶۵
تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۳۰

حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی دامت برکاته
رئیس محترم قوه قضائیه
سلام علیکم

عطف به نامه های شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷۰ مورخ ۷۹/۷/۱۷ و شماره ۱/۵۰۴۸ مورخ

۱۳۷۹/۷/۲۶؛ موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا ذیلاً اعلام می‌شود:

«۱- فرق لوایح قضائی و غیر قضائی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضائی را فصل یازدهم قانون اساسی بویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضائی معین می‌کند.

۲- هیأت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضائی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳- لوایح قضائی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضائی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱۷۹/۱۸۲۴۷

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۲۸

حضرت آیت الله جنتی دام توفیقاته

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

با سلام و تحیات

پیرو نامه شماره ۱۷۲/م/ک/۴۱ مورخ ۷۹/۱۰/۴ دیوان عدالت اداری،^(۲) دایر به

(۱) اصل یکصد و هفتادم: قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

(۲)

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۴

شماره: ۱۷۲/م/ک/۴۱

حضرت آیت الله جنتی - دامت برکاته

دبیر محترم شورای نگهبان

با عرض سلام و تحیت و آرزوی قبولی عبادات و طاعات جناب عالی و اعضای محترم شورای نگهبان به استحضار می‌رساند: همانگونه که آگاهی دارند در اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی مصرح است که قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با مقررات اسلامی یا خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه است خودداری ورزند و نیز هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری درخواست نماید. با عنایت به اصل فوق آرائی که از هیأت عمومی دیوان صادر می‌گردد، به چهار دسته کلی قابل تقسیم است.

۱- ابطال به لحاظ اینکه مورد طبق نظر فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص گردیده است.

۲- صدور رأی وحدت رویه و تعیین اصلح الرأین در اعلام تعارض آرای شعب دیوان.

۳- نقص آرای مخدوش و ارجاع به شعبه دیگر.

۴- مواردیکه از برخی مصوبات، آئین نامه‌ها یا بخشنامه‌ها توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی به دیوان شکایت می‌شود و دیوان موظف به رسیدگی است و نهایتاً در صورت مغایرت بخشنامه یا آئین نامه یا مصوبه با قانون یا تشخیص خروج از حدود اختیارات رأی به ابطال آن داده می‌شود.

اینک پرسش پیش آمده این است که آثار ابطال به ویژه در مورد چهارم با توجه به تبعات بسیار گسترده حقوقی و مالی و اجتماعی که قابل تأمل است، از چه زمانی مترتب می‌گردد، آیا از زمان تصویب قانون مؤثر است؟ یا از زمان صدور رأی؟ یا احیاناً رأی هیأت عمومی موردی ملاحظه خواهد شد و یا اصلاً نسبت به موارد فرق می‌کند؟ آیا رسمیت مصوبات قابل شکایت در دیوان نیاز به تأیید، امضا، رضایت، سکوت توأم با رضایت دیوان دارد، تا قبل از آن به طور کلی ملغی الاثر باشد. یا ابطال دیوان کاشف از عدم صحّت مصوبه است. یا ابطال مانند نقل در باب اجازه می‌ماند یا کشف حکمی می‌کند. واضح است چنانچه کشف از بطلان بنماید که ظاهر امر چنین است یک نوع حمایت جدی قانونی و مالی و اداری و حقوقی را می‌طلبد و الاتبعات و آثار فراوانی برای کشور به وجود خواهد آورد.

مستدعی است نظر تفسیری آن شورای محترم را در این باب به دیوان عدالت اداری ابلاغ فرمائید، عنایت داری که این قبیل موارد ابطال نیاز به شکایت و طرح دادخواست در دیوان دارد و چه بسا تا رسیدگی دیوان سالها با زمان مصوبه فاصله باشد، در صورت نیاز اجازه فرمائید حضوراً نیز توضیح داده شود. با تشکر

قربانعلی دری نجف آبادی - رئیس کل دیوان عدالت اداری

درخواست اعلام نظر تفسیری شورای محترم نگهبان، راجع به موارد ابطال مندرج در نامه پیروی، عنایت تسریع در صدور پاسخ و ارسال نسخه‌ای از نظریه ابرازی برای اینجانب موجب امتنان خواهد بود.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۸۰/۲۱/۱۲۷۹

تاریخ: ۱۳۸۰/۲/۱۸

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۷۹/۱۸۲۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸؛

مبنی بر تفسیر اصل یکصد و هفتادم از این جهت که وقتی در مواردی توسط دیوان عدالت اداری تصویب‌نامه یا آئین‌نامه دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه تشخیص داده می‌شود و رأی به ابطال آنها صادر می‌گردد، آثار ابطال از چه زمانی مترتب بر آن موارد می‌شود، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ شورای نگهبان مطرح شد که نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«نسبت به ابطال آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها اصل یکصد و هفتادم به خودی خود اقتضای بیش از ابطال را ندارد، لکن چون ابطال موارد خلاف شرع مستند به تشخیص فقهای شورای نگهبان است و از مصادیق اعمال اصل چهارم قانون اساسی می‌باشد، فلذا ابطال از زمان تصویب آنها خواهد بود».^(۱)

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان

(۱) از آنجا که دیوان عدالت اداری در خصوص مخالفت آئین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی با موازین شرع مستقلاً نمی‌تواند اظهار نماید و براساس ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی باید آنها را جهت اخذ نظریه فقهای شورای نگهبان ارسال نماید لذا مزید اطلاع خوانندگان محترم ذیلاً به این ماده اشاره می‌شود: «در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی دیوان عدالت اداری موظف است چنانچه شکایتی مبنی بر مخالفت بعضی از تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی با مقررات اسلامی مطرح گردید شکایت را به شورای نگهبان ارجاع نماید، چنانچه شورای نگهبان طبق اصل چهارم (قانون اساسی) خلاف شرع بودن را تشخیص داد دیوان حکم ابطال آن را صادر نماید و چنانچه شکایت مبنی بر مخالفت آنها با قوانین و یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه بود، شکایت را در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید و چنانچه اکثریت اعضای هیأت عمومی شکایت را وارد تشخیص دادند حکم ابطال آن صادر می‌شود».

تفسیر بند (۲) اصل نود و یکم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۱/۸۰/۵۹۶۸

تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۷

شورای محترم نگهبان دامت برکاتهم

سلام علیکم

با آرزوی موفقیت و عزت روز افزون برای آن عزیزان، فقهای عظام و حقوقدانان ارجمند که به حق نگهبانان راستین قانون اساسی و پایگاه سلامت و اسلامیت قوانین کشور هستید استدعا دارم نظر تفسیری آن شورای محترم را در رابطه با ذیل بند دوم اصل ۹۱ قانون اساسی اعلام فرمائید.

در این اصل تصریح شده است که مجلس موظف است در هر دوره از میان حقوقدانان معرفی شده از سوی رئیس قوه قضائیه عدد لازم را برای عضویت در شورای نگهبان انتخاب کند. ظاهر این تعبیر دلالت دارد که عدد معرفی شده به مجلس می‌بایست بیش از عدد لازم برای عضویت در شورا باشد. حال استفسار از این جهت است که آیا مجلس می‌تواند همه افراد معرفی شده را رد کرده و قوه قضائیه موظف باشد مکرراً افراد دیگری را معرفی نماید یا مفاد این اصل آن است که مجلس موظف است به هر حال از میان حقوقدانان معرفی شده عدد لازم را انتخاب نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۸۰/۲۱/۱۶۸۲

تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۱۰

ریاست محترم قوه قضائیه

عطف به نامه شماره ۱/۸۰/۵۹۶۸ مورخ ۱۳۸۰/۴/۷؛

موضوع نامه مذکور در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰ شورای نگهبان مطرح شد و

(۱) اصل نود و یکم: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

نظریه تفسیری شورا به این شرح اعلام می‌گردد:

«مطابق بند ۲ اصل ۹۱ قانون اساسی اختیار معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به تعداد بیش از افراد مورد نیاز به عهده رئیس قوه قضائیه می‌باشد و مجلس شورای اسلامی موظف است فقط از میان افراد معرفی شده، تعداد لازم را انتخاب نماید».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل هشتاد و ششم قانون اساسی

شماره: ۱/۸۰/۱۹۱۰۶

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۹

حضرت آیت الله جنتی (دام عزّه العالی)

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

سلام علیکم

موجب امتنان خواهد بود تا با طرح و بررسی اصل هشتاد و ششم (۸۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آن شورای محترم، نظریه تفسیری شورا، نسبت به مصونیت پارلمانی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و حدود آن به این قوه، اعلام فرمائید تا در اختیار مراجع قضائی قرار گیرد.

ضمناً ۸ برگ مکاتبات و سوابق موجود در این قوه در خصوص مورد جهت استحضار به پیوست ارسال می گردد.^(۱)

(۱) صورت جلسه اعضای هیأت مشترک نمایندگان قوای قضائیه و مقننه و نامه های ریاست محترم قوه قضائیه به ریاست محترم جمهوری به این شرح می باشد:

الف) صورت جلسه اعضای هیأت مشترک

محتوای اصل ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۷۵، ۷۶ و ۷۷ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و دامنه شمول آنها طی ده جلسه مورد بحث نمایندگان قوای قضائیه و مقننه، به عنوان اولین دستور جلسه آنان، قرار گرفت و نهایتاً تفسیر ریاست محترم قوه قضائیه به شرح زیر مورد توافق طرفین قرار گرفت.

امید است که این تفسیر مورد توجه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و قضات محترم دادگستری قرار گیرد و موجب ایجاد جو تفاهم بیشتر بین دو قوه شود.

«مصونیت نماینده یا از باب مصونیت قضائی به معنای عدم امکان پیگرد قضائی (احضار و محاکمه) در فرض صدور بزه از او می باشد، و یا از باب عدم مجرمیت به معنای نفی وصف بزه از فعل انجام شده است.

معنای نخست که مصونیت قضائی نام دارد، مورد نظر قانونگذار ما نبوده است زیرا هم قانون اساسی در اصل ۸۶ و هم آئین نامه داخلی مجلس ناظر به اظهار نظر نمایندگان در مجلس بوده و آنچه را که وظیفه ایفای نمایندگی می باشد مصون دانسته که این به معنای نفی جرم بودن اظهار نظر در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است، نه مصونیت کسوت نمایندگانی از تعقیب قضائی، در صورت صدور بزه و اساساً چنانچه نظر قانونگذار مصونیت قضائی از بزه واقع شده بوده باشد می بایستی در خود آن قانون راهکار و چگونگی سلب و تعلیق منشأ مصونیت در صورت صدور جرم قطعی نیز دیده می شد همانگونه که در مصونیت قضات و غیره دیده شده است.

بنابراین منظور قانونگذار معنای دوم مصونیت یعنی نفی جرم بودن اظهارات نماینده در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است. حال بایستی دیده شود این مصونیت به چه اندازه و در چه محدوده ای است؟ قطعاً نمی توان گفت منظور قانونگذار این بوده است که کلیه بزه ها و جرایمی که در قوانین جرم و جزا به تصویب رسیده است در مورد نماینده منتفی بوده و در صورت صدور از او جرم تلقی نخواهد شد. از طرف دیگر هم قطعاً در این قانون توجه ویژه ای به نماینده مبذول شده است، و نمی توان گفت که هیچ فرقی میان او و دیگر شهروندان نیست زیرا در چنین حالتی دیگر این قانون لغو و بی معنی بوده و نیازی به تصویب آن نمی باشد.

←

→ آنچه در تفسیر این قانون به نظر می‌رسد آن است که قانونگذار در صدد برآمده است تا نقش نمایندگان رادر محدوده ایفای وظایف نمایندگی مضمون از تعرض قضائی قرار دهد زیرا که وظیفه و تکلیف و حق قانونی او می‌باشد. مفاد این قانون این خواهد بود که هرچه اقتضای وظیفه نمایندگی و اختیارات مجلس نسبت به دستگاههای دیگر و مسئولین قرار داده شده است گرچه مستلزم دخالت در شئون و اختیارات آن دستگاهها و یا مسئولین می‌باشد و در حقیقت به نوعی آزادی و فعالیت آنان را محدود می‌کند که در فرض نبودن چنین اختیاری این حق نمی‌بود و لذا هر شهروندی حق محدود کردن و یا دخالت در فعالیتهای دیگران و مخصوصاً دستگاهها را ندارد، جرم نبوده و صدور آن از نمایندگان قابل تعقیب نیست. همانند وظیفه مدعی العموم که عبارت است از اتهام و تعقیب و بازرسی و یا کفر خواستن در موارد مشاهده علائم جرم که نسبت به او جرم افترا و یا توهین محسوب نمی‌شود. ولی چنانچه همین امر از غیر مدعی العموم و یا قاضی پرونده صادر شود جرم تلقی خواهد شد. و یا مانند مأمور راهنمایی و رانندگی که هرگونه منعی را از عبور و مرور اتومبیل‌ها در خیابانها انجام دهد جرم نبوده زیرا در محدوده وظیفه و اختیارات اوست لیکن همین امر چنانچه از غیر مأمور راهنمایی و رانندگی صادر شود تجاوز به حقوق دیگران بوده و جرم تلقی شده و قابل تعقیب است».

محل امضای اعضاء هیأت مشترک نمایندگان قوای قضائیه و مقننه

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۲

شماره: ۸۰/۱۴۲۶۷

(ب) جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیات؛

چندی است که نامه‌های پیاپی با امضای رئیس هیأت پی‌گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی همراه با توشیح حضرت‌عالی توسط دفتر شما در رابطه با پرونده‌های متهمین یا محکومین ارسال و سیر طبیعی خود را طی می‌نمود ولی دریافت نامه مورخ (۱۳۸۰/۷/۸) در رابطه با پرونده‌های دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سپس پخش وسیع آن در شبکه جهانی اینترنت و رسانه‌ها مایه شگفتی گردید.

زیرا گذشته از آن که وضعیت فعلی منطقه وحدت و انسجام ملی و همدلی بیشتر مسئولان را می‌طلبد. در ادوار مختلف چنین پرونده‌هایی در محاکم قضائی مطرح و رسیدگی شده است.

به هر حال اینجانب با اینکه هرگونه حرکتی را که شبهه وجود اختلاف میان مسئولان را در اذهان پدید آورد، مقرون به صواب نمی‌دانم چند نکته‌ای را تنها از باب تبیین موضوع عرض می‌نمایم:

۱- قانون اساسی در بند سوم از اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف ذاتی قوه قضائیه برشمرده و در اصل ۱۱۳ اجرای قانون اساسی را از وظایف رئیس جمهور دانسته است و تفاوت میان این دو با اندک تأملی واضح و روشن می‌باشد.

«نظارت بر حسن اجراء» مربوط به موارد تخلف دستگاهها از اجرای صحیح قانون و نقض آن است. و اجرای قانون اساسی، اجراء و احیا و معطل نماندن و شکل‌گیری اجرایی قوانین را می‌رساند، بر این اساس مفاد اصل ۱۱۳ که مورد استناد و فلسفه وجودی هیأت پی‌گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی قرار گرفته، به معنای پی‌گیری اجراء و احیای اصول قانون اساسی است و رئیس قوه مجریه موظف است وظایف مربوط به آن را مستقیماً اجراء کند و در رابطه با دیگر قوا و نهادها مانند رهبری نظام، مجلس، قوه قضائیه، شورای نگهبان و نظایر آنها باید شرایط و مقدمات لازم را جهت اجرا و احیای آن قوانین که در اختیار او می‌باشد مهیا کرده و در صورت عدم اجراء تذکر دهد و این منفی با بند ۳ اصل ۱۵۶ نمی‌باشد زیرا مفاد این بند نظارت بر حسن اجرا و رسیدگی به تخلفات از قوانین و معنای اصل ۱۱۳، ←

→ پی گیری و تذکر درباره لزوم اجرای قانون اساسی است.

۲- علاوه بر آن که در متن اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه مستقل از دیگر قوا دانسته شده است و برای رسیدگی به اعتراضات و پیشگیری از تضییع حقوق مردم نهادهای نظارتی مشخص، (مانند محاکم تجدید نظر، دیوانعالی کشور، محکمه انتظامی قضات و نظایر آن) در قانون اساسی و قوانین عادی برای قضات و محاکم پیش بینی شده است و ایجاد فعالیت هرگونه نهاد نظارتی دیگر، به ویژه اگر در درون قوه دیگر شکل بگیرد. با برخی از اصول قانون اساسی «مخصوصاً» اصول ۱۵۶ و ۱۶۱ مغایرت دارد.

۳- «ماده ۱۵» قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۶۵ «در مورد حق رئیس جمهوری برای دادن اخطار و تذکر به قوای سه گانه با توجه به اصلاح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف عبارت «تنظیم روابط قوای سه گانه» از میان مسئولیت های رئیس جمهور و حذف «نخست وزیر» از تشکیلات دولت» قابل استناد برای اطلاق نظارت نیست، بدیهی است هرگونه نظرتفسیری شورای نگهبان در مورد «اصل ۱۱۳ اصلاحی» برای همه قوای کشور لازم الاتباع خواهد بود.

۴- در رابطه با موضوع مصونیت نمایندگان مجلس، هر چند که این موضوع طی جلسات مختلفی در هیأت مشترک مجلس و قوه قضائیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و منظور نظر حضرت تعالی هم مصونیت مطلقه نیست، قصد ورود به ماهیت این بحث را ندارم، لیکن مناسب است بر این نکته تأکید ورزم که چون قاضی براساس اصول قانون اساسی و قوانین عادی و مبانی مسلم فقهی و حقوقی در برداشت از قانون و اعلام نظر و انشای حکم کاملاً مستقل است و هیچکس، حتی رئیس قوه قضائیه، حق تحمیل برداشت خود را از قانون به قاضی ندارد و تنها دادگاه صالح برتر است که از حق نقض حکم قاضی براساس موازین قانونی برخوردار می باشد، درخواست از رئیس قوه قضائیه برای الزام قضات به در پیش گرفتن رویه و برداشتی خاص با اصول مسلم حقوقی و اصول قانون اساسی مغایر است، مگر آن که شورای نگهبان با تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی همه قضات را به برداشتی خاص از قانون ملزم نماید.

در پایان: امیدوارم با تدبیر و درایت جنابعالی، که همواره مورد ارادت اینجانب بوده و هستید و خود بارها از ایجاد بحران و تنش در جامعه شکوه نموده اید، این گونه مباحث و مسائل که نیازمند بررسیهای دقیق علمی و حقوقی می باشد، قبل از آن که به عرصه رسانه ها کشیده شده و ایجاد دغدغه و شبهه برای مردم نماید، در محافل کارشناسی بررسی گردیده و در جلسات سران قوا، راهکارهایی روشن برای حل و فصل آنها اندیشیده شود. بدیهی است این تدبیر مخصوصاً در شرایط حساس کنونی حاکم بر منطقه ضروری تر می نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱/۶۴۹

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۲۸

(ج) حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی «دام عزه»

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

باسلام و تحیت؛

دو نامه از جنابعالی در یک روز و به یک تاریخ: (۸۰/۸/۱۶) واصل شد. قبلاً نیز نامه دوم جنابعالی را ابتدا از رسانه های عمومی کشور و مصاحبه جنابعالی در مجلس و سپس از طریق دفتر جنابعالی دریافت کردم. لحن و سیاق کیفیت این نامه ها با کلیه نامه های دیگر حضرت تعالی فرقه های زیادی دربردارد که مایه شگفتی اینجانب گردید.

اینجانب همانطوری که در نامه قبل عرض کردم ادامه این قبیل مکاتبات را صلاح نمی دانم زیرا هم خلاف مصلحت نظام است و هم مخالف شأن رؤسای محترم سه قوه به ویژه اینکه این دو نامه تکرار و شرح همان مطلب نامه اول جنابعالی است که خیال می کنم پاسخ علمی آن را داده ام. مطلب جدید این دو نامه یا مطالبی است که در برخی ←

→ مطبوعات علیه قوه قضائیه آمده و یا برگرفته از گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس که برای خود اختیارات و وظایف فرا قانونی و برخلاف قانون اساسی در رابطه با پرونده‌های قضائی قائل شده است می‌باشد، ضمیمه نامه هم نظریات شخصی یکی از اعضاء هیأت نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی است که مکرر در مطبوعات پخش شده و مورد نقد و نقض برخی حقوقدانان و قضات قرار گرفته است.

در هر صورت همان‌طوری که در نامه قبل عرض کردم نه اصل ۸۶ دلالتی بر مصونیت نمایندگان مجلس دارد و نه این نظر را که برخلاف نظر قاطبه قضات دستگاه قضائی است می‌توان بر آنان تحمیل نمود و نه نظارت بر حسن اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور از اصل ۱۱۳ استفاده می‌شود بلکه به مقتضای صریح قانون اساسی در اصل ۱۵۶ این حق بر عهده قوه قضائیه نهاده و ریاست جمهوری در اصل ۱۱۳ تنها وظیفه اجرای قانون اساسی به معنای عدم معطل ماندن اصول آن را بر عهده دارد و هیچ مفسر حقوقی از واژه (اجرای قانون) نظارت بر حسن اجراء را که در بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظایف صریح قوه قضائیه شمرده شده استفاده نمی‌کند. بسیار جای تعجب است که برخی خواسته‌اند مفهوم نظارت را لازمه مسئولیت اجرای قانون بدانند غافل از اینکه معمولاً در قوانین دستگاه نظارت‌کننده جدا از دستگاه اجراء کننده است و وظیفه نظارت بر حسن اجراء و عدم نقض ماهیتاً وظیفه‌ای قضائی است که در مقابل وظیفه اجراء قرار می‌گیرد و نه تنها لازمه آن نبوده بلکه با آن تقابل دارد.

و اما در رابطه با استناد به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی که در نامه جنابعالی آمده است و در گذشته به آن پاسخ دادیم. باید عرض کنم:

اولاً - این قانون عادی قبل از بازنگری تصویب شده است که قطعاً برخی از بندهای آن با تغییر اصل ۱۱۳ قانون اساسی در بازنگری لغو شده است که خود نیاز به بازنگری و اصلاح دارد که چه بسا در اصلاح این ماده نیز مشمول اصلاح گردد.

ثانیاً - آنچه در این بند آمده باز هم در حوزه مسئولیت اجرایی قانون اساسی می‌باشد نه بیشتر، یعنی در این بند در فرض قبول عدم تغییر آن (حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم) را جهت انجام مسئولیت اجرای قانون اساسی به رئیس جمهوری داده است که طبق آنچه در رابطه با معنای اجرای قانون عرض شد ارتباطی با نظارت بر حسن اجرای قانون و عدم نقض آن ندارد بلکه در چارچوب نظارت بر اجراء و پیاده شدن اصول قانون اساسی و معطل نماندن آن مفهوم پیدا می‌کند مثلاً چنانچه دستگاه قضائی اصل ۱۷۳ را که مربوط به تشکیل دیوان عدالت اداری است ایجاد نکرده، رئیس جمهور مسئول است در این رابطه به قوه قضائیه اخطار داده و اقدامات لازم جهت ایجاد این دیوان را آماده کند و این مطلبی است جدا از نظارت بر قضات دیوان عدالت و احکام آنان که آیا برخلاف قانون اساسی یا عادی حکمی صادر نموده‌اند یا خیر؟ که از آن تعبیر می‌شود به حسن اجرای قوانین و عدم تخلف از آنها زیرا ماهیت قضائی داشته و طبق اصل ۱۵۶ تنها در اختیار قوه قضائیه و دادگاههای صالحه آن می‌باشد.

مسئله نظارت ریاست جمهوری بر زندانها و یا پرونده‌های متهمین بند ۵۹ نیز که در نامه دیگر حضرتعالی آمده است مخالف اصول قانون اساسی و استقلال قضات است که در فقه و قانون اساسی بر آن استقلال تأکید شده است اینجانب به هیچ وجه به خود اجازه نمی‌دهم برخلاف آن عمل کرده و شأن قضات را خدشه دار کنم. مگر اینکه شورای محترم نگهبان تفسیری ارائه نماید. و یا رهبری معظم انقلاب که نظارت عالی را بر نظام و قوای آن دارند فرمان دهند که در این صورت برای همه امثال آن واجب است.

آنچه عرض شد در حوزه قوانین و مقررات است. بی‌شک در قضائی صمیمی و همدلانه می‌توان سریعتر به مقاصد و حل مشکلات رسید. در این ایام مبارک (ماه رمضان) توفیقات روز افزون را برای آن جناب در خدمت به انقلاب اسلامی و مردم عزیزمان خواستارم.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۸۰/۲۱/۳۰۳۶

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۰

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی «دامت برکاته»

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۸۰/۱۹۱۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۹ در خصوص استفسار نظر شورای نگهبان راجع به اصل هشتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موضوع در جلسه سه شنبه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ مطرح گردید و نظر تفسیری شورا پس از بحث و بررسی مفصل و با مطالعه و امعان نظر در آراء و نظرات فقها، حقوقدانان و صاحب نظران، بدین شرح اعلام می گردد.

«با عنایت به:

- ۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل هشتاد و ششم، حاکی از اینکه مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند، و هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضائی باید او را تعقیب کند،
- ۲- اصول متعدد قانون اساسی از آن جمله اصول نوزدهم و بیستم دایر بر برخورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی،

۳- اختصاص موضوع اصل هشتاد و شش مربوط به اظهار نظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظایف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه،

۴- عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم،

۵- نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دایر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضائیه، اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهار نظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می باشد و این آزادی منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی باشد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و بیست و هفتم

شماره: ۳۹۲۸ هـ

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۸

دبیر محترم شورای نگهبان

با ارسال تصویر نامه شماره ۴۳۰۴۷ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۰ معاون حقوقی و امور مجلس^(۱)

شماره: ۴۳۰۴۷

تاریخ: ۱۳۸۰/۹/۲۰

(۱)

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای کروی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به مرقومه شماره ۳۵۹۴ هـ ب مورخ ۱۳۸۰/۸/۶ راجع به ارسال کلیه تصمیم‌نامه‌های نمایندگان ویژه برای ریاست مجلس شورای اسلامی اعلام می‌دارد:

۱- همانگونه که مسبقاً رسید ارسال کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه در تبصره ۳ الحاقی به قانون اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی منظور شده بود که شورای محترم نگهبان صراحتاً در نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۶۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ اعلام نمودند.

نظریه شورای نگهبان در مورد الزام به ارسال تصمیمات نمایندگان ویژه برای ریاست مجلس در تبصره (۳) با استظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس خلاف قانون اساسی شناخته شد.

۲- نظریه شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای محترم نگهبان و مرقومه شماره ۸۰/۲۱/۲۲۵۴ مورخ ۱۳۸۰/۷/۵ دبیر محترم شورای نگهبان نیز صراحتاً به ارسال کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه جهت انطباق با اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی ندارد.

۳- تصمیم نامه شماره ۸۸۰۰/ت ۲۲۹۰۶ هـ مورخ ۱۳۷۹/۳/۷ نمایندگان ویژه قبل از نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای محترم نگهبان (در خصوص حدود اختیارات نمایندگان ویژه) صادر شده است.

۴- شورای محترم نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ در پاسخ به استفسار ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در مورد مسئولیت تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی صراحتاً اعلام داشته‌اند.

کلمه قوانین مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی‌شود. در نتیجه تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی از جمله اصل (۱۲۷) خارج از مسئولیت‌هایی است که ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی عهده‌دار است.

۵- هیأت وزیران بعد از وصول نظریه شماره ۷۳۷/۲۱/۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای محترم نگهبان در خصوص محدوده اختیارات نمایندگان ویژه صراحتاً طی تصویب‌نامه شماره ۲۲۲۷۰/ت ۲۵۰۱۷ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۳ با الحاق تبصره‌ای به ماده (۲۹) آیین‌نامه داخلی هیأت دولت مقرر نمودند:

تبصره الحاقی ماده ۲۹- تفویض اختیار دولت موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس جمهور محدود به امور اجرایی است.

معاون حقوقی و امور مجلس

سیدمحمدعلی ابطحی

متضمن متن تبصره الحاقی ماده ۲۹ به آیین‌نامه داخلی هیأت دولت و نیز عطف به نظریه شماره ۸۰/۲۱/۲۲۵۴ آن شورای محترم به طوری که ملاحظه می‌فرمایید از یکسو دولت در مجموع قانوناً ضرورتی به ارسال تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه نزد رئیس مجلس شورای اسلامی ندیده و برای حصول اطمینان بر اینکه نماینده یا نمایندگان ویژه محدودیت خود به امور اجرایی را رعایت کنند تبصره‌ای با تصریح به این معنی به آیین‌نامه داخلی خود اضافه نمود و از سوی دیگر نظریه فوق‌الذکر نه یک نظریه تفسیری و نه مصرح در تکلیف قانونی نماینده یا نمایندگان ویژه به ارسال تصمیمات خود نزد رئیس مجلس است. بنابراین چاره‌جویی قضیه در آن است که چنانچه مدلول نامه معاونت محترم حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهوری و تبصره الحاقی ماده ۲۹ آیین‌نامه داخلی دولت از نظر شورای محترم نگهبان کافی به مقصود تلقی و در نتیجه قانوناً ضرورتی به ارسال این قبیل تصمیمات نزد رئیس مجلس شورای اسلامی نباشد مراتب را ابلاغ و در غیر اینصورت نسبت به اخذ نظر تفسیری آن شورای محترم که مصرح در تکلیف قانونی نماینده یا نمایندگان ویژه به ارسال تصمیمات خود نزد رئیس مجلس شورای اسلامی و تکلیف رئیس مجلس به بررسی این قبیل تصمیمات و انطباق آنها با قوانین و اقدامات قانونی متعاقب آن باشد اقدام فرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروی ۱۳۸۰/۹/۲۰

شماره: ۴۰۹۲ ه ب

مورخ: ۱۳۸۱/۵/۲۷

دبیر محترم شورای نگهبان

پیرو نامه شماره ۳۹۲۸/ه ب مورخ ۱۳۸۱/۲/۸ خواهشمند است از نتیجه اقدام انجام شده اینجانب را مطلع فرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروی

شماره: ۸۱/۳۰/۲۱۲۴

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۰/۱۲

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۲۷۱ هـ/ب مورخ ۱۳۸۱/۸/۴:^(۱)

تبصره الحاقی ماده ۲۹ آیین نامه داخلی هیأت دولت در جلسه شورای نگهبان مطرح شد که نظر شورا به شرح زیر اعلام می گردد:

«اصل ۱۲۷ مربوط به امور اجرایی است و شامل تصویب نامه ها و آیین نامه ها و اساسنامه ها نمی شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود بنابراین تبصره الحاقی ماده (۲۹) که مقرر نموده است تفویض اختیار دولت موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس جمهور محدود به امور اجرایی است وافی به مقصود است لکن تصویب نامه هیأت دولت که طی آن نماینده یا نمایندگانی با اختیارات مشخص تعیین می نماید از مصادیق تصویب نامه ذیل اصل ۱۳۸ قانون اساسی می باشد و لازم است این تصویب نامه ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بدانند با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستند...»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۴۲۷۱ هـ ب

تاریخ: ۱۳۸۱/۸/۴

(۱)

دبیر محترم شورای نگهبان

پیرو نامه شماره ۴۰۹۲ هـ/ب مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۷ با التفات به اینکه تعیین تکلیف تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه که نوعاً از اهمیت خاصی برخوردار است موکول به اعلام نظر آن شورای محترم می باشد خواهشمند است با عنایت به مندرجات نامه شماره ۳۹۲۸ ر/ه ب مورخ ۱۳۸۱/۲/۸ از نتیجه اقدام انجام شده اینجانب را مطلع فرمایند.

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروبی

تفسیر اصول نود و چهارم و پنجاه و نهم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۸۱/د/۱۱۰

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۱۹

شورای محترم نگهبان

نظر به برخی شبهات و تشکیلات ایراد شده درباره شمول اصل نود و چهارم قانون اساسی نسبت به مصوبه درخواست مراجعه به آراء عمومی - موضوع اصل پنجاه و نهم قانون اساسی - لطفاً نظر تفسیری آن شورای محترم را در این زمینه اعلام فرمایید که اصل ۹۴ قانون اساسی شامل همه پرسى مصوب مجلس شورای اسلامی می شود یا خیر؟ با تشکر.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۸۱/۳۰/۴۱۰۴

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۵

دبیر محترم شورای نگهبان

نامه شماره ۸۱/د/۱۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۹ مبنی بر تقاضای اظهار نظر تفسیری درباره شمول اصل ۹۴ قانون اساسی نسبت به مصوبه درخواست مراجعه به آراء عمومی - موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی - در جلسات شورای نگهبان مطرح شد و نظریه تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می گردد

«درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.»

شورای نگهبان

(۱) اصل پنجاه و نهم قانون اساسی: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسى و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

تفسیر اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی

شماره: ۴۶۷۶/ه/ب

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۱/۸

دبیر محترم شورای نگهبان

عطف به نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۱۲۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲^(۱) به آگاهی می‌رساند با توجه به مجموع پاسخ‌های استعلامات اینجانب در رابطه با اصل ۱۲۷ قانون اساسی و نیز با عنایت به مجموع نظرات و پاسخ‌های شورای محترم نگهبان به این استعلامات، نظر و استنباط حقوقی و قانونی اینجانب از قسمت اخیر نظر فوق‌الذکر که با عبارت «لکن تصویب‌نامه هیأت وزیران» آغاز و با عبارت «برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد» پایان می‌یابد آن است که چنانچه تصویب‌نامه‌های مربوط به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس‌جمهوری اختیاری بیش از امور اجرایی به نماینده یا نمایندگان مزبور اعطا کرده باشد رئیس مجلس شورای اسلامی می‌بایست مستنداً به قسمت اخیر نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۱۲۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲ قسمت یا قسمتهایی از اینگونه مصوبات را که ناظر به اعطاء امور غیراجرایی تشخیص می‌دهد مغایر با قانون اعلام و مراتب را جهت اصلاح یا لغو قسمت یا قسمتهای مزبور به هیأت وزیران منعکس نماید خواهشمند است مقرر فرمایید با طرح این مساله در یکی از جلسات شورا چنانچه شورای محترم نگهبان رای و نظری غیر از نظر و استنباط اینجانب به شرح فوق داشته باشد مراتب را اعلام فرمایید تا وفق آن اقدام شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروی

شماره: ۸۲/۳۰/۲۷۶۶

تاریخ: ۱۳۸۲/۱/۲۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۶۷۶/ه/ب مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۸:

موضوع سؤال در رابطه با اصل ۱۲۷ قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۰

(۱) همین مجموعه، صفحه ۲۳۶.

مطرح شد که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«شورای نگهبان نظری غیر از نظر تفسیری این شورا از موضوع نامه شماره ۸۱/۳۰/۲۱۲۴

مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲ در خصوص اصل ۱۲۷ قانون اساسی ندارد.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی

(۱) ...

شماره: ۸۳/۳۰/۷۵۴۷

تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۱۶

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی

رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیرو نامه شماره ۸۳/۳۰/۷۵۲۷ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۰: (۲)

(۱) نظریه تفسیری فاقد نامه استعلام می‌باشد.

(۲)

شماره: ۸۳/۳۰/۷۵۲۷

تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۱۰

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی

رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

با سلام

چنانکه مستحضرید، نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در واپسین روزهای آن دوره، لایحه بسیار مهم برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بدون بررسی ایرادات شورای نگهبان و یا دست کم رفع ابهامات به آن مجمع محترم ارجاع کرده‌اند.

این اقدام، صرف نظر از آنکه موجب سلب حق نمایندگان دوره ششم و هفتم مجلس در ارائه پیشنهاد و طی روال طبیعی قانونگذاری می‌شود، به نظر شورای نگهبان مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و خلاف صریح ماده (۱۸۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است.

بدون تردید مجلس نمی‌تواند بدون بررسی ایرادات شورای نگهبان اقدام به ارجاع مصوبه به مجمع نماید. بر حسب روال طبیعی و قانونی طبق ماده (۱۸۶) آیین‌نامه الزاماً مصوبه‌ای که «از طرف شورای نگهبان رد شده به کمیسیون مربوطه ارسال می‌شود و با اعلام وقت قبلی با حضور نماینده شورای نگهبان، موارد اعتراض برای اصلاح مورد بحث قرار می‌گیرد.» سپس طبق ماده (۱۸۷) «پس از بررسی گزارش کمیسیون که در آن نظر شورای نگهبان ملحوظ شده است و پس از رأی‌گیری نسبت به آن، مصوبه مجدداً به شورای نگهبان ارسال می‌شود. اگر این مصوبه هنوز وافی به نظرات شورای نگهبان نباشد، مجدداً در مجلس مطرح می‌گردد.

در صورتی که مجلس با در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام همچنان بر رأی خود باقی باشد رئیس مجلس مصوبه مذکور را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌دارد.»

بنابراین، چنین بدعتی که به هر بهانه‌ای اصولاً ایرادات شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار نگیرد، نقض آشکار قانون اساسی و فلسفه وجودی شورای نگهبان و نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آیا به درستی «برای حفظ مصلحت نظام» است که هیچ یک از ایرادات متعدد شورای نگهبان و پیشنهادات مصرانه نمایندگان برای رفع آنها مورد توجه قرار نگرفته و صرفاً برای ممانعت از حق قانونگذاری دوره بعد، مصوبه‌ای به اهمیت برنامه چهارم توسعه مستقیماً به مجمع ارسال گردیده است؟!

به هر صورت انتظار دارد حضرتعالی نیز با ممانعت از این رویه غیرقانونی و نادرست به اجرای دقیق قانون اساسی و دفاع از احکام شرع مقدس تأکید فرمائید.

بدیهی است شورای نگهبان در صورت نیاز می‌تواند با تفسیر اصول مربوط، به حل نهایی موضوع کمک نماید.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

بدینوسیله نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۱۱۲ قانون اساسی به شرح ذیل جهت اقدام لازم اعلام می‌گردد:

«مستفاد از اصل ۱۱۲ قانون اساسی این است که مجمع تشخیص مصلحت نظام حق تشخیص مصلحت در مصوبه‌ای از مجلس شورای اسلامی را دارد که شورای نگهبان در مورد آن اعلام نظر نموده باشد و تمام یا قسمتی از آن را خلاف شرع یا مغایر قانون اساسی بداند هرگاه شورای نگهبان قسمتی از مصوبه‌ای را مبهم دانسته و از مجلس شورای اسلامی خواستار بیان مراد خود از آن قسمت شده باشد تا پس از آن اعلام نظر کند قبل از تبیین مراد و اعلام نظر شورای نگهبان درباره آن مجمع تشخیص مصلحت نظام حق بررسی و اعلام تشخیص مصلحت در موارد خلاف را ندارد.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی

شماره: ۵۱/۱۴۶۳۷

تاریخ: ۱۳۸۳/۵/۱۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احتراما، به استحضار می‌رساند:

بر اساس اصل ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات مسئولیت رسیدگی و حسابرسی به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را در رابطه با تفریغ بودجه به عهده دارد. شورای محترم نگهبان نیز در پاسخ به استفساریه شماره ۱۰۴۱۵۱ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶ ریاست محترم جمهور وقت به شرح نظریه شماره ۲۱/۱۵۱۶ مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴^(۱) اعلام داشته است که «اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است». علی‌رغم اصل ۵۵ قانون اساسی و نظریه تفسیری مذکور، دیوان محاسبات به استناد مواد دو و چهل و دو قانون دیوان محاسبات کشور مدعی است که مسئولیت رسیدگی و حسابرسی به کلیه امور مالی و حسابهای خارج از بودجه تخصیصی منجمله حساب هدایا و کمک‌های مردمی را نیز به عهده دارد.

خواهشمند است با عنایت به مراتب فوق نظر شورای محترم نگهبان را در این خصوص اعلام فرمایند.

ریاست دانشگاه تهران

رضا فرجی دانا

شماره: ۸۲/۳۰/۳۹۵۲

تاریخ: ۱۳۸۳/۵/۲۵

جناب آقای دکتر رضا فرجی دانا

رئیس محترم دانشگاه تهران

عطف به نامه شماره ۵۱/۱۴۶۳۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۵ در خصوص شمول اصل ۵۵ قانون اساسی و صلاحیت دیوان محاسبات نسبت به رسیدگی و حسابرسی کلیه امور

(۱) همین مجموعه، صفحه ۱۹۶.

مالیاتی و حسابهای خارج از بودجه تخصیصی منجمله حساب هدایا و کمکهای مردمی، به اطلاع می‌رساند اصل مذکور در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان مطرح و منجر به نظریه تفسیری به شرح زیر شده است:

«اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است.»

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان

تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

شماره: ۷۲۹۳/هـ - ب

تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۱۵

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

ضمن ارسال رونوشتی از نقطه نظرات هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین که مورد تأیید اینجانب نیز می‌باشد نظر حضرتعالی را به نکات ذیل جلب و نظر تفسیری آن شورای محترم در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مورد تقاضاست:

۱- محدوده صلاحیت و مسئولیت دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی:

الف: اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در آغاز با بیان این عبارت «علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها بپردازد» اولاً این نکته را روشن می‌سازد که هیأت وزیران صلاحیت نامحدودی برای وضع تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها نداشته، ثانیاً معلوم می‌کند صلاحیت این هیأت در وضع تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها محدود به موارد چهارگانه مذکور، در این اصل یعنی وضع تصویب‌نامه یا آئین‌نامه برای ۱- اجرای قوانین ۲- انجام وظایف اداری ۳- تأمین اجرای قوانین و ۴- تنظیم سازمانهای اداری است و سپس در پارگراف آخر اصل مزبور با این عبارت «تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتیکه آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد» در واقع اراده واضعان قانون اساسی در لزوم تطابق مصوبات دولت با قوانین را اعلام می‌دارد.

ب: اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در آغاز با بیان قسمتی از پارگراف سوم اصل مزبور با این عبارت «تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل» که مفید وضع تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌هایی در چهارچوب موارد چهارگانه مذکور در پارگراف اول اصل مذکور است در واقع صلاحیت امر بررسی و اعلام

نظر ماهوی رئیس مجلس را محدود به مصوباتی می‌داند که در چهارچوب موارد چهارگانه به تصویب رسیده است و سپس با تصریح به عبارت «تا در صورتیکه آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد» به مسئولیت رئیس مجلس در بررسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین اشاره دارد.

نتایج مترتب بر مندرجات جزءهای الف و ب این بند:

لزوم قانونی وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه در چهارچوب موارد چهارگانه مذکور در پاراگراف اول اصل یکصد و سی و هشتم از طرف هیأت وزیران و نیز مقید و محدود بودن صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی رئیس مجلس بر اینکه وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مطروحه نزد وی در چهارچوب موارد چهارگانه مزبور صورت گرفته باشد و یا به بیانی دیگر همانطوری که صلاحیت دولت در وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه محدود و مقید به چهار مورد مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و نه خارج از این موارد، صلاحیت رئیس مجلس در ورود ماهوی به مصوبه مطروحه نیز محدود و مقید است به اینکه مصوبه مزبور ناظر به یک یا چند و یا تمام موارد چهارگانه مذکور در این اصل باشد و نه خارج از آن.

۲- محدوده صلاحیت و مسئولیت کمیسیون‌های دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی:

الف: واضعان قانون اساسی به شرح پاراگراف دوم اصل یکصد و سی و هشتم با این بیان «دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است» ضمن تعیین محدوده صلاحیت دولت به واگذاری تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود به کمیسیون‌ها و تعیین محدوده صلاحیت این کمیسیون‌ها به آنچه دولت به هر کمیسیونی واگذار نموده است در واقع هم محدوده مسئولیت یا اختیار دولت و هم محدوده مسئولیت یا اختیار کمیسیون‌های مذکور در این اصل را مشخص نموده‌اند.

ب: با تحقق مدلول پاراگراف اول اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به شرح فوق که مبین اعمال نظر واضعان قانون اساسی چه از طرف دولت و چه از طرف کمیسیون‌های دولت است صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در ورود ماهوی وی

نسبت به چنین مصوباتی نیز تحقق یافته و سپس با توجه به پاراگراف دوم اصل فوق‌الذکر با این عبارت «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد» صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیون‌های دولت استقرار می‌یابد.

نتایج مترتب بر جزءهای (الف) و (ب) این بند:

لزوم قانونی واگذاری برخی از امور مربوط به وظایف دولت به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر از طرف هیأت وزیران و لزوم قانونی وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه از طرف این کمیسیونها اولاً در چهارچوب موارد مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و ثانیاً در محدوده آنچه هیأت وزیران به آنها واگذار نموده است و نیز مقید بودن صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیونهای دولت در آغاز، به اعمال نظر واضعان قانون اساسی در اصل فوق‌الذکر از طرف دولت در واگذاری برخی از امور مربوط به وظایف خود به کمیسیون متشکل از چند وزیر و سپس به لزوم رعایت این کمیسیونها در وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه چه در خصوص موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و چه در محدوده آنچه هیأت وزیران به کمیسیونهای مزبور واگذار نموده است یا به بیانی روشن‌تر اولاً صلاحیت دولت در واگذاری وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه به کمیسیونها محدود و مقید است به برخی از امور مربوط به وظایف خود در چهارچوب موارد چهارگانه در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی ثانیاً صلاحیت کمیسیونهای مزبور در وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه نیز محدود و مقید است به اعمال نظر واضعان قانون اساسی در اصل مذکور از یکسو و رعایت اموری که هیأت وزیران به این کمیسیونها واگذار نموده است از سوی دیگر و ثالثاً صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیونها دولت دائرمدار آنست که دولت در واگذاری برخی امور به کمیسیونها در وضع مصوبات، نظر واضعان قانون اساسی در اصل یکصد و سی و هشتم را اعمال و کمیسیونها نیز ضمن اعمال این نظر در چهارچوب امور محوله از طرف دولت به آنها عمل کرده باشند.

۳- عصاره و چکیده بندهای سه گانه قبل:

الف: نه هیأت وزیران صلاحیت وضع تصویب نامه یا آئین نامه ای را دارد که خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به تصویب رسیده است و نه رئیس مجلس شورای اسلامی، صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به چنین مصوباتی را دارد

ب: نه کمیسیونهای دولت صلاحیت وضع تصویب نامه یا آیین نامه ای را دارند که خارج از امور واگذار شده به آنها از طرف هیأت وزیران و یا خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و نه مجلس شورای اسلامی صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به این قبیل مصوبات را دارد.

۴- تجزیه و تحلیل حقوقی و قانونی رسالت رئیس مجلس شورای اسلامی در انطباق یا عدم انطباق مصوبات دولت و کمیسیونهای دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی:

نظر به اینکه از رهگذر طرح این سؤال مقدر و پاسخگویی به آن که آیا رئیس مجلس شورای اسلامی اساساً مجاز به بررسی ابتدایی تطابق یا عدم تطابق مصوبات هیأت وزیران و کمیسیونهای دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می باشد یا نه، قضیه وضوح بیشتری خواهد یافت لذا ذیلاً با پاسخگویی به این سؤال مقدر، به تجزیه و تحلیل حقوقی و قانونی رسالت رئیس مجلس شورای اسلامی در این خصوص می پردازد. با اذعان به اینکه واضعان قانون اساسی در اصل مذکور به تصریح، چنین رسالت یا مسئولیتی را به رئیس مجلس شورای اسلامی محول ننموده اند معذک عقیده دارد با عنایت به ارزش و اهمیت بسیار مهم و بنیانی قانون اساسی و اولویت آن نسبت به سایر قوانین و نیز با التفات به ضرورت اجراء و اعمال آنچه واضعان این قانون تبیین و اراده کرده اند از یکسو و لزوم اهتمام فراوان به جلوگیری از هر اقدام و عمل مخالف نظر واضعان قانون مزبور و به اعتباری بیش از همه اهتمام تام و تمام به جلوگیری از اجراء مصوبات مغایر با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی چه از نظر بسیار مهم و نوعاً سرنوشت ساز بودن بسیاری از این مصوبات و چه از نظر قوت اجرایی یافتن مصوبات مزبور به محض ابلاغ، از سوی دیگر به نظر بسیار بعید می نماید که واضعان قانون اساسی با نادیده انگاشتن قاعده تلازم فیما بین مسئولیت و اختیار در مقام سلب اختیار رئیس مجلس شورای اسلامی از امری آنچنان مهم و اساسی یعنی

تطابق یا عدم تطابق مصوبات دولت و کمیسیونهای دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی بوده و در نتیجه اجازه داده باشند که وی با چشم بستن به هر آنچه واضعان قانون اساسی در این اصل تبیین یا اراده کرده‌اند فی‌المثل مصوباتی را که حسب مورد خارج محدوده صلاحیت یا مسئولیت هیأت وزیران یا کمیسیونهای دولت وضع شده است ماهیتاً مورد بررسی و اعلام نظر قرار داده و در نتیجه به لحاظ عدم مغایرت آنها با قوانین موضوعه که در درجه نازل‌تری از قانون اساسی قرار دارند از رهگذر صحه گذاردن یا مهر تأیید زدن به چنین مصوباتی قوت و قدرت تداوم اجراء نیز ببخشند. بنا به مراتب مذکور چنین بنظر می‌رسد که لازم است رئیس مجلس شورای اسلامی در نخستین اقدام خود حسب مورد تصویب‌نامه مطروحه را از جهت مطابقت یا عدم مطابقت با نظر واضعان قانون در اصل یکصد و سی و هشتم مورد ارزیابی قرار داده و از این رهگذر دریابد که در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی حسب مورد دولت یا کمیسیون مربوط نظر واضعان قانون اساسی این اصل را رعایت کرده‌اند یا نه و بدیهی است چنانچه رئیس مجلس شورای اسلامی در ارزیابی ابتدایی خود بشرح فوق به این نتیجه دست یافت که تصویب‌نامه مطروحه نزد وی بدون اعمال آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده‌اند به تصویب رسیده است در این صورت با منتفی بودن امر بررسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه مطروحه با قوانین ناگزیر است به لحاظ مغایرت تصویب‌نامه مزبور با آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده‌اند از ورود ماهوی به متن تصویب‌نامه مورد نظر خودداری نمایند.

۵- ارزیابی نتایج بدست آمده از استدلالهای فوق‌الذکر در رابطه با نظر تفسیری شورای محترم نگهبان:

نظر به اینکه محتمل است گفته شود نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ شورای محترم نگهبان قانوناً مانع از آن است که رئیس مجلس شورای اسلامی بتواند از رهگذر ارزیابی مصوبات موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و تشخیص عدم مطابقت مصوبات مذکور با نظر واضعان قانون اساسی این قبیل مصوبات را مغایر قانون اساسی دانسته و در نتیجه از بررسی ماهوی مصوبات مطروحه خودداری کند لذا در پاسخ به این احتمال گفته می‌شود همانگونه که حتی با اندک دقت بنظر تفسیری مزبور با بیان «کلمه قوانین مذکور در اصل ۱۳۸ قانون اساسی شامل قانون اساسی

نمی‌شود» بدست می‌آید شورای محترم نگهبان اساساً فارغ از صلاحیت شکلی یا مسئولیت ابتدایی رئیس مجلس شورای اسلامی در ارزیابی مصوبات دولت از جهت تطابق یا عدم تطابق آنها با آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده‌اند در واقع با این فرض که اولاً مصوبات مطروحه وفق نظر واضعان قانون اساسی به تصویب رسیده و ثانیاً رئیس مجلس شورای اسلامی نیز از رهگذر دقت در سوابق امر به همین نتیجه دست یافته است در مقام بیان این معنی بوده است که با تحقق نظر واضعان قانون اساسی از رسیدگی ماهوی نسبت به این قبیل مصوبات خودداری می‌کند شاهد و مؤید این نظر آن است که در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی پس از نظریه تفسیری مزبور با خودداری از اعلام نظر نسبت به مصوباتی که مغایر شرع یا قانون اساسی تشخیص و آنها را برای اظهارنظر به شورای محترم نگهبان ارسال داشته است نه فقط خرده یا ایرادی به این امر گرفته نشده بلکه در هر دو مورد، این شورا اظهارنظر نیز نموده است.

نظر به اینکه با عنایت به مراتب سابق‌الذکر، اتخاذ تصمیم یا اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب‌نامه شماره ۲۰/۵۳۱/س/ت ۳۱۲ ک مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۱ و مصوبات مشابه نیازمند جلب نظر تفسیری آن شورای محترم است لذا چنانچه استدلالهای بعمل آمده در خصوص منصرف بودن نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد، خواهشمند است نظر تفسیری شورای محترم نگهبان در این خصوص را اخذ و به اینجانب ابلاغ فرمایید ولکن در غیر اینصورت جلب نظر تفسیری آن شورای محترم که متضمن تعیین تکلیف رئیس مجلس شورای اسلامی در موارد ذیل باشد مورد تقاضاست.

الف: هیأت وزیران مستنداً به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی لکن خارج از موارد چهارگانه مذکور در این اصل یعنی وضع تصویب‌نامه یا آئین‌نامه برای ۱- اجرای قوانین ۲- انجام وظایف اداری ۳- تأمین اجرای قوانین ۴- تنظیم سازمانهای اداری بوضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه اقدام کرده باشد.

ب: هیأت وزیران ضمن استناد به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی امر یا اموری را به کمیسیون مربوط محول نموده باشد که خارج از محدوده موارد چهارگانه مذکور در اصل مزبور است.

ج: کمیسیون مربوط با وصف استناد به اصل یکصد و سی و هشتم خارج از

چهارچوب امور محوله از طرف دولت به آن و یا زائد از موارد چهارگانه مذکور در اصل فوق‌الذکر تصویب‌نامه یا آئین‌نامه‌ای وضع نموده باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی
غلامعلی حداد عادل

شماره: ۸۳۳۰/۱۶۰
تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲

جناب آقای دکتر حداد عادل

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۰/۸۳۰۹۰/ هـ س ۱۳۸۳/۷/۱۸:^(۱)

بدینوسیله نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۱۳۸ قانون اساسی بشرح ذیل اعلام می‌گردد:

«همانطور که مصوبات دولت خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل ۱۳۸ قانون اساسی است، رسیدگی به اینگونه مصوبات هم خارج از اختیارات رئیس مجلس است.»

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

شماره: ۱۰/۸۳۰۹۰۲ هـ س
تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۱۸

(۱)

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

پیرو نامه شماره ۷۲۹۳ هـ ب مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۵ ضمن پیوست نمودن تصویری از تصویب‌نامه شماره ۲۰۱۶۱۶-س/ت ۳۳۷ ک مورخ ۱۳۸۳/۶/۱ و اتفاق نظر هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و تکرار درخواست نظر تفسیری شورای محترم نگهبان به شرح نامه فوق‌الذکر، با عنایت به اینکه از یکسو رئیس مجلس شورای اسلامی خصوصاً با توجه به بنظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱۶/۱۵ شورای محترم نگهبان صلاحیت تطابق مصوبات هیأت وزیران و کمیسیونهای مربوط با موازین شرع و قانون اساسی را نداشته و از سوی دیگر چنانچه تصویب‌نامه یا قسمتی از تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران یا کمیسیونهای دولت، خلاف موازین شرع یا قانون اساسی وضع شده باشد محتمل است در ورود ماهوی رئیس مجلس شورای اسلامی به چنین مصوباتی با وصف مغایرت احتمالی با موازین شرع و قانون اساسی معذلتی با قوانین موضوعه نداشته و در نتیجه با اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی به تصریح اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به اجراء مصوباتی از این قبیل تداوم بخشیده شود لذا خواهشمند است نسبت به جلب نظر تفسیری آن شورای محترم در این خصوص و اعلام آن به اینجانب بذل توجه فرمایید. لازم به یادآوری است که در دوره‌های سوم، چهارم، پنجم و اوائل دوره ششم این گونه مصوبات جهت اعلام نظر به شورای محترم نگهبان ارسال و در صورتیکه مصوبات مزبور مغایر موازین شرع یا قانون اساسی تشخیص می‌شد، نظر مزبور برای هیأت وزیران فرستاده شده و نسبت به اصلاح آن اقدام می‌شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی
غلامعلی حداد عادل

تفسیر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی

شماره: ۱/۸۳/۱۸۷۰

تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲۸

محضر شریف آیت الله جنتی

دبیر شورای محترم نگهبان

همانطور که مستحضرید در اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است.

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. خواهشمند است نظریه تفسیری آن شورای محترم را در این رابطه تبیین می‌فرمایید که آیا محدوده اختیارات دیوان عدالت اداری در این اصل شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های قوه مقننه و قضائیه و سازمانهای وابسته به آنها و همچنین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات اداری شورای نگهبان مجمع تشخیص و امثال آن نیز می‌شود یا مخصوص به تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت به معنای قوه مجریه می‌باشد.

رئیس قوه قضائیه

سید محمود هاشمی شاهرودی

شماره: ۸۳/۳۰/۹۳۸۷

تاریخ: ۱۳۸۳/۱۰/۲۱

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم قوه قضائیه

عطف به نامه شماره ۱/۸۳/۱۸۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۸:

بدینوسیله نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۱۷۰ قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«با توجه به قرینه قوه مجریه در قسمت اخیر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی مقصود از تعبیر دولتی در این اصل قوه مجریه است.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی

شماره: ۴۱/د/۱۸۱۷۵

تاریخ: ۱۳۸۳/۹/۲۶

محضر مبارک اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی

با سلام و عرض پوزش از تصدیع به استحضار می‌رساند:

۱- شورای محترم نگهبان طی نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۲۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸^(۱) در پاسخ استفسار ریاست محترم قوه قضائیه در مورد زمان تاثیر ابطال مصوبات مسوولین و سازمانهای اداری که به موجب اصل ۱۷۰ توسط دیوان عدالت انجام می‌شود قائل به تفصیل شده و زمان اثرگذاری ابطال در مصوبات خلاف شرع را زمان تصویب مصوبه و زمان اثرگذاری ابطال به جهات دیگر (خلاف قانون بودن - خارج از اختیارات بودن مصوبه) را زمان صدور رای ابطال توسط هیأت عمومی اعلام فرموده‌اند.

۲- صرف‌نظر از اینکه مبانی حقوقی این تفصیل برای بسیاری از قضات دیوان روشن نیست و این دسته از قضات معتقدند که بر خلاف نقض مصوبه یا لغو آن که علی‌الاصول باید از زمان تصمیم‌گیری باشد معنی ابطال اعلام بی‌اعتباری تصمیم از بدو زمان تصویب همان مصوبه می‌باشد زیرا مصوبه‌ای که خلاف قانون بوده یا مقام تصویب‌کننده اختیار تصویب آنرا نداشته است از همان زمان تصویب بی‌اعتبار بوده است و ابطال مصوبه توسط هیأت عمومی دیوان مشابه نسخ یک قانون یا نقض یک رأی نیست بلکه ابطال در این مورد به معنی اعلام باطل بودن و غیرقابل عمل بودن مصوبه است.

در هر صورت هرچند فعلاً بدلیل لازم‌الاجراء بودن نظرات تفسیری آن شورای محترم دیوان بر طبق همین تفسیر عمل می‌کند و اثر ابطال مصوبات خلاف قانون و خارج اختیارات را به گذشته سرایت نمی‌دهد لکن انتظار داریم شورای محترم در این زمینه با تأمل و بررسی بیشتر مجدداً اظهارنظر نماید.

۳- اجرای این تفسیر موجب بروز برخی مشکلات عملی در پرونده‌های جاری در دیوان نیز شده است که ذیلاً به دو نمونه اشاره می‌شود

الف) در چندین پرونده برخی از ادارات خدمات دهنده مثل وزارت نیرو، مخابرات،

(۱) همین مجموعه، صفحه ۲۲۶.

شرکت گاز مبادرت به افزایش تعرفه‌ها و گران کردن نرخ به میزان بیش از حد مجاز نموده‌اند و برخی افراد ذی‌نفع تقاضای ابطال مصوبات مربوط به تعرفه‌های غیرقانونی را نموده‌اند این تقاضاها در دیوان مطرح و منجر به ابطال مصوبات مورد شکایت شده است ادارات مربوطه بلافاصله پس از ابلاغ ابطال، مصوبه دیگری با همان مضمون را به مرحله اجراء گذاشته‌اند و هیچ تغییر در حال فرد شاکی ایجاد نشده است زیرا هزینه‌های مربوط به قبل از تاریخ ابطال بر مبنای همان مصوبه ابطال شده که علی‌الغرض عطف به ماسبق نمی‌شود و هزینه‌های بعد از ابطال نیز بر اساس مصوبه جدید با همان نرخ غیرقانونی اخذ شده است و به این صورت رسیدگی قضایی دیوان بی‌اثر گردیده است.

ب) در چند پرونده دیگر برخی از شهرداری‌ها بموجب مصوبه‌ای اقدام به اخذ عوارض از سر جمع فروش محصولات یک مؤسسه تولیدی ب‌مآخذ پنج درصد فروش نموده‌اند از این مصوبات شکایت شده و توسط دیوان عدالت ابطال شده است لکن محکوم‌علیه (شهرداری) مجدداً اقدام به اخذ عوارض با همان مآخذ پنج درصد نموده است با این استدلال که این عوارض متعلق به سنوات قبل از رای هیأت عمومی است در نتیجه مشمول ابطال نمی‌شود.

۴- با توجه به آنچه در قسمت ب بند ۳ مطرح شد این سؤال پیش می‌آید که آیا منظور آن شورای محترم در رابطه با عطف به ماسبق نشدن احکام ابطال دیوان ملاک زمان محاسبه و تطبیق مصوبه ابطال شده بر مصادیق است یا زمان اجرای عملی آنها و به عبارت روشن‌تر آیا منظور شورای محترم از اینکه اثر ابطال از زمان ابطال است این است که مصوبات ابطال شده نسبت به زمان گذشته حتی اگر در گذشته اجراء نشده باشد مطلقاً معتبر و لازم‌الاجراء است و الان باید به مرحله اجراء درآید یا اینکه منظور این است که موارد اجراء شده و عمل شده ابطال نمی‌گردد مثلاً عوارض اخذ شده مسترد نمی‌شود لکن مواردی که هنوز به مرحله اجراء درنیامده باشد مشمول حکم ابطال می‌باشد و در نتیجه به استناد مصوبه ابطال شده نمی‌توان نسبت به اجراء و وصول عوارض معوقه مربوط به زمان قبل از ابطال اقدام نمود. استدعا می‌شود در این زمینه این دیوان را ارشاد فرمایید تا بتوانیم مشکل چندین پرونده معوق را حل و فصل نماییم.

رئیس دیوان عدالت اداری

قریانعلی دری نجف‌آبادی

شماره: ۸۳/۳۰/۹۴۸۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۷

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

عطف به نامه شماره ۴۱/د/۱۸۱۷۵ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۶:

موضوع نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۲۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفساریه ریاست محترم قوه قضائیه در مورد زمان تاثیر ابطال مصوبات مسئولین و سازمانهای اداری که بموجب اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی توسط دیوان عدالت انجام می شود در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۳۰ فقهای شورای نگهبان مطرح شد و به شرح زیر اعلام نظر می گردد

«اجرای مصوبه ابطال شده در مواردی که به مرحله اجراء در نیامده و نیز تصویب مصوبه ای به همان مضمون و یا مبتنی بر همان ملاکی که موجب ابطال مصوبه شده است مانند عدم وجود مجوز قانونی بدون اخذ مجوز جدید بر خلاف نظریه تفسیری شورای نگهبان است».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تفسیر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱۰/۳۶۱۵۵/د

تاریخ: ۱۳۸۵/۳/۸

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با احترام، از آنجا که اصل هفتاد و پنجم بررسی طرح‌های قانونی و پیشنهادات اصلاحی نمایندگان در خصوص لوایح را که دارای بار مالی باشند منع نموده و از طرفی در اصل یکصد و دوم به شورای عالی استانها اجازه تقدیم طرح به صورت مستقیم به مجلس شورای اسلامی را داده است، خواهشمند است نظریه تفسیری شورای نگهبان را در پاسخ به این سؤال اعلام فرمایید «آیا ممنوعیت بار مالی برای طرح‌های ارائه شده به مجلس شامل طرح‌های موضوع اصل یکصد و دوم قانون اساسی نیز می‌شود یا خیر؟».

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۸۵/۳۰/۱۵۸۸۱

تاریخ: ۸۵/۴/۱

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۰/۳۶۱۵۵/د مورخ ۱۳۸۵/۳/۸:

مبنی بر تقاضای اظهارنظر تفسیری درباره «آیا ممنوعیت بار مالی برای طرح‌های ارائه شده به مجلس شامل طرح‌های موضوع اصل یکصد و دوم قانون اساسی نیز می‌شود یا خیر؟» در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«اصل هفتاد و پنج قانون اساسی شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد و بار مالی داشته باشد می‌شود.»

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان

تفسیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱۰/۱/۳۹۶۲/د

تاریخ: ۱۳۸۵/۷/۵

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام، با توجه به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی که مقرر داشته است.

«... رئیس جمهور می تواند برای وزارتخانه هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید».

نظر تفسیری آن شورا را در مورد این اصل، خصوصاً در موارد ذیل اعلام فرمایند:

۱- آیا رئیس جمهور تنها برای یک بار می تواند برای وزارتخانه ای که وزیر ندارد به مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید یا اینکه بیش از یک بار و به دفعات می تواند سرپرست تعیین کند ولی قید سه ماه یک بار رعایت شود؟

۲- چنانچه مدت سرپرستی بیش از سه ماه طول کشید آیا سرپرست منعزل است یا وظیفه و اختیار و مسئولیت دارد؟

۳- در مدتی که وزارتخانه وزیر یا سرپرست ندارد مسئولیت وزارتخانه بعهده چه شخصی است؟

۴- مدت زمان سه ماه از زمانی شروع می شود که وزارتخانه وزیر ندارد و یا از زمانی که سرپرست ابلاغ سرپرستی می گیرد؟

۵- چنانچه وزیر توسط رئیس جمهور معرفی شد و بعلت عدم رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی انتخاب وزیر بیش از سه ماه به درازا کشید تکلیف چیست؟

۶- اگر رئیس جمهور در مهلت مناسب سرپرست معرفی نکرد چه وضعیتی دارد؟

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۸۶۳۰/۲۴۴۹۸

تاریخ: ۸۶/۱۰/۴

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۱۵۲۰۶۵/۱۰/۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۳^(۱) مبنی بر اظهار نظر تفسیری درباره «قسمت اخیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی» در جلسات شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا بشرح زیر اعلام می گردد:

در پاسخ به سؤال اول:

«مطابق اصل ۱۳۵ قانون اساسی تعیین سرپرست برای بیش از یک سه ماه امکان پذیر نمی باشد، لیکن در مدت سه ماه مذکور رئیس جمهور می تواند به دفعات سرپرست تعیین کند. - راجع به سایر موارد مطروحه در نامه فوق الذکر، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید.»

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان

(۱)

شماره: ۱۵۲۰۶۵/۱۰/۱۰

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۳

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام، پیرو نامه شماره ۱۵۲۰۶۵/۱۰/۱۰ مورخ ۸۵/۷/۵ در خصوص اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را در خصوص موضوع فوق اعلام فرمایید.

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

تفسیر اصول چهارم، نود و یکم و نود و نهم قانون اساسی

شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۸۲۰

تاریخ: ۸۶/۴/۹

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام، احتراماً با توجه به اینکه قانون اساسی در اصول متعدد مانند اصول ۴ و ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی وظایف و اختیاراتی را که مستقیماً به عهده شورای نگهبان گذاشته است و انجام آنها مستلزم وجود ساختار و ضوابط متناسب می باشد، همچنین با عنایت به اینکه شورای نگهبان نهادی مستقل بوده و زیر نظر هیچ کدام از قوا و دیگر دستگاه ها نمی باشد، تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی توسط مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران و دیگر مقامات و دستگاه ها ممکن است موجب اختلال در انجام وظایف و اختیارات شورای نگهبان گردد و متناسب با وظایف تفویض شده نباشد.

اعضاء محترم شورای نگهبان نیز در آراء و نظرات قبلی خود به این مهم توجه داشته و این وضع قانون و یا انجام تحقیق و تفحص توسط مجلس شورای اسلامی نسبت به شورای نگهبان را مغایر با قانون اساسی شناخته اند. در این ارتباط توجه حضرتعالی و اعضاء محترم را به دو نظر صادره از سوی این شورا جلب می نمایم. در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۰ طرح استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب جلسه ۱۳۷۲/۵/۶ آن مجلس واصل گردید که در جلسه ۱۳۷۲/۵/۲۷ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا متعاقباً اعلام شد. از آنجا که تبصره ۱ ماده ۲ طرح یاد شده تعیین ضوابط استخدامی مستخدمین شورای نگهبان را به موجب آن قانون بر عهده کمیسیون مشترک مجلس و دیوان محاسبات قرار می داد شورای نگهبان اعلام نمود تبصره مزبور از این جهت که کارکنان شورای نگهبان را نیز در بر می گیرد مغایر قانون اساسی شناخته می شود. علاوه آنکه سایر تبصره های مربوط در این قانون که مبتنی بر این تبصره می باشد نیز مغایر قانون اساسی شناخته شده است. همچنین در پی استفساریه مجلس شورای اسلامی از شورای نگهبان در خصوص اصل ۷۶ قانون اساسی این شورا در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ و طی نظریه شماره ۳۲۴۴ اعلام داشت: «اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق

مجلس شورای اسلامی می‌باشند نمی‌شود».

اکنون با عنایت به رویه سابق و مطابق با اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، درخواست می‌شود نظریه تفسیری شورای نگهبان را در خصوص اصول ۹۱، ۴ و ۹۹ قانون اساسی نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مذکور اعلام فرمایید.

عباسعلی کدخدایی
قائم‌مقام دبیر

شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴

تاریخ: ۸۶/۴/۱۹

جناب آقای دکتر کدخدایی

قائم‌مقام دبیر و عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان

با اهدای سلام و تحیت، عطف به نامه شماره ۸۶/۳۰/۲۱۸۲۰ مورخ ۱۳۸۶/۴/۹ جنابعالی مبنی بر تقاضای اظهارنظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص مشخص نمودن مرجع تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی شورای نگهبان، با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری این شورا در خصوص اصول ۹۱، ۴ و ۹۹ قانون اساسی بشرح ذیل اعلام می‌گردد:

«مستفاد از اصول ۹۱، ۴ و ۹۹ قانون اساسی این است که تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آنها است، بر عهده خود این شورا می‌باشد.»

احمد جنتی
دبیر شورای نگهبان

تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۸۶/۳۲/۲۴۸۲۴

تاریخ: ۸۶/۱۰/۲۶

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم، با احترام، با توجه به برداشتهای متفاوت در مقام اجرا و نظارت از اصل ۱۴۱ قانون اساسی، استدعا دارد نظر آن شورای محترم را در مورد موضوع زیر، اعلام فرمایند:

آیا کارکنان دولت به عنوان مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره بنیادهای فرهنگی که کاملاً غیراقتصادی هستند و این فعالیت نیز غیرمستمر است، می توانند فعالیت داشته باشند؟ لازم به ذکر است که شورای محترم نگهبان قبلاً عضویت در هیأت امنای این نوع مؤسسات را مغایر با اصل ۱۴۱ نشناخته است.

غلامحسین الهام

عضو حقوقدان شورای نگهبان و وزیر دادگستری

شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۱۷۳

تاریخ: ۸۷/۸/۲۲

جناب آقای دکتر الهام

عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان

سلام علیکم، عطف به نامه شماره ۸۶/۳۲/۲۴۸۲۴ مورخ ۸۶/۱۰/۲۶ موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می گردد:

«عضویت به عنوان هیأت مدیره و یا مدیرعامل مؤسسات فرهنگی غیردولتی و غیرعمومی و مؤسساتی که سرمایه آن تماماً یا جزئاً متعلق به دولت و مؤسسات عمومی نیست و نیز شرکت دولتی یا خصوصی محسوب نشوند، مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی باشد».

محمد رضا علیزاده

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

فصل دوم

نظریات مشورتی

در خصوص اصول

قانون اساسی

در این فصل تفسیر اصولی از قانون اساسی از شورای نگهبان خواسته شده که چون نظر شورا از اکثریت سه‌چهارم (۹ نفر از ۱۲ نفر) برخوردار نبوده است لذا نظر اکثریت اعضاء به عنوان نظریه مشورتی ارائه گردیده که برای مرجع استفسارکننده و سایر مراجع ارزش مشورتی و ارشادی دارد. (ترتیب تاریخی در این قسمت نیز لحاظ شده است)

نظریه مشورتی در خصوص اصل هشتادم قانون اساسی

شماره: ۱۱۰۹/۴۰۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۷

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

در رابطه با قراردادی برای اجرای پروژه احداث نیروگاه حرارتی مازندران (نکا) موافقتنامه مالی با گروه بانکهای آلمانی به مدیریت بانک درسدر برای تأمین قسمتی از هزینه‌های ارزی پروژه مذکور منعقد گردید که مدت استفاده از آن در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۱۹۸۱ منقضی شده و با توجه به اینکه برای تمدید آن منعی در متن موافقتنامه مذکور قید نشده و هیأت محترم وزیران نیز طی تصویب‌نامه شماره ۵۸۸۱۸ مورخ ۶۰/۵/۱۴ تمدید موافقتنامه را تأیید نموده‌اند، این سؤال مطرح است که با توجه به عدم منع تمدید آیا طبق قانون اساسی تمدید موافقتنامه نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان قانون اساسی دارد یا خیر؟

تقاضا دارد دستور فرمائید مراتب را جهت اقدامات بعدی اعلام فرمایند.

حسن غفوری‌فرد

وزیر نیرو

شماره ۴۲۹۹

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۸

وزیر محترم نیرو

عطف به نامه شماره ۱۱۰۹/۴۰۰ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۷، در خصوص موافقتنامه مالی با بانک درسدر به اطلاع می‌رساند که موضوع در شورای نگهبان مطرح و نظریه اکثریت اعضاء به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«چون موافقتنامه مذکور لغو نشده و اعتبار قانونی آن باقی است، تمدید آن به نحوی که در نامه مذکور بیان گردیده، نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی نداشته و با قانون اساسی مغایرت ندارد.

این نظریه به عنوان تفسیر قانون اساسی نمی‌باشد».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

نظریه مشورتی در خصوص اصل هشتادم قانون اساسی

شماره: ۱۴۲۵

تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۱۱

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همانطور که استحضار دارید عده‌ای از دستگاههای اجرایی دولت در سالهای قبل از انقلاب به منظور اجرای طرحهای عمرانی قراردادهایی با شرکتهای خارجی منعقد نموده و برای تأمین هزینه ارزی آنها نیز با انعقاد موافقتنامه‌های لازم وامها و اعتباراتی از بانکها و مؤسسات مالی خارجی تحصیل کرده‌اند. بدین لحاظ در موافقتنامه‌های مذکور استفاده از وجوه هر وام به اجرای طرحی خاص و قرارداد اجرایی معینی مشروط و منحصر گردیده و به این ترتیب مهلت استفاده از وام نیز متناسب با زمان پایان اجرای طرح و قرارداد مربوط محدود و معین شده است.

بعد از انقلاب اسلامی اجرای برخی از طرحهای فوق‌الذکر به علل غیر قابل پیش‌بینی از قبیل اعتصابات قبل از انقلاب و تحریم اقتصادی و نظایر آن با تأخیر مواجه گردیده و در نتیجه مهلت استفاده از وامهای مربوط قبل از اجرای کامل پروژه منقضی شده است. حال با توجه به مضیقه‌های ارزی و مالی موجود و نیز از آنجا که بهای قرارداد باید تنها از محل وامهای مربوط پرداخت شود و چرا که اکثر پیمانکاران خارجی به لحاظ رعایت مقررات کشور متبوع خود قادر به قبول شرایط و یا منابع مالی دیگری نیستند، دستگاههای اجرایی در نظر دارند با جلب موافقت وام‌دهندگان مهلت استفاده از این‌گونه وامها را تمدید نمایند.

برخی از موافقتنامه‌های وام در مورد امکان تمدید مهلت استفاده از وام ساکت هستند ولی در بعضی دیگر از آنها استفاده از مانده وام به یکی از دو مشکل زیر مطرح شده است:

۱- استفاده از مانده وام منوط به عدم مخالفت وام‌دهنده است.

۲- استفاده از مانده وام منوط به موافقت طرفین است.

بدیهی است که در هر حال پس از تمدید مهلت استفاده از وام، جدول بازپرداخت آن متعاقباً تغییر می‌کند ولی شرایط عمومی اولیه وام مؤثر در نحوه بازپرداخت خواهد بود و بهره و کارمزد متعلقه از نرخهای مقرر در قرارداد اولیه وام فراتر نخواهد رفت.

اینک با توجه به اینکه اجرای بعضی از پروژه‌های بسیار حساس مملکتی موکول به تمدید مهلت استفاده از وام‌های مربوطه خارجی است مستدعی است راهنمایی بفرمایند که با توجه به اصل هشتادم قانون اساسی آیا این تمدید مهلت با آثار تبعی مذکور و نیازمند کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی است یا خیر؟

حسین نمازی

وزیر امور اقتصادی و دارائی

شماره: ۴۵۷۰

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۶

پیوست: یک برگ

وزارت محترم امور اقتصادی و دارائی

عطف به نامه شماره ۱۴۲۵ مورخ ۶۱/۲/۱۱:

در خصوص استعلام آن وزارت نسبت به استفاده از وام در صورت تمدید مهلت موافقت‌نامه‌ها با توجه به اینکه نظیر همین استعلام قبلاً از طرف وزارت نیرو به عمل آمده و شورای نگهبان پاسخ داده است، اینک فتوایی نامه شماره ۱۱۰۹/۴۰۰ مورخ ۶۰/۱۱/۲۷ وزارت نیرو و جوابیه شورای نگهبان به شماره ۴۲۹۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۸ به پیوست ارسال می‌گردد تا با استفاده از آن رفع اشکال گردد، در غیر این صورت مجدداً مکاتبه فرمائید.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

شماره: ۳۱۶۹

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۱۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احتراماً با تشکر از ارسال پاسخ شماره ۴۵۷۰ مورخ ۱۳۶۱/۳/۶ آن شورای محترم به استفسار این وزارتخانه در مورد تمدید مهلت استفاده از وام‌های خارجی دولت به استحضار می‌رساند این وزارتخانه با آگاهی قبلی از سؤال وزارت نیرو و پاسخ آن شورا در زمینه فوق با توجه به مسئولیتی که در مورد کلیه وام‌های خارجی دولت به عهده دارد در نظر داشت با طرح مجدد سؤال وزارت نیرو به صورت عام و عطف

توجه آن شورا به کلیه حالات ممکنه و آثار تبعی تمدید مهلت وامهای خارجی نظریه‌ای به صورت حکم عام و به نحوی که در همه موارد مشابه قابل اجراء باشد اخذ نموده راهنمای عمل قرار دهد.

نظر به اینکه اقدامات این وزارتخانه در مورد تمدید مهلت وامهای خارجی مستلزم حصول اطمینان نسبت به تأیید عدم مغایرت موضوع با اصل ۸۰ قانون اساسی از طرف شورای نگهبان می‌باشد، مستدعی است دستور فرمایند چنانچه موضوع در کلیت مورد نظر مورد تأیید آن شورای محترم قرار گرفته است مراتب جهت اقدام به این وزارتخانه ابلاغ گردد.

حسین نمازی

وزیر امور اقتصادی و دارائی

شماره: ۴۶۸۳

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۲۰

وزارت محترم امور اقتصادی و دارائی

عطف به نامه شماره ۳۱۶۹ مورخ ۶۱/۳/۱۶:

موضوع سؤال مجدداً در شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی دقیق قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«به طور کلی هر قراردادی که اعتبار قانونی آن به قوت خود باقی باشد و در آن تمدید قرارداد یا تمدید مهلت استفاده از وام پیش‌بینی شده باشد و همچنین در قراردادهایی که بر حسب تصویب شورای انقلاب مدت آن تمدید شده باشد، تمدید مدت و مهلت استفاده از آن نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد و در قراردادهایی که پیش‌بینی این جهت نشده باشد نیاز به تصویب مجلس دارد».

لازم به تذکر است این نظریه به عنوان تفسیر قانون اساسی نمی‌باشد.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظر مشورتی در خصوص اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی

شماره: ۵/۷۳۳۷/۲۵۰. ه

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۸

شورای محترم نگهبان

لطفاً به سئوالات زیر در رابطه با اصل ۸۸ قانون اساسی در خصوص پاسخ به سئوالات نمایندگان جواب بدهید:

- ۱- لزوم ادای پاسخ در ظرف ده روز، آیا مخصوص به وزیر است یا مجلس هم مجبور است که در ظرف همین مدت در دستور قرار دهد.
- ۲- اگر مجلس مجبور به انجام آن در همین مدت ده روز است، تکلیف آن با فوریتها و سایر برنامه‌های زمان‌بندی شده و دستورات از پیش اعلان شده چیست که گاهی چند هفته طول می‌کشد.
- ۳- در صورت تسری حکم محدودیت ده روز به مجلس، جواز تأخیر با اجازه مجلس مخصوص وزیر است یا خود مجلس هم می‌تواند با تصویب خود انجام پاسخ را تأخیر بیاورد.
- ۴- در هر حال در صورت تراکم برنامه‌ها مثل وضع موجود مجلس که به نظر می‌رسد تا سالهای دیگر هم وضع چنین باشد، اگر تمایل نمایندگان به انجام پرسش به گونه‌ای باشد که کار رسیدگی به لوایح و طرحها را مختل می‌کند، تکلیف چیست؟ هم اکنون با اینکه هر هفته چهار تا شش سؤال در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد، نزدیک به شصت سؤال عقب افتاده وجود دارد و مطمئناً اگر به موقع انجام گیرد جاذبه سؤال برای نمایندگان از این هم بیشتر خواهد شد.
- ۵- اگر از وزیری سؤال شود و قبل از جواب وزیر عزل یا مستعفی گردد، آیا وزیر جدید که به جای ایشان می‌آید مکلف به جواب دادن همان سؤال وزیر پیش از خود هست یا خیر؟
- ۶- آیا وزیر دادگستری مسئول جواب‌گویی به وظایف شورای عالی قضائی یا دادگاهها و قضات می‌باشد یا نه؟ و اگر نه، قوه قضائیه چگونه باید پاسخگو باشد.

۷- هرگونه توضیح دیگری در رابطه با سؤال از مسئولان اجرایی که برای حسن انجام کار در رابطه با قانون اساسی لازم می‌دانید در این جواب اضافه بفرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۱۰۲۴۰

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۰/۲

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۷۳۳۶/۲۵۰ د. ه مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۸:

موضوع سئوالات در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر مشورتی شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- مستفاد از اصل ۸۸ قانون اساسی این است که وزیر جواب سؤال نماینده را باید ظرف ده روز بدهد. و با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی تأخیر جواب از ده روز امکان دارد و نسبت به اختیار مجلس در تأخیر از ده روز در تعیین وقت برای جواب اگرچه قانون اساسی ساکت است ولی با توجه به اینکه مقصود اینست که نمایندگان بتوانند همیشه مسائل جاری کشور را تحت سؤال قرار دهند و ظرف مدت کوتاهی جواب بگیرند و با توجه به اینکه تأخیر وزیر در جواب با عذر موجه جایز است تأخیر مجلس در تعیین وقت جواب نیز با عذر موجه اشکال ندارد.

بدیهی است موارد عذر موجه موکول به نظر مجلس شورای اسلامی است.

۲- با تغییر وزیر به هر عنوان وزیر جدید در صورتی مکلف به جواب است که مجدداً از شخص او سؤال شود.

۳- در خصوص سؤال ۶ نظر شورای نگهبان عطف به نامه شماره ۴۵۳۶/ق مورخ ۶۲/۴/۹ طی شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام شده است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظریه مشورتی در خصوص تشکیل شورای اقتصاد

شماره: ۱۳۵۰-م/۱

تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۲۲

شورای محترم نگهبان

به موجب ماده ۲ قانون برنامه و بودجه، مصوب ۵/۱۲/۵۱، شورایی به نام شورای اقتصاد مرکب از چند وزیر، رئیس بانک مرکزی و به ریاست نخست وزیر تشکیل گردیده است.

هدف شورا عبارت از: هدایت و هماهنگ کردن امور اقتصادی کشور است، وظایف آن شامل: بررسی و مطالعه، تعیین هدف و خط‌مشی، اتخاذ تصمیم و تصویب اصول، سیاست‌ها و ضوابط می‌باشد، که با امور اجرایی کشور ارتباط و درگیری مستقیم دارد. اصول ۱۳۴ و ۱۳۷ و ۱۳۸ قانون اساسی، نخست وزیر، هیأت وزیران و هر یک از وزرا را ارکان تصمیم‌گیری در مقام اجرای قوانین شناخته است و در قبال آن شکل‌گیری مسئولیت‌ها بدین ترتیب است که:

اولاً: نخست وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است، **ثانیاً:** هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در مقابل مجلس است و **ثالثاً:** هر یک از وزیران در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران است. نظر به اینکه: **اولاً:** چگونگی وظایف و مسئولیت‌ها در قانون اساسی، صراحتاً مندرج است، **ثانیاً:** سازگاری شورای اقتصاد، از نظر وظایف و مسئولیت‌ها، با اصول قانون اساسی محل تأمل و تردید می‌باشد و **ثالثاً:** شورای مزبور عملاً جریان بسیاری از امور اجرایی را با شکل خاص خود در اختیار دارد به خاطر اجمال قضیه، امکان انحراف از اصول قانون اساسی و در نتیجه عدم تعرض مسئولیت‌ها وجود خواهد داشت. خواهشمند است، آن شورای محترم درباره هدف، ترکیب و وظایف شورای اقتصاد و از لحاظ مطابقت با اصول قانون اساسی اعلام نظر فرمایند.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۱۹۴۹

تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۵

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۳۵۰ - ۱/م مورخ ۱۳۶۳/۵/۲۲:

نظر کلی و مشورتی شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

«تشکیل شوراهای تصمیم گیرنده در رابطه با امور اجرایی با عضویت افراد خارج از

هیأت وزرا با قانون اساسی مغایرت دارد».

بدیهی است این نظر تفسیراً معتبر نیست ولی چنانچه مجلس شورای اسلامی قانونی

را به این شکل تصویب نماید امکان رد آن در شورای نگهبان وجود دارد.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظریه مشورتی در خصوص اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی (قبل از بازنگری)

شماره: ۱/۴۶۵۴

تاریخ: ۱۳۶۴/۶/۲۰

شورای محترم نگهبان

با سلام

خواهشمند است نظر تفسیری خود را در رابطه با اصل ۱۳۵ قانون اساسی بیان فرمائید:

به منظور استمرار امور جاری کشور، آیا در پایان یک دوره ریاست جمهوری و تا تعیین دولت جدید، دولت قبلی ملزم به استعفاء و اخذ حکم سرپرستی موقت از رئیس جمهور است یا اینکه مسئولیت‌های دولتی که دوران آن منقضی شده است، خودبخود به صورت سرپرستی، تا تعیین دولت جدید ادامه می‌یابد؟

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۴۴۵۳

تاریخ: ۱۳۶۴/۷/۱۷

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۴۶۵۴ مورخ ۱۳۶۴/۶/۲۰:

موضوع سؤال در جلسات شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر مشورتی اکثریت اعضای شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«پس از پایان دوره ریاست جمهوری در فاصله معرفی نخست وزیر جدید و تعیین تکلیف از سوی مجلس شورای اسلامی دولت سابق مسئولیت اداره امور جاری را عهده‌دار خواهد بود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظریه مشورتی در خصوص اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی

شماره: ۱۴۰۶-ب

تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۶

شورای محترم نگهبان دامت برکاتهم

با سلام

همه ساله در بحث بودجه پیشنهادهایی از سوی نمایندگان محترم مجلس مبنی بر افزایش هزینه‌های جاری و یا عمرانی مطرح می‌گردد که منبع تأمین اعتبار آن معین نیست و گاهی زائد بر سقف بودجه پیشنهادی دولت نیز می‌باشد و برخی از آقایان معتقدند اصل ۷۵ ناظر بر لایحه بودجه نبوده و در لایحه بودجه می‌توان پیشنهاد افزایش هزینه بدون مشخص کردن منبع تأمین اعتبار آن هزینه را مطرح کرد. علیهذا خواهشمندم نظر شورای محترم نگهبان را در رابطه با این اصل بیان فرمائید.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه

عبدالله نوری

شماره: ۵۵۹۹

تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۴۰۶-ب کمیسیون برنامه و بودجه، پس از بحث و بررسی نظر مشورتی اکثریت بر این است که «اصل ۷۵ قانون اساسی ناظر به پیشنهادهاى نمایندگان در لایحه بودجه نمى‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: ۱۰۱/۲-۲/۸ م ن

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی

نظر به اینکه وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران) به نمایندگی از طرف دولت به موجب موافقتنامه مورخ بهمن ماه ۱۳۵۳ معادل ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ به شرح پیوست مبلغ یک میلیارد دلار به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و با ضمانت دولت فرانسه وام داده است و مفاد ماده ۱۰ موافقتنامه مزبور مقرر می‌دارد کلیه اختلافاتی که در ارتباط با این موافقتنامه بروز نماید تحت مقررات سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط یک یا چند داور حل و فصل گردد و با عنایت به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کمیساریای انرژی اتمی فرانسه از بازپرداخت اصل و بهره‌های متعلقه امتناع نموده و در نتیجه سازمان سرمایه‌گذاری به ناچار برای احقاق حق و وصول مطالبات خویش بنا بر شرط فوق الاشعار به دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مراجعه کرده است، لکن کمیساریای انرژی اتمی فرانسه در برابر دعوی مطروحه در دیوان مذکور ضمن مدافعات در مورد عدم پرداخت دین، به استناد مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایراد به نمایندگی قانونی خواهان در طرح دعوی مزبور نموده است لذا استدعا دارد با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایند رعایت مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص موافقتنامه فوق‌الذکر که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده ضرورت دارد یا خیر؟

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۵۹۳۹

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۱۰

جناب آقای نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۱/۲-۲/۸ م ن مورخ ۱۳۶۵/۲/۳:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و پس از بحث و بررسی لازم، نظر اکثریت اعضا

بدین شرح اعلام می‌شود:

«بر حسب اطلاق اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مورد موافقت‌نامه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هر چند در آنها ارجاع به داوری پیش‌بینی شده باشد مقررات اصل مذکور باید رعایت شود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

شماره: ۶۲-۴۳/۱۷ م ن

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۲۴

شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره ۵۹۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ و پیرو نامه شماره ۱۰۱/۲-۴۳/۸ م ن مورخ ۱۳۶۵/۲/۳ راجع به استفسار از شمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی به موافقت‌نامه اسفند ماه ۱۳۵۳ سازمان سرمایه‌گذاری کمکهای اقتصادی و فنی ایران با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده خواهشمند است با توجه به اینکه استعمال با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی صورت گرفته نظر تفسیری شورای محترم نگهبان را نسبت به موضوع اعلام فرمایند.

ضمناً با عنایت به اصل لزوم قراردادها و با توجه به ماده ۱۰ موافقت‌نامه که مقرر داشته: «کلیه اختلافاتی که در ارتباط با این موافقت‌نامه بروز نماید تحت مقررات سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط یک یا چند داور حل و فصل گردد» نسبت به امکان الزام کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و سایر اطراف خارجی در قراردادهای مشابه که قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده به اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی که مغایر با قراردادهای منعقد مزبور یا به صورت شرط و قیدی علاوه بر مفاد آن قراردادها باشد اعلام نظر فرمایند.

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۶۰۲۵

تاریخ: ۱۳۶۵/۴/۱۸

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۶۲-۴۳/۱۷ م ن مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۴:

«نظر به اینکه قوانین جاریه کشور در صورتی از لحاظ قانون اساسی منع اجرایی دارد که با قانون اساسی مغایرت داشته باشد و نظر به اینکه در مواردی که شمول هر یک از اصول قانون اساسی نسبت به قوانین جاریه به تفسیر شورای نگهبان نیاز داشته باشد، مادام که شورای نگهبان نظر تفسیری نداده باشد آن قوانین منع اجرایی ندارد و جواز اجراء آن قوانین به اصل خود باقی است و نظر به اینکه در مورد شمول اصل ۱۳۹ نسبت به قرارداد مورد سئوال، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسیده ارجاع به داوری از طرف دولت بدون کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی مغایرت ندارد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظریه مشورتی در خصوص اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی

شماره: ۱/۶۰۰۰

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۱

شورای محترم نگهبان

با توجه به مفاد سوگندنامه رئیس جمهور در اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی، آنجا که رئیس جمهور در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و فرهنگی کشور نباید از هیچ اقدامی دریغ ورزد.

در صورتی که بنا به تشخیص و نظر رئیس جمهور فردی که به عنوان سفیر فوق‌العاده و نماینده تام‌الاختیار دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود، از صلاحیت و اهلیت کامل برای احراز چنین نمایندگی برخوردار نباشد آیا در این صورت امضای نمایندگی یاد شده با مفاد سوگندنامه منافاتی ندارد؟ خواهشمند است نظر تفسیری خود را اعلام فرمائید.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهور

شماره: ۷۶۰۳

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۱۶

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۶۰۰۰ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۱:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح گردید و نظر شرعی اکثریت فقها به شرح زیر اعلام می‌شود:

«آنچه از عبارت سوگندنامه استفاده می‌شود این است که رئیس جمهور باید در تمام اقدامات و وظایف و مسئولیت‌هایی که عهده دارد است حفظ و حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و سایر اموری را که در سوگندنامه بیان شده است را مراعات نماید. ولی چنانچه در موردی احراز نماید که امضای او موجب عواقب سوء و بروز خطراتی برای مرزها و سایر مصالح عالیه اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌شود شرعاً باید از امضا خودداری نماید و خودداری او از امضاء حنث قسم نمی‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظریه مشورتی در خصوص اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی

شماره: د/۳۴۷۳۴/۲۵۰. ه

تاریخ: ۱۳۶۷/۲/۲۴

شورای محترم نگهبان

با توجه به اصل ۷۵ قانون اساسی که حق نمایندگان در پیشنهاد و طرح‌ها را که بار مالی دارند مشروط به تأمین بار مالی آن نموده است مواردی پیش می‌آید که دولت یا نخست وزیر در نامه جداگانه موافقت خود را با پیشنهاد نمایندگان اعلام می‌دارد بدون اینکه منبع تأمین بار مالی مشخص شود (نمونه لایحه نهادهای انقلاب). لطفاً نظر خود را درباره این گونه موارد بیان فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۱۴۳۳

تاریخ: ۱۳۶۷/۷/۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره د/۳۴۷۳۴/۲۵۰. ه مورخ ۱۳۶۷/۲/۲۴:

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری حاصل نشد و استظهار اکثریت اعضاء از اصل ۷۵ قانون اساسی آن است که:

«تعیین طریق جبران کاهش و یا تأمین هزینه برای قابلیت یافتن طرح در مجلس شورای

اسلامی لازم است».

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

نظریه مشورتی در خصوص ارتباط پلیس قضائی با قوه قضائیه

شماره: ۲۵/۱۰۷۴

تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۶

حضرت آیت الله محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام و نهایت احترام به استحضار می‌رساند جایگاه پلیس قضائی که از زمان بنی‌صدر مخلوع مورد مناقشه قوه مجریه و قوه قضائیه قرار داشته است همواره مانع راه توسعه این سازمان و تدوین لایحه قانونی نهایی آن متناسب با نیازهای قوه قضائیه بوده است. نهایتاً با توجه به اصلاحات قانون اساسی و اینکه به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم انجام امور اجرایی این قوه نیز به خود آن محول گردیده است و این جهت که عزل و نصب و قبول استعفای فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی که پلیس قضائی نیز یک نیروی انتظامی به شمار آمده با مقام معظم رهبری قرار گرفته ظاهراً مانع اصلی اتصال و ارتباط سازمان پلیس قضائی را از میان برده است ولی از جهت اینکه تعیین تکلیف رسمی جایگاه این سازمان که طبع کار آن ایجاب می‌کند به عنوان یک سازمان مرتبط و تحت امر قوه قضائیه انجام وظیفه نماید نقش حساس در تدوین قانون و اساسنامه نهایی آن دارد. لهذا مستدعی است بدو مراتب از شورای محترم نگهبان استفسار شود تا متناسب با پاسخ آن شورای محترم نسبت به تهیه پیش‌نویس لایحه قانون تشکیل پلیس قضائی اقدامات لازم به عمل آید.

هاشمی

رئیس کل سازمان پلیس قضائی

شماره: م/۱/۸۳۱۱

تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد التّحیّه، نظر به اینکه لایحه قانونی تشکیل پلیس قضائی در دست تهیه است و تعیین جایگاه آن در اساس ساختار لایحه مزبور نقش تعیین‌کننده و حساسی خواهد داشت، لهذا با توجه به اینکه:

الف - پلیس قضائی انجام برخی از وظایف و مسئولیت‌های قوه قضائیه مقرر در اصل - یکصد و پنجاه و ششم به ویژه بندهای ۴ و ۵ آن که اجمالاً می‌توان آنرا متصدی امور اجرایی قوه قضائیه نامید تشکیل و سازماندهی شده است.

ب - پلیس قضائی تنها در محدوده مسئولیت‌های قوه قضائیه فعالیت دارد و عملیات آن پس از وقوع جرم با تحقیق و تعقیب از مجرمین آغاز شده و وظیفه تمهید مقدمات دادرسی‌های مدنی و کیفری را دارا می‌باشد.

ج - نقش اساسی دیگر آن اجرای احکام صادره از محاکم قوه قضائیه بوده و اجرای حدود و تعزیرات و اعمال کیفر بزهکاران را مستقیماً زیر نظر محاکم به عهده دارد.

خواهشمند است مشخص فرمایند ارتباط سازمانی و تشکیلاتی این نیرو که ضابط خاص قوه قضائیه می‌باشد و متناسب با نیازهای دستگاه قضائی تربیت می‌شوند و اصولاً حق دخالت در خارج از قلمرو تعیین شده را نخواهد داشت با توجه به موازین شرعی و اصول قانون اساسی و در عین حال عنایت به اینکه عزل و نصب و قبول استعفا فرمандهی عالی آن در اصلاحیه قانون اساسی با مقام معظم رهبری است به کدام یک از دو قوه مجریه یا قضائیه باید باشد.

رئیس قوه قضائیه

محمد یزدی

شماره: ۱۲۵۹

تاریخ: ۱۳۶۹/۱/۲۲

حضرت آیت‌الله محمد یزدی ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره م/۱/۸۳۱۱ مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۵:

«موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر مشورتی اکثریت اعضای شورای نگهبان، مرتبط و وابسته نمودن پلیس قضائی از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی به قوه قضائیه مغایرتی با اصول قانون اساسی ندارد».

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

نظریه مشورتی در خصوص اصل چهل و چهارم قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۷۱/۱۰/۲۰

شورای محترم نگهبان

احتراماً همان‌گونه که استحضار دارند نیازهای بانکی و اعتباری اشخاص و بنگاههای اقتصادی در یک جامعه بالنده و در حال توسعه بسیار گسترده و متنوع است. طبعاً این نیازها نمی‌تواند منحصراً توسط عملیات بانکی و بانکها تأمین شود. از همین رو در کشورهای توسعه یافته از دهه ۱۳۴۰ و در کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۳۶۰ انواع مؤسسات مالی و اعتباری غیر بانکی و شرکتهای سرمایه‌گذاری به وجود آمدند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای روزافزون اعتباری جامعه باشند. علاوه بر این مؤسسات شیوه‌های مختلف تجهیز منابع نظیر انواع مشارکتها و اوراق سرمایه‌گذاری نیز به وجود آمد و به کمک مؤسسات فوق و بانکها شتافت. همه این تحولات به معنی آن است که بانکها چه نوع دولتی و چه غیر دولتی آن نمی‌توانند به تنهایی پاسخگوی نیازهای روزافزون سرمایه‌گذاری اشخاص و بنگاههای اقتصادی در جامعه باشند. در کشور ما بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رسماً فقط بانکها که همگی آنها دولتی هستند، متولی پاسخگویی به نیازهای اعتباری سرمایه‌گذاران بوده‌اند. گر چه ظاهراً از دیدگاه رسمی بانکها به طور انحصاری در صحنه اعتبار کشور حضور داشته‌اند اما عملاً به دلیل عدم تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری از طریق بانکها، طرق آزاد و غیر رسمی گوناگونی به وجود آمده که در بازار اعتباری کشور به شیوه‌های فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایجاد مؤسسات اعتباری، شرکتهای سرمایه‌گذاری، مؤسسات مالی و حتی مبادرت صندوقهای قرض‌الحسنه به عملیاتی نظیر مضاربه و اعطای تسهیلات گوناگون از نمونه‌های متداول و شرکتهای مضاربه‌ای و یا انجام عملیات ربوی توسط افراد از نمونه‌های غیر مجاز طرق آزاد و غیر رسمی اعتباری می‌باشد.

نکته مهمی که در این میان وجود دارد این است حجم عملیات اعتباری این مؤسسات از طرق غیر رسمی به اندازه‌ای قابل ملاحظه است که در حجم اعتباری کل کشور و در نتیجه در حجم نقدینگی و تورم اثر قابل توجهی دارد و با افزایش و رونق فعالیتهای سرمایه‌گذاری در سالهای گذشته حجم عملیات اعتباری آزاد از طرق مختلف

افزایش فوق‌العاده پیدا کرده است. از طرف دیگر بدلیل عدم شناسائی رسمی این مؤسسات موضوع فعالیت آنها همواره موضوع اختلاف نظر در بین دستگاههای مسئول بوده است.

به منظور پاسخگویی به نیازهای روزافزون سرمایه‌گذاری، توسعه اقتصادی و تنظیم و هدایت فعالیتهای مؤسسات اعتباری مختلف پس از بحث و بررسی موضوع در خلال دو سال اخیر شورای پول و اعتبار مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی را به تصویب رسانید. این مقررات در واقع فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی را قانونمند می‌کند و علاوه بر دستگاههای دولتی و عمومی به بخش خصوصی نیز اجازه می‌دهد که با تأسیس چنین مؤسساتی بتوانند به عنوان بازوهای قدرتمند نظام مالی و مکمل فعالیتهای بانکهای دولتی به ایفاء نقش بپردازند.

شورای پول و اعتبار به استناد بند ب ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور و نیز مطابق بند ۱۵ ماده ۱۴ قانون یاد شده که به بانک مرکزی در حسن اجرای نظام پولی کشور اختیار دخالت و نظارت در امور مربوطه به مؤسسات اعتباری غیر بانکی را می‌دهد و با ملحوظ داشتن قانون اساسی قوانین و مقررات پولی و بانکی کشور و قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون تجارت و قوانین ثبتی ارقام به تصویب مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی نموده است.

با توجه به اینکه مقرر گردیده که در خصوص اطلاق ماده ۴۴ قانون اساسی از آن شورای محترم استفسار گردد، لذا با عنایت به اینکه طبق مقررات یاد شده بالا نظارت و کنترل عالیه دولت بر عرصه گسترده‌تری از عملیات پولی تثبیت می‌گردد و در عین حال بخش خصوصی نیز امکان می‌یابد که در عملیات اعتباری در کنار بخش دولتی تصدی داشته باشد، بنابراین سؤال زیر مطرح می‌گردد:

«آیا تصدی دولت در امر بانکداری مطروحه در اصل ۴۴ قانون اساسی به ویژه با عنایت به قیودات مندرج در این اصل به طور مطلق و انحصاری است؟»

سید محمد حسین عادل

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۴۳۸۰/هـ

تاریخ: ۱۳۷۱/۱۲/۱۹

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

احتراماً پیرو گزارشی که در جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۰ به طور حضوری تقدیم آن شورای محترم گردیده به استحضار می‌رساند:

با توجه به نیاز سرمایه‌گذاری در کشور و نظر به اینکه تحقق این امر با استفاده حداکثر از پس‌اندازها و منابع نقدینگی میسر است و این امر بدون فعال کردن مؤسسات مردمی غیر دولتی به بهترین وجه امکان‌پذیر نیست، ایجاد مؤسسات اعتباری به عنوان یک راه حل پیشنهاد شده است.

این مؤسسات دارای فعالیت‌هایی هستند که شباهت آنها را به بانکها زیاد می‌کند لکن وجوه افتراق آنها اختلافهای اساسی بین بانک و مؤسسات مذکور را روشن می‌سازد.

به طور کلی بانکها به دو دسته تقسیم می‌شوند: بانک مرکزی با قدرت انتشار اسکناس و بانکهای تجاری که حساب جاری افتتاح می‌کنند و به این ترتیب از محمولی برای خلق پول استفاده می‌کنند.

مؤسسات اعتباری قادر به خلق پول نیستند زیرا به آنها اجازه افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک داده نمی‌شود.

به عبارت دیگر، گرچه به طور کلی در ظاهر این مؤسسات فقط از افتتاح یک نوع حساب محرومند، لکن همین یک تفاوت، اثرات و نتایج اقتصادی بسیار دارد. به همان ترتیب که اجازه انتشار اسکناس، بانک مرکزی یک کشور را مؤسسه‌ای کاملاً متفاوت از بانکهای دیگر می‌سازد، اجازه افتتاح حساب جاری نیز بانک را کاملاً از مؤسسات اعتباری غیر بانکی متفاوت و مجزا می‌نماید.

در واقع مؤسسات اعتباری غیر بانکی طبق تعریف نظری و طبق تعریف بنده ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور به مؤسساتی گفته می‌شود که از نام بانک استفاده نمی‌کنند و فقط برخی از فعالیت‌های اعتباری را به تشخیص بانک مرکزی انجام می‌دهند. این مؤسسات نظیر بانکها و مؤسسات سرمایه‌گذاری واسطه وجوه تلقی می‌شوند.

از این جهت ضروری است فعالیتهای این مؤسسات تحت کنترل و نظارت بانک

مرکزی باشد. لذا به موجب مواد مختلف قانون پولی و بانکی کشور و به ویژه بند ب از ماده ۱۱ و بند ۱۵ از ماده ۱۴ این قانون بانک مرکزی به منظور حسن اجرای نظام پولی کشور، موظف به دخالت و نظارت بر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی شده است.

با توجه به آنچه که گذشت استدعا دارد نظر تفسیری یا مشورتی شورا درباره این امر ابراز فرمایند که آیا اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مؤسسات اعتباری غیر بانکی نیز اعمال می شود و نسبت به آن تسری دارد یا خیر؟

با احترام

سید محمد حسین عادل

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۴۴۵۲

تاریخ: ۱۳۷۲/۱/۲۱

ریاست محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۴۳۸۰/ه مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۹:

نظر مشورتی شورای نگهبان بدین شرح اعلام می گردد:

«با توجه به تعریف مرقوم در متن نامه، مؤسسات اعتباری در صورتی که فعالیت خود را به عملیات بانکی توسعه ندهند در محدوده مذکور در نامه مغایر اصل ۴۴ قانون اساسی نمی باشند».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

استفساریه پیرامون نظریه ۱۳۷۲/۱/۲۱ شورای نگهبان

شماره: ۱۳۷۲/۱۱۶۱۵

تاریخ: ۱۳۷۵/۶/۱۸

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با اهداء سلام

در پاسخ نامه شماره ۴۳۸۰/ه مورخ ۷۱/۱۲/۱۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی آن

شورای محترم طی نامه شماره ۴۴۵۲ مورخ ۷۲/۱/۲۱ نظر مشورتی خود را به شرح ذیل اعلام فرموده است:

با توجه به تعریف مرقوم در متن نامه مؤسسات اعتباری در صورتی که فعالیت خود را به عملیات بانکی توسعه ندهد در محدوده مذکور در نامه مغایر اصل ۴۴ قانون اساسی نمی باشد.

با عنایت به اساسنامه مؤسسه اعتباری غیر بانکی توسعه صنعت ساختمان در شرف تأسیس که مورد تأیید اداره نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته موضوع شرکت به شرح فتوایی ضمیمه آورده شده خواهشمند است اعلام فرمایند موضوع فعالیت تسری به عملیات بانکی پیدا می نماید یا خیر؟

سید رضا زواره ای

معاون رئیس قوه قضائیه و

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

شماره: ۷۵/۲۱/۱۰۱۹

تاریخ: ۱۳۷۵/۸/۱۹

معاون محترم رئیس قوه قضائیه

و رئیس محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۳۲/۱۱۶۱۵ مورخ ۱۳۷۵/۶/۱۸:

موضوع در جلسه ۷۵/۸/۱۶ شورای نگهبان مطرح و با توجه به نظریه شماره ۴۴۵۲ مورخ ۷۲/۱/۲۱ این شورا و با توجه به مقررات موجود که تشخیص عملیات بانکی موکول به تصویب شورای عالی پول و اعتبار شده است لذا نظر قبلی شورای نگهبان در محدوده نامه شماره ۴۳۸۰/هـ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۹ رئیس کل بانک مرکزی وقت مناط اعتبار است.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

احمد علیزاده

نظریه مشورتی در خصوص اصول یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هفتم قانون اساسی

شماره: ۱۶۶۲۳-۷

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۸

محضر مبارک حضرات شورای محترم نگهبان «دامت برکاتهم»

همانطور که استحضار دارند وظایف اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی اخیراً محول به کمیسیون اصل نود شده مُشعر بر اینکه:

«در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

با توجه به اینکه رئیس جمهور یا معاونین او یا وزیر در هر مورد که مصلحت بدانند می‌توانند بخشی از وظایف و اختیارات خود را در امور اجرایی به استاندار یا یکی از معاونین و یا حتی مدیران کل تفویض نمایند هرگاه از عملکرد زیر مجموعه (که جزو اختیارات مفوض بوده و شخص وزیر یا معاون رئیس جمهور در آن مورد ضامن اجراء نبوده است) سؤال می‌شود یا اظهار بی‌اطلاعی می‌نمایند و بنا به استناد آیه شریفه وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى استاندار یا معاون و یا مدیر کل را مسئول می‌دانند گرچه برداشت کمیسیون از اصول ۱۲۷ و ۱۳۷ قانون اساسی این است که: تفویض اختیار سلب اختیار نمی‌کند و گاهی معاون اجرایی رئیس جمهور اختیار بازسازی مناطق جنگی و یا دیگر فعالیتهای ضروری مناطق محروم را به استاندار تفویض می‌نماید. و احیاناً خلافی صورت می‌گیرد با نگرش به اینکه استاندار ابواب جمعی وزارت کشور است، آیا وزیر کشور می‌بایست از طرف مجلس مورد سؤال قرار گیرد و یا معاونت اجرایی رئیس جمهور؟ با عنایت به شرح مراتب و با بهره‌مندی از اصل نود و هشتم قانون اساسی، مستدعی است این کمیسیون را ارشاد فرمایند.

با تقدیم احترام

محمد علی شرعی

رئیس کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی

شماره: ۵۴۷۷

تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۲۳

ریاست محترم کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۶۶۲۳-۷ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۸:

با توجه به صراحت اصول ۱۲۷ و ۱۳۷ قانون اساسی و عدم نیاز به ابراز نظریه تفسیری، نظر مشورتی کلیه اعضای شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می گردد:

«مجلس شورای اسلامی می تواند از رئیس جمهور و یا وزرا صرفاً در خصوص وظایفی که قانوناً بر عهده دارند و به دیگری تفویض کرده اند سؤال کند البته اگر مجلس مستقیماً کاری را به عهده غیر رئیس جمهور و وزیر بگذارد حق سؤال در این مورد را از رئیس جمهور یا وزیر ندارد کما اینکه حق سؤال از مسئول مزبور را نیز ندارد اگرچه حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور و در صورت لزوم درخواست رسیدگی از قوه قضائیه را دارد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

احمد علیزاده

رونوشت:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جهت استحضار

استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: ۴۱۹/ص/۱۰/و

تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۷

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

به سبب نظرات و تفاسیر متفاوتی که از اصل ۱۳۹ قانون اساسی به عمل آمده و با عنایت به اینکه اصل نود و هشتم، تفسیر این قانون را به عهده آن شورای محترم قرار داده و نظر شورای محترم نگهبان می‌تواند به بحثهای مختلف و برخورد های قانونی متفاوت که دامنگیر شرکتهای وابسته به این وزارت نیز شده، خاتمه دهد مستدعی است نظر آن شورای محترم را در خصوص اصل مزبور دایر بر اینکه اموال دولت به معنی اخص بیان گردیده یا شامل اموال شرکتهای دولتی نیز می‌باشد اعلام فرمائید.

ضمناً خاطر نشان می‌سازد، شرکت تهیه، تولید و توزیع علوفه وابسته به این وزارت در خصوص عدم انجام تعهدات شرکت تعاونی عمران بار موضوع قرارداد سال ۶۳ دو شرکت دادخواست خود را به محاکم قضائی تسلیم، لیکن به لحاظ تفاوت تفسیر اصل نامبرده دادخواست شرکت فوق‌الذکر رد گردیده است. مراتب جهت استحضار و اعلام نظر تقدیم می‌گردد.

غلامرضا فروزش

وزیر جهاد سازندگی

شماره: ۵۶۰۶

تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۱۷

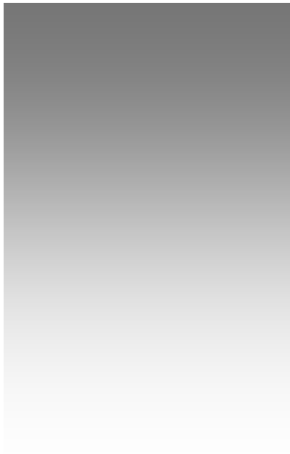
وزیر محترم جهاد سازندگی

نامه شماره ۴۱۹/ص/۱۰/و مورخ ۷۲/۹/۷ آن وزارت در جلسه مورخ ۷۲/۹/۱۷ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی به لحاظ صراحت و وضوح نیازی به تفسیر ندارد و اعضای شورای نگهبان به اتفاق آرای اصل مذکور را شامل اموال شرکتهای دولتی نیز می‌دانند».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

احمد علیزاده



فصل سوم

استفساریه‌ها

در خصوص اصول

قانون اساسی

در این فصل مواردی درج شده است که شورای نگهبان به دلایل ذیل از ارائه نظریه خودداری نموده است:

- به رأی تفسیری نرسیده است.

- مورد سؤال از موارد تفسیری نبوده بلکه به قوانین عادی مرتبط می‌شده است.

- مرجع استفسارکننده از مراجعی نبوده که شورا ملزم به پاسخ دادن و تفسیر

نمودن قانون اساسی در قبال آن باشد.



استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۲۹۵/دال

تاریخ: ۱۳۵۹/۶/۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اصل نود و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چون در جلسه علنی پنجشنبه مورخه ۵۹/۶/۶ مجلس شورای اسلامی لایحه‌ای با متن زیر مطرح شد: نمایندگان مجلس شورای اسلامی که براساس ضرورت و با موافقت مجلس سمت وزارت یا سمت مهم دیگری را می‌پذیرند و بالتیجه طبق اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی‌توانند در نمایندگی مجلس شورای اسلامی خدمت کنند، می‌توانند پس از استعفاء یا برکناری از سمت جدید دوباره در سمت نمایندگی انجام وظیفه نمایند و در مدت اشتغال به کار جدید، کرسی آنان در مجلس محفوظ می‌ماند و بین نمایندگان حاضر در جلسه اختلاف نظر دایر بر مخالفت و موافقت متن لایحه فوق با قانون اساسی به وجود آمد و نظر اکثریت دایر بر مخالفت این لایحه با قانون اساسی بود.

لذا خواهشمند است هرچه زودتر نظر خویش را نسبت به مخالفت و یا عدم مخالفت لایحه فوق با قانون اساسی جمهوری اسلامی به مجلس شورای اسلامی اعلام فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

شماره: ۸/م

تاریخ: ۱۳۵۹/۶/۱۱

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۹۵/دال مورخ ۵۹/۶/۹ به اطلاع می‌رساند مورد سؤال از موارد تفسیر نیست، اما از نظر موافقت و مخالفت با قانون اساسی با توجه به اینکه لایحه مذکور مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفته موجب برای اظهار نظر شورای نگهبان نمی‌باشد.^(۱)

دبیر موقت شورای نگهبان

محمدرضا مهدوی‌کنی

(۱) با بررسی سوابق و اسناد شورای نگهبان به نظر می‌رسد این نخستین اعلام نظر شورا در ارتباط با اصلی از اصول قانون اساسی می‌باشد و همانطور که ملاحظه می‌شود اصل مزبور از موارد تفسیری تشخیص داده نشده است.

استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: ۲۳۱ ک ر

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۴

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

به طوری که استحضار دارید بنا بر اصل ۱۳۹ قانون اساسی، «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد».

نظر به اینکه در بسیاری از قراردادهای منعقد شده بین سازمانهای دولتی و شرکتهای خارجی و بین‌المللی پیش‌بینی شده که رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد از طریق داوری بایستی حل و فصل شود در مورد تعدادی از این قراردادها قبل یا بعد از تصویب قانون اساسی اختلاف ایجاد شده و شرکتهای مذکور غالباً در محاکم آمریکا و اروپا مبادرت به طرح دعوی علیه دولت ایران کرده‌اند. کمیته رسیدگی به دعاوی مالی و حقوقی بین‌المللی به سازمانهای مربوط و وکلای ایران که عهده‌دار پاسخگویی به این دعاوی هستند، توصیه کرده است براساس مفاد قراردادها به صلاحیت محاکم خارجی ایراد شود و تاکنون نیز چنین شده است در صورتی که این امر مورد قبول محاکم خارجی قرار گیرد، اجرای مفاد قرارداد ایجاب می‌کند که رفع اختلاف را داور حل و فصل نماید.

راجع به تاثیر اصل مذکور نسبت به قراردادهای منعقد شده قبل از تصویب قانون اساسی اعضاء کمیته رسیدگی به دعاوی مالی و حقوقی بین‌المللی (لایحه قانونی ۱۳۵۸/۱۱/۱۳ شورای انقلاب) دو نظر متفاوت دارند. بعضی معتقدند این دعاوی قبل از تصویب قانون اساسی به موجب قرارداد به داوری ارجاع شده و اینک تشریفات تعیین داور یا درخواست رسیدگی از داور بایستی انجام شود. چون مقررات قانون اساسی عطف به گذشته نمی‌شود در نتیجه تاثیری نسبت به قراردادهای مذکور ندارد و نیازی به تحصیل مجوز از مجلس نیست. و بعضی را عقیده بر این است که لازمه ارجاع اختلاف به داوری تحقق اختلاف است. در موقع امضای قرارداد اختلاف وجود نداشته تا بتوان گفت به داوری ارجاع شده است، بلکه طرفین حین عقد قرارداد متعهد شده‌اند

در صورت وقوع اختلاف حل و فصل آن را به داوری ارجاع نمایند و اینک با ارجاع به داوری باید ایفای تعهد کرد و این غیر از حالت ارجاع دعوی به داوری است. مضافاً بر اینکه مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی از جمله قواعد آمره ناظر به نظم عمومی است و عطف به ماسبق نشدن آن هم محل بحث است. بنابراین اجرای مقررات اصل ۱۳۹ در مورد قراردادهای مذکور الزامی است. کمیته معتقد است رفع این اختلاف بایستی از طریق تفسیر قانون اساسی صورت گیرد که بر عهده شورای نگهبان است. لذا مراتب برای طرح موضوع در شورای نگهبان به استحضار می‌رسد.

علیرضا نوبری

رئیس کل بانک مرکزی ایران و رئیس کمیته رسیدگی به دعاوی مالی و حقوقی بین‌المللی

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۶

دبیر کمیته رسیدگی به دعاوی مالی و حقوقی بین‌المللی

احتراماً عطف به نامه ۱۴۹ ک مورخ ۱۳۵۹/۷/۳ و ۲۳۱ ک ر مورخ ۱۳۵۹/۸/۴ در مورد ارجاع اختلافات بین سازمانهای دولتی و شرکتهای خارجی و بین‌المللی به داوری به اطلاع می‌رساند:

«موضوع در جلسه شورا مطرح و بر حسب نظر اکثریت اعضاء، مورد سؤال از موارد تفسیر قانون اساسی نیست و با اصل ۹۸ قانون اساسی ارتباط ندارد».

دبیر موقت شورای نگهبان

محمدرضا مهدوی‌کنی

استفساریه در خصوص اصل هشتاد و یکم قانون اساسی

شماره: ۵۱-۱۴۲۴

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۸

شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

محترماً همانطور که مستحضر می‌باشند به موجب اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر گردیده است که:

«دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است».

اکثر شرکتهای چند ملیتی کامپیوتری که قبل از انقلاب در ایران تشکیل شده‌اند شعبه‌ای از شرکت اصلی بوده و صاحبان امتیاز آنها خارجی می‌باشند. این شرکتها جهت ادامه کار به صورت فعلی تفسیرهای گوناگون در مورد کلمه امتیاز در اصل فوق می‌نمایند. با توجه به اینکه یکی از وظایف محوله به شورای عالی انفورماتیک کشور رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی هر چه سریعتر این گونه شرکتها می‌باشد، لذا شورای عالی انفورماتیک خود را موظف می‌داند که تفسیر قانونی کلمه امتیاز را از طریق شورای نگهبان جویا گردد تا بتواند خطمشی‌ای صریح در مورد این شرکتها اتخاذ نموده و به مورد اجراء گذارد.

با احترام

محمدحسین بنی‌اسدی

رئیس شورای عالی انفورماتیک کشور

شماره: ۲۲۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۱۲

ریاست شورای عالی انفورماتیک کشور

عطف به نامه شماره ۵۱-۱۴۲۴ به تاریخ ۵۹/۸/۸ اشعار می‌دارد:

«مورد سؤال از موارد تفسیر قانون اساسی و مشمول اصل ۹۸ قانون مزبور نیست و در نتیجه موجبی برای اظهار نظر شورای نگهبان وجود ندارد».

دبیر موقت شورای نگهبان

محمدرضا مهدوی‌کنی

استفساریه در خصوص مرجع پذیرش استعفاء وزیر

شماره: ۱/۱۵۶۹-م

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۰

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

بعد السلام و التحیه

خواهشمند است نظر آن شورای محترم را در این باره که: «کدام مقام باید و می‌تواند استعفای وزیر را بپذیرد» بیان فرمائید.^(۱)

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی

شماره: ۹۳۲۵

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۱

مقام محترم ریاست جمهوری

بعد السلام و التحیه

عطف به نامه شماره ۱/۱۵۶۹-م مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۰:

در این موضوع به عنوان تفسیر قانون اساسی رأی کافی بدست نیامد.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) با توجه به بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و تغییر اصل یکصد و سی و پنجم که طبق آن رئیس‌جمهور استعفای وزیر را خواهد پذیرفت، این سؤال و سؤال بعدی کاربردی ندارد هرچند که شورای نگهبان نیز در این خصوص به تفسیر مشخص نیز دست نیافت.

استفساریه در خصوص مرجع پذیرش استعفای وزیر

شماره: ۳۲۶۲۷/۶۲ م

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۰

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

با توجه به آنکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره‌ای به نحوه استعفای وزیران نشده است و نیز مشخص نیست که کدام مرجع باید این استعفاء را بپذیرد متمنی است نظر آن شورای محترم در این رابطه اعلام گردد. لازم به یادآوری است که در گذشته (بعد از انقلاب و در دولت فعلی) پذیرش استعفاء از سوی نخست وزیر اعلام می‌شده است.^(۱)

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۹۳۲۸

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۱

جناب آقای نخست وزیر

بعد السلام و التحیه

عطف به نامه شماره ۳۲۶۲۷/۶۲ م مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۰:

در این موضوع به عنوان تفسیر قانون اساسی رأی کافی بدست نیامد.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) هرچند این سؤال مشابه سؤال قبل می‌باشد لکن از آنجا که از سوی دو مرجع قانونی آن هم در یک تاریخ صورت گرفته است و ثبت آن از جنبه تاریخی قابل اهمیت است لذا بدین منظور در این مجموعه درج گردید.

استفساریه در خصوص انطباق شوراهاى تصمیم گیرنده با قانون اساسی

شماره: ۷۹۴۷/۲۵۰ د هـ

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۱/۱۰

شورای محترم نگهبان

در گذشته مواردی پیش آمده که آن شورای محترم شوراهاى تصمیم گیرنده را با قانون اساسی مغایر دانسته و اخیراً در مورد شورای سرپرستی صدا و سیما چنین نظری ابراز نشده (گرچه ممکن است این مورد در نظر شورای نگهبان وضع خاصی داشته باشد).

چون مواردی در لوایح و طرحهایی در دستور کار مجلس شورای اسلامی وجود دارد که شورا در آنها قید شده، خواهشمند است که نظر نهایی آن شورا را در خصوص شوراهاى تصمیم گیرنده از نظر انطباق با قانون اساسی بیان فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۱۳۵۱

تاریخ: ۱۳۶۳/۴/۱۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۷۹۴۷/۲۵۰ د هـ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۰:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و «نظر به اینکه وضع شوراها از لحاظ حق اتخاذ تصمیم برحسب موازین شرعی و قانون اساسی مختلف است. اعلام نظر کلی میسر نیست و در هر مورد بخصوص باید با ملاحظه ضوابط شرعی و قانون اساسی بررسی و اظهار نظر شود.»

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی

شماره: ۱۳۰۲۱/۱۱/۴

تاریخ: ۱۳۶۵/۶/۱۹

شورای محترم نگهبان

مستدعی است در پاسخ اعلام فرمایند که آیا مقصود از «اموال عمومی و دولتی» مذکور در اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرفاً اموال منقول و غیر منقول متعلق به دولت و سازمانهای دولتی می‌باشد یا «حقوق»، «تعهدات»، «وجه»، «دیون»، «مطالبات» و به طور کلی اختلافات و دعاوی فی‌مابین پیمانکاران و کارفرمایان دولتی را از هر حیث هم شامل می‌شود؟ توضیح اینکه سازمان آب و برق خوزستان از دادگاه حقوقی اهواز تقاضای ابطال یک رای داور را که راجع به اختلافات ناشی از تعدیل قیمت‌ها و تسری قیمت‌ها در مورد یک قرارداد علیه سازمان صادر شده به لحاظ عدم رعایت اصل ۱۳۹ نموده و پیمانکار در مقام دفاع اظهار داشته که اصل ۱۳۹ قانون اساسی فقط مربوط به دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی بوده و اختلافات ناشی از قراردادهای پیمان‌ها را که موضوع آن وجه نقد و یا تعهدات و مطالبات باشد شامل نمی‌شود. نظر به اینکه مبلغ مدّعا به که مورد رأی داور قرار گرفته حدود یکصد میلیون تومان بوده و ابطال رأی داور به علت عدم رعایت اصل ۱۳۹ برای این سازمان واجد اهمیت بسیار است تقاضا دارد نظریه تفسیری آن شورای محترم در خصوص اصل ۱۳۹ و حدود حکومت آن را، قبل از ۱۳۶۵/۷/۲۲ که روز رسیدگی دادگاه حقوقی اهواز می‌باشد. به این سازمان اعلام فرمایند.

حبیب امین‌فر

مدیر عامل سازمان آب و برق خوزستان

شماره: ۶۷۸۸

تاریخ: ۱۳۶۵/۷/۱۵

سازمان آب و برق خوزستان

عطف به نامه شماره ۱۳۰۲۱/۱۱/۴ مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۹:

«با توجه به اینکه رسیدگی به موضوع در دادگاه در جریان است دادگاه طبق استنباط خود

از قانون اساسی و عادی رای صادر می‌نماید. و چنانچه (دادگاه) در ارتباط با تفسیر قانون اساسی سئوالی داشته باشد، توسط شورای عالی قضائی پرسش خواهد نمود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

استفساریه در خصوص اصل هشتاد و یکم قانون اساسی

شماره: ۲۱۶۲

تاریخ: ۱۳۶۵/۷/۶

ساحت محترم شورای نگهبان

مستدعی است در مقام تفسیر اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند منظور از کلمه دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات... به خارجیان ممنوع است آیا مطلق دادن امتیاز است یا صرفاً امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات؟ فی‌المثل چنانچه شرکت خارجی قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۶۵ درصد از سهام شرکتی بوده اینک پس از تصویب قانون مزبور می‌تواند ۳۵ درصد از سهام شریک ایرانی خود را خریداری نموده و نتیجتاً مالک صددرصد سهام بشود یا خیر؟

رئیس شعبه ۱۳ دادگاه حقوقی یک تهران

حسین نظری

شماره: ۶۸۵۰

تاریخ: ۱۳۶۶/۲

ریاست محترم شعبه ۱۳ دادگاه حقوقی یک تهران

عطف به نامه‌های شماره ۱۴۲۵ مورخ ۱۳۶۶/۶/۲۲^(۱) و شماره ۳۴۰۷ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۴^(۲) و شماره ۲۱۶۲ مورخ ۱۳۶۵/۷/۶:

«در مورد اصل ۸۱ نظر به اینکه تفسیر این اصل در شورای نگهبان رای کافی نیابرد بنابراین دادگاه به هر نحو که از این اصل استنباط می‌نماید علی‌الاصول رای بدهد».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) درخواست شعبه مذکور مبنی بر تسریع در ارسال پاسخ از سوی شورای محترم نگهبان.

(۲) درخواست شعبه مذکور مبنی بر تسریع در ارسال پاسخ شورای محترم نگهبان.

استفساریه در خصوص اصل سی‌ام قانون اساسی

شماره: ۲۱۱۸/د ش

تاریخ: ۱۳۶۹/۷/۱۰

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

محترماً به استحضار می‌رساند، ریاست محترم شورای عالی مقرر فرمودند قبل از اخذ تصمیم در مورد دریافت شهریه از دانشجویانی که استطاعت پرداخت دارند نظر شورای محترم نگهبان در زمینه سؤال زیر رسماً استفسار گردد.

طبق نامه شماره ۵۵۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۱۶ نظر شورای محترم نگهبان در مورد دریافت شهریه به شرح ذیل ارائه گردیده است:

«با توجه به اینکه از اصل ۳۰ قانون اساسی دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاههای ملی استفاده نمی‌شود، چنانچه تأسیس مدارس و آموزشگاههای ملی در کشور آزاد اعلام شود اضطرار دولت به دریافت شهریه مرتفع می‌گردد، و چنانچه با تأسیس مدارس ملی رفع اضطرار نشود تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود».

با توجه به این اظهار و در نظر گرفتن اینکه پس از گذشت چند سال و دایر شدن مراکز آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی همچون دانشگاه آزاد اسلامی اضطرار دولت به دریافت شهریه مرتفع نشده و طبق آئین‌نامه پیشنهادی پیوست، وزارت فرهنگ و آموزش عالی درخواست تصویب «طرح تأمین بخشی از هزینه تحصیلی دانشجویان از طریق وام بانکی» را دارد.

سؤال این است که تفسیر قانون اساسی در شرایط فعلی در این مورد چه بوده و پاسخ شورای محترم نگهبان در زمینه سؤال مطرح شده چیست؟! قبلاً از بذل عنایتی که می‌فرمائید سپاسگزاریم.

با آرزوی توفیقات الهی

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

دکتر سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی

شماره: ۱۳۶۹/۲۱/۱۰۸۳۳

تاریخ: ۱۳۶۹/۸/۱۷

دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

عطف به نامه شماره ۲۱۱۸/دش مورخ ۶۹/۷/۱۰:

در خصوص اخذ شهریه از دانشجویانی که استطاعت پرداخت دارند موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت، «در حال حاضر نظر تفسیری روشنی که بتوان ارائه داد بدست نیامد، چنانچه دولت لایحه‌ای در این خصوص تهیه نمود و به تصویب مجلس رسید آنگاه اظهار نظر خواهد شد».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

استفساریه در خصوص اصل چهل و سوم قانون اساسی

شماره: ۱۱۲۷

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۱/۹

شورای محترم نگهبان

با سلام و تحیات، همانطور که مستحضریذ مطابق بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخش تعاونی به عنوان دومین رکن اساسی اقتصاد کشور شناخته شده و تعیین حدود فعالیت آن موکول به تصویب قانون گردیده است، که برای انجام این مقصود قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در شهریور ماه سال جاری به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی رسید و توسط اعضای محترم آن شورا تأیید گردید.

براساس ماده شصت و پنج قانون مازالذکر اعمال نظارت دولت بر بخش تعاونی و وظیفه حمایت و پشتیبانی از این بخش به عهده وزارت تعاون نهاده شده و مقرر گردیده است که سازمانها، ادارات و واحدهای مربوط به فعالیتهای فوق در وزارت جدید التأسيس تعاون ادغام شوند، لیکن در بند ج تبصره ۴ لایحه بودجه پیشنهادی سال ۱۳۷۱ کل کشور تعاونیهای فرش و اتحادیههای آنها تحت پوشش وزارت جهاد سازندگی نام برده شده است که این امر یقیناً با اهداف و قانون بخش تعاونی که ملهم از اصل چهل و سوم قانون اساسی می باشد، تناقضی آشکار دارد.

علیهذا تقاضا دارد در خصوص اصلاح آن قسمت از بند ج تبصره ۴ لایحه بودجه که متضمن تداخل و تکرار وظایف در وزارتخانه خواهد بود، تصمیم مقتضی اتخاذ فرمائید.

با تشکر

غلامرضا شافعی

وزیر تعاون

شماره: ۲۵۳۹

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۲۷

وزیر محترم تعاون

عطف به نامه شماره ۱۱۲۷ مورخ ۷۰/۱۱/۹؛

«اصلاح قانون با مجلس شورای اسلامی است، و شورای نگهبان در این امر وظیفه و

اختیاری ندارد.»

مدیر کل دبیرخانه شورای نگهبان

استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۲۲/۶۵۱۱۵/د

تاریخ: ۱۳۷۱/۴/۱۵

شورای محترم نگهبان

با سلام و تحیات، با توجه به اینکه ماده ۶ قانون انتخابات مصوب ۶۲/۱۲/۹ صراحت دارد کارکنان دولت و سازمانها و شرکتهای و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها پس از انتخاب شدن و صدور اعتبارنامه دوره نمایندگی جزو سنوات خدمت آنان با اعطای گروه و پایه محسوب خواهد شد. و در دوران نمایندگی فقط حقوق نمایندگی را دریافت خواهند کرد و از طرفی با توجه به متن اصل ۱۴۱ قانون اساسی که داشتن دو شغل را برای اساتید دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را بلامانع دانسته است. عدهای از نمایندگان که فعالیتهای آموزش و پژوهشی با دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دارند تقاضا نمودهاند به استناد اصل ۱۴۱ قانون اساسی رابطه استخدامی آنان با دانشگاه قطع نشده و حقوق و مزایای دریافتی این افراد نیز کماکان از محل اعتبار مراکز دانشگاهی مربوطه پرداخت گردد. ظاهراً در دوره سوم جناب آقای کتیرائی کارپرداز وقت با جناب آقای بیژنی از حقوقدانان آن شورای محترم درباره مراتب فوق مذاکراتی به عمل آوردهاند و حقوق نمایندگانی که جزو اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بودهاند کماکان از محل اعتبار دانشگاه مربوط پرداخت شده و حقوق و مزایای نمایندگی این افراد قطع گردیده است. با توجه به تقاضای مشابه عدهای از نمایندگان دوره چهارم و جهت روشن شدن موضوع خواهشمند است دستور فرمائید چنانچه حفظ پست سازمانی افراد فوقالذکر و پرداخت حقوق آنان از اعتبار بودجه دانشگاه در دوران نمایندگی مجلس شورای اسلامی منع قانونی ندارد مراتب را کتباً اعلام نمایند.

هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی

شماره: ۳۴۵۹

تاریخ: ۱۳۷۱/۶/۱

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۲/۶۵۱۱۵/د مورخ ۱۳۷۱/۴/۱۵ در مورد حقوق دریافتی

نمایندگان نظر شورای نگهبان بدین شرح اعلام می‌گردد:

«در خصوص مورد، اشکال مربوط به قانون اساسی نمی‌شود».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

استفساریه در خصوص اصل سی و پنجم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۶-۲۲۱۴۴

تاریخ: ۱۳۷۳/۴/۲۲

شورای محترم نگهبان «دامت برکاتهم»

سلام علیکم

با ایفاد نامه مورخ ۷۳/۴/۵^(۲) جمعی از سردفتران اسناد رسمی تهران در مورد حق انتخاب وکیل جهت دفاع از اتهامات وارده در دادگاههای انتظامی سردفتران که به موجب ماده ۳۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ تشکیل می‌شوند. استدعا دارد دایره شمول اصل ۳۵ قانون اساسی را نسبت به دادگاههای مذکور و مراجع دیگری چون: دادگاه انتظامی قضات، هیأت‌های انتظامی، اعضای هیأت علمی دانشگاهها، هیأت‌های انتظامی سازمانهای نظام پزشکی، هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات کارکنان رسمی دولت و شعب دیوان عدالت اداری تفسیر و امر به ابلاغ فرمایند.

محمد علی شرعی

رئیس کمیسیون اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی

(اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی)

(۱) اصل سی و پنجم: در همه دادگاهها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

(۲) نامه جمعی از سردفتران اسناد رسمی تهران به این شرح می‌باشد:

۱۳۷۳/۴/۵

بسمه تعالی

کمیسیون محترم اصل ۸۸ و ۹۰ مجلس شورای اسلامی

احتراماً عطف به قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۷۰/۷/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام که به موجب آن «اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاههایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند.» با توجه به لفظ عام «کلیه دادگاههایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند و اینکه تعیین نگردیده چه نوع دادگاههایی اعم از کیفری یا حقوقی و یا انتظامی مورد نظر است و با توجه به اینکه دادگاههای انتظامی سردفتران به موجب ماده ۳۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ تشکیل می‌شوند لذا آیا به نظر آن اداره محترم سردفتران اسناد رسمی نیز حق خواهند داشت برای دفاع از اتهامات خود وکیل انتخاب نمایند و آیا ماده واحده مذکور و اصل ۳۵ قانون اساسی شامل دادگاههای انتظامی سردفتران و دفتر یاران نیز می‌گردد؟ قبلاً از بذل توجه آن اداره محترم سپاسگزاریم.

سران دفاتر اسناد رسمی تهران

شماره: ۶۶۱۷
تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۲۹

رئیس محترم کمیسیون اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۲۱۴۴-۶ مورخ ۷۳/۴/۲۲:

موضوع در جلسه رسمی مورخ ۱۳۷۳/۴/۲۹ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«به لحاظ اینکه اصل سی و پنجم قانون اساسی حق انتخاب وکیل را در غیر دادگاهها نفی نمی‌کند از این رو اصل مذکور نیاز به تفسیر ندارد و مرجع تفسیر قوانین عادی شورای نگهبان نمی‌باشد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان
احمد علیزاده

استفساریه در خصوص اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی

شماره: ۲۷۰۳۴

تاریخ: ۱۳۷۴/۵/۲۹

شورای محترم نگهبان

با توجه به اینکه اصل (۸۵) قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ اجازه داده است «مجلس شورای اسلامی تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته را به دولت واگذار نماید» و هیأت وزیران همانند سایر مصوبات احیاناً اصلاح برخی از آنها را ضروری تشخیص می‌دهد.

خواهشمند است با توجه به اصول (۸۵) و (۹۸) قانون اساسی نظر تفسیری شورای نگهبان را در این مورد اعلام فرمایند که «آیا اساسنامه‌هایی که تصویب آنها به طور مطلق قبل یا بعد از بازنگری بر عهده دولت قرار گرفته است یا از این پس قرار می‌گیرد، اصلاح آنها نیز در اختیار دولت است یا خیر؟» خصوصاً که مطابق قسمت اخیر اصل (۸۵) قانون اساسی مصوبات اصلاحی نیز برای مطابقت با قانون اساسی به شورای نگهبان و به منظور تطبیق با قوانین عادی به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌گردد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور

شماره: ۷۸۷

تاریخ: ۱۳۷۴/۸/۹

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۲۷۰۳۴ مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۹ در مورد اینکه چنانچه تصویب اساسنامه به طور مطلق از جانب مجلس شورای اسلامی به دولت واگذار شود آیا اصلاح آن در اختیار دولت است یا نه، در جلسه ۱۳۷۴/۸/۳ شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت و شورای نگهبان در این زمینه به رأی تفسیری نرسید.

لذا چنین مواردی موکول به نظر تفسیری مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۱۲۷۹/هـ ت

تاریخ: ۱۳۷۵/۵/۶

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اینکه به موجب اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم قانون اساسی به دولت بدهد خواهشمند است نظریه تفسیری آن شورای محترم را به اینجانب اعلام فرمائید که چنانچه ضمن تجویز تصویب دائمی اساسنامه، مقنن تصریح به جواز تغییر یا اصلاح اساسنامه مورد نظر نکرده باشد آیا دولت تنها به استناد اجازه مزبور می‌تواند پس از تصویب اساسنامه نسبت به اصلاح یا تغییر آن اقدام نماید یا خیر.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۵/۲۱/۱۰۲۰

تاریخ: ۱۳۷۵/۸/۱۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۱۲۷۹/هـ - ت مورخ ۱۳۷۵/۵/۶ در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۸/۱۶ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«چون حسب درخواست شماره ۲۷۰۳۴ مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۹ ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران موضوع در جلسه ۱۳۷۴/۸/۳ شورای نگهبان مطرح شده و این شورا در خصوص موضوع به رأی تفسیری نرسیده است لذا سؤال رئیس محترم جمهور و پاسخ شورای نگهبان به ضمیمه ارسال می‌گردد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

استفساریه در خصوص اصل بیست و هفتم قانون اساسی^(۱)

شماره: ۳۹۹/۶/۱

تاریخ: ۱۳۷۷/۲/۷

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

حَسَبِ اصل بیست و هفتم قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. نظر به اینکه در اصل مذکور مصادیقی یا مواردی از مخل به مبانی اسلام ذکر نگردیده و همچنین مرجعی را نیز جهت تشخیص موضوع تعیین ننموده و با عنایت به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که هیچ قیدی جز (مخل به مبانی اسلام) مورد تصویب آن مجلس قرار نگرفته است. لذا خواهشمند است دستور فرمائید نظر آن شورای محترم در پاسخ استفساریه به وزارت متبوع ابلاغ گردد.

استفساریه:

منظور از عبارت «مخل به مبانی اسلام» مندرج در اصل فوق چیست؟

عبدالله نوری

وزیر کشور

شماره: ۷۷/۲۱/۳۰۱۰

تاریخ: ۱۳۷۷/۴/۱۰

وزارت محترم کشور

با سلام - عطف به نامه شماره ۳۹۹/۶/۱ مورخ ۱۳۷۷/۲/۷ بر حسب آئین‌نامه داخلی شورای نگهبان، شورا در برابر سئوالاتی که در مورد تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی و یا موافقت بعضی مقررات با ضوابط شرعی می‌شود در صورتی ملزم به جواب است که سئوال‌کننده هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی یا رئیس قوه قضائیه یا هیأت دولت و یا رئیس جمهور باشد.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

(۱) اصل بیست و هفتم: تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

استفساریه در خصوص اصل یکصد و پنجاه و ششم

شماره: ۱/۸۰/۳۳۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۱/۲۰

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

با سلام و تحیات

با عنایت به اختیارات تامّ مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات مذکور در اصل یکصد و شصتم قانون اساسی ناظر به اصول یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و پنجاه و هشتم قانون مرقوم و اینکه انجام کلیه مسئولیت‌های اداری و اجرایی، برای رئیس قوه قضائیه، در اصل یکصد و پنجاه و هفتم همان قانون تصریح گردیده است و با توجه به اینکه اجرای وظایف گسترده مذکور در اصول یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و پنجاه و هشتم، مستلزم استخدام کارکنان اداری متناسب با ایجاد تشکیلات لازم و انجام مسئولیت‌های مقرر در قانون اساسی و قوانین عادی می‌باشد و از لوازم و مقدمات استخدام مزبور گزینش است.

حال با توجه به استقلال مذکور در اصل ۱۵۶ برای قوه قضائیه، آیا این قوه می‌تواند، رأساً و بالاستقلال کارگزاران گزینش در امور استخدامی غیر قضائی را منصوب سازد یا با توجه «قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی» الزاماً باید از قوانین مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و ۱۳۷۵/۲/۹ مذکور پیروی و مراجع گزینشی آن، با دخالت هیأت عالی گزینش منصوب و تابع مقررات آن باشند؟

علیهذا با عنایت به مراتب و توجهاً به «قانون و اختیارات رئیس قوه مصوب ۷۸/۱۲/۸» و اجمال موجود در اصل ۱۵۶ و اینکه رفع اشکال فیما بین این قوه و هیأت عالی مزبور، متوقف بر کسب نظر استفساری آن شورای محترم در خصوص اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی در این زمینه می‌باشد. مستدعی است موضوع را مطرح و نظر تفسیری شورای محترم نگهبان را راجع به اصل مذکور به این قوه، اعلام فرمائید.

با امتنان

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۸۰/۲۱/۱۶۰۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۳/۳۱

ریاست محترم قوه قضائیه

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

با سلام

نامه شماره ۱/۸۰/۳۳۴ مورخ ۸۰/۱/۲۰، جناب عالی در جلسه مورخ ۸۰/۳/۳۰ شورای نگهبان مطرح شد که شورا به نظر تفسیری نرسید.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۲/۲۰۱/۴۶۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۷

حضرت آیت‌الله جنتی «دام عزه»

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیات الهی

خواهشمند است با توجه به اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی نظریه تفسیری آن شورای محترم را در خصوص موارد ذیل اعلام فرمائید:

الف) با توجه به اینکه در صدر اصل مرقوم «معاونان وزرا، استانداران و برخی مقامات دولتی» ذکر نشده‌اند، آیا در این گونه «مقامات» در زمره کارکنان دولت بوده و از کارمندان دولت محسوب می‌شوند؟ و به عبارتی در صورتی که معاون وزیر از بین اشخاصی غیر از کارکنان دولت به این سمت منصوب شود، آیا ممنوعیت داشتن دو شغل، ناظر به وی نیز می‌باشد یا خیر؟

ب) منظور از «تعاونی ادارات و مؤسسات» در ذیل اصل مارالذکر چیست؟ آیا شامل همه تعاونی‌هایی می‌شود که کارکنان دولت در آن سرمایه‌گذاری نموده‌اند و یا فقط شامل تعاونی‌هایی می‌شود که دستگاه‌های دولتی به منظور رفاه پرسنل خود به موجب قوانین استخدامی مکلف به ایجاد آن می‌باشند (مثل تعاونی مصرف موضوع ماده ۵۲ قانون استخدام کشور)

ج) آیا منظور از سمت آموزشی در شقّ اخیر اصل مرقوم، اعضای هیأت علمی و مدرسان دانشگاهها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی بدون سمت اداری نظیر رئیس دانشکده، مدیر گروه و ... می‌باشند یا مدرسانی با وصف دیگر؟
اعلام نتیجه موجب امتنان است.

فتح اله رحیمی

مدیر کل حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور

شماره: ۸۰/۲۱/۲۵۳۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۱۴

جناب آقای رحیمی

مدیر کل محترم حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور

با سلام

احتراماً عطف به نامه شماره ۲/۲۰۱/۴۶۴ مورخ ۸۰/۸/۷:

بدین وسیله اعلام می‌دارد با توجه به آئین‌نامه داخلی شورای محترم نگهبان درخواست تفسیر اصول قانون اساسی می‌بایست از سوی سران سه قوه صورت بگیرد که بدین ترتیب رسیدگی به سئوالات جناب عالی مقدور نمی‌باشد.

توفیقات جناب عالی را از خداوند متعال خواستارم.

رئیس دفتر دبیر شورای نگهبان

رضا بیگناه

استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

شماره: ۱۰/۱۴۶۶۴۵/د

تاریخ: ۱۳۸۵/۹/۲۲

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

نظر به اینکه بعضاً هیأت وزیران تحت عناوینی نظیر «موافقت نموده»، «مقرر نمود» و... تصمیماتی اتخاذ می‌کند و اینگونه تصمیمات به اعتبار آنکه فاقد عنوان تصویب‌نامه است مشمول قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی تلقی نشده و در نتیجه از ارسال آن برای بررسی و اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی خودداری می‌شود، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را به سؤالات زیر اعلام نمایید:

۱- آیا اتخاذ عناوینی غیر از عنوان تصویب‌نامه برای تصمیمات هیأت وزیران، رافع تکلیف قانونی مذکور در قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی برای هیأت وزیران و نیز رافع مسئولیت قانونی رئیس مجلس شورای اسلامی می‌باشد یا نه؟

۲- در صورت مرتفع نبودن تکلیف و مسئولیت فوق، آیا عطف به ماسبق نیز می‌شود یا خیر؟

به پیوست نمونه‌هایی از تصمیمات فوق‌الذکر ارسال می‌شود.^(۱) دوام توفیقات

شماره: ۳۵۷۸۰/۶۹۸۶۱

تاریخ: ۱۳۸۵/۶/۱۴

(۱)

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور - نهاد ریاست جمهوری

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۱ که در مرکز استان آذربایجان غربی تشکیل گردید موافقت نمود:

۱- مبلغ سیصدوسی‌ودو میلیارد (۳۳۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در سال جاری برای احداث، تکمیل، تجهیز و یا توسعه پروژه‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای استان آذربایجان غربی از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور با عنوان «اعتبارات توسعه استان» اختصاص می‌یابد. طرح‌ها و پروژه‌های مربوط بر اساس اولویتهای اعلام شده در استان و بدون الزام به رعایت آیین‌نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون برنامه چهارم توسعه با هماهنگی استانداری یاد شده و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، انتخاب و پس از تأیید شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان اجراء خواهد شد.

۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است به ابلاغ صد در صد (۱۰۰٪) تخصیص اعتبارات موضوع بند (۶) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور و پروژه‌های تملک دارایی ملی استان آذربایجان غربی که در سال ۱۳۸۵ به بهره‌برداری می‌رسند اقدام نماید.

→ ۳- هیأت امنای حساب ذخیره ارزی موظف است حداقل مبلغ ششصد میلیون (۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار جهت طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی (غیردولتی) با اولویت طرح‌های بخش صنعت و معدن و کشاورزی در استان در چارچوب ضوابط حاکم بر حساب ذخیره ارزی و پس از تأیید بانک عامل به عنوان شرط لازم با تأیید استانداری آذربایجان غربی اختصاص دهد.

۴- دستگاه‌های اجرایی ملی مکلفند برابر مقررات نسبت به عملیاتی کردن پروژه‌های مورد توافق با استانداری آذربایجان غربی مطابق پیوست این تصمیم‌نامه که تأیید شده به مهر دفتر هیأت دولت است، اقدام و گزارش مربوط را هر دو ماه یک‌بار به معاونت اجرایی رئیس جمهور ارائه نمایند.

پرویز داوودی

معاون اول رئیس جمهور

* مصوبه هیأت وزیران مورخ ۱۳۶۹/۰۴/۱۷ در خصوص «تعطیل گردیدن روز پنجشنبه ۱۳۶۹/۰۴/۲۱ و احتساب آن به عنوان مرخصی استحقاقی کارکنان دولت»:

۱۳۶۹/۰۴/۱۷ - ۳۵۱۳۸ - ۱۳۶۹/۰۴/۲۵ - ۳۸۷

سازمان امور اداری و استخدامی کشور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۰۴/۱۷ موافقت نمود:

کلیه دستگاه‌ها و ادارات دولتی روز پنجشنبه ۱۳۶۹/۰۴/۲۱ تعطیل و این روز به عنوان مرخصی استحقاقی کارکنان دولت محسوب گردد.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

* مصوبه هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۳۰ در خصوص «تأمین اعتبار و اختصاص مبلغ بیست و یک میلیارد و یکصد میلیون ریال به منظور جبران خسارات مناطق سانحه‌دیده و نصب پلهای پیش‌ساخته و مرمت راه‌های آسیب‌دیده»:

۱۳۷۳/۰۹/۳۰ - ۲۸۵۸۲ - ۱۳۷۳/۱۰/۱۲ - ۴۶۶

بودجه - بورس اوراق بهادار

سازمان برنامه و بودجه

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۳۰ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تأیید شماره ۵۱۰۵ - ۱۰۲/۴۱۰۹/۴ مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۲۰ سازمان برنامه و بودجه، در اجرای مصوبه شماره ۲۷۸۳۱ مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۶ هیأت وزیران موافقت نمود:

۱- مبلغ بیست و یک میلیارد و یکصد میلیون (۲۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل اعتبار مصوبه شماره ۲۷۸۳۱ مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۰۶ هیأت وزیران به منظور جبران خسارات مناطق سانحه‌دیده به شرح جدول پیوست در اختیار استانها قرار می‌گیرد تا با تصویب ستاد حوادث غیر مترقبه استان برای پروژه‌های شاخص توزیع پس از مبادله موافقت‌نامه با سازمان برنامه و بودجه استان برابر مقررات مربوطه هزینه شود.

۲- مبلغ دومیلیارد (۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل اعتبار مصوبه یاد شده به منظور نصب پلهای پیش‌ساخته و مرمت راه‌های آسیب‌دیده در اختیار وزارت راه و ترابری قرار می‌گیرد تا پس از مبادله موافقت‌نامه با سازمان برنامه و بودجه برابر مقررات مربوطه هزینه شود.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

←

اعضای محترم شورای نگهبان را از خداوند متعال خواستارم.

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۸۶۳۰/۲۰۹۷۶

تاریخ: ۸۶/۱/۳۰

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۱۴۶۶۴۵/۱۰/د مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۲ مبنی بر تقاضای اظهارنظر تفسیری

→ * مصوبه هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۸/۰۵/۲۰ در خصوص «تکلیف کلیه دستگاه‌های اجرایی، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی به انعکاس اقدامات و برنامه‌های دستگاه‌های مطبوع خود برای پیشگیری از مشکلات رایانه‌ها در سال ۲۰۰۰ به سازمان برنامه و بودجه»:

۱۳۷۸/۰۵/۲۰ - ۲۷۰۷۴/ت ۲۰۴۳۱ هـ - ۱۳۷۸/۰۵/۲۵ - ۳۶۱

سازمان برنامه و بودجه

سازمان‌های دولتی - سازمان‌های مستقل

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۰ مقرر نمود:

کلیه دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی مکلفند مجموعه اقدامات و برنامه‌های دستگاه متبوع خود را برای پیشگیری از مشکلات رایانه‌ها در سال ۲۰۰۰ تا پایان شهریورماه سال جاری به سازمان برنامه و بودجه (شورای عالی داده‌ورزی) منعکس نمایند.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس‌جمهور

* مصوبه هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۹/۰۵/۰۵ در خصوص «تعیین ۳٪ سود بازرگانی از تمامی مواد، لوازم، تجهیزات ماشین‌آلات و اجزای آنها که به تشخیص وزارت نیرو برای ساخت نیروگاه و پستهای مربوط به کشور وارد می‌شود»:

۱۳۷۹/۰۵/۰۵ - ۱۸۷۳۹/ت ۲۳۲۱۳ هـ - ۱۳۷۹/۰۵/۱۰

شماره: ۱۸۷۳۹/ت ۲۳۷۱۳ هـ

وزارت بازرگانی - وزارت نیرو - وزارت امور اقتصادی و دارایی

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۱۰

وزارت صنایع - وزارت معادن و فلزات

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۰۵/۰۵ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۵۱۷۷/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۰۵/۰۵ وزارتخانه‌های نیرو و بازرگانی مقرر نمود:

تمامی مواد، لوازم، تجهیزات، ماشین‌آلات و اجزای آنها که به تشخیص وزارت نیرو برای ساخت نیروگاه و پستهای مربوط به کشور وارد می‌شود برابر فهرستی که توسط وزرای نیرو و صنایع با معادن و فلزات حسب مورد اعلام می‌شود، مشمول سود بازرگانی به میزان سه درصد (۳٪) ارزش آنها خواهد بود.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس‌جمهور

درباره «قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی» در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید.

احمد جنتی
دبیر شورای نگهبان

استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی

شماره: ۱۰/۳۳۷۲۹/د

تاریخ: ۱۳۸۶/۳/۶

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با توجه به اینکه طبق اصل ۱۴۱ قانون اساسی اشتغال بیش از یک شغل برای کارمندان دولت ممنوع می‌باشد، شایسته است نظر تفسیری آن شورا در خصوص اینکه «آیا عضویت در شورای نگهبان شغل محسوب می‌شود و مصداق اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌باشد و یا خیر» به مجلس شورای اسلامی اعلام نمایند.

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۸۶۳/۲۱۶۶۷

تاریخ: ۱۳۸۶/۳/۲۶

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۱۰/۳۳۷۲۹/د مورخ ۱۳۸۶/۳/۶، مبنی بر درخواست اظهارنظر تفسیری درباره «اصل یکصد و چهل و یکم» قانون اساسی و اینکه آیا عضویت در شورای نگهبان شغل محسوب می‌شود و مصداق اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌باشد یا خیر؟ موضوع در جلسه ۱۳۸۶/۳/۱۶ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتیجتاً شورا به نظر تفسیری نرسید.

دبیر شورای نگهبان

فصل چهارم

سئوالات متفرقه در

خصوص جایگاه نهادهای

قانونی و انقلابی و

مصوبات و قوانین عادی

در این فصل شورای نگهبان به ابهاماتی که در خصوص برخی مصوبات و قوانین شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی برای سؤال کننده وجود داشته، پاسخ داده است. همچنین در خصوص جایگاه و وظایف برخی از نهادهای قانونی و انقلابی نیز سئوالاتی مطرح گردیده که شورا به منظور رفع شبهه، نظریه خود را ارائه نموده است.

سؤال در خصوص ماده یک قانون ملی شدن بانکها مصوب جلسه ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب

شماره: ۲۰۸۹۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۲۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

همانطوری که استحضار دارند به موجب ماده یک قانون ملی شدن بانکها مصوبه مورخ ۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب کلیه بانکها، ملی اعلام گردیده و بر طبق لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ اداره خواهد شد و طبق لایحه قانونی متمم لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۸ بانک ملی ایران نیز مشمول لایحه فوق‌الذکر می‌باشد. اکنون خواهشمند است دستور فرمائید بررسی فرموده و با توجه به اطلاق عبارت ذیل در قانون ملی شدن بانکها، مصوب ۵۸/۳/۱۷:

«... از تاریخ تصویب این قانون کلیه بانکها ملی اعلام می‌گردد...».

نظر خود را مرقوم دارند که بانک ملی ایران جزو بانکهای ملی شده به شمار می‌آید یا خیر؟ نظر به فوریت امر مستدعی است در اعلام نظریه تسریع فرمایند، موجب مزید امتنان خواهد بود.

بانک ملی ایران

شماره: ۳۹۷۸

تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۲۸

نخست وزیر - معاونت محترم امور پارلمانی

عطف به نامه شماره ۱۰۰۴۴ مورخ ۶۰/۸/۲۳^(۱)؛ «در مورد سؤال بانک ملی نسبت به تفسیر عبارتی از قانون ملی شدن بانکها مصوب ۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب نظر به اینکه طبق اصل ۷۳ قانون اساسی شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است در صورتی که نیاز به تفسیر باشد موضوع را از مجلس شورای اسلامی استفسار نمایید».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

(۱) نامه معاون نخست وزیر به شورای نگهبان جهت پاسخ به نامه بانک ملی.

**سؤال در خصوص لایحه تشکیل کمیسیون به منظور اتخاذ تصمیم در مورد خسارت
دیرکرد، مصوب جلسه ۱۳۵۸/۱۲/۲۲ شورای انقلاب**

شماره: ۳۰۶۶۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۱۵

شورای محترم نگهبان

احتراماً استحضار دارند که شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به منظور حل مسائل مربوط به خسارات تأخیر در تخلیه کشتیهای حامل کالای خریداری دولت اعم از امور معوقه و جاری، ماده واحده‌ای در جلسه مورخ ۵۸/۱۲/۲۲ تصویب نمود تا کمیسویی تحت این عنوان با شرکت نمایندگان تام‌الاختیار گمرک ایران، شرکت بازرگانی دولتی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی و همچنین نماینده سازمان صاحب کالا در محل شرکت بازرگانی دولتی ایران تشکیل و مشغول به کار گردد.^(۱)

با تشکیل این کمیسیون سایر ارگانهای دولتی که مبتلا به مسئله فوق‌الذکر می‌باشند امور خود را به این کمیسیون محول می‌نمایند، ولی از آن جایی که پیشنهاد تأسیس

(۱)

شماره: ۱۰۹۸

تاریخ: ۱۳۵۹/۱/۲۵

لایحه قانونی راجع به تشکیل کمیسیون به منظور رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد خسارت دیرکرد (سور شارژ) با جایزه تسریع در تخلیه کالاها که در جلسه مورخ ۵۸/۱۲/۲۲ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می‌گردد.

ابوالحسن بنی صدر

رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

* لایحه قانونی راجع به تشکیل کمیسیون به منظور رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد خسارت دیرکرد (سور شارژ) یا جایزه تسریع در تخلیه کالاها:

ماده واحده: از تاریخ تصویب این لایحه قانوناً به منظور رسیدگی به میزان خسارت ناشی از تعویق در تخلیه کالاها، خریداری شده و تعیین میزان جایزه مربوط به تشریع در تخلیه این کالاها (زودتر از زمان توافق شده) در بنادر کشور کمیسویی با شرکت نمایندگان تام‌الاختیار گمرک ایران، شرکت بازرگانی دولتی، سازمان بنادر و کشتیرانی و همچنین نماینده سازمان صاحب گمرک ایران، شرکت بازرگانی دولتی، سازمان بنادر و کشتیرانی و همچنین نماینده سازمان صاحب کالا به عنوان ناظر حسب ضرورت در شرکت بازرگانی دولتی تشکیل می‌گردد. تصمیمات اتخاذ شده در کمیسیون در مورد میزان خسارت دیرکرد (سور شارژ) یا جایزه مربوط به تسریع در تخلیه قطعی و لازم الاجراست.

ابوالحسن بنی صدر

رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

کمیسیون فوق تنها جهت حل مسائل امور مربوط به پرونده‌های شرکت بازرگانی دولتی و سایر ارگانهایی بوده است که شرکت مذکور برای آنها از خارج اقدام به خرید می‌نموده است (لازم به یادآوری است که در شرکت فوق تعداد کثیری پرونده‌های رسیدگی نشده از سالهای قبل از انقلاب نیز وجود دارد) نظر کمیسیون بر این مبنی است که رسیدگی به پرونده سایر ارگانها براساس سابقه درخواست تشکیل چنین کمیسیونی از طرف شرکت از وزیر بازرگانی وقت و نهایتاً تصویب ماده فوق توسط شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران خارج از صلاحیت این کمیسیون می‌باشد.

اینک با عنایت به این مطلب که در زمان دولت برادر شهید رجائی از مجلس محترم شورای اسلامی درخواست تصویب ماده واحده‌ای به منظور لغو ماده واحده فوق شده که اکنون در کمیسیون امور بازرگانی مجلس تحت بررسی است از شورای محترم نگهبان تقاضا دارد که دایره شمول لایحه و صلاحیت کمیسیون مندرج در آن را تعیین و امر به ابلاغ فرمایند.

وزیر بازرگانی

حبیب الله عسگر اولادی مسلمان

شماره: ۴۰۵۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۱۸

وزیر محترم بازرگانی

عطف به نامه شماره ۳۰۶۶۴ مورخ ۶۰/۹/۱۵:

«موضوع سؤال شرح و تفسیر قانون عادی است که طبق اصل هفتاد و سوم قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی می‌باشد نه شورای نگهبان. لذا مقتضی است تفسیر قانون مصوب شورای انقلاب اسلامی از مجلس شورای اسلامی خواسته شود».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

سؤال در خصوص قانون الحاق سازمان قضائی ارتش به دادگستری

شماره: ۴۲-۰۱-۶۰۲

تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۲۴

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱- به موجب قانون الحاق سازمان قضائی ارتش به دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سازمان قضائی ارتش جمهوری اسلامی ایران و کلیه دادرها و دادگاههای نظامی مستقر در سراسر کشور از ستاد مشترک جمهوری اسلامی ایران جدا و به وزارت دادگستری ملحق می‌گردد.

۲- برابر اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جرائم خاص نظامیان در دادگاههای نظامی رسیدگی می‌شود که منظور از دادگاههای نظامی محکمه‌ای است که قاضی و مدعی العموم آن نظامی باشد.

۳- برابر ذیل اصل مذکور «دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند» به نظر ستاد مشترک منظور از اصول قوه مقننه،^(۱) اصول کلی حاکم بر قضا مانند اصل برائت، اصل استقلال قضات، اصل لاضرر و امثالهم می‌باشد مضافاً اینکه شمول اصول قوه مقننه به دادستانی و دادگاههای نظامی لزوماً حاکمیت مقررات اداری دادگستری را به قضات و دادستانهای نظامی موجب نمی‌شود و عنوان قانون مذکور که الحاق سازمان قضائی یعنی دادگاهها و دادستانی ارتش به دادگستری می‌باشد با ذیل اصل ۱۷۲ قانون اساسی منطبق نیست.

۴- اختصاص اصلی از اصول قانون اساسی به دادگاهها و دادستانی نظامی مؤید مشروعیت وجود این ارگانها در کنار قوه مقننه می‌باشد.

۵- نماینده ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی در کمیسیون مربوطه نقایص لایحه قانونی مذکور را یادآوری نمود و صورتجلسه مذاکرات مجلس نیز دلالت بر تأیید نظریه نماینده مذکور دارد خاصه آنکه در مخالفت با استدلال نماینده ستاد مشترک مطلبی در مذاکرات عنوان نگردیده است.

(۱) در متن نامه رئیس مشترک ارتش مکرراً قوه مقننه ذکر شده است، ولی به نظر می‌رسد اشتباه تایپی بوده و مقصود قوه قضاییه باشد، لذا ما به لحاظ امانت از هرگونه دخل و تصرف در نامه مذکور خودداری نموده‌ایم.

۶- بازنشسته شدن قضات نظامی موجود و احتمالاً خروج آنان از کسوت نظامی که به قرار اطلاع در آئین‌نامه اجرایی قانون یاد شده که اکنون تحت بررسی می‌باشد مطمح نظر است و انفکاک بودجه و مقررات حاکم بر وضع استخدامی پرسنل دادگاهها و دادستانی ارتش قوانین و مقررات استخدامی نیروهای مسلح و بودجه مربوطه مآلاً منجر به از دست رفتن قضات نظامی و در نهایت تعطیل اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

۷- با عنایت به مراتب مذکور ستاد مشترک پیشنهاد می‌نماید با توجه به ماهیت اسلامی حکومت جمهوری اسلامی ایران و اینکه فقها و علمای شورای نگهبان قانون اساسی در حقیقت حکام شرعی هستند که در عالیت‌ترین مسند قضا قرار دارند و الزامیه مبادرت به اصدار احکام حکمی می‌نمایند نه موضوعی، و برابر احکام شرع انور قضات اعم از حکمی و موضوعی مجاز به عدول از نظریه سابق خود در صورت حصول یقین به واقعیت ماهیت می‌باشند شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفظ حریم قانون اساسی و با عنایت به بهایی که ملت برای آن پرداخته است مغایرت قانون الحاق سازمان قضائی به دادگستری جمهوری اسلامی ایران را با قانون اساسی اعلام فرمایند.

رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد

شماره: ۴۲۴۵

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۲/۲۰

ریاست محترم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه‌های شماره ۶۰۲-۰۱-۴۶ مورخ ۶۰/۱۱/۱۰^(۱) و شماره ۶۰۲-۰۱-۴۲ مورخ ۱۳۶۰/۹/۲۴ بدینوسیله اشعار می‌دارد:

«ایراداتی که در مورد قانون الحاق سازمان قضائی ارتش به دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۶۰/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی در ارتباط با اصل ۱۷۲ قانون اساسی شده بود مورد بحث و بررسی در شورای نگهبان قرار گرفت. صرف نظر از اینکه عدم مغایرت قانون مزبور با قانون اساسی قبلاً از طرف شورای نگهبان اعلام شده و اعتبار آن قابل ایراد و

(۱) درخواست تسریع در ارسال پاسخ به نامه ۶۰۲-۰۱-۴۲ مورخ ۶۰۲/۹/۲۴.

خداشه نمی‌باشد، معذک برای رفع هرگونه تردید از ستاد مشترک از نظر حقوقی و علمی و با توجه به مفاد نامه فوق‌الذکر قانون مزبور مجدداً مورد مذاقه قرار گرفت و مغایر با اصل ۱۷۲ قانون اساسی شناخته نشد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان
محسن هادوی

سؤال در خصوص لایحه تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه مصوب شورای انقلاب

شماره: ۱۵۶۵۱

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۱۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

نظر به اینکه تولیت غاصب آستان قدس رضوی در رژیم گذشته و نواب و کارگزاران او بخشی از اراضی شهری و املاک مزروعی موقوفه را به اعتبار روابط و نه ضوابط به اجاره اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی داده‌اند که به هیچ وجه صرفه و صلاح و غبطه موقوفه رعایت نشده است اینک تولیت شرعی آستان قدس (حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین طبسی نماینده محترم امام) این اجارات را تنفیذ و تأیید نمی‌کنند. بدین وسیله استعلام می‌شود آیا لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه ... مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی به قوت خود باقی است و آستان قدس می‌تواند از این لایحه در امر فسخ اجارات و موارد دیگر استفاده نماید؟ ارشاد فرمائید.

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی

شماره: ۴۲۸۶

تاریخ: ۱۳۶۱/۱/۲۲

آستان قدس رضوی

عطف به نامه شماره ۱۵۶۵۱ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۸ به استحضار می‌رساند بر طبق ماده یک لایحه قانونی تجدید قرار دارد و اجاره املاک و اموال موقوفه ... مصوب شورای انقلاب اسلامی از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۴ کلیه اسناد و قراردادهای (اعم از عادی و رسمی) منعقد بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستائی فسخ گردیده و متصرفین موظف

بوده‌اند جهت روشن کردن وضع املاک متصرفی خود و تنظیم اسناد جدید اجاره به اداره اوقاف مراجعه نمایند. بنابراین کلیه اسناد قبلی فاقد اعتبار است و اما اینکه آستان قدس هم می‌تواند از قانون مزبور استفاده نماید یا خیر، «چون لایحه مزبور قانون عادی است، در صورت نیاز به تفسیر طبق اصل هفتاد و سه قانون اساسی از مجلس شورای اسلامی استفسار شود.»

دفتر شورای نگهبان

درخواست توضیح در خصوص روش بررسی و اظهار نظر شورای نگهبان پیرامون مصوبات مجلس شورای اسلامی و نیز ملاک و معیار در تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری

شماره: ۵۲۲۹/۲۵

تاریخ: ۱۳۶۱/۱/۳۰

شورای محترم نگهبان قانون اساسی «ایدهم الله»

احتراماً نامه برادر حجت الاسلام موحدی ساوجی نماینده مجلس را ارسال می‌دارد که نیاز به پاسخ مقتضی دارد، دستور فرمائید رسیدگی به عمل آید و در این خصوص به ایشان و کمیسیون پاسخ قانع‌کننده داده شود.

و السلام علیکم و رحمہ‌الله و برکاته

کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۲۹

ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

بعد السلام

در کشور اسلامی و انقلابی ما برای تحکمی نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از بی‌عدالتی و حق‌کشی و از هم پاشیدگی، یکی از اصولی‌ترین و مهم‌ترین مسائل، ایجاد ضابطه‌ها و معیارهای قانونی و اجرای صحیح آن است لیکن به نظر بنده، شورای محترم نگهبان قانون اساسی که وظیفه عمده‌اش بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی و احکام شرعی و نیز نظارت بر انتخابات می‌باشد خود فاقد هرگونه ضابطه و قانون مشخص برای اعمال این وظایف است. و بدون وجود دلایل و مستندات شرعی یا اعلام آن با صدور یک کلمه بدین مضمون که «فلان مصوبه با موازین شرعی مخالف و مغایر شناخته شد» تصمیمات مجلس را وتو می‌نمایند. همچنین در مقام نظارت بر انتخابات بدون هیچ رویه مشخص و صحیح قانونی افرادی را برای نامزدی ریاست جمهوری تأیید و افرادی را رد می‌کنند. روش اعضاء محترم شورای نگهبان در تأیید یا عدم تأیید نامزدها بر این است که دور هم می‌نشینند و بدون هیچ برنامه و قانون و ضابطه مدون و مشخصی حتی به مقدار یک قضاوت ساده در

محاکم قضائی یا امتحان ورودی دانشگاهها برای گزینش دانشجو، نیز وضع کاندیداها و سوابق آنها و صلاحیت قانونی آنها را به طور جدی بررسی نمی‌کنند و چنین مسئله مهمی را با یک نشست و برخاست آنچنانی روی یک یک کاندیداها رأی گرفته و رأی به صلاحیت یا عدم صلاحیت صادر می‌فرمایند!!

بنده که خود شاهد چنین وضع غیر اصولی بوده‌ام با تأکید بر تقوا و حسن نیت اعضای محترم شورای نگهبان این رویه آنان را نادرست و غیر منطقی و منتهی به هتک حیثیت افراد و دلسردی مردم و عدم استقبال افراد مؤمن و صالح (ولی غیر سرشناس) از ثبت نام و بالاخره تأیید افراد ناصالح و رد افراد صالح می‌دانم و تقاضای رسیدگی قانونی و قاطع را دارم.

علی موحدی ساوجی

نماینده شهرستان ساوه

شماره: ۲۵۵۳

تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۲۶

کمیسیون محترم اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۵۲۲۹/۲۵ مورخ ۶۱/۱/۳۰ و نامه پیوست آن به اطلاع اعضای شورای نگهبان رسید. بر حسب نظر ایشان برای روشن شدن اطراف و جوانب موضوع توجه کمیسیون محترم را به نکات زیر جلب می‌نماید:

اصل ۹۰ قانون اساسی شکایاتی را که مجلس شورای اسلامی می‌تواند به آنها رسیدگی کند یا رسیدگی و پاسخ کافی بخواهد به صراحت معین کرده است، و به شکایت از طرز کار شورای نگهبان ارتباط ندارد، لذا شکایت نویسنده نامه پیوست به کمیسیون اصل ۹۰ و ترتیب اثر آن کمیسیون به آن شکایت و ارسال برای شورای نگهبان و مطالبه جواب قانع‌کننده قانونی نمی‌باشد.

مع ذلک راجع به مطالب نامه پیوست توضیحات ذیل را به اطلاع می‌رساند:

ایرادات نماینده محترم مربوط به دو موضوع است: اول روش شورای نگهبان در بررسی و اظهار نظر راجع به مصوبات مجلس شورای اسلامی، دوم روش شورای قبول و رد صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری.

پیرامون ایراد اول این توضیحات قابل توجه است:

۱- قانون اساسی ضوابط لازم را برای اظهار نظر شورای نگهبان ارائه داده است و شورا در بررسی‌ها و اظهارنظرها همواره با کمال دقت همان ضوابط را رعایت نموده و خواهد نمود و اینکه ایشان می‌گویند شورای نگهبان فاقد هرگونه ضابطه و قانون مشخص برای کمیسیون اصل ۹۰ ایشان را به قانون اساسی ارجاع دهند.

۲- جمله «بدون وجود دلایل و مستندات شرعی یا اعلام آن» اگر تلویحاً اشعار به این نداشته باشد که فقهای شورای نگهبان بدون دلیل و مستند شرعی فتوای به غیر علم و خلاف ما انزل الله داده‌اند، حداقل به این اشعار دارد که آنها العیاذ بالله غیر متحرز از این گناه بزرگ می‌باشند و با این اهانت و اسائه ظن به نهادی مثل شورای نگهبان و فقهای آنکه برگزیده رهبر معظم انقلاب حضرت امام خمینی «مدظله» می‌باشند، اعتماد امام را به شورای نگهبان و همچنین اطمینان ملت شهید پرور و انقلابی ایران را به نظام جمهوری اسلامی خدشه‌دار می‌سازد.

۳- اینکه نوشته‌اند «با صدور یک کلمه با موازین شرعی مخالف و مغایر است» از کمیسیون سؤال می‌شود **اولاً** بیان مستندات و دلایل برای چه منظور است اگر برای این است که مجلس مستندات را بررسی نماید و رد یا قبول کند، این مخالف قانون اساسی و موضع شورای نگهبان است و اگر مقصود صرف اطلاع و دم فرو بستن باشد، فایده‌ای بر آن مترتب نخواهد شد و قانون اساسی هم چنین ترتیبی را پیشنهاد نمی‌کند. علاوه بر آنکه معایب دیگر نیز دارد که باید برای دفع آن معایب شورای نگهبان در اظهار و عدم اظهار مستندات خود و دلایل خود آزاد باشد و چنان‌که قانوناً آزاد است و **ثانیاً** آن چه را نوشته‌اند در مواردی ممکن است نظر به بعض جهات یا وضوح مطلب با همین اجمالی که نوشته‌اند در اظهار نظر شده است، اما آیا در بین اظهارنظرهای شورای نگهبان از آغاز شروع به کار تاکنون چند مورد به این عبارت بوده است و آیا همه به این لفظ بوده است؟ و آیا فراموش کرده‌اند یا نشنیده‌اند و ندیده‌اند که حتی در بعض موارد به آیات قرآن مجید و احادیث و قواعد فقهی و اصول قانون اساسی استناد شده است.

۴- جمله دیگری که بسیار زننده و موهن است، کلمه «**وتو**» است که مخصوصاً با بیانات آگاهانه امام در مورد حق وتوی ابرقدرتها در سازمان ملل مفهوم استضعاف و استبداد این کلمه بسیار غیر مردمی برملا شده است و ایشان شورای نگهبان را «**وتوگر**»

شمرده و با تشبیهی که کرده‌اند، همان «وتوی» ابرقدرتها را در افکار وارد می‌نمایند و این کلمه‌ای است که مخالفان جمهوری اسلامی و رادیوهای صدام و کمونیستها درباره شورای نگهبان مکرر گفته‌اند و متأسفانه ایشان هم همان را تکرار فرموده‌اند و کمیسیون اصل ۹۰ هم در برابر این اهانت سکوت کرده و آن را عیناً به شورای نگهبان فرستاده و پاسخ قانع‌کننده خواسته است. اما اصل مسئله این نیست شورای نگهبان مرکز وتو نیست. شورای نگهبان نقش مستکبران و ابرقدرتها را ایفا نمی‌کند. شورای نگهبان از اسلام و دستاوردهای انقلاب که با خون ده‌ها هزار شهید و معلول و مجروح به دست آمده است پاسداری می‌کند. شورای نگهبان احکام (الله) را که بحمد الله تعالی در انقلاب اسلامی محور تمام مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی شده است، نگهداری می‌نماید. همان آرائی که مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهایی را که در قانون اساسی آمده است تأیید کرده است شورای نگهبان را نیز تأیید کرده و بلکه تأییدشان از سایر نهادها برای نقش بزرگ شورای نگهبان در جمهوری اسلامی است. اگر این نهاد و اصل چهارم نبود، نه حضرت امام «مدظله» و نه مراجع و علماء و نه ملت مسلمان و انقلابی هیچ کدام به قانون اساسی رأی موافق نمی‌دادند. شورای نگهبان نقش رد التقاط و غربزدگی و شرقگرایی را ایفا می‌کند و نقش وتوگری ندارد.

پاسخ به ایراد دوم

اما در مورد نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری هم شورای نگهبان در قبول و رد صلاحیتهای نامزدهای ریاست جمهوری آن چه را شرعاً و قانوناً متعهد می‌باشد انجام داده است. ایشان می‌گویند بدون هیچ رویه مشخص و صحیح قانونی افرادی را رد می‌کنند (یعنی انتخاب مرحوم شهید رجائی و آقای خامنه‌ای قانونی نبوده است) و ادامه می‌دهد «روش اعضای شورای نگهبان بر این است که دور هم می‌نشینند و بدون هیچ برنامه و قانون و ضابطه مدون و مشخصی حتی به مقدار یک قضاوت ساده (موجود در) محاکم قضائی یا (بمانند) امتحان ورودی دانشگاهها برای گزینش دانشجو نیز وضع کاندیداها و سوابق آنها و صلاحیت قانونی آنان را به طور جدی بررسی نمی‌کنند و چنین مسئله مهمی را با یک نشست و برخاست آن چنانی روی یک یک کاندیداها رأی گرفته و رأی به صلاحیت و یا عدم صلاحیت صادر می‌فرمایند که خود شاهد چنین وضع غیر اصولی بوده‌ام» واقعاً تعجب است از نماینده مجلس شورای اسلامی از کمیسیون محترم اصل ۹۰ که چگونه اجازه می‌دهند در حقیقت قانونی بودن بیشتر جریانهای کشور از انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا و اجراء قوانین به این

صراحت مورد انکار قرار بگیرد اگر چنین است نویسنده نامه که خود نماینده مجلس است و سوگند یاد کرده‌اند چرا در موقع سوگند رئیس جمهور و در هنگام رأی تمایل و رأی اعتماد به دولت اعتراض نکرده‌اند و چرا به لوایحی که دولت غیر قانونی با این حساب می‌آورد رأی می‌دهند و پیشنهاد می‌دهند و چرا مثل ایشان به لوازم واضح کلام خود توجه نمی‌فرمایند باز هم توضیح می‌دهد که قانون اساسی ضابطه را ارائه داده است و شورای نگهبان بر حسب همان ضوابط یا با علم به عدم صلاحیت یا از باب عدم علم به صلاحیت پس از بررسیهای لازم رأی داده است و من باب مثال شخص ایشان را که اعضای شورای نگهبان همه می‌شناسند و برای ایشان احترام قایلند در نظر می‌گیریم و در اینکه مثل بسیاری واجد بعضی شرایط هستند تردیدی اظهار نشده است اما در شرط مدبر و مدیر بودن برای مدیریت و مدیریت ایشان جهت احراز مقامی مثل ریاست جمهوری چه اماره و شاهی در دست بوده است که شورای نگهبان به آن توجه نکرده است. مدیریت و مدیریتی که برای ریاست جمهوری لازم است مثل مدیریت یک واحد کوچک یا یک شهر نیست مدیریتی است که از سوابق اشخاص در عهده‌داری پستهای مهم و حل مشکلات و معضلات معلوم می‌شود که متأسفانه ایشان اگر هم ثبوتاً دارا باشد در مقام اثبات کاشفی از آن نبوده است و نمی‌توان در موضوعی مثل ریاست جمهوری با شک و گمان یا به رعایت سوابق دوستی و آشنائی یا مراجعه به شخصی که خود را نامزد کرده تأیید کرد و مثل جریان بنی‌صدر مشکل بزرگی را برای کشور فراهم کرد. شورای نگهبان در این موضوع کمال دقت را دارد و به فضل خدا نخواهد گذاشت اشخاصی که صلاحیت ندارند یا صلاحیتشان مشکوک است در این جریان قرار بگیرند. البته این مطالب به آن معنی نیست که شورای نگهبان اشتباه نمی‌کند که هرگز هیچ یک از اعضای شورا این ادعا را نمی‌کنند، ولی امیدوارند که به حول و قوه الهی در مسائل برخورد سطحی و مسامحه‌ای نداشته باشند و چنان نباشد که دور هم بنشینند و به طور غیر جدی حرفی بزنند و بدون اینکه هر کدام مطالعه‌ای داشته باشند، رأی بدهند تا ایشان با این صراحت بگویند «با نشست و برخاست آن چنانی رأی می‌دهند».

و اما اینکه در پایان نامه مجدداً نظر خودشان را تکرار کرده و رویه شورای نگهبان را نادرست و غیر منطقی و منتهی به هتک حیثیت افراد و دلسردی مردم و عدم استقبال

افراد مؤمن و صالح می‌دانند در برابر این همه اهانتها شورای نگهبان هیچ عکس‌العملی ندارد و فقط از جهت بازگشت این توهینات به نادرست بودن جریانها و انکار قانونی بودن کل امور و رویه خود ایشان اظهار تأسف می‌نماید و خدمت ایشان و کمیسیون اصل ۹۰ عرض می‌شود که اولاً رد صلاحیت افراد برای مقامی مثل ریاست جمهوری هتک حیثیت نیست و لازم نیست که همه صلاحیت هر کاری را داشته باشند و ثانیاً به فرض که در حدی رد افراد وهن‌آمیز باشد، تأیید صلاحیت افراد داوطلب به این علت موجه نخواهد بود و ثالثاً رویه به قول ایشان «نادرست و غیر منطقی» شورای نگهبان بر این است که اسامی نامزدهای تأیید نشده را اعلام نمی‌نماید و علت عدم تأیید نامزدهای رد شده را نیز در خارج از شورا منعکس نمی‌سازد تا اگر عدم تأیید از جهت علم به عدم صلاحیت هم باشد خارجاً بر عدم علم به صلاحیت قابل حمل باشد و هیچ‌گونه وهنی برای نامزدها نباشد. بنابراین در این جهت هم ملاحظه می‌فرمایند در حد ممکن کمال احترام از حیثیت اشخاص به عمل آمده و هیچ‌گونه لطمه حیثیتی به کسی وارد نمی‌شود. حال اگر از نامزدهای تأیید نشده خودش چون متوقع تأیید بوده تحمل نداشته باشد و نامزدی خود و عدم تأیید شورا را به مردم اعلام کند و به گمان خود وهنی برای خود در جامعه ایجاد کند، مختار است. غرض این است که با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع تمام جهات در حدی که ممکن است رعایت می‌شود. در خاتمه از خداوند متعال برای همگان هدایت و توفیق حمایت از احکام اسلام و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی را مسئلت می‌نمایم.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

در این رابطه دبیر محترم وقت شورای نگهبان به رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نامه‌ای اعتراض‌آمیز ارسال داشتند که ذیلاً این نامه و پاسخ آن از نظر تان می‌گذرد.

شماره: ۴۷۰۶

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۲۰

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

السلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

اینجانب وظیفه خود می‌دانم از نمایندگان محترمی که در جلسه روز یکشنبه ۶۱/۳/۲۳

مجلس شورای اسلامی^(۱) هنگام بیانات توهین آمیز یکی از نمایندگان به شورای نگهبان شفاهاً و کتباً اعتراض کرده و تعهد خود را به اسلام و قانون اساسی ابراز فرمودند. قدردانی و تشکر نمایم، بدیهی است آن برادران عزیز به ندای ایمان و وجدان خود جواب داده‌اند و سوگند خود را محترم شمرده به وظیفه‌ای که شرعاً و قانوناً به عهده دارند عمل کرده‌اند چنانکه به سکوت دیگران هم چون قابل حمل بر صحت است هیچگونه ایراد و اعتراضی نیست و از نماینده محترمی هم که مکرراً در خارج و داخل مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان اهانت نموده و حتی کتباً به کمیسیون اصل ۹۰ نامه نوشته و تلویحاً قانونی بودن کل امور کشور و حتی جریان مجلس شورای اسلامی را خدشه‌دار کرده است گلایه‌ای نیست ولی از شخص جنابعالی که در این‌گونه اظهارات علیه شورای نگهبان عکس‌العمل مناسب نشان نمی‌دهید و به ناطق‌الخطاب نمی‌نمایید و خودتان نیز در بعضی مواقع اظهارات انتقادآمیز می‌فرمائید جداً گله‌مند می‌باشم، زیرا تصور نمی‌کنم ابعاد سوء این موضع‌گیریها و انگیزه‌های بعیده آن را درک نمایید، لذا اخطار می‌کنم که اگر شورای نگهبان در این نظام تضعیف و توهین گردید یا چنانکه مخالفان نظام و طرفداران اباحت و منکران حکومت الله می‌خواهند از اثر بیفتند، دیگر نه این مجلس به شکل اسلامی باقی خواهد ماند و نه مثل جنابعالی بر کرسی ریاست آن خواهید بود، و نه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان فعلی و نه ارگانها و نهادهای دیگر، زیرا همه اینها فروغ انقلاب اسلامی و متفرع بر اصالت اسلامی جمهوری اسلامی می‌باشند. اینجانب برای اینکه در تاریخ انقلاب اسلامی باقی بماند اعلام می‌کنم که گروه‌های چپ‌گرا و الحاد مسلک و التقاطیون و روشنفکر نماها و وابستگان به رژیم منفور شاهی و ساواک و پیرامون مکتبهای غربی و (به) خصوص خود فروختگان به استعمار آمریکا و طرفداران حاکمیت ملی و دموکراسی به شیوه غربی و نفی حکومت الله که قدر مشترک همه آنها جدائی دین از دنیا و روحانیت از سیاست است تا نقطه مرکزی انقلاب و نظام یعنی ولایت فقیه و سنگر شورای نگهبان قوت و اعتبار داشته باشد نمی‌توانند انقلاب و نظام را از محتوای اسلامی و سیاست لا شرقیه و لا غربیه خارج

(۱) اشاره به بحث پیرامون چند مورد اصلاحیه مواد آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی جهت تأمین نظر شورای نگهبان می‌باشد. (علاقمندان می‌توانند جهت اطلاع به مشروح مذاکرات دوره اول مجلس شورای اسلامی مراجعه نمایند).

سازند، لذا از وقتی که انقلاب به ثمر رسید و نظام براساس حکومت الله شکل گرفت با این دو نقطه مخصوصاً شورای نگهبان که به نظرشان آسیب‌پذیرتر است در مقام معارضه برآمدند و در داخل و خارج علیه آن تبلیغات و تهمتها را شروع کردند و محققاً تا این نظام باقی است این حملات وجود خواهد داشت.

بنابراین انتظار از شخصیتها و افراد و مطبوعات تعهد این است که مواظب بیانات و نوشته‌های خود باشند و نهادی را که پاسداری احکام الله و قانون اساسی را به عهده دارد تضعیف ننمایند.

در خاتمه فتوکپی نامه جوابیه به نامه جناب آقای موحدی ساوجی که متجاوز از یک ماه قبل تهیه شده و به لحاظ مصلحتی که شورای نگهبان در رعایت سکوت و عدم پاسخ به این‌گونه اظهارات می‌دید ارسال نشده بود اینک جهت اطلاع با فتوکپی نامه ایشان ارسال می‌شود.

از خداوند متعال توفیق همگان را در پاسداری از اسلام و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی را مسئلت می‌نمایم.

دبیر شورای نگهبان
لطف‌الله صافی

رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در پاسخ چنین نوشت:

شماره: ۳۹۸۹/دال. هـ.

تاریخ: ۱۳۶۱/۴/۳

شورای محترم نگهبان

نامه گلایه‌آمیز به امضای دبیر کل محترم آن شورا در رابطه با اظهارات انتقادآمیز جناب آقای موحدی ساوجی و بعضی از نمایندگان دریافت شد.

شکی نیست که تمام علاقه‌مندان جمهوری اسلامی به نهاد مقدس و پر اهمیت شورای نگهبان به دیده احترام و به عنوان نهادی ضروری می‌نگرند، و نظر خود من این است که وظیفه داریم اعتبار و احترام این شورا را حفظ کنیم. و آن را مهم‌ترین ضامن حفظ حدود اسلامی در قوانین کشور می‌دانیم.

لا بد می‌دانید که آئین‌نامه مجلس به رئیس اجازه نمی‌دهد در بین صحبت و حتی پس از صحبت انتقادآمیز نمایندگان که حق اظهارنظر در همه امور کشور را دارند

اخطار نماید و همان مقداری که در جلسه مورد نظر شما به آقای موحدی گفتم، قابل اعتراض ایشان است. من تذکر نماینده دیگری را نقل کردم که آن هم در آئین‌نامه مجوزی ندارد و خود اینجانب همیشه از شورا و اعضای محترم آن به بزرگی و عظمت یاد می‌کنم و این یاد منطبق با عقیده‌ام می‌باشد. البته اگر در مواردی که مسئله‌ای مبهم بوده و من نظر خودم را برای رفع ابهام گفته باشم نباید حمل بر خورده‌گیری کرد. ولی یک نکته را نباید از نظر دور داشت که اعتبار واقعی را شورا در سایه کارکرد خوب می‌تواند به دست بیاورد.

مثلاً در مواردی که رأی سه نفر از فقهای شورا در خصوص انطباق مصوبه‌ای با شرع در مقابل سه نفر دیگر قرار می‌گیرد معمولاً شورا با عبارت به تأیید اکثریت نرسید مصوبه را بر می‌گرداند. در صورتی که به اظهار بعضی از اعضای خود شورا تفسیر اصول مربوط به این حالت به این صورت که انجام می‌گیرد آرای لازم را در شورا ندارد و یا لاقلاً روشن نیست و این‌گونه موارد را با اینکه مستقیماً با مصوبات مجلس ارتباط دارد و من باید مدافع آن باشم به خاطر مراعات اعتبار شورای نگهبان حرفی نمی‌زنم و منتظرم که خود شورا در این مورد اقدام نماید و به تفسیر معتبری از اصول مربوطه برسد.

در مورد تشخیص ضرورت هم مدتی وقت گذرانی شد بالاخره با تصریح امام حل شد گرچه من تمام این موارد را ناشی از روحیه دین‌داری و علاقه‌مندی شما به اجرای احکام اسلام می‌دانم ولی اگر حدود و حقوق دقیقاً مراعات نشود نتیجه‌اش کم شدن اعتبار شورا و مجلس است و در خاتمه از تذکرتان اظهار امتنان می‌کنم و امیدوارم که بتوانیم با همکاری و ادامه حسن تفاهم این کشور را از نظام اسلامی برخوردار نماییم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

سؤال در خصوص جایگاه قانونی ستاد انقلاب فرهنگی

شماره: ۲۱۰۳ م ن

تاریخ: ۱۳۶۱/۵/۳۱

شورای محترم نگهبان

احتراماً اخیراً ستاد انقلاب فرهنگی بدون مشورت با دولت تصمیماتی را اتخاذ و برای اجراء به دولت ابلاغ می نماید و سئوالاتی در این رابطه برای دولت از نظر قانون اساسی مطرح است.

- ۱- آیا دولت الزامی برای تبعیت از تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی دارد؟
- ۲- آیا برای حفظ و حراست از این نهاد تا روشن شدن تکلیف در مجلس دولت می تواند نتایج این تصمیمات را متوجه ستاد بداند و با دادن بودجه لازم اجراء را نیز به ستاد بسپارد؟
- ۳- پاسخگوی تصمیمات ستاد در مقابل مجلس (شورای اسلامی) کدام ارگان خواهد بود؟

میرحسین موسوی

نخست وزیر

شماره: ۲۹۶۱

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۸

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست وزیر محترم

عطف به نامه شماره ۲۱۰۳ م ن مورخ ۱۳۶۱/۵/۳۱:

نظر به اینکه ستاد انقلاب فرهنگی به موجب فرمان امام تشکیل شده و قانونی درباره طرز تشکیل و وظایف آن تاکنون به تصویب قوه مقننه نرسیده است تا موضوع از جهت قانون اساسی مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد لذا مقتضی است در این موضوع از مقام معظم رهبری کسب تکلیف شود.

در پایان از تأخیر در پاسخ که به علت بررسی موضوع در جلسات متعدد و تراکم سئوالات و بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی واقع شده معذرت می خواهد.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

درخواست انطباق آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین)

با قانون اساسی و شرع

شماره: ۳۳۴۴/هـ

تاریخ: ۱۳۶۱/۱۰/۵

شورای نگهبان قانون اساسی

یک نسخه فتوکپی آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن^(۱) که در چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است. برای ملاحظه و اظهار نظر به پیوست ایفاد می گردد.

محسن نوربخش

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

(۱) آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن:

- ماده ۱-** از لحاظ این آئین نامه اسناد و اوراق تجاری به آن دسته از اسناد و اوراق بهادار اطلاق می گردد که مفاد آن حاکی از بدهی ناشی از معاملات تجاری باشد.
- ماده ۲-** بانکها می توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت واحدهای تولید و بازرگانی و خدماتی اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها را طبق ضوابط این آئین نامه تنزیل نمایند.
- ماده ۳-** بانکها موظف اند قبل از تنزیل اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین اطمینان حاصل نمایند.
- ماده ۴-** بانکها مکلفند، قبل از تنزیل اسناد و اوراق تجاری، از معتبر بودن متعهد دین اطمینان حاصل نمایند.
- ماده ۵-** تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط بانکها در صورتی مجاز است که سررسید این قبیل اسناد و اوراق از یک سال تجاوز ننماید.
- ماده ۶-** بانکها می توانند اوراق و اسناد تجاری را به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی آنها تنزیل نمایند. در هر حال این تفاوت قیمت نمی تواند بیش از دوازده درصد باشد.
- تبصره -** مبلغ اسمی، رقمی است که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده و حاکی از میزان دین می باشد.
- ماده ۷-** میزان تعهدات هر شخصی حقیقی و یا حقوقی ناشی از تنزیل اسناد و اوراق تجاری برابر پنج درصد مجموع سرمایه و اندوخته های هر بانک تعیین می گردد، مشروط بر اینکه از یک میلیارد ریال تجاوز ننماید.
- ماده ۸-** حداکثر مجموع مبلغ تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط هر بانک معادل پنج درصد سپرده های غیر دولتی آن بانک در پایان سال قبل تعیین می گردد.
- ماده ۹-** این آئین نامه به استناد بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی در نه ماده و یک تبصره در چهار صد و هفتاد و یکمین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ به تصویب رسید.

شماره: ۶۹۰۳
تاریخ: ۱۳۶۱/۱۰/۶

بانک مرکزی ایران

عطف به نامه شماره ۳۳۴۴/هـ مورخ ۶۱/۱۰/۵:

آئین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) مصوب جلسه چهارصد و هفتاد و یکمین مورخ ۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اکثریت آرای مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.

بدیهی است این نظر کل قانون مورد استناد را شامل نمی‌شود.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

سؤال در خصوص ارجاع به داوری پیش‌بینی شده در قراردادهای بین‌المللی منعقدہ
بین ایران و سایر کشورها (مصوب مجلس شورای اسلامی)

شماره: ۱۴۲۳۸/۲۵۰. د. ه.

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۴

شورای محترم نگهبان

در خصوص نامه شماره ۲۷۹۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۶^(۱) نکات زیر قابل توجه است:

۱- در مجلس شورای اسلامی هیچ نظر اصلاحی قابل طرح نیست بلکه نظرات چه از طرف نمایندگان و چه از طرف شورای نگهبان باید به دولت داده شود تا با موافقت طرف قرارداد اصلاح و مجدداً به مجلس آورده شود.

۲- در مورد داوری که برای قراردادها به خاطر احتمال بروز اختلاف در مفاد مصادیق قراردادها ضروری است. لازم به توجه است که اکثریت دولتهای طرف قراردادهای ما حاضر نیستند مورد اختلاف با قضاوت اسلامی یا منحصرأ با داوری مسلمانان حل شود.

بنابراین در حال حاضر ما باید در انعقاد قرارداد خودداری کنیم که قابل تحمل نیست و یا به داوری‌های غربی رفع اختلافات احتمالی رضایت دهیم. لطفاً با توجه به مطالب بالا و نظریه شریف حضرت امام امت مبنی بر لزوم داشتن روابط با دولتهای

(۱)

شماره: ۲۷۹۱

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۱/۱۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۹۲۵/ق مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۲۶ و پیرو نامه شماره ۲۶۲۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۶ لایحه راجع به موافقت‌نامه حمل و نقل بین‌المللی از طریق جاده بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسات شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«ذیل ماده ۱۰ که ظاهراً لغو و یا کاهش مالیات را در اختیار دولت گذاشته مغایر با اصل ۵۱ قانون اساسی است که موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی را به موجب قانون دانسته است».

«سایر موارد به اکثریت آرا مغایر باموازن شرعی و قانون اساسی شناخته نشد ولی لازم به تذکر است که ماده ۴ براساس این استظهار که شعب و نمایندگی فقط برای رسیدگی به حمل و نقل مسافرین سوری از ایران تأسیس می‌شود مغایر با قانون اساسی شناخته نشده است».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

دیگر درباره قراردادها اظهار نظر فرمایند.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۲۹۸۲

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۴۲۳۸/۲۵۰ د. ه مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۴ و پیرو نامه شماره ۲۷۹۱ مورخ ۶۳/۱۱/۱۶:

«با توجه به ضرورتی که در مورد قراردادها مرقوم داشته‌اید و با توجه به اینکه مسئولین در عقد قراردادها مهما امکن ضوابط و مبانی اسلامی را رعایت می‌نمایند و مخصوصاً با توجه به نظر شریف حضرت امام «مدظله» قرارداد موضوع نامه شماره ۹۲۵ ق مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۲۶ مجلس شورای اسلامی از سوی فقهای شورای نگهبان نیز تأیید می‌شود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

سؤال در خصوص ماده ۷ قانون معادن مصوب خرداد ماه ۱۳۶۲

شماره: ۱۰۰/۲۰۸۱۴

تاریخ: ۱۳۶۴/۵/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

با عرض سلام

به طوری که استحضار دارند برابر ماده ۷ قانون معادن مصوب خرداد ماه ۱۳۶۲ در معادنی که در ملک اختصاصی اشخاص قرار دارد، نتایج حاصل از اکتشاف و ذخایر مکشوفه تا عمق متعارف متعلق به مالک است مشروط بر آنکه اولاً اکتشاف به هزینه مالک و توسط خود او به عمل آمده باشد ثانیاً اراضی که معدن در آن واقع است دایر یا مسبوق به احیاء باشد ثالثاً مالکیت مالک در اراضی مذکور مشروع باشد رابعاً مالک مجوز لازم جهت کشف از وزارت معادن و فلزات تحصیل کرده باشد.

با توجه به مراتب فوق خواهشمند است مقرر فرمائید جواباً اعلام نمایند که حکم ماده مذکور از حیث تعلق نتایج حاصل از اکتشاف و ذخایر مکشوفه به مالک صرفاً ناظر به مالکینی است که بعد از تاریخ تصویب قانون مذکور اقدام به اکتشاف کرده باشند یا مالکینی را هم که واجد شرایط چهارگانه مذکور فوق بوده و قبل از تاریخ تصویب قانون اخیر اقدام به اکتشاف نموده و معدن در حال بهره‌برداری است شامل می‌گردد.

حسین نیلی

وزیر معادن و فلزات

شماره: ۴۳۰۶

تاریخ: ۱۳۶۴/۶/۴

جناب آقای نیلی

وزیر محترم معادن و فلزات

عطف به نامه شماره ۱۰۰/۲۰۸۱۴ مورخ ۶۴/۵/۲۹؛

«چون موضوع سؤال مربوط به قانون عادی است و طبق اصل ۷۳ قانون اساسی شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، از طریق مزبور اقدام فرمائید».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

سؤال در خصوص قانون انحلال سازمان پیشاهنگی کشور

شماره: ۴۴۹۷۶/ی

تاریخ: ۱۳۶۴/۱۰/۲۱

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی

با عنایت به قانون انحلال سازمان پیشاهنگی کشور و تعیین وضعیت سازمان مذکور ظرف سه ماه از تاریخ تصویب خواهشمند است در صورتی که مهلت سه ماهه / ۱۵ روز پس از انتشار قانون انحلال سازمان در روزنامه رسمی کشور آغاز می‌گردد. دستور فرمایند مراتب تأیید و اعلام گردد.

با تقدیم مراتب ادب و درخواست دعا از اعضاء محترم

سید کاظم اکرمی

وزیر آموزش و پرورش

شماره: ۵۵۱۵

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۱۶

جناب آقای اکرمی

وزیر محترم آموزش و پرورش

عطف به نامه‌های شماره ۴۹۶۸۹/ی مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۶^(۱) و شماره ۴۴۹۷۶/ی مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۱:

«اشعار می‌دارد که چون در قانون انحلال سازمان پیشاهنگی کشور تصریح شده که از تاریخ تصویب این قانون سازمان مزبور منحل و یا ظرف ۳ ماه پس از تاریخ تصویب (تبصره ۱) وزارت آموزش و پرورش باید اموال سازمان را در اختیار بگیرد و ... بنابراین رعایت ۱۵ روز پس از انتشار در اینجا مورد ندارد معذالک خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که شورای نگهبان مرجع تفسیر قانون اساسی است و اگر رفع ابهام و تفسیری در قانون عادی مثل قانون مورد بحث لازم باشد مرجع آن طبق اصل ۷۳ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی است».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

(۱) نامه وزیر آموزش و پرورش به شورای نگهبان جهت تسریع در ارسال پاسخ.

سئوال در خصوص جایگاه قانونی کمیته امداد امام خمینی (ره)

شماره: ۱۰/۱۳۴۷۸/ش

تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی

سلام علیکم

احتراماً با استدعای صحت و سلامت و توفیق هر چه بیشتر آیات عظام و حقوقدانان گرامی از درگاه خداوند متعال، به طوری که مستحضر می‌باشند در سایه رحمت بی‌منتهای الهی و با اتکاء به الطاف و محبت‌های مستمر و توجه خاص بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه به جامعه محروم و مستضعف سبب گردید تا کمیته امداد حضرت امام از ۱۴ اسفند ماه سال ۱۳۵۷ در خدمت محرومان مستضعف که در واقع ولی نعمتانمان، ایفاء وظیفه نماید حسب ضرورت در سال ۱۳۶۶ مجموعه‌ای از مقررات که تجلی‌گر ارزش‌ها و مقتضیات این نهاد انقلابی به عنوان اساسنامه کمیته امداد تنظیم و به محضر حضرت امام «قدس سره» تقدیم گردید. با عنایتی که معظم‌له همواره نسبت به این نهاد مبذول می‌فرمودند در هاشم اساسنامه تقدیمی خدمتگزاران و امدادگران را به ادامه خدمت مفتخر و مباهی فرمودند. از آنجا که نقش رهبری و امامت در پیشرفت و تکامل کمیته امداد دخالت داشته لذا از طریق شورای مرکزی امداد نظارت رهبری را به طور مشخص روشن و تسهیل نموده و تاکنون نیز به لحاظ رعایت پاسداری و اشاعه ارزش‌های اسلامی با توجه به مقتضیات جمهوری اسلامی از طریق شورای امداد به نمایندگی و تحت نظارت رهبری خدماتی صورت می‌گیرد و ادامه این روش مورد تأیید و تأکید مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته و همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین جناب هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهوری اسلامی بوده که به مناسبت‌ها به آن اشاراتی فرمودند.

با عرض مراتب و با تقدیم یک نسخه اساسنامه کمیته امداد^(۱) متضمن دستخط

(۱) اساسنامه کمیته امداد امام خمینی:

فصل اول: موضوع - هدف - تعاریف

ماده ۱- با تأییدات خداوند متعال و در ظل توجهات حضرت ولی عصر امام زمان ارواحنا له الفداء و عنایت خاصه و حکم تاریخی مقام معظم رهبری حضرت امام خمینی مدظله العالی در هفتم ربیع الثانی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری به منظور تحقق بخشیدن به اهداف عالیه جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در حمایت و امداد به محرومان و مستضعفان بر مبنای این اساسنامه و مراعات قوانین جاری کشور جمهوری اسلامی ایران کمیته‌ای به نام «کمیته امداد امام خمینی» که در این اساسنامه «امداد امام» نامیده می‌شود تشکیل می‌گردد.

ماده ۲- تشکیل «امداد امام» نهادی انقلابی و مردمی، از نوع مؤسسات غیرانتفاعی و عام المنفعه می‌باشد.

ماده ۳- «امداد امام» برای مدت نامحدود از تاریخ صدور حکم پربرکت حضرت امام خمینی مدظله العالی تشکیل می‌گردد.

ماده ۴- مرکز اصلی «امداد امام» تهران می‌باشد و شورای مرکزی می‌تواند در کلیه نقاط کشور یا خارج از کشور شعبات یا نمایندگیها و یا شاخه‌هایی را دایر نماید.

ماده ۵- تابعیت «امداد امام» ایرانی است.

ماده ۶- وظایف «امداد امام» عبارتند از:

۶-۱- تلاش در تحقیق و بررسی و شناخت انواع محرومیتهای مادی و معنوی افراد و خانواده‌های محروم و اقدام به رفع آنها در حد امکان.

۶-۲- پرداخت مستمری، کمک‌های نقدی و جنسی به محرومان و فراهم آوردن امکانات لازم جهت خودکفا نمودن افراد محروم و مستمند در حد توان.

۶-۳- اعطای وام به خانواده‌های محروم جهت خودکفا شدن، درمان، کمک به تعمیر و تهیه مسکن، تحصیل، ازدواج، تجهیزیه در حد توان.

۶-۴- ایجاد بیمارستان، درمانگاه و داروخانه طبق ضوابط مربوطه جهت درمان بیماران بی‌بضاعت و محروم در حد توان.

۶-۵- تهیه وسایل آموزشی و انجام خدمات فرهنگی و کمک‌های آموزشی برابر مقررات حتی المقدور.

۶-۶- انجام هرگونه خدمت و برنامه مصوب با تخصیص اعتبار لازم آن با تصویب شورای مرکزی «امداد امام».

ماده ۷- منابع مالی «امداد امام»:

۷-۱- کمک‌های مستقیم مقام معظم رهبری مدظله العالی.

۷-۲- اعتبارات و کمک‌های دولت جمهوری اسلامی ایران.

۷-۳- کمک‌های مردمی و مؤسسات و نهادها و ارگانها.

۷-۴- دریافت صدقات، نذورات، هدایا و غیره.

۷-۵- درآمد حاصل از بخش‌ها و امور اقتصادی «امداد امام».

فصل دوم: دارائی «امداد امام»

ماده ۸- دارائی «امداد امام» تشکیل یافته‌است از:

۸-۱- اموال و املاکی که به دستور حضرت امام خمینی مدظله العالی از بنیاد مستضعفان به «امداد امام» واگذار شده است.

۸-۲- اموال و املاک و داراییهای تبصره ۸۲ بودجه سال ۱۳۶۲ که طبق بند (د) تبصره ۱۱ بودجه سال ۱۳۶۵ و بند ج تبصره ۱۱ بودجه سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی به «امداد امام» واگذار شده و می‌شود.

→ ۸۳- اموال و املاکی که وسیله شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به «امداد امام» منتقل گردیده و می‌گردد.

۸۴- املاک و مستحدثاتی که «امداد امام» از امکانات خود و کمک‌های مردمی ایجاد یا تکمیل کرده و می‌کند.

تبصره - بدیهی است دارائی «امداد امام» متغیر بوده و براساس ثبت داراییها ارزشیابی و مشخص می‌گردد.

ماده ۹- کلیه اموال و داراییهای «امداد امام» در اختیار ولی فقیه و مقام معظم رهبری است که شورای مرکزی کمیته امداد امام به نمایندگی از طرف معظم‌له حافظ و نگهدار آن می‌باشد.

تبصره - هرگونه نقل و انتقالات در سرمایه و داراییها و اموال و املاک و مؤسسات «امداد امام» وسیله شورای مرکزی «امداد امام» و یا هر شخصیت حقیقی و حقوقی که از طرف شورای مرکزی «امداد امام» مجاز شناخته شود انجام خواهد گرفت.

فصل سوم: ارکان «امداد امام»

ارکان «امداد امام» ولایت فقیه، شورای مرکزی، سرپرستی، شورای استان، شورای شاخه.

ماده ۱۰- ولایت فقیه: «امداد امام» با حکم ولی فقیه مدظله العالی مشروعیت یافته و با رهنمودها و تأیید ایشان ادامه خدمت می‌دهد.

تبصره - این رکن بالاترین مقام و مرتبه تصمیم‌گیری است که استمرار و یا انحلال «امداد امام» صرفاً در اختیار ولی فقیه مدظله العالی می‌باشد.

ماده ۱۱- شورای مرکزی «امداد امام»: شورای مرکزی که پس از ولایت فقیه عالی‌ترین رکن «امداد امام» می‌باشد مسئولیت کلی کارها و امور «امداد امام» را عهده‌دار است و با تصویب اکثریت اعضاء در مورد مسائل کلی و امور «امداد امام» تصمیم‌گیری خواهد نمود. و تصمیمات متخذه قطعی و لازم‌الاجرا است.

ماده ۱۲- اعضاء شورای مرکزی «امداد امام» پنج نفر می‌باشد که با تأیید حضرت امام خمینی مدظله العالی ادامه خدمت می‌دهند.

تبصره - اسامی اعضاء شورای مرکزی عبارتند از: حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی کروی، آقای حبیب الله عسگر اولادی، آقای حبیب الله شفیق، آقای ابوالفضل حاجی حیدری، آقای سید رضا نیری.

ماده ۱۳- وظایف شورای مرکزی «امداد امام» عبارتند از:

۱-۱۳- بررسی و تصمیم‌گیری کلی امور جاری «امداد امام» و تشکیل مجتمع اقتصادی به جهت سامان دادن به هستی اقتصادی «امداد امام».

۲-۱۳- انتخاب سرپرست، قائم مقام، بازرس یا بازرسین و تعیین هیأت مدیره مجتمع اقتصادی و مدیر عامل آن و صدور احکام آنها.

تبصره - قائم مقام توسط سرپرست به شورای مرکزی جهت تصویب معرفی می‌گردد.

۳-۱۳- بررسی و تصویب سازمان و تشکیلات شرح وظایف و تعیین پستهای معاونت «امداد امام» و تأیید معاونان معرفی شده توسط سرپرستی.

۴-۱۳- بررسی و تصویب برنامه و بودجه سالانه «امداد امام».

۵-۱۳- تصویب آئین‌نامه‌های «امداد امام».

۶-۱۳- بررسی و تصویب گزارشات سالانه سرپرستی و عملکرد «امداد امام».

۷-۱۳- اخذ تصمیم نسبت به پیشنهادات سرپرستی جهت ایجاد و یا انحلال و ادغام دفاتر و شوراهای استانها و شاخه‌های اصلی و همچنین تأسیس و یا انحلال شعب و نمایندگی‌ها در خارج از کشور.

۸-۱۳- اخذ تصمیم نسبت به دریافت وام یا اعتبار و یا مشارکت و سرمایه‌گذاری در مؤسساتی که با طبع «امداد امام» سازگار می‌باشد.

۹-۱۳- تصویب سرمایه‌گذاری لازم برای تحقق طرحهای مطالعاتی، فنی، اقتصادی، صنعتی، معدنی، بازرگانی و غیره.

- ۱۳-۱۰- بررسی و تصمیم گیری در مورد گزارشات بازرسی یا بازرسان «امداد امام».
- ۱۳-۱۱- تعیین حقوق و مزایای اعضای شورای مرکزی، سرپرست، قائم مقام، معاونان و بازرسان شورای مرکزی.
- ۱۳-۱۲- تصویب صلاحیت و یا عدم صلاحیت اعضای شورای استان و مسئول آن بنا به پیشنهاد سرپرستی.
- ماده ۱۴-** بازرسی و حسابرسی:
- شورای مرکزی واحدی را به عنوان بازرسی و حسابرسی برای بررسی نحوه اجرای مصوبات و آئین‌نامه‌های «امداد امام» جهت ارائه به شورای مرکزی خواهد داشت.
- تبصره - شرح وظایف بازرسی و حسابرسی به وسیله شورای مرکزی «امداد امام» معین خواهد شد.
- ماده ۱۵-** سرپرستی «امداد امام»:
- سرپرست یکی از اعضای شورای مرکزی است که با تصویب اکثریت شورا برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شود.
- تبصره ۱- انتخاب مجدد سرپرست برای دفعات بعد بلامانع است.
- تبصره ۲- شورای مرکزی می‌تواند در صورت ضرورت از غیر اعضای شورای مرکزی را به عنوان سرپرست انتخاب نماید.
- ماده ۱۶-** سرپرست:
- بالاترین مقام اجرایی «امداد امام» و مجری مصوبات شورای مرکزی است و همواره مسئول حسن انجام و اداره کلیه امور و هدایت و هماهنگی و انجام فعالیتها و حفظ حقوق و منافع «امداد امام» بر طبق مفاد این اساسنامه و آئین‌نامه‌های مصوب شورای مرکزی بوده و ضمن پاسخگویی در مقابل شورای مرکزی عهده‌دار وظایف و اختیاراتی است که در شرح وظایف مصوب توسط شورای مرکزی ابلاغ شده باشد.
- ماده ۱۷-** قائم مقام «امداد امام» در غیاب سرپرست کلیه اختیارات او را خواهد داشت و همانند مقام سرپرستی پاسخگوی کلیه امور در مقابل شورای مرکزی خواهد بود.
- ماده ۱۸-** شورای استان «امداد امام»:
- در هر یک از استانها شورایی مرکب از ۵ یا ۷ نفر جهت تمرکز استانی و هماهنگی و رسیدگی به امور شاخه‌ها طبق شرح وظایفی که توسط شورای مرکزی به تصوب می‌رسید تشکیل می‌گردد.
- ماده ۱۹-** شورای شاخه «امداد امام»:
- در هر شهر شورایی مرکب از ۳ یا ۵ نفر جهت رسیدگی به امور محرومان و ارائه خدمات ممکن طبق شرح وظایف ابلاغ شده تشکیل می‌گردد.
- ماده ۲۰-** مجتمع اقتصادی:
- شورای مرکزی برای تمرکز و اداره شرکتهای، کارخانجات، مؤسسات صنعتی، معدنی، بازرگانی، کشاورزی، دامداری، املاک و مستغلات و ایجاد مؤسسات اقتصادی لازم واحدی به نام مجتمع اقتصادی تشکیل می‌دهد.
- ماده ۲۱-** مجتمع اقتصادی دارای هیأت مدیره‌ای مرکب از ۵ یا ۷ نفر خواهد بود که برای مدت دو سال وسیله شورای مرکزی «امداد امام» انتخاب می‌گردند و مسئول کلی امور مجتمع اقتصادی بوده و جریان امور را هدایت و نظارت و کنترل خواهند کرد.
- تبصره ۱-** دو نفر از اعضای هیأت مدیره مجتمع اقتصادی از اعضای شورای مرکزی «امداد امام» خواهند بود.
- تبصره ۲-** انتخاب مجدد اعضای هیأت مدیره برای دفعات بعد بلامانع است.
- ماده ۲۲-** هیأت مدیره از بین خود فردی را به عنوان مدیر عامل برای مدت ۲ سال جهت تصویب شورای مرکزی معرفی می‌نماید.
- تبصره ۱-** در صورت ضرورت هیأت مدیره می‌تواند مدیر عامل را از غیر اعضای هیأت مدیره به شورای مرکزی معرفی می‌نماید.

مبارک امام عزیز،^(۱) اعلام نظر شورای محترم نگهبان قانون اساسی مبنی بر ادامه خدمت کمیته امداد کماکان با نظارت مستقیم رهبری و یا اینکه تحت نظارت دولت محترم جمهوری اسلامی اداره گردد مورد استدعا می باشد که عنایت خواهند فرمود. خداوند وجود رهبری ولی امر مسلمین و آیات محترم و همه خدمتگزاران را برای انقلاب و اسلام محفوظ بدارد و توفیقات خود را بر همگان ارزانی فرماید.

و من الله التوفیق

شورای مرکزی کمیته امداد امام خمینی

تاریخ: ۱۳۶۸/۹/۲۲

شورای محترم مرکزی کمیته امداد امام خمینی

عطف به شماره ۱۰/۱۳۴۷۸ ش مورخ ۱۳۶۸/۸/۶:

- تبصره ۲- مدیر عامل مسئول کلیه امور اجرایی مجتمع اقتصادی بوده و در مقابل هیأت مدیره و شورای مرکزی پاسخگو خواهد بود.
- تبصره ۳- شرح وظایف هیأت مدیره و مدیر عامل در اساسنامه مجتمع اقتصادی که به تصویب شورای مرکزی می رسد خواهد آمد.
- ماده ۲۳- اسناد مالی «امداد امام» با امضاء سرپرست و یکی از اعضای شورای مرکزی و مهر «امداد امام» صادر خواهد شد.
- تبصره ۱- در صورت غیبت سرپرست اسناد مالی با دو امضاء شورای مرکزی و مهر «امداد امام» انجام خواهد شد.
- تبصره ۲- اسناد مالی استانها و شهرستانها و واحدها با تفویض اختیار سرپرستی و تصویب شورای مرکزی انجام خواهد شد.
- ماده ۲۴- «امداد امام» در تمام موارد رعایت حال محرومان و مستضعفان را وجهه همت خود قرار داده و باید براساس ضوابط شرعی و قانونی عمل نماید.
- ماده ۲۵- این اساسنامه متضمن بر ۲۵ ماده و ۱۵ تبصره و ۲۷ بند در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۰ تنظیم و به توشیح مقام معظم رهبری حضرت امام خمینی مدظله العالی رسیده و اجازه فرمودند که اعضای شورای مرکزی برای ثبت و اجراء آن اقدام نمایند.

(۱) حضرت امام خمینی (ره) در هامش اساسنامه مذکور طی جملاتی چنین مرقوم فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

اعضاء محترم شورای مرکزی کمیته امداد

شما آقایان از انقلابیون اول نهضت اسلامی بوده اید، زندانها کشیده اید و زجرها دیده اید. امیدوارم برای هدف مقدسی که دارید که آن خدمت به محرومین جامعه است توفیق بیشتری داشته باشید. من به شما دعا می کنم که در مقابل زحماتی که می کشید خداوند پاداش نیکوئی به شما دهد. اساسنامه ای که تنظیم کرده اید انشاءالله موجب رضای خداوند است.

روح الله الموسوی الخمينی

«با توجه به محتوای اساسنامه که به تأیید و امضاء حضرت امام خمینی «قدس سره الشریف» رسیده است کمیته امداد زیر نظر مقام معظم رهبری به شرح مذکور در اساسنامه انجام وظیفه خواهد کرد.»

دبیر شورای نگهبان
محمد محمدی گیلانی

سؤال در خصوص هماهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان با مجلس شورای اسلامی جهت وضع قانون

شماره: ۸۸/۱۸۳۷۴/د

تاریخ: ۱۳۶۸/۹/۷

حضرت آیت الله محمدی گیلانی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیات

عطف به نامه ۱۰۳۵ مورخ ۶۸/۷/۱۳^(۱) به پیوست تصویر موافقت و اذن مقام معظم رهبری با درخواست رئیس کمیسیون نهادهای انقلاب مجلس شورای اسلامی و رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی در خصوص رفع اشکال شرعی لایحه تسهیلات استخدامی و اجتماعی انقلاب اسلامی و کسب اجازه از ایشان برای وضع

شماره: ۱۰۳۵

تاریخ: ۱۳۶۸/۷/۱۳

(۱)

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۰۷۳-ق مورخ ۱۳۶۸/۷/۶:

لایحه تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب جلسه ۱۳۶۸/۶/۱۳ کمیسیون نهادهای انقلاب که در جلسه روز یکشنبه بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی با ۲ سال مدت آزمایشی موافقت گردیده است در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می گردد:

«نظر به اینکه در متن فرمان مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در خصوصی تشکیل بنیاد مستضعفان به صراحت آمده است که اموال منقول و غیر منقول بنیاد که از سلسله منحوس پهلوی و عمال و وابستگان آنان بدست می آید و تحت اداره بنیاد قرار می گیرد باید به مصرف مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف برسد و اموال مزبور مربوط به دولت نیست (... و به دولت ابلاغ نمایند که این غنایم مربوط به دولت نیست ...) بنابراین دولت و مجلس نمی توانند در رابطه با بنیاد مستضعفان (جانبازان) قانون وضع نموده و تعیین تکلیف کنند و وضع هرگونه مقرراتی باید با اذن مقام رهبری باشد، و لذا مواد ۷، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ و تبصره ۲ ماده ۸ و تبصره ماده ۱۳ در آن قسمت که برای بنیاد جانبازان تعیین تکلیف می کند خلاف نظر مقام ولایت فقیه بوده و از این رو با موازین شرع مغایر شناخته شد.»

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

قانون و مقررات در رابطه با بنیاد مستضعفان (و جانبازان)^(۱) جهت تسهیل در امور جانبازان و ارائه خدمات مناسب‌تر این عزیزان ارسال می‌گردد.

با توجه به رفع اشکال مورد نظر آن شورای محترم به صورت فوق‌الذکر آیا بایستی لایحه مزبور مجدداً به شورای محترم نگهبان تقدیم گردد و همانند سایر طرحها و لوایح عمل شود و یا اینکه در شکل فعلی این مصوبه صورت قانونی به خود دارد و نیازی به طی مراحل بعدی نیست.

خواهشمند است نظریه آن شورای محترم را در این زمینه اعلان فرمائید.

با تشکر

رئیس کمیسیون نهادهای انقلاب

روحانی‌نیا

شماره: ۰۱۰/۱۰/۲۲۱

تاریخ: ۱۳۸۸/۳

(۱)

محضر مبارک مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته العالیه

بعد از سلام و تحیات؛

همانطور که مستحضرید اداره امور جانبازان عزیز از سوی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام (قدس سره) به بنیاد مستضعفان محول گردید که انجام این مهم جز با هماهنگی و همیاری دستگاههای اجرایی و ارگانهای دولتی و تصویب قوانین جدید و یا بعضاً اصلاح قوانین و مقررات موجود امکان پذیر نمی‌باشد.

از طرفی شورای محترم نگهبان اخیراً با استناد به مفاد فرمان مورخ ۵۷/۱۲/۹ حضرت امام (قدس سره) که مرقوم فرموده‌اند اموال بنیاد مربوط به دولت نیست و می‌بایست به مصارف خاصی که مقام ولایت فقیه معین می‌دارند برسد، وضع هرگونه قوانین و مقرراتی که موجود تکلیف برای بنیاد مستضعفان و جانبازان باشد را موکول به اذن آن مقام معظم دانسته‌اند.

لذا مستدعی است در صورت صحت و صوابدید اجازه فرمائید در مواردی که نیاز به وضع قانون و یا مقرراتی باشد مجلس شورای اسلامی مجاز گردد. با توافق و هماهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان، قوانین لازم را در جهت تسهیل امور جانبازان تصویب نماید.

رضانعلی روحانی‌نیا - رئیس کمیسیون نهادهای انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی

محسن رفیق‌دوست - رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی

* لازم به ذکر است که مقام معظم رهبری در ذیل نامه مذکور پی نوشت فرمودند:

بسمه تعالی

با پیشنهاد آقایان محترم موافقم.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۸۸/۴

شماره: ۱۴۰۰

تاریخ: ۱۳۳۸/۹/۲۲

رئیس محترم کمیسیون نهادهای انقلاب

عطف به نامه شماره ۸۸/۱۸۳۷۴/د مورخ ۱۳۳۸/۹/۷:

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«در مورد لایحه مذکور به دو صورت رفع اشکال شرعی می‌شود:

۱- با توجه به ذیل پیشنهاد مشترک آن کمیسیون و مسئول بنیاد جانبازان به حضور مقام معظم رهبری و موافقت معظم‌له، مسئول بنیاد به نیابت از مقام معظم ولایت فقیه با مصوبه مجلس موافقت نماید.

۲- در مجلس مطرح و اقدام در تمام موارد مذکور در لایحه مشروط به اذن ولایت فقیه گردد.

در هر حال پس از منعکس نمودن مطلب به شورای نگهبان از طریق مجلس اعلام نظر خواهد شد».

دبیر شورای نگهبان

محمد محمدی گیلانی

سؤال در خصوص طرح قانونی نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت

شماره: ۷۲/۱۱۹۱۱/۳۲۹۱۰

تاریخ: ۱۳۶۹/۱۱/۲۷

شورای محترم نگهبان

با اهداء سلام و درود

احتراماً در پاسخ به ابهام عنوان شده در مورد تبصره ۷ ماده ۴ طرح قانونی نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت موضوع گزارش شماره ۳۳۳ مورخ ۶۹/۹/۱۴ کمیسیون بهداشتی و بهزیستی مجلس شورای اسلامی به استحضار می‌رساند:

در اجرای قانون تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۶۴/۷/۹ مجلس شورای اسلامی، دانشکده‌های گروه پزشکی تحت پوشش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته و به موجب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی دانشگاه‌های تربیت مدرس و شاهد که دارای رشته‌های گروه پزشکی می‌باشند از این پوشش مستثنی گردیدند.

نظر به اینکه مفاد ماده ۴ طرح قانونی پیام‌آوران بهداشت به منظور تأمین کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی گروه پزشکی که مجری و مسئول آن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است پیش‌بینی گردیده و با عنایت به استقلال رشته‌های گروه پزشکی دانشگاه‌های تربیت مدرس و شاهد و لزوم تسری ماده فوق به دانشگاه‌های اخیر الذکر، لذا ضرورت امر ایجاب می‌نماید که اجرای مفاد ماده ۴، رأساً توسط دانشگاه‌های تربیت مدرس و شاهد بدون نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عملی گردد که بدین منظور متن تبصره ۷ ماده فوق‌الذکر تنظیم و تأکید گردیده است.

با عنایت به مراتب فوق، مستدعی است در جهت رفع مشکلات دانشگاه‌های تربیت مدرس و شاهد در زمینه تأمین کادر هیأت علمی در رشته‌های گروه پزشکی خود مساعدت لازم معمول فرمایند.

با تشکر و آرزوی توفیق الهی

دکتر مصطفی معین

وزیر فرهنگ و آموزش عالی

شماره: ۱۲۹۹

تاریخ: ۱۳۷۰/۳/۴

جناب آقای دکتر مصطفی معین
وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی
با سلام و آرزوی توفیق

عطف به نامه‌های شماره ۷۲/۱۱۹۱۱/۳۲۹۱۰ مورخ ۶۹/۱۱/۲۷ و شماره ۷۲/۲۲۴۳/۴۷۹۷ مورخ ۷۰/۲/۳۱ اشعار می‌دارد:

«چون قانون عادی نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت از تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان گذشته است چنانچه در اجرای قانون اشکال و یا ابهامی وجود داشته باشد، درخواست هرگونه تفسیر و رفع ابهام از قانون عادی طبق اصل ۷۳ قانون اساسی باید از مجلس شورای اسلامی به عمل آید. و شورای نگهبان وظیفه و اختیاری در این خصوص ندارد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

سؤال در خصوص گزینش افراد وابسته یا همفکر به
گروهها، مسلکها و فرق مذهبی

شماره: ۲۷۴۰۸/ح
تاریخ: ۱۳۷۰/۷/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

با اهداء سلام و تحیات از آنجا که حسب مقررات جاری کشور معتقدین به اسلام و مذاهب رسمی کشور با رعایت سایر شرایط و مقررات می‌توانند به عنوان کارگزاران رسمی دولت اسلامی به استخدام درآیند. مستدعی است این هیأت را نسبت به رسمی شدن شاغلین غیر رسمی و یا ورود متقاضیان وابسته و یا همفکر به گروهها، مسلکها و فرق ذیل راهنمایی و ارشاد فرمائید تا با ابلاغ به کلیه هیأت‌های مرکزی گزینش دستگاهها اقدام لازم معمول و رویه واحد اعمال گردد.

۱- علی‌اللهی

۲- شیطان‌پرست

۳- اسماعیلیه

۴- دراویش

۵- صابئین

۶- اقلیتهای مذهبی

۷- اشخاصی که روزی گرایش به گروهکهای ملحد، انحرافی و ضد انقلاب داشته‌اند.

با تشکر - ارادتمند

دری نجف‌آبادی

دبیر هیأت عالی گزینش

شماره: ۲۰۳۹
تاریخ: ۱۳۷۰/۸/۱۳

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دری نجف‌آبادی

دبیر هیأت عالی گزینش حفظه الله تعالی

با سلام

عطف به نامه شماره ۲۷۴۰۸/ح مورخ ۱۳۷۰/۷/۲۹:

در خصوص مورد سؤال «نظر به اینکه، موضوع به تفسیر قانون اساسی یا بررسی قانون

مشخصی از نظر انطباق یا عدم انطباق آن با موازین شرع مرتبط نمی‌باشد، اظهارنظر در آن در محدوده وظایف شورای نگهبان نیست، تکلیف استخدام و شرایط آن در قوانین عادی مربوط به استخدام و بازسازی مشخص شده و اگر ابهامی هم وجود داشته باشد می‌توان از مجلس شورای اسلامی درخواست تفسیر نمود».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

سؤال در خصوص اینکه آیا سازمان انرژی اتمی می‌تواند از استقلال مالی برخوردار باشد یا خیر

شماره: ۳۰/۴۲۶۰۸

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۲۰

شورای محترم نگهبان

احتراماً، ضمن آرزوی توفیق برای اعضاء محترم آن شورا به پیوست تصویر نامه شماره ۳۰/۳۶۷۵۴ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲ این سازمان^(۱) به حضور ریاست محترم جمهوری اسلامی

شماره: ۳۰/۳۶۷۵۴

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۱/۱۲

(۱)

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در قانون تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۳ با توجه به اهمیت و حساسیت فوق العاده و غیر قابل مقایسه با سایر زمینه‌های فنی و صنعتی دیگر در کشور، ماده ۲ قانون یاد شده استقلال سازمان بدین گونه منظور شده است:

«سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و منحصرأ تابع مقررات این قانون و اساسنامه مربوط و آئین‌نامه‌های استخدامی و مالی و اداری مخصوص به خود می‌باشد...».

هنگام تدوین بودجه سال ۱۳۵۸ براساس تبصره ۳۷ استقلال استخدامی و مالی سازمان نقض و سازمان از نظر مقررات مالی تابع قانون محاسبات عمومی و از نظر مقررات استخدامی تابع قانون استخدام کشوری گردید. آن جناب به خوبی استحضار دارند که به موازات وضع تبصره ۳۷ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ در مورد این سازمان، مقررات مشابهی برای چندین مؤسسه مستقل دولتی دیگر و دانشگاهها وضع گردید لکن بآپیش‌بینی اثرات سوء اجرای این چنین مقررات بسیاری از آنها اساساً به مورد اجراء گذارده نشده و آن مؤسسات هم استقلال خود را کما فی السابق حفظ نمودند و در مورد دانشگاهها هم تصویب قوانین جدید که همگی در جهت رفع تنگناهای مالی و استخدامی آنان بود از جمله طرح تمام وقت دانشگاهها و یا قانون استفاده از خدمت خارج از وقت اداری اعضاء هیأت علمی نه تنها از این حیث متحمل خسارتی نشدند بلکه حقوق افراد مشمول چند صد در صد ترمیم شده است. اما اقدامی که ظاهراً از سر دلسوزی و رفع تبعیض بین دستگاههای دولتی صورت گرفته آنچنان ضربه کاری به این سازمان و صنعت نوپای هسته‌ای در این کشور وارد آورد که جبران آن به سهولت و در مدت محدود میسر نمی‌باشد.

همانگونه که جنابعالی نیز وقوف کامل دارند در سالهای اخیر روز به روز بر اهمیت صنعت هسته‌ای به خصوص سازمان انرژی اتمی ایران و اهداف متنوع آن افزوده شده است و همواره کوچکترین فعالیت آن به طور موشکافانه زیر نظر کنکاش دوست و دشمن قرار دارد. به همین جهت سطح انتظارات دولت و مردم نیز به طور قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است. اما معلوم نیست چگونه باید از سازمان دست و پا بسته‌ای که با تبصره‌ای شالوده‌های آن سست شده انتظار داشت همپای سازمانها و تشکیلات معظم هسته‌ای بین‌المللی حرکت نماید. تناقض موجود بین اهداف مندرج در قانون تأسیس سازمان و مفاد تبصره ۳۷ منجر به آن گردید که هیأت محترم وزیران در جلسه مورخ ۶۷/۲/۴ خود لایحه لغو تبصره ۳۷ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ را تصویب و از مجلس شورای اسلامی تقاضای تصویب آن را نماید. کلیات ←

ایران را که جهت اظهار نظر به آن شورای محترم ارسال گردیده است، تقدیم می‌نماید. همانطور که در نامه مزبور معروض شده، این سازمان به دلیل تصویب تبصره ۳۷ قانون بودجه سال ۱۳۵۸، مواجه با تنگناهای مالی و استخدامی عدیده‌ای گردیده است که با طبع کار سازمان سازگار نیستند و موجب شده‌اند که سازمان نتواند به اهداف منعکس در قانون تأسیس خود صورت تحقق ببخشد. تنگناهای مالی و مشکلات نگهداری و جذب نیروهای متخصص به‌گونه‌ای است که اجرای بهینه و به موقع اکثر طرحهای تحقیقاتی و اجرایی سازمان را به مخاطره انداخته است.

همانطور که مستحضرن آن شورای محترم در (خصوص بودجه) سال ۱۳۶۴ نظری ابراز کردند که به موجب آن تبصره‌های بودجه نمی‌تواند ناقض قانون اصلی دستگاههای دولتی باشد. به نظر این سازمان تبصره ۳۷ قانون بودجه سال ۱۳۵۸، با توجه به این نظر شورا، وجاهت قانونی ندارد و مانع آن است که سازمان بتواند قانون خاص خود را به مورد اجراء درآورد. خواهشمند است اظهار نظر فرمایند آیا نظر تفسیری مورخ ۱۳۶۴ آن شورای محترم، با عنایت به اصل ۵۲ قانون اساسی، در مورد قانون بودجه سال ۱۳۵۸ نیز قابل تسری بوده و در نتیجه تبصره ۳۷ قانون مزبور می‌تواند در مقابل قانون خاص این سازمان قابل اجراء تلقی شود یا خیر؟

رضا امراللهی

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

→ این لایحه به تصویب رسید و برای بررسی در جزییات به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد که تاکنون شور دوم آن در جلسه علنی آغاز نگردیده است.

با توجه به نظر شورای محترم نگهبان که چندین سال است اجراء می‌شود، تبصره‌های بودجه نمی‌تواند ناقض قانون اصلی هر دستگاه باشد. بنابراین تبصره ۳۷ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ فاقد و جاهت قانونی به نظر می‌رسد. علیهذا با عنایت به نظر یاد شده شورای محترم نگهبان و در صورت موافقت آن جناب، اجازه می‌خواهد این سازمان از این پس منحصرأ قانون خاص خود را اجراء نماید.

رضا امراللهی

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

* لازم به ذکر است که دفتر رئیس جمهور نامه مذکور را طی نامه‌ای به شماره ۶۱۷۱۳ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲ همراه با پی‌نوشت ریاست جمهوری که مرقوم نموده بود؛ «شورای محترم نگهبان لطفاً نظر بدهید» به شورای نگهبان ارسال نمود و دبیرخانه شورا طی نامه‌ای به شماره ۲۴۵۲ مورخ ۷۰/۱۱/۱۵ در پاسخ نوشت:

«در خصوص استقلال سازمان انرژی اتمی چون موردی برای اظهار نظر شورای نگهبان در این خصوص وجود ندارد باید منتظر تصویب لایحه مطروحه در مجلس ماند.»

شماره: ۲۷۶۱

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۲۸

جناب آقای مهندس رضا امراللهی

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی

عطف به نامه شماره ۳۰/۴۲۶۰۸ مورخ ۷۰/۱۲/۲۰:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی اعضای شورا قرار گرفت، اعضاء حاضر در جلسه متفقاً نظرشان بر این بود که:

«شورای نگهبان در خصوص مغایر بودن تبصره‌های بودجه با قانون اصلی دستگاههای دولتی نظر تفسیری ابراز نداشته و اگر منظور نظریه مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ شورا در خصوص تعدادی از تبصره‌های بودجه سال ۱۳۶۴ است، نظر مزبور، نظر تفسیری نبوده و صرفاً در مورد خودش یعنی لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ کاربرد دارد و به هر حال قابل تسری به قوانین قبلی نیست، حل مشکل مطرح شده در نامه فوق‌الذکر از طریق مجلس شورای اسلامی و تصویب قانون امکان‌پذیر است و در محدوده اختیارات شورای نگهبان نیست».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

درخواست از شورای نگهبان جهت پذیرش همتائی با مجالس سنای دنیا به همراه
مکاتبه شورا با وزارت امور خارجه در این زمینه

شماره: ۱۱۰/۴۷۲ س

تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۳۰

سرور گرامی حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

ارتباطی که مجلس شورای اسلامی با دستگاه قانونگذاری کشورهای مختلف جهان دارد موجب گردیده تا هر روز شاهد دریافت تقاضاهای بسیاری برای دید و بازدید و ایجاد رابطه از جانب رؤسای مجالس سنا و ملی و یا نمایندگان آنها باشیم و چنانچه تجربه نشان داده ارتباطات بین مجالس نقش مؤثری در تقویت ارتباطات بین‌المللی داشته است.

براساس عرف جهان سیاست و پروتکل بین‌المللی هر مسئولی باید با همتا و همپراز خود دیدار و ملاقات داشته باشد و لذا از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نسبت به چگونگی برخورد با درخواستهای رؤسای مجالس سنای دنیا مبنی بر ایجاد ارتباط، کسب نظر گردید که در جمع‌بندی مشورتی مقرر شد تا فصل جدیدی را در روابط سیاسی بین‌المللی خود بگشاییم، بدین شکل که ارتباط با مجالس سنای کشورهای جهان را به دلایل زیر شورای محترم نگهبان بر عهده بگیرد.

۱- همتائی مجالس سنا با شورای نگهبان،

۲- تبیین جایگاه شورا در نظام حقوقی و قانونگذاری اسلامی،

۳- مدرسانی به سیاستمداران کشور از طریق ایجاد ارتباط،

۴- بیرون آمدن شورا از انزوا.

ضمناً مجلس شورای اسلامی نهاد مقدس شورای نگهبان را در این امر مهم یاری خواهد کرد.

به انتظار دریافت هر چه سریعتر پاسخ آن شورای محترم هستیم. موفق و پیروز باشید.

هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی

سید رضا تقوی

شماره: ۶۴۳۶
تاریخ: ۱۳۷۳/۳/۲۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به مرقومه شماره ۱۱۰/۴۷۲ س مورخ ۷۲/۴/۳۰:

موضوع در جلسه مورخه ۷۳/۳/۱۸ شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت: «اولاً این شورا جایگاه قانونی مجلس واحد را از نظر قانونی همانند نظامهای دو مجلسی می‌داند. ثانیاً پس از بررسی همتائی شورای نگهبان با مجالس سنای کشورهای دو مجلس مورد موافقت قرار نگرفت.

برای تعیین همطرازی شورای نگهبان، با وزارت امور خارجه مکاتبه گردید. جهت رسیدگی همه جانبه لطفاً دستور فرمائید موضوع همطرازی اعضای شورای نگهبان با مقامات سایر کشورها که دارای یک مجلس و یا دو مجلس هستند در کمیسیون مربوط بررسی شود و نتیجه را امر به اعلام فرمائید تا مورد تصمیم قرار گیرد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان
احمد علیزاده

نامه شورای نگهبان به وزارت امور خارجه به همراه پاسخ مربوطه

شماره: ۶۴۵۴
تاریخ: ۱۳۷۳/۳/۲۱

جناب آقای دکتر ولایتی

وزیر محترم امور خارجه دام عزه و توفیقات

با سلام و تحیت

با توجه به جایگاه شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و وظایفی که این قانون بر عهده او گذاشته لطفاً دستور فرمائید معاونت بین‌الملل (آن وزارتخانه)، ارگان و نهاد همتا و همطراز شورا در سطح جهانی و در سیستمهای مختلف قانونگذاری را تعیین نماید، برای مثال در نظامهایی که دارای یک یا دو مجلس می‌باشند همطراز اعضای شورای نگهبان چه کسانی هستند تا در روابط بین‌الملل بتوان با آنها ارتباط پیدا کرد، تسریع در پاسخ موجب مزید تشکر است.

دبیر شورای نگهبان
احمد جتئی

شماره: ۶۱۲/۲۳۹۰

تاریخ: ۱۳۷۳/۱۱/۱

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۶۴۵۴ مورخ ۷۳/۳/۲۱ درباره تعیین نهاد همپراز شورای نگهبان در سایر کشورها، اشعار می‌دارد که تا این تاریخ براساس مکاتبات صورت گرفته با نمایندگیهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در این وزارتخانه، چنین به نظر می‌رسد که نهاد شورای نگهبان با توجه به وظایف، جایگاه و ترکیب آن مختص نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

عمده‌ترین نهادهایی که در غالب کشورهای دنیا وظیفه انطباق قوانین عادی با قوانین بالاتر را بر عهده دارند ریاست جمهوری، مجلس سنا، شورای قانون اساسی و یا دادگاه قانون اساسی می‌باشند. وجه فارق شورای محترم نگهبان با نهادهای یاد شده آن است که قوانین عادی در جمهوری اسلامی ایران بدون تأیید شورای نگهبان تصویب نمی‌گردد. لهذا، آن شورای محترم بخشی از نهاد تقنینی محسوب می‌گردد.

با این وجود می‌توان دادگاه قانون اساسی و یا شورای قانون اساسی را در کشورهایی که دارای چنین نهادی هستند، تسامحاً نهاد همپراز شورای محترم نگهبان عنوان نمود.

شایان ذکر است که استنتاج فوق‌الذکر مبتنی بر بررسی و تحقیق پیرامون قوانین اساسی دولتهای زیر بوده است: فرانسه، مراکش، آلمان، کویت، مجارستان، ایتالیا، روسیه، پرتغال، زلاندنو، سوریه، آمریکا، پاکستان، هند، لبنان، چین، استرالیا، لوکزامبورک، بلژیک، سوئیس و فنلاند.

از این تعداد ده کشوری که ابتدا نام برده شده‌اند دارای شورای قانون اساسی و یا دادگاه قانون اساسی هستند.

علی اکبر ولایتی

وزیر امور خارجه

سؤال در خصوص لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی

شماره: ۱۶۰/۸۳/۲۰۶۷۹/۶۱

تاریخ: ۱۳۷۴/۵/۲۲

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

به استحضار می‌رساند به موجب لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۳۶ که بعداً اصلاحات در آن انجام شده کمیسیونی به نام امنیت اجتماعی مرکب از فرماندار، رئیس دادگاه شهرستان (در صورت نبودن رئیس دادگاه شهرستان، رئیس دادگاه بخش) دادستان، رئیس شهربانی، رئیس ژاندارمری و در اصلاحات بعدی نماینده نخست وزیری (رئیس ساواک) به ریاست فرماندار پیشین که براساس اختیارات تفویضی در ماده ۳ همان قانون مجاز به اصدار حکم اقامت اجباری در محلی معین یا ممنوعیت از اقامت در محل‌هایی مشخص برای متخلفین بوده است.

پس از انقلاب اسلامی در خصوص اعتبار قانونی و قابلیت تشکیل و قدرت اجرایی کمیسیون فوق از ناحیه مراجع مختلف نظرهایی متفاوتی اعلام شده است.

اداره حقوقی دادگستری و کمیسیون حقوقی دادستانی کل مستنداً بر اصول ۳۶^(۱) و ۳۷^(۲) قانون اساسی که مقرر می‌دارد حکم به مجازات و اجرای آن تنها باید از طریق دادگاه صالح باشد و مقررات مربوط به تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی که مغایر با این اصول است ملغی و فاقد اعتبار می‌باشد، از طرفی معاونت سابق اجرایی قوه قضائیه در پاسخ استعلام برخی مراجع قضائی اعلام داشته «چون مقررات جدیدی که متضمن نسخ صریح یا ضمنی کلیه موارد قانونی حفظ امنیت اجتماعی باشد به نظر نمی‌رسد و از آنجا که در زمینه مغایرت قانون مذکور با موازین شرعی یا قانون اساسی از ناحیه شورای محترم نگهبان اظهارنظری نشده است لذا عمل به آن مادام که نسخ و اصلاح نشده باشد بلاشکال است.» در نتیجه این ناهماهنگی بعضاً فرماندارها اقدام به تشکیل کمیسیون نموده و با

(۱) اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

(۲) اصل سی و هفتم: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

دعوت از رئیس دادگستری و فرمانده نیروی انتظامی و به جای نماینده نخست وزیری مسئول اداره اطلاعات در مورد افراد متخلف آرای تبعید و مشابه آن صادر نموده‌اند بنا به مراتب فوق اقتضا دارد موضوع در آن شورای محترم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نسبت به مطابقت یا عدم مطابقت قانون مرقوم با موازین شرعی و قانون اساسی اعلام نظر شود.

با تشکر
مرتضی مقتدائی
دادستان کل کشور

شماره: ۸۳۷
تاریخ: ۱۳۷۴/۶/۲۰

دفتر دادستان محترم کل کشور

با سلام و احترام

نامه شماره ۱۶۰/۷۳/۲۰۶۷۹/۶۱ مورخ ۷۴/۵/۲۲ در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۶/۲۹ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:
«موضوع با اصلاح قانون از جانب مجلس شورای اسلامی قابل طرح در شورای نگهبان خواهد بود».

مدیر کل نهاد شورای نگهبان
حسن گنجی

سؤال پیرامون اینکه آیا مجلس شورای اسلامی حق وضع قانون در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد یا خیر

شماره: ۱۳۵۶/د ش

تاریخ: ۱۳۷۴/۵/۲۳

محضر شریف اعضاء محترم شورای نگهبان دامت برکاتهم

با سلام، به اطلاع می‌رساند که نهادهای انقلاب اسلامی در مجموعه تشکیلات نظام جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و دارای یک سلسله حقوق و تکالیف‌اند که سایر مراجع فاقد آن اختیارات‌اند.

آنچه از مجموعه مصوبات مجلس شورای اسلامی و تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران استنباط می‌شود این است که نهادهای انقلاب اسلامی مراجعی هستند که بنا به تشخیص بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تشکیل و متعاقب آن از سوی مراجع قانونی به عنوان یک نهاد انقلابی به رسمیت شمرده شده‌اند. این مسئله در مورد شورای عالی انقلاب فرهنگی که به حق از متولیان فرهنگی کشور می‌باشد نیز صادق است. زیرا شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک نهاد انقلابی برای هر چه بارورتر شدن انقلاب در سطوح کشور و تقویت ستاد انقلاب فرهنگی که خود حسب فرمان امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۹/۳/۲۲ تشکیل شده بود، بنا به فرمان مجدد ایشان در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ تشکیل شد و هم اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

هیأت محترم وزیران نیز به موجب تصویب‌نامه شماره ۱۱۶۴۶۲/ت ۲۵۵ مورخ ۶۸/۴/۶ در خصوص معافیت مالیاتی نهادهای انقلاب اسلامی موضوع قسمت اخیر بند(۲) ماده(۲) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان یکی از نهادهای انقلاب اسلامی احصا کرد و مشمول معافیت قرار داد. همچنین معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور نیز در خصوص استعلام وضعیت حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شمول یا عدم شمول قانون محاسبات عمومی این شورا را نهاد انقلابی اعلام کرد و اجرای قانون محاسبات عمومی را در خصوص آن الزامی ندانست. و این در حالی است که وزارت امور اقتصادی و دارایی، این شورا را مشمول قانون محاسبات عمومی می‌داند. با توجه به نظریه‌های متعدد آن مرجع محترم و از آن جمله نظریه‌های شماره ۱۰۳۵ مورخ

۶۸/۷/۱۴ و شماره ۵۳۳۱ مورخ ۷۲/۷/۱۴ و شماره ۶۴۱۸ مورخ ۷۳/۳/۱۱، دستگاهها و نهادهایی که برابر نظر حضرت امام خمینی (ره) تأسیس شده‌اند، در حال حاضر تحت نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شوند و در نتیجه وضع قانون نسبت به آنها مستلزم اخذ اجازه از ایشان است.

علیهذا خواهشمند است اعلام فرمایند:

الف - با توجه به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی جزء فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی مورخ ۷۳/۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی نیست، آیا از جمله نهادهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شود یا خیر؟

ب - آیا مراجع قانونگذاری و از آن جمله مجلس شورای اسلامی و هیأت محترم وزیران حق وضع قانون نسبت به آن را دارند و آیا این شورا مشمول قانون محاسبات عمومی می‌باشد یا خیر؟

تسریع در اعلام پاسخ موجب مزید امتنان خواهد بود.

سید مصطفی میرسلیم

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

شماره: ۸۸۹

تاریخ: ۱۳۷۴/۶/۲۶

جناب آقای میرسلیم

دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

عطف به نامه‌های شماره ۱۴۶۲/م د ش مورخ ۷۴/۶/۲۵ و شماره ۱۳۵۶/د ش مورخ ۷۴/۵/۲۳ اشعار می‌دارد:

«موضوع به تفسیر قانون عادی مربوط می‌شود و از طریق اصل هفتاد و سوم قانون اساسی قابل اقدام است، در صورت مصلحت از آن طریق اقدام فرمائید».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

احمد علیزاده

شماره: ۱۴۸۱/م د ش

تاریخ: ۱۳۷۴/۷/۱۵

اعضاء محترم شورای نگهبان قانون اساسی دامت برکاته

با سلام، عطف به جواب شماره ۸۸۹ مورخ ۷۴/۶/۲۶ آن شورا، اعلام می‌دارد،

موضوع استفسار این دبیرخانه آن است که آیا مجلس محترم شورای اسلامی حق وضع قوانین در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک نهاد انقلاب اسلامی را دارد یا خیر؟

لذا ارجاع موضوع به مرجعی که حدود اختیارات آن مرجع، محل سؤال و تأمل است امری بعید به نظر می‌رسد.

علیهذا خواهشمند است مجدداً این دبیرخانه را ارشاد فرمایند.

سید مصطفی میرسلیم

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

شماره: ۱۰۲۰

تاریخ: ۱۳۷۴/۸/۱۶

دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۴۸۱/م د ش مورخ ۷۴/۷/۱۵ و پیرو نامه شماره ۸۸۹ مورخ

۷۴/۶/۲۶ اشعار می‌دارد:

«موضوع به اصول قانون اساسی مربوط نمی‌شود ضمناً متذکر می‌گردد چنانچه مقصود تفسیر قانون اساسی باشد با توجه به آئین‌نامه داخلی شورای نگهبان از طریق ریاست محترم قوه مجریه قابل اقدام است».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

احمد علیزاده

سؤال در خصوص اینکه آیا قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب شورای انقلاب با قانون اساسی مغایرت دارد یا خیر

شماره: ۷/۲۹۷۶

تاریخ: ۱۳۷۷/۴/۱۶

شورای محترم نگهبان

با اهداء سلام و تحیات

همانطور که استحضار دارند قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری قبل از تصویب اصول قانون اساسی، در تاریخ آبان ماه ۵۸ به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسیده است و به نظر می‌رسد بعضی از مواد آن از قبیل ماده‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ با اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۱۵۶ و ۱۵۷ و شرع مغایرت دارد و متأسفانه علیرغم تلاش مسئولین محترم دادگستری، برای طرح اصلاحیه قانون مذکور در مجلس تاکنون توفیقی حاصل نگردیده است.

اجرای این قانون به کیفیت موجود در عمل مشکلاتی ایجاد نموده و در پاره‌ای از موارد تصمیمات کمیسیون شکایات یا مرجع انتظامی به خاطر عدم دخالت قوه قضائیه منجر به تضییع حقوق اشخاص می‌شود و از طرفی تفویض اختیارات قوه قضائیه به ویژه در مواردی که با حقوق افراد جامعه مرتبط است به بخش خصوصی به مصلحت نظام نبوده و برخلاف اصل حاکمیت دولت است و همچنین امور کارشناسی و نظریه کارشناس در تصمیمات و آرای محاکم مؤثر می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمائید مواد آن را با اصول قانون اساسی تطبیق نموده و موارد مغایر آن را با قانون اساسی و شرع مشخص و نتیجه را اعلام دارند.

مدیر کل امور قضائی قوه قضائیه

علی قهرمانی

شماره: ۷۷/۲۱/۳۹۰۱

تاریخ: ۱۳۷۷/۹/۱۸

جناب آقای علی قهرمانی

مدیر کل امور قضائی قوه قضائیه

با سلام عطف به نامه شماره ۷/۲۹۷۶ مورخ ۷۷/۴/۱۶:

نامه مذکور در جلسات متعدد شورا مطرح و قانون استقلال کارشناسان رسمی دادگستری (مصوب آبان ۱۳۵۸ شورای انقلاب) رسیدگی و نتیجه به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- «۱- ممکن است موادی از این قانون خلاف قانون اساسی باشد، لکن اظهار نظر در مورد خلاف قانون اساسی بودن قوانین گذشته از صلاحیت شورای نگهبان خارج است.
- ۲- در قانون مزبور به موردی که خلاف شرع شناخته شود برخورد نشد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

درخواست توضیح در خصوص علل عدم رد صلاحیت نامزدهای عضویت در مجلس خبرگان رهبری به همراه نظریه شورای نگهبان در این زمینه (با توجه به حدود و اختیارات ریاست جمهوری مصرح در اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی)

شماره: ۷۷-۳۲۴

تاریخ: ۱۳۷۷/۸/۲۵

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

آقای محسن کدیور داوطلب نمایندگی دوره سوم مجلس خبرگان از حوزه انتخابیه تهران طی شکوائیه‌ای به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مدعی شده است اعلام رد صلاحیت او و ترتیب اثر ندادن به اعتراض وی از سوی شورای نگهبان موجب تضییع حق اجتماعی وی که مورد حمایت قانون اساسی است شده است، خاصه اینکه شورای محترم نگهبان حاضر نشده کتباً دلایل رد صلاحیت نامبرده را اعلام دارد، نظر به اینکه شورای محترم نگهبان خود حافظ و مفسر قانون اساسی است و طبعاً بیش از همه خود را حافظ اصول و معیارهای قانون اساسی می‌داند و نسبت به رفع هرگونه شائبه بی‌توجهی به قانون اساسی و یا قوانین عادی و حتی مقتضیات عقلی و منطقی که مآلاً به نقض قانون اساسی منتهی می‌شود حساس است و با عنایت به اینکه مستفاد از تبصره ۲ ماده ۱۶ آئین‌نامه اجرایی انتخابات مجلس خبرگان که به داوطلب رد صلاحیت شده، حق اعتراض می‌دهد این است که باید داوطلب از دلایل و جهات رد صلاحیت خود آگاه شود تا بتواند اعتراض خود را مستدلاً اعلام دارد و الا صرف اعلام اعتراض بدون دلیل طبعاً پی‌آمدهی جز رد اعتراض نخواهد داشت و اعتراض مستدل نیز مستلزم اطلاع داشتن از دلایل و مبانی رد صلاحیت است، به نظر می‌رسد اعلام مستدل و مستند رد صلاحیت داوطلب قدر متیقن در صورت درخواست وی لازم باشد، با توجه به ماده ۱۳ قانون حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری که به رئیس جمهور اختیار داده شده است در جهت حفظ قانون اساسی از مراجع مختلف در درجه

اول کسب اطلاع و اخذ توضیح نماید. خواهشمند است دستور فرمائید توضیحات لازم در زمینه تصمیم فوق‌الذکر برای این هیأت اعلام گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره: ۷۷/۲۱/۳۸۸۲

تاریخ: ۱۳۷۷/۹/۱۱

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم ریاست جمهوری

بعد از سلام - عطف به نامه شماره ۷۷-۳۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۸/۲۵ مفاد آن نامه در جلسه مورخ ۷۷/۹/۱۱ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«علاوه بر اینکه مستفاد از اصل ۱۱۳ قانون اساسی این نیست که رئیس محترم جمهوری بتواند در مصادیق و جزئیات وظایف و اختیارات مسئولین مختلف نظام دخالت کند و بناءً علیه رسیدگی جزئی به موضوع صلاحیت نامزدهای عضویت در مجلس خبرگان رهبری از حدود و اختیارات ریاست جمهوری خارج است و در صورت لزوم شورای نگهبان اقدام به تفسیر آن اصل خواهد کرد.

باید متذکر شویم که رسیدگی به صلاحیت نامزدها براساس تصویب مجلس خبرگان رهبری جزء وظایف فقهاء شورای نگهبان قرار داده شده است و هیچ ارتباطی به شورای نگهبان ندارد و لازم است در مکتوبات رعایت این دقایق به عمل آید».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

شماره: ۷۷-۴۰۲

تاریخ: ۱۳۷۷/۹/۲۴

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و آرزوی توفیق

عطف به نامه شماره ۷۷/۲۱/۳۸۸۲ مورخ ۷۷/۹/۱۱، مفاد مرقومه شریفه در جلسه

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مطرح و مورد بحث قرار گرفت، در رابطه با قسمت ذیل نامه همانطور که یادآوری فرمودید هیأت نیز متذکر است که طبق قانون مصوب مجلس خبرگان تشخیص صلاحیت نامزدهای مجلس خبرگان با فقهای شورای نگهبان است و در نامه هیأت نیز مطلبی که دال برخلاف این مطلب باشد وجود ندارد و اگر در عنوان نامه به حضرتعالی به عنوان دبیر محترم شورای نگهبان خطاب شده است بدین جهت است که دبیر شورای نگهبان اگر از فقها باشد، دبیر فقهای شورای نگهبان نیز محسوب می‌شود به علاوه طبق اصل ۹۹ قانون اساسی و مصوبات اولین فقهای شورای نگهبان و مجلس خبرگان، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان با شورای نگهبان است، بنابراین مکاتبه در این زمینه به عنوان دبیر محترم شورای نگهبان به نظر نمی‌رسد ایرادی داشته باشد و اما در رابطه با قسمت اول و در ارتباط با وظیفه رئیس جمهور همانطور که مرقوم فرمودید و ما نیز معتقدیم، رئیس جمهور نمی‌تواند در وظایف و اختیارات مربوط به مسئولین دیگر دخالت کند ولی ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ که به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده، مقرر می‌دارد: «به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد.» به نظر هیأت، کسب اطلاع و اخذ توضیح، از دستگاهها و مقامات که حداقل اقدامات رئیس جمهور در زمینه وظیفه محوله از سوی قانون اساسی و قانون عادی فوق‌الذکر می‌باشد، دخالتی در وظایف و مسئولیت دیگران محسوب نمی‌گردد مخصوصاً با توجه به سوابق مذاکرات و اظهارنظرها در هنگام تصویب قانون یاد شده در مجلس و تأکید شورای محترم نگهبان که نباید رئیس جمهور را محدود و اقداماتش را محصور نمود، بلکه باید به هر نحو، مقتضی و لازم می‌داند اقدام نماید که براساس همین رهنمون شواری نگهبان در ماده ۱۳ و ۱۴ عنوان عام اقدامات لازم و اقدام به نحو مقتضی گنجانده شده است. طبعاً هرگونه نظر ارشادی و یا قانونی که در این زمینه با لحاظ همه جوانب ارائه

فرمائید برای این هیأت که هدفی جز کمک به رئیس جمهور در اجرای بهتر قانون اساسی ندارد، مغتنم و مورد استفاده خواهد بود و چنانچه در اصل موضوع اعلامی در نامه ارسال شده قبلی اعلام نظر نموده و توضیحات لازم را ارائه فرمائید سپاسگزار خواهیم بود.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره: ۷۷/۲۱/۳۹۸۱

تاریخ: ۱۳۷۷/۱۰/۳

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رئیس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۷۷-۴۰۲/م مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۴ و پیرو نامه شماره ۷۷/۲۱/۳۸۸۲ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۱:

«چنانچه در نامه قبل اشاره شد اصل ۱۱۳ هیچگونه ربطی به اجراء یا عدم اجرای قوانین عادی ندارد، تنها مربوط به این است که اصلی از قانون اساسی به کلی زمین مانده باشد مثل اصل هشتم^(۱) درباره امر به معروف و نهی از منکر که هیچکس در این فریضه بی‌بدیل احساس وظیفه نمی‌کند یا در اثناء (اجراء) متوقف شده باشد، همین تعبیر در شرح وظایف رئیس جمهور در قانون مصوب مجلس هم آمده، اما قوانین عادی هر کدام خاصی دارد و کیفیت اجراء و چگونگی برخورد با متخلف هم در خود قانونهای عادی مشخص شده، البته هر قانون عادی و هر موضوع جزئی را می‌توان به یکی از اصول قانون اساسی ارجاع کرد آن هم با آن سعه صدر شما که معتقدید که مقتضیات عقلی و منطقی که مآلاً به نقض قانون اساسی منتهی می‌شود مشمول اصل ۱۱۳ می‌باشد تا آنجا که نوبت به سؤال از شورای نگهبان و فقهای شورا بر سر یک

(۱) اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

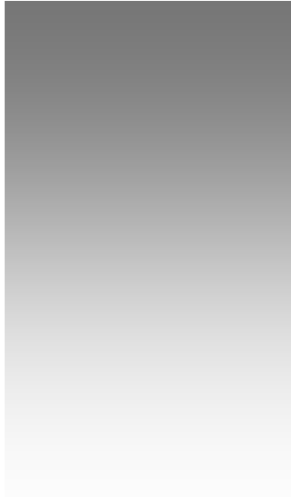
«والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر». (قسمتی از آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه).

مسأله جزئی می‌رسد. بهتر است قدری دقت فرمائید و سایر اصول قانون اساسی و مفاد همین اصل ۱۱۳ و نیز قوانین عادی و وظایف قوای سه‌گانه را با نظر کارشناسی بررسی فرمائید که مشکلات جدیدی بر مشکلات انبوه موجود نیافزاید، جنابعالی از اظهارنظرهای شورا در امر بازرسی ریاست جمهوری و مکاتباتی که در این زمینه با مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری ایشان و سپس با جناب آقای هاشمی رفسنجانی داشته بی‌اطلاع نیستید، مناسب است آن نامه‌ها را به دقت ملاحظه فرمائید.^(۱) خداوند همه ما را مخصوصاً در این ماه شریف^(۱) مشمول عنايات خاصه خود قرار دهد. و توفیق خدمت به اسلام و مسلمین عطا فرماید.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

(۱) منظور «ماه مبارک رمضان» می‌باشد.



فصل پنجم

تذکرات

قانونی و ارشادی

در فصل پایانی به مواردی اشاره شده که به نظر می‌رسد شورای نگهبان با توجه به وظیفه قانونی و شرعی که بر عهده خویش می‌دانسته همچنین بنا به دلایل ذیل به مسئولان عالی رتبه نظام، به صورت مستقیم و غیر مستقیم تذکراتی داده است:

- به نوعی با وظایف شورا مرتبط بوده است. (مانند تأیید یا رد مصوبات مجلس شورای اسلامی).

- مطلب، گفتار یا مصوبه‌ای را با اصل یا برخی اصول قانون اساسی مغایر تشخیص داده و در این زمینه مطلبی را متذکر شده است.



تذکر ارشادی به نخست وزیر وقت مبنی بر ارائه لوایح مطابق با موازین اسلام جهت رفع نیازهای جامعه به مجلس شورای اسلامی

شماره: ۱۷۵

تاریخ: ۱۳۵۹/۶/۲۰

برادر محمد علی رجائی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

شورای نگهبان به دولت شما که مورد اعتماد مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است تبریک می گوید.

از دولتی که به نام اسلام برگزیده شده انتظار فراوان است. اولین انتظار ما این است که دولت و نهادهای انقلابی حافظ دستاوردهای انقلاب خود و مجری قانون اساسی جمهوری اسلامی باشند زیرا اسلام حکومت قانون است. قانونی که خداوند برای بشر مقرر کرده است بنابراین کسانی که از آن سرپیچی کنند از فرمان خداوند بیرون رفته اند و باید با قاطعیت با آنها رفتار کرد تا اجرای احکام اسلام ضمانت داشته باشد. و این همان است که امام امت ادام الله ظلّه بارها بر آن تأکید فرموده و عمل به قانون را وظیفه شرعی مردم دانسته اند.

مردم انتظار دارند که همه قوای مملکت امنیت آنان را محفوظ دارند و حریم مسلمانان را که احترام به آن از ضروریات اسلام است محترم شمرند. آنچه که به نظر شورای نگهبان ضرورت دارد ذکر شود این است که در اولین مرحله به اتکاء اسلام، انقلاب ما موفق شد رژیم ستمگر و متکی به بیگانه را براندازد. اما اکنون مهم این است که مردم ما که با تحول خود از شهادت استقبال می کنند با گسترش انقلاب فرهنگی؛ پیامبر گرامی اسلام برای آنها نمونه عملی گردد (لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه).

ما امیدواریم دولت شما موفق گردد لوایحی که بر طبق موازین اسلام نیازهای جامعه را مرتفع سازد به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و پس از تصویب بر اجرای آن نظارت دقیق و مستمر نماید و در سایه اجرای این قوانین است که جامعه ما نمونه ای خواهد شد که جهانیان به آن تأسی کنند (و کذا لک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً) و انقلاب جهانی در سایه اسلام تحقق یابد و بدانید که

دولت شما وظیفه بسیار سنگینی را نه در این کشور بلکه در جهان به عهده گرفته است و همه جهانیان و خصوصاً مسلمانان به آن چشم دوخته‌اند. و ما با اشتیاق تمام انتظار داریم که در این مسئولیت عظیم توفیق یابید (ثم جعلناکم خلائف فی الارض من بعدهم لننظر کیف تعملون).

از طرف شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تذکره ارشادی به ریاست جمهوری وقت در خصوص اجرای قانون اساسی

تاریخ: آذر ماه ۱۳۶۰

حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه‌ای

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران «دامت افاضاته»

با عرض سلام و مسئلت مزید و توفیقات جنابعالی نظر به مسئولیت خطیری که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی در اجراء قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به عهده دارید و نظر به اهمیت و تأثیری که اجراء قانون اساسی و استقرار جمهوری اسلامی و جلب اعتماد عموم و آسیب‌ناپذیری نظام از خطرات احتمالی فعلی و مخصوصاً آینده دارد و با توجه به اینکه بیش از دو سال از تصویب قانون اساسی گذشته و هنوز جریان امور کشور خصوصاً قوه مجریه با قانون اساسی تطبیق کامل نیافته است اینجانبان (اعضای شورای نگهبان) با جلب توجه جنابعالی به نکات ذیل انتظار داریم در اجراء اصول قانون اساسی بالخصوص اصولی که با قوه ارتباط دارد که جنابعالی در رأس آن قرار دارید اقدامات لازم را بفرمائید:

به نظر شورای نگهبان، قانون اساسی نقشه کلی و کل نقشه امور کشور است که کلیه نهادها و ارگانها و بنیادها و سازمانها و شوراها و ادارات و هر جریانی که معمولاً در اختیار حکومتها و نظامات قرار دارد باید با قانون اساسی منطبق باشد و در همان محدوده‌ای که قانون اساسی تعیین کرده شکل بگیرند و چنانچه در خارج از آن باشند هر چند با دولت هماهنگی کنند قانونی نخواهند بود.

بنابراین در ارتباط با قوه مجریه و امور اجرایی غیر از وزارتخانه‌ها و نهادهای مذکور در قانون اساسی سازمانها و نهادهایی که قبل از انقلاب وجود داشته یا بعد از انقلاب به وجود آمده باشند در صورتی که از بودجه دولت استفاده می‌نمایند یا اموال عمومی را که از ید غاصبان استفاذه شده در اختیار دارند باید یا حذف شوند و یا در صورت لزوم ادامه کار آنها یا به وزارتخانه‌ای که مناسب باشد ضمیمه شود و یا اگر ضرورت دارد وزارتخانه‌ای برای آنها تأسیس گردد که به هر صورت داخل در دولت و قوه مجریه و تشکل وزارتخانه مستقل یا اداره وزارتخانه تحت ریاست رئیس جمهوری اسلامی باشند در حال حاضر بسیاری از نارساییها و بلکه نگرانیها و نارضایتیها از عدم تمرکز نهادهای بعد از انقلاب در قانون اساسی و استقلال آنها از دولت و تشکیل ستادها و هیأت‌های اجرایی به صورت غیر قانونی است، البته این به معنی آن نیست که

نهادهای انقلابی بد عمل کرده‌اند یا وجودشان در آینده و جزء تشکیلات کل قوه مجریه لازم نیست، و یا اینکه افرادی که در رأس آنها قرار گرفته‌اند شایستگی لازم را ندارند بلکه مقصود این است که هر کدام از این نهادها و سازمانها که از برکت انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند با توجه به نقشی که در پیشبرد انقلاب داشته‌اند اصالت قانونی یافته و هم ادامه کار آنها تضمین شود و هم مستقیماً تحت نظر وزیر مربوط و دولت قرار بگیرند و در نهایت مثل سایر وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه آنها مسئول مجلس شورای اسلامی باشند و احیاناً هم خود سرانه یا بدون ضابطه قانونی اقدام نشود و برای خودشان و مردم سردرگمی ایجاد نکنند و قانون اساسی معیار بازسازی کشور شود و همه نسبت به آن احساس مسئولیت و تعهد نمایند و بالاخره نظام جمهوری اسلامی مستحکم شده و در معرض تزلزل قرار نگیرد، بدیهی است نظری که آقای نخست وزیر اعلام کرده‌اند که جهت هماهنگ شدن نهادها با دولت معاونی معین نمایند مفهومش وجود نهادهایی اجرایی در خارج از دولت و قوه مجریه است و با قانون اساسی مغایرت دارد مگر اینکه مقصود این باشد که معاون مذکور مطالعات لازم را برای حذف یا اثبات نهادها به صورت ادغام در وزارتخانه‌ها یا تأسیس وزارتخانه جدید و مستقل انجام دهد، سازمانهایی که تحت نظر نخست وزیر یا وزیر مشاور است نیز باید حذف شود و یا مستقلاً وزارتخانه‌ای پیدا کند و یا به صورتی یکی از ادارات تابعه وزارتخانه‌ها درآید.

به نظر می‌رسد این نکات به وضوح از قانون اساسی استفاده می‌شود:

اولاً از اصل ۶۰ استفاده می‌شود، اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا است چنانچه یک سازمان یا نهاد مستقل باشد و از غیر این طریق وارد عملیات اجرایی شود با این اصل مغایرت دارد و چنانچه یک سازمان یا نهاد را نمی‌توان جزء سازمان ریاست جمهوری قرارداد، جزء سازمان نخست وزیری نیز قرار داده نمی‌شود و با مفهوم این دو سازمان مغایرت دارد و مثل این است که سازمان خط آهن یا آب رسانی را ضمیمه وزارت دادگستری سازند، مفهوم اصل ۶۰ این است که در اعمال قوه مجریه رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا به ترتیب دخالت دارند، رئیس جمهور با پیشنهاد نخست وزیر و تصویب وزرا و دستور اجراء قانون و سایر وظایف مقرر در قانون اساسی دخالت خود را اعمال می‌نمایند و نخست وزیر با پیشنهاد وزرا به رئیس جمهور و مجلس و انجام سایر وظایف مقرر در اعمال قوه مجریه دخالت می‌کند.

و ثانیاً از اصل ۱۳۴ استفاده می‌شود که نخست وزیر با همکاری وزیران برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می‌نماید، بنابراین ضمیمه شدن یک نهاد یا سازمان به نخست وزیری و قرار گرفتن آن در تحت نظر مستقیم نخست وزیر بدون همکاری وزیران و بدون بودن آنها در جریان اجراء قانون با اصل ۱۳۴ مغایرت دارد.

ثالثاً در اصل ۸۸ پیش‌بینی شده که هر نماینده‌ای می‌تواند در هر مورد از وزیر مسئول آن سؤال نماید و مسئله سؤال از نخست وزیر مطرح نیست و این پیش‌بینی برای این است که نماینده بتواند درباره تمام امور اجرایی از وزیر مسئول آن سؤال نماید، و اگر بنا باشد سازمانها و نهادها مستقل باشند یا تحت نظر نخست وزیر یا در نخست وزیری ادغام و بخش مهم امور اجرایی بدون گذشتن از کانال وزرا به اجراء برسد سؤال از این‌گونه امور برای نماینده امکان قانونی نخواهد داشت.

رابعاً از اصل ۱۳۳ استفاده می‌شود که مسئولین سازمانهای مختلف و مستقل اجرایی و دولتی وزرا می‌باشند و باید به تصویب رئیس جمهور معین و از مجلس رأی اعتماد بگیرند در حالی که اگر سازمانی تحت نظر نخست وزیری قرار گرفت و مثلاً گفته شد سازمان اوقاف یا شورای عالی قضائی یا مخابرات تحت نظر نخست وزیری است نخست وزیر بدون تصویب رئیس جمهور و رأی اعتماد مجلس برای آن رئیس معین خواهد نمود و بالاخره اگر این وضعیت را قانونی فرض کنیم باید ادغام بسیاری از وزارتخانه‌ها را در نخست وزیری قانونی بدانیم در حالی که از اصول متعدد مبحث نخست وزیر و وزرا مثل اصل ۱۳۳-۱۳۴-۱۳۶-۱۳۷ کاملاً معلوم می‌شود که نخست وزیر باید کارهای اجرایی را از طریق وزرا که حتی عزل و نصب یک نفر از آنها باید با تصویب رئیس جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس اعتماد بگیرد انجام دهد، بدیهی است که اگر سازمانی حتی از نخست وزیری مستقل باشد به طریق اولی وضعیتش مغایر با این اصول می‌باشد.

خامساً اصل ۱۴۱ نیز در تطبیق سازمانها با قانون اساسی باید کاملاً ملاحظه و رعایت شود که اگر سازمانی بدون اینکه ضمیمه وزارتخانه‌ای شود تحت نظر وزیر آن وزارتخانه قرار بگیرد که شخص واحد وزیر ... و رئیس ... باشد با اصل ۱۴۱ مغایر می‌باشد و بنابراین حتی قراردادن سازمانی تحت نظر وزیر مشاور مغایر با قانون اساسی است زیرا اگر وزیر مشاور شغل است یا ریاست یک سازمان یا بیشتر اشکال دو شغلی

پیش می‌آید و اگر شغل نیست چرا وزرا مشاور از بیت المال حقوق دریافت می‌نمایند. در خاتمه با تذکر به این نکات و اعتماد به بیش و آگاهی جنابعالی انتظار این است که ترتیبی داده شود که کلیه سازمانها و نهادها و شوراها و انجمن‌ها با قانون اساسی تطبیق یابند تا همه سازمانها در حد واحد تحت نظر وزرا مسئول قرار گرفته و امکان نظارت مجلس بر همه امور فراهم شود و هم برای دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور نیز طبق اصول ۱۷۳^(۱) و ۱۷۴ امکان رسیدگی به تظلمات در همه موارد و نظارت بر حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین فراهم باشد و حدود مداخلات و مسئولیت‌ها مشخص شود و ضمناً از این تاریخ به بعد هم از تأسیس سازمانها و هیأت‌ها و شوراها در خارج از محدوده قانون اساسی و بدون مجوز قانونی جلوگیری به عمل آید. یقیناً با توجه به این نکات، بسیاری از مشکلات مهم و نارضایتی‌ها مرتفع شده و کشور در مسیر ثبات و قانونی شدن جریانها گامهای بیشتر و بلندتر برخواهد داشت.^(۲)

والله ولی التوفیق، والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

لطف‌الله صافی - غلامرضا رضوانی - عبدالرحیم ربانی شیرازی
ابوالقاسم خزعلی - علی آراد - مهدی هادوی

(۱) اصل یکصد و هفتاد و سوم (قبل از بازنگری): به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

* اصل یکصد و هفتاد و سوم (بعد از بازنگری): به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.

حدود و اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

(۲) لازم به ذکر است که ریاست محترم جمهوری وقت طی نامه‌ای به شماره ۱۰۰۹/م مورخ ۱۳۶۰/۹/۲۳ خطاب به آیت‌الله آقای شیخ لطف‌الله صافی (دبیر محترم وقت شورای نگهبان) چنین مرقوم نمودند:

«نامه جنابعالی و حضرات حجج و آیات آقایان ربانی شیرازی، خزعلی، رضوانی و جناب آقای آراد و جناب آقای مهدی هادوی درباره سرنوشت نهادها و سازمان‌های مستقل یا وابسته به نخست وزیری و وزارت مشاورت، و اظهار نظر در نحوه عمل منطبق با قانون اساسی نسبت به این دستگاهها، ملاحظه شد.

با سپاس از راهنمایی و تذکر آن ذوات محترم، نامه مزبور عیناً جهت بررسی و اظهار نظر به مشاوران و مسئولان ارائه شد.»

۳

تذکر به ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در خصوص درج موضوع تفویض اختیار و آزمایشی بودن و مدت اجرای آن در مصوبات (موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی)

شماره: ۴۱۶۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۱۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

در مواردی که بر طبق اصل ۸۵ قانون اساسی قانونی به وسیله کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی وضع و به صورت آزمایشی اجراء می شود مقتضی است که در مصوبه کمیسیون که برای اجراء ابلاغ می شود، موضوع تفویض اختیار و آزمایشی بودن و مدت آزمایش قید شود تا با درج در روزنامه رسمی همگان از آن اطلاع حاصل نمایند.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز در پاسخ چنین مرقوم داشت:

شماره: ۱۸۳۲-ق

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۲۱

شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره ۴۱۶۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۷ به اطلاع می رساند:

تاکنون موضوع تفویض اختیار مجلس شورای اسلامی به کمیسیون و مدت زمان اجرای آن به صورت آزمایشی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در متن مراسله که پس از تأیید مصوبات توسط آن شورای محترم به عنوان جناب آقای رئیس جمهور، صادر می شود ذکر شده و در ذیل کلیه مصوبات اشاره به تصویب کمیسیون طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، تاریخ تصویب آن، تأیید شورای محترم نگهبان و مدت زمان اجرای آن به صورت آزمایشی قید گردیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

نظریه و تذکر در خصوص طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی^(۱)

تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۲۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵۰۴۱/ق مورخ ۱۳۶۲/۷/۱۹:

طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- مستفاد از اصل ۹۸ قانون اساسی این است که در موارد اختلاف نظر در مفاد قانون اساسی چنانچه در اثر اختلاف نظر در مفاد اصلی از اصول برای مقامات و اشخاصی که در ارتباط با آن می‌باشند،

بن‌بست عملی ایجاد شده باشد به طوری که رفع بن‌بست متوقف بر کسب نظر مستقیم از شورای نگهبان باشد، شورای نگهبان در صورت تشخیص اجمال اصل، آن را تفسیر می‌نماید ولی اگر موضوع مورد اختلاف در مسیر بررسی و تصویب مجلس شورای اسلامی و مآلاً شورای نگهبان باشد، تقاضای تفسیر از سوی یک جمعی از نمایندگان یا افراد و مقامات دیگر مورد ندارد، هر یک از نمایندگان طبق برداشت خود از قانون اساسی رأی می‌دهد و یا هیأت دولت لایحه مورد نظر را مطابق برداشت خود از قانون اساسی تنظیم می‌نماید و سرانجام چنانچه لایحه یا طرح تصویب شد، شورای نگهبان نظر خود را اعلام می‌دارد».

«۲- در مواردی که تفسیر به عنوان الغاء خصوصیت و یا توسعه و تضییق موضوع مذکور در اصلی از اصول قانون اساسی باشد، در صورتی که احتیاج مبرم کشور به تفسیر احساس

(۱) طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۷:

«ماده واحده - در اجرای اصل نود و هشتم قانون اساسی هر کدام از نمایندگان حق دارد از طریق رئیس مجلس تقاضای تفسیر هر یک از اصول قانون اساسی را بنماید.

رئیس مجلس پس از اعلام وصول این تقاضا در اولین جلسه علنی بلافاصله آن را به شورای نگهبان منعکس می‌نماید. شورای نگهبان حداکثر ظرف مدت یک ماه تفسیر اصل یا اصول مزبور را رسماً به مجلس اعلام می‌نماید. متن پاسخ بلافاصله طبع و توزیع و بدون مذاکره در اولین جلسه علنی توسط رئیس یا یکی از منشی‌ها قرائت می‌گردد.

تبصره - شورای نگهبان رونوشتی از تفسیر اصول قانون اساسی را که بنا به درخواست قوه مجریه و قوه قضائیه به عمل می‌آید به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌دارد.

رئیس مجلس پس از دریافت تفسیر به ترتیبی که در ماده فوق بیان شد، آن را در اختیار مجلس خواهد گذاشت».

شود، و شورای نگهبان این احتیاج را تشخیص داد، اصل مورد نظر را تفسیر خواهد نمود». بنابراین طرح قانونی مرقوم که به طور مطلق اشعار می‌دارد هر وقت هر نماینده‌ای به هرگونه، تفسیر اصلی را خواست می‌تواند از طریق رئیس مجلس از شورای نگهبان بخواهد و شورا را مکلف نموده در مدت معینی پاسخ تفسیری دهد، مغایر قانون اساسی است.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تذکر ارشادی به رئیس جمهوری وقت مبنی بر اجرای اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی

شماره: ۱۵۷۳

تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۲۳

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در آغاز جلسه امروز ۲۳ مرداد مجلس شورای اسلامی^(۱) در رابطه با قانون اساسی و

(۱) آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر وقت طی نامه‌ای که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۶ مجلس شورای اسلامی قرائت شد جهت هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد نمود. یکی از وزرا پیشنهادی نخست وزیر وزیر مشاور در امور اجرایی بود که آقای زواره‌ای (نماینده مردم تهران) با توجه به نظریه شماره ۱۰۱۸۴ مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۹ شورای نگهبان مبنی بر مغایرت تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور با قانون اساسی (به صفحه ۱۲۴ همین مجموعه مراجعه نمائید) مطالبی را در جلسه ۱۳۶۲/۵/۲۳ مجلس عنوان نمود که در پی آن مرحوم آیت الله ربانی املشی (نماینده مردم تهران) توضیحاتی ارائه نمود که مورد اعتراض ریاست وقت مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. لذا جهت تنویر افکار عمومی و ثبت در تاریخ عین متن مورد اشاره از جلد اول مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (دوره دوم قانونگذاری) استخراج و ذیلاً از نظر گرامیتان می‌گذارد:

- ادامه بحث پیرامون تقاضای دولت مبنی بر گرفتن رأی اعتماد از مجلس و رأی اعتماد مجلس به آقایان: سید محمد خاتمی، غرضی، بهزاد نبوی، نژاد حسینیان، غفوری فرد، جعفری، علی اکبر ناطق نوری، دکتر ولایتی، سرحدی زاده، نمازی، نیلی، زنگنه، رفیق دوست، زالی، مرتضی نبوی.

رئیس - بسم الله الرحمن الرحیم، امروز وقت از وزرا است که از مطالبی که علیه آنها گفته شده دفاع کنند. ما از دو نفر آقایان منشی‌ها خواسته بودیم که با دقت اظهارات نمایندگان را که علیه وزرا می‌شود اندازه‌اش را تنظیم کنند و تنظیم کرده‌اند. حالا ممکن است یکی، دو دقیقه کم و زیاد باشد که این اهمیتی ندارد ولی با دقت انجام شده که من عرض می‌کنم:

آقای غرضی ۱۴ دقیقه.	آقای منافی ۱۴ دقیقه.	آقای آقازاده نیم دقیقه.
آقای ناطق نوری ۱۲ دقیقه.	آقای بهزاد نبوی ۱۵ دقیقه.	آقای رفیق دوست ۱/۵ دقیقه.
آقای نجفی ۴ دقیقه.	آقای هاشمی ۵ دقیقه.	آقای دکتر نمازی ۵/۵ دقیقه.
آقای دکتر زالی ۱۱ دقیقه.	آقای سلیمی ۴ دقیقه.	آقای جعفری ۷/۵ دقیقه.
آقای پرورش ۱۶ دقیقه.	آقای نیلی ۱۰ دقیقه.	آقای ولایتی ۹ دقیقه.
آقای مرتضی نبوی ۲ دقیقه.	آقای نژاد حسینیان ۳ دقیقه.	آقای دکتر بانکی ۱ دقیقه.

این مقدار اولی است و طبق آئین‌نامه یک مقابل این هم اضافه می‌شود یعنی دو برابر این اوقاتی که من قرائت کردم آقایان وقت دارند ضمناً ۲۲ دقیقه هم هست که کلیات است. مثل اظهارات آقای نادری و دیگران که یا به کل هیأت دولت برمی‌گشته و یا مقدمه بوده. اینها را هم هنوز وضعمان روشن نیست و قاعدتاً باید بخشی از آن را به آقای نخست وزیر بدهیم که از کل دفاع بکنند منتها در آئین‌نامه اسم آقای نخست وزیر نیامده یا یک جوری تقسیم کنیم بین همین آقایان وزرا فعلاً ما به همین ترتیبی که یادداشت شده از آقایان دعوت کنیم که دفاع بفرمایند. آقای مهندس ←

→ غرضی اولین کسی بود که در موردشان صحبت شد ۲۸ دقیقه وقت دارند که حالا دو دقیقه هم از آن مقدمه بگیرند و نیم ساعت ایشان وقت دارند. (منشی - آقای غرضی در جلسه حضور ندارند) اگر آقای غرضی نیستند نفر بعدی آقای دکتر منافی بفرمائید. (منشی - آقای دکتر منافی هم در جلسه نیستند) (همه‌همه نمایندگان).

یکی از نمایندگان - بهتر است آقای آقازاده یک دقیقه صحبت کنند.

رئیس - کاش گذاشته بودید که ما از طرفشان دفاع کنیم راحت‌تر بودند همین جا می‌نشستند گوش می‌دادند. آقای آقازاده نیم دقیقه که چیزی نیست که حالا صحبت کنند پس با این حساب نفر سوم آقای ناطق نوری هستند.

یکی از نمایندگان - آقای آقازاده آمدند.

رئیس - بفرمائید، آقای آقازاده یک دقیقه برای دفاع وقت دارید (خنده نمایندگان).

موحدی ساوجی - من تذکر دارم.

آقازاده - بسم الله الرحمن الرحيم.

رئیس - آقای آقازاده اجازه بدهید آقای موحدی تذکرشان را بدهند.

موحدی ساوجی - تذکر بنده این است که این مقداری که وقت خاص در مخالفت با هر وزیر صحبت شده با آن مقدار از وقت مشترک که تقسیم می‌شود بین وزرا و به هر وزیری یک سهمی خواهد رسید. این را با هم جمع بکنید چون در جمع یک دقیقه بیشتر می‌شود.

رئیس - جمع کردیم. شما اگر گوش می‌دادید تذکر نمی‌دادید من گفتم از ۲۲ دقیقه ...

موحدی - شما می‌فرمائید ایشان یک دقیقه صحبت کنند.

رئیس - ... فقط وقت مطلق داریم که بخشی از آن مربوط به آقای نخست وزیر است ما فرض کردیم که ۲۲ دقیقه هم باقی بماند تقسیم کنیم بین آقایان نفری یک دقیقه به آنها می‌رسد اگر اضافه کنیم.

وزیر دارائی - آقای هاشمی مخالف چه قدر صحبت کرد؟

رئیس - مخالف ۱۵۸ دقیقه با اضافاتش (وزیر دارائی - دقایقی که شما جمع کردید باید دو برابر باشد) یعنی دو برابر می‌شود ۳۰۰ دقیقه ما حالا می‌خواهیم دو برابر به شما بدهیم. دقایق مساوی است و ما یک برابر هم به آن اضافه می‌کنیم و می‌شود دو برابر.

نیک روش - وضع این وزرای مشاور چگونه است؟ در دستور نیستند.

رئیس - آن را جداگانه بحث می‌کنیم چرا در دستور هم هستند.

زواره‌ای - اخطار قانون اساسی دارم.

رئیس - آقای زواره‌ای اخطار قانون اساسی دارند خدا کند حرف حسابی داشته باشند، اما اخطارهای خوب را قبول می‌کنیم. اگر می‌خواهید وزیر مشاور را بگویید بحث جداگانه‌ای دارد. اگر می‌خواهید هم الآن بحث بشود (زواره‌ای - بله الآن بحث شود) بسیار خوب چون وزرا هم حاضر نیستند بگذارید الآن بحث بشود. آقای زواره‌ای اخطار قانون اساسی‌شان را می‌گویند من هم دفاع می‌کنم.

زواره‌ای - بسم الله الرحمن الرحيم، اصل ۱۳۳: وزرا به پیشنهاد نخست وزیر و تصویب رئیس‌جمهور معین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. تعداد وزیران (این قسمت مورد نظر است) و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

در رابطه با برادرمان آقای آقازاده بنده سئوالی طرح کردم چون به کلیه مجموعه قوانین گذشته و شورای انقلاب که مراجعه کردم دیدم نهادی، تأسیسی به نام وزیر مشاور در امور اجرایی نداریم، هیچ یک از وزرا نمی‌توانند بدون قانون خاص و تعیین حدود اختیارات و وظایف تعیین بشوند. یک وزارتخانه باید اول حدود اختیارات و وظایفش به موجب قانون مشخص بشود، بعد دارای وزیر بشود. وقتی سئوال کردم آقای موسوی خویننی‌ها از طرف مجلس از شورای محترم نگهبان سئوال کرده‌اند. جواب شورای محترم نگهبان به مجلس این است:

←

→ «هر وزیری که طبق قانون (پس اول قانونش باید باشد که در مورد آقای آقازاده قانونی وجود ندارد) و با رأی اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشد طبق اصل ۱۳۷ قانون اساسی در برابر مجلس مسئول است و مطابق اصل ۸۸ می‌توان از او سؤال کرد و تعیین مشاور با معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور جهت عملیات اجرایی مغایر قانون اساسی است».

اصلاً تعیین چنین سمتی مغایر قانون اساسی است (طبق نظر شورای محترم نگهبان) به علاوه ما قانونی برای تشکیل وزارتخانه‌ای به عنوان وزارت مشاور در امور اجرایی نداریم. بنابراین ایشان طبق قانون اساسی سمتی ندارند. رئیس - خیلی خوب، این اخطار آقای زواره‌ای دو قسمت است، یکی اینکه اصلاً قانونی داریم درباره وزیر مشاور در امور اجرایی یا نه. یکی هم آن قسمت اخیر اظهار شورای نگهبان که من آن دومی را صحبت می‌کنم. دکتر شیبانی - آقای هاشمی در مورد سایر وزرا هم قانونی نداریم. بیات - اجازه بفرمائید من یک تذکری بدهم.

رئیس - بفرمائید.

بیات - بسم الله الرحمن الرحيم، اگر برادرمان جناب آقای زواره‌ای عنایت بکنند این اشکال هم در رابطه با وزیر مشاور و سازمان برنامه و بودجه مطرح است، اتفاقاً قانون دارد و در رابطه با بهزیستی هم قانون دارد در این رابطه باز هم قانون دارد. مادامی که آن قانون عادی از طرف مجلس نسخ نشده است به قوت خودش باقی است و نمی‌شود الآن ما بیاییم این مسئله را همین طور دیمی رد بکنیم و در نتیجه ... بنابراین قانون در سرجای خودش باقی است. یکی از نمایندگان - آقای هاشمی حرف شورای نگهبان که دیمی نیست.

زواره‌ای - آقای هاشمی سازمان برنامه قانون دارد ولی چیزی به عنوان وزیر مشاور نداریم.

رئیس - حالا من صحبت می‌کنم اجازه بدهید. این بحث خوبی بود آقای زواره‌ای مطرح کردند امروز هم در یک مقطعی... من فکر می‌کردم قبل از رأی گیری مطرح بشود که مجلس شورای اسلامی تصمیم خودش را بگیرد. این یکی از مسائل بسیار مهم است علیرغم اینکه به نظر کوچک می‌آید. آن نکته دومشان مهمتر است که من روی آن حرف دارم و آقایان هم دقت بفرمائید.

ربانی املشی - آقای هاشمی اگر اجازه بدهید یک مقدار بیشتر نسبت به این مطلب صحبت بشود و موضوع باز بشود و درست در جریان قرار بگیریم بعد جنابعالی جواب بفرمائید.

رئیس - اشکالی ندارد آقای ربانی بیشتر آمادگی دارند. آقای ربانی صحبت کنند، آقای زواره‌ای هم صحبت کردند، خود من هم می‌خواهم صحبت کنم، آقای ربانی هم صحبت کنند بیشتر از این نمی‌شود دو نفر از آن طرف و دو نفر از این طرف صحبت کنند و دیگر تمام بشود و بعد از صحبت‌ها هم مجلس خودش تصمیم می‌گیرد آقای ربانی بفرمائید. ربانی - بسم الله الرحمن الرحيم، مسئله‌ای را که آقای زواره‌ای هم مطرح کردند دیروز با آقای هاشمی در این زمینه بحث مفصلی کردیم ولی متأسفانه نتوانستیم به یک نتیجه قطعی برسیم و ناگزیر شدیم که امروز باز دو مرتبه در مجلس این مسئله را مطرح کنیم. از نظر شورای نگهبان این مسئله قطعی است که وزیر مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر اصلاً از نظر قانون اساسی صحیح نیست.

طبق اصل ۸۸ و ۱۳۷ وزیر یعنی مسئول اجرایی. طبق این دو اصل که عرض کردم اصل ۸۸ و ۱۳۷ وزیر یعنی مسئول اجرایی که باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در مقابل مجلس هم مسئول باشد. اما وزیری را که به عنوان مشاور باشد، مشاور مسئولیتی ندارد. مشاور است و مشورت می‌کند. مافوق با او مشورت می‌کند و این را وزیر مشاور نامیده‌اند، از آن جایی که طبق اصل ۸۸ و ۱۳۷ وزیر یعنی مسئول پس این آقائی را که مشاور هست و مسئولیت قانونی ندارد و مجلس نمی‌تواند درباره چیزی از او سؤال بکند نمی‌تواند در خارج وجود خارجی داشته باشد. و اگر بگویید وزیر مشاور سمت اجرایی هم دارد، اگر سمت اجرایی داشته باشد، آن سمت اجرایش در صورتی که قانون داشته باشد می‌توانیم برایش وزیر تعیین بکنیم، اما سمت مشاورش خلاف قانون است و در اینجا آن وقت ما یک خلاف ←

→ قانون دیگری هم مرتکب شده‌ایم. طبق اصل ۱۴۱ هر کسی بیش از یک سمت نمی‌تواند داشته باشد. دو شغلی می‌شود یعنی هم سمت مشاور دارد و هم سمت اجرایی دارد (شد دو تا خلاف) طبق اصل ۹۸ تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان است و اطلاق هم دارد، در هر صورت و در هر حالی که شورای نگهبان قانون اساسی را تفسیر کرد ولو اینکه نظر مجلس کلاً و یا نظر شخصی مخالف با نظر شورای نگهبان باشد، ما حق مخالفت نداریم. شورای نگهبان وقتی که قاطعانه نظر داد نسبت به یک مسئله‌ای و یک اصلی را تفسیر کرد، تفسیر شورای نگهبان می‌شود قانون اساسی. همان را که آنها تفسیر کردند. کانه قانون اساسی است و به هیچ وجه مسترد نمی‌شود با آن تخلف کرد نامه‌ای که از طرف مجلس به شورای نگهبان نوشته شده بود اصل این نامه این بود:

در اجرای اصل ۸۸ قانون اساسی وزرا موظف به حضور در مجلس و پاسخ به سئوالات نمایندگان محترم می‌باشند. خواهشمند است اعلام فرمائید آیا وزیر مشاور در امور اجرایی نیز چون سایر وزرا موظف به پاسخگویی هست یا خیر؟ جواب: عطف به نامه شماره ... مورخ ... موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضای شورای (بیش از سه چهارم) (از آنجائی که در تفسیر قانون اساسی قانون شورای نگهبان خودشان آئین‌نامه‌ای را که وضع کردند باید بیش از سه چهارم رأی بدهند معلوم می‌شود بیش از سه چهارم بوده) بیش از سه چهارم به شرح ذیل اعلام می‌شود. هر وزیری که طبق قانون و با رأی اعتماد مجلس به‌عنوان وزیر تعیین شده باشد طبق اصل ۱۳۷ قانون اساسی در برابر مجلس مسئول است و مطابق اصل ۸۸ می‌توان از او سؤال کرد (این قسمت را عنایت بیشتری بفرمائید) و تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور (یعنی تعیین مشاور به عنوان وزیر مشاور. تعیین معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور) در جهت عملیات اجرایی مغایر قانون اساسی است.

در این جا یک جمله‌ای را آقایان دیروز می‌گفتند که شورای نگهبان گفته است که جهت عملیات اجرایی و ما بعضی‌هایمان جهت عملیات اجرایی نیستیم مثلاً حالا نمی‌دانم کدام قسمت رامی‌خواستند بگویند شاید مثلاً در قسمت برنامه و بودجه می‌خواستند بگویند اجرایی نیست، (حالا هر قسمتی را) این اشکال را داشتند، جواب این اشکال این است که اصلاً کار نخست وزیر کار اجرایی است طبق اصول قانون اساسی رئیس‌جمهور، نخست وزیر، وزرا فقط مسئولیت اجرایی دارند. هر کاری را که انجام می‌دهند ولو کار ستادی هم انجام بدهند آن کار، کار اجرایی است. از چارچوب کار اجرایی خارج نمی‌شود و گرنه از چارچوب کار اجرایی خارج بشود یعنی داخل شده‌اند یا در کار قوه مقننه، یا در کار قوه قضائیه قوای سه‌گانه کشور عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه. پس بنابراین اگر نخست وزیر کاری را انجام می‌دهد کار اجرائی است. پس این را که گفته‌اند جهت کار اجرایی، هر کاری باشد کار، کار اجرایی است و آقای وزیر مشاور کار اجرایی انجام می‌دهد ولو کار ستادی ولو کار تنظیم ولو کار هماهنگی فرقی نمی‌کند هر کاری بکند کار اجرایی است و طبق نظر شورای نگهبان این مطلب هم قطعی و مسلم است. بعد یک اشکال دیگری را که می‌کردند می‌گفتند خوب حالا اگر اینها وزیر نداشته باشد، این مؤسسات از کار می‌افتد. جواب این مطلب را دیشب وقتی من فکر کردم و با بعضی‌ها هم که مشورت کردم پاسخ خوبی است توجه بفرمائید. یکی از این وزرای مشاور که اصلاً وزارتخانه نداشتند وزیر مشاور در امور اجرایی اصلاً وزارتخانه علیحده‌ای نداشتند ایشان در نخست وزیری متمرکز بودند و یک کارهایی را کمک نخست وزیری می‌کردند الآن هم می‌توانند به عنوان معاون در کارهایی که مربوط به نخست وزیر است، ایشان معاون نخست وزیر باشند و آن کارها را انجام بدهند، می‌ماند دو وزارتخانه دیگر یکی بهزیستی، یکی برنامه و بودجه این دو وزارتخانه علاوه بر اینکه وزارتخانه بودند سازمان هم هستند. سازمان برنامه و بودجه، سازمان بهزیستی. پس بنابراین فرضاً اگر ما وزارتش را بگیریم سازمان به حال خودش باقیست. سازمان برنامه و بودجه، سازمان بهزیستی، این دو سازمان تا یک مدتی به عنوان سازمان و آقایانی را هم که در رأسش هستند به عنوان سرپرست سازمان مشغول کار بشوند البته اگر می‌خواهند وضع بهتری پیدا بکند زودتر یک لایحه‌ای تنظیم بکنند و به مجلس بفرستند مجلس هم ان شاء الله کمک می‌کند که از این وضع دریابد و یک وضع مشخص‌تری پیدا بکند. پس بنابراین ما هیچ اشکالی نداریم و اما اینکه فرمودید آقا قوانین گذشته به حال ←

→ خودش باقی است من نمی‌دانم شما از کجا درمی‌آورید. ما طبق سوگندی که یاد کرده‌ایم در سوگندنامه مراجعه بفرمائید یکی از چیزهایی را که به آن سوگند یاد کرده‌ایم این است که «من مدافع قانون اساسی باشم». هرگاه ما در هر جایی دیدیم دارد از قانون اساسی تخلف می‌شود ما باید فریاد بزنیم نباید این کار را بکنیم چه برسد به اینکه خودمان بکنیم ما خودمان که کردیم علاوه بر اینکه به یک وظیفه قانونی عمل نکرده‌ایم از یک وظیفه شرعی تخلف کرده‌ایم بارها از قول امام نقل شده که امام فرموده‌اند تخلف از قوانین یعنی خلاف شرع در قوانین عادی فرموده‌اند تخلف از قوانین یعنی خلاف شرع چه برسد به قانون اساسی. پس بنابراین طبق آن سوگندی که ما یاد کردیم علاوه بر اینکه خلاف شرع کرده‌ایم. حنث قسم که من خیلی عنایت به این مطلب عرض می‌کنم بعضی وقت‌ها مطلب را روی این مسئله تکیه می‌کنم ما قسم یاد کرده‌ایم و اگر ما در این مجلس نسبت به این مواد قانون اساسی که بنده اشاره کردم توجه نکنیم مخالفت با قانون اساسی کرده‌ایم. و حنث قسم کرده‌ایم یعنی باید کفاره هم بپردازیم، مگر اینکه آقایان وزرای مشاور آن وقت کفاره ما را ادا کنند، در هر صورت به هیچ وجه ما نمی‌توانیم رأی به وزرا مشاور بدهیم برای خاطر اینکه اینها از نظر شورای نگهبان قانونیت ندارند و از نظر ما هم تخلف قانون اساسی حساب می‌شود.

رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. این یک بحث بسیار اصولی بود از آقای ربانی من هم متشکرم که این مسئله را مستقصی توضیح دادند من هم یک توضیحاتی دارم که می‌دهم و بالاخره ان شاء الله نمایندگان تصمیماتشان را می‌گیرند من به عنوان رئیس مجلس (مجلس دوم) یکی از کارهای بسیار خطرناک برای قانونگذاری و یک خطر اصولی می‌دانم اگر این رویه‌ای که الآن در مورد شورای نگهبان و وزاری مشاور پیش آمده اجرا بشود با استدلال به قانون اساسی اگر این رویه اجراء بشود اصلاً پایه قانونگذاری در کشور سست می‌شود و یک خطری در آینده همه نهادها را تهدید می‌کند. من تعجب می‌کنم آقایانی که در آئین‌نامه قبلی آن همه برای مجلس تعصب نشان دادند چطور این جا به این نکته تا به حال توجه نفرمودند!! اصلاً قانون اساسی به شورای نگهبان حقی که داده‌این است که مصوبات مجلس را حق دارد درباره‌اش اظهار نظر بکند. این اصل اول مربوط به شورای نگهبان را ببیند (اصل ۹۱): «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها (ملی البته) شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود (یکی از نمایندگان - تفسیر را هم بفرمائید) به تفسیر هم می‌رسیم خواهش می‌کنم وسط بحث آن طوری برخورد نکنید شورای نگهبان اصلاً به این منظور به وجود آمده و آخرش هم یک اصل دیگری دارد که «تفسیر قانون به عهده شورای نگهبان است». این هم بعداً احتیاج به قانون دارد. «به عهده شورای نگهبان است» یعنی چه؟ آیا شورای نگهبان ابتداءً خودش باید برود آن را تفسیر کند یا اینکه یک وظیفه‌ای است و اگر از او خواستند. ممکن است البته نظر شورای نگهبان این باشد که ابتداءً می‌تواند من روی این اعتراضی ندارم. گر چه رویه شورای نگهبان تا به حال این بوده‌است که اگر مسئولی از آنها سؤال نمی‌کرده تفسیر نمی‌کردند حتی نماینده‌ها از شورای نگهبان تفسیر خواستند. شورای نگهبان نکرد و گفت رئیس مجلس امضاء بکند. این رویه‌شان بوده حالا من نمی‌دانم تفسیرشان این است یا نه. حالا این بحث دیگری است بگذریم، این یک مسئله، مسئله دیگر در همین اصول مربوط به شورای نگهبان است (آقای ربانی این را خیلی دقت کنید). اگر چنانچه مجلس شورای اسلامی یک چیزی را تصویب کرد و فرستاد آن جا و ده روز گذشت، اینها استمهال نکردند یا استمهال کردند و ده روز دوم گذشت آن قانون می‌شود گرچه نظر شورای نگهبان هم این باشد که این مخالف قانون اساسی است. گر چه نظر شورای نگهبان هم این باشد که این مخالف قانون شرع است. یعنی قانون می‌شود. این نشان این است که شورای نگهبان در مورد قوانینی که از این محوطه خارج می‌شود، دیگر حق اظهار نظر، حاکمیت بر آن قانون ندارند، اگر داشتند این مهلت...

ربانی املشی - شما تفسیر را جواب بفرمائید اصل ۹۸ را ...

رئیس - عجیب است که آقایان ما بیست دقیقه صحبت ایشان را با بردباری تحمل کردیم، اینها یک لحظه نمی‌توانند صبر بکنند. صبر کنید ما داریم حرف می‌زنیم وقت هم داریم. شورای نگهبان اگر قدرتش این بود که هر قانونی را بتواند اظهار نظر کند و لغو بکنند این بیست روز لغو است. برای چه می‌تواند اظهار نظر بکند؟ در مورد قوانین گذشته آیا ←

→ شورای نگهبان می‌تواند اظهار نظر بکند و لغو کند؟ (لغو را عرض می‌کنم). قانون تا مجلس شورای اسلامی لغوش نکند قانون است اگر شما بیاید این پایه را امروز در مجلس دوم بگیرید چه خواهد شد؟ سرنوشت کشور را دادید دست شورای نگهبان. من الآن به شورای نگهبان اعتماد دارم، همیشه هم ان شاء الله اعتماد داریم. اما این اصلاً لغو کردن مجلس است دیگر یعنی فردا هر نهادی را اگر شورای نگهبان یک تفسیر روی یک قانون کرد ممکن است کابینه را ساقط کند، ممکن است رئیس‌جمهور را ساقط کند، ممکن است دستگاه شورای قضائی را ساقط کند، ممکن است راجع به رهبر کاری بخواهد انجام بدهد. اگر این حق را ما بدهیم آنهایی که این قانون را گذراندند دقت کردند که نمی‌شود به دوازده نفر حق داد، مجلس شورای اسلامی امروز ۲۷۰ نفر نماینده مردم دارد چند وقت دیگر ۵۰۰ نفر می‌شوند و اینجا خلاف کردن بسیار مشکل است، اعمال مسائل سیاسی کردن بسیار مشکل است، علنی است شورای نگهبان هیچ یک از این خصوصیات را ندارند و البته اگر بر فرض هم داشت قانون اساسی چنین اجازه‌ای نداده، خوب حالا آقای ربانی استدلال کردند به اینکه امام فرمودند از قوانین اطاعت کنید خوب ما قانون داریم. شورای انقلاب قانون گذرانده وزارت بهزیستی را، با همین صورتی که الآن هست با تفسیر شورای نگهبان شما می‌توانید آن قانون را ندیده بگیرید نخست وزیر حق داشت سرپرست آن را به مجلس نیاورد. مجلس شورای اسلامی حق دارد درباره او اظهار نظر نکند حالا که آمده این خلاف شرع نمی‌شود؟ از قانون تخلف کردن نمی‌شود؟ در موردی این تفسیری که هم که بی‌سؤال تفسیر نکنند سؤال را ببیند چه بوده و جواب چه هست. سؤال این است:

آقای موسوی خویی‌ها در غیاب من (که اینها معمولاً غیر از رئیس مجلس را هم قبول نمی‌کردند) سؤال می‌کنند خواهشمند است اعلام فرمائید آیا وزیر مشاور در امور اجرایی نیز چون سایر وزرا موظف به پاسخگویی هست یا خیر؟ سؤال درباره پاسخ سؤال است. شورای نگهبان اولاً این جواب را داده. شما می‌گویید جواب به این سؤال می‌خورد یا نه؟ اگر می‌خورد این خودش تأیید وزیر مشاور است. «هر وزیری که طبق قانون و با رأی اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشد طبق اصل ۱۳۷ قانون اساسی در برابر مجلس است» این جواب آن سؤال است یا نه؟ اگر جواب این سؤال است یعنی این هم وزیر و هم مسئول است. البته بعدش آمدند قید کردند پائین اینکه این اصلاً سؤال نبوده این سؤال را خودشان جواب دادند البته اگر خودشان تفسیرشان از قانون اساسی این است که حقتشان است این کار را بکنند ما حرفی نداریم خوب حقتشان را کردند، پائین آن را نوشتند که عبارت هم این است «و تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور جهت عملیات اجرایی مغایر قانون اساسی است» حالا خود این عبارت چه مفهومی دارد یک مقداری مشکل است من با شورای نگهبان با بعضی‌هایشان صحبت کردم خیلی نظر روشنی ارائه نفرمودند. این آیا حالا سایر وزرا، وزیر مشاور دیگر که عملیات اجرایی مثلاً وزیر بودجه الآن تردید است که کار اجرایی دارد یا ندارد این جا نوشته‌اند «به عنوان عملیات اجرایی» آیا آن اجرایی هست یا نه؟ مسئله دیگری است. بنابراین این ابهام وجود دارد از یک طرف.

دوم اینکه آیا آنها مستقلاً حق تفسیر داشتند یا نه؟ این مربوط به خودشان است از یک طرف. این جواب به آن سؤال نمی‌خورد از یک طرف شورای نگهبان قوانین عادی را لغو نمی‌تواند بکند ما همه این حرفهای آقای ربانی را قبول می‌کنیم اینها حق هم داشتند تفسیر هم درست است به این سؤال هم می‌خورد اما قانون لغو نمی‌شود. خیلی خوب، حالا ما فهمیدیم که آن قانون گذشته ممکن است هزار قانون ما الآن داشته باشیم مخالف قانون اساسی در دهها هزار قانون خیلی از آنها ممکن است مخالف باشد، ما وظیفه‌مان است هر جا را فهمیدیم که خلاف قانون اساسی است دولت لایحه بیاورد مجلس طرح بیاورد قانون را اصلاح کنیم بعد عمل بکنیم، رئیس‌جمهور وظیفه‌شان است که از ما بخواهند از دولت بخواهند، از شورای عالی قضائی بخواهند ایشان به عنوان حامی قانون اساسی باید بخواهند و با ما فشار بیاورند که ما اینکار را انجام بدهیم، آیا ما حق داریم به محض اینکه فهمیدیم قانونی گذشته آن هم با تفسیر شورای نگهبان با قانون اساسی مخالف است فوری آن قانون را ندیده بگیریم، اگر ندیده گرفتیم تبعاتش را کی جواب می‌دهد؟ به علاوه جنابعالی که می‌فرمائید ما از قانون اساسی سوگند یاد کردیم خوب بله، ما همه قانون اساسی را سوگند یاد کردیم. خوب این قانون اساسی این راه می‌گوید، قانون اساسی می‌گوید «شورای نگهبان در این مورد فقط ←

→ حق دارد اظهار نظر بکند» آن برای این منظور به وجود آمده ما چطور این اصل قانون اساسی را ندیده بگیریم به علاوه چطور آقایان برای همین یک مورد اینقدر دلشان سوخته، در مورد شهرداریها در مورد شوراها که الآن پنج سال است تعطیل مانده، در مورد این همه مسائل قانون اساسی که الآن معطل مانده اجراء نشده، خوب همه اینها را من می‌گویم زمان لازم دارد، قانون لازم دارد باید ترتیب بدهیم من الآن به عنوان رئیس مجلس نمی‌توانم اجازه بدهم که در مجلس قانونی که معتبر است لغو هم نشده و مسئول هم دارد، الآن چندین هزار معلول زیرنظر سازمان بهزیستی دارند کار می‌کنند، دارند اداره می‌شوند آقای ربانی می‌فرمایند که خیلی خوب اگر وزیر نشد، سرپرست. قانون اساسی اجازه نمی‌دهد آقای ربانی، همان قانون اساسی تفسیر شورای نگهبان می‌گوید تمام مؤسسات باید به یک وزارتخانه وصل باشند ما به کجا وصل کنیم؟ الآن که وصل نیست یعنی شما این را پا در هوا می‌خواهید بگذارید فردا اگر یک معلولی مرد جوابش را ما باید بدهیم، جوابش با ما است که اینجا آمدیم اعلام نکردیم، سرپرست معین نکردیم، بله وظیفه مجلس شورای اسلامی است وظیفه دولت است با قید دو فوریت قانون بیاورند، اینها را تکلیفشان را روشن بکنند وزارتخانه را هم ما می‌توانیم منحل بکنیم هر وزارتخانه‌ای را مجلس می‌تواند منحل بکند. بنابراین در این شرایط مجلس شورای اسلامی مجبور است به قانون عمل بکند نظر شورای نگهبان هم روی چشم ما، محترم است. اما در حدودی که حقوق آنها ایجاب می‌کند (نمایندگان احسنت) دیگر بحث نداریم یک موافق یک مخالفت صحبت کرد موقع رأی‌گیری است البته آقایان نمایندگان اجبار ندارند به وزرای مشاور رأی بدهید بنده هم شخصاً مسئله برایم اینطوری نیست که خیال کنم اگر یک وزیر مشاور نداشتیم آسمان و زمین بهم می‌خورد، نه اجبار ندارید رأی بدهید می‌توانید رأی بدهید اگر قبول دارید وزیر را اگر قانون را قبول دارید رأی بدهید نتیجه هم در رأی معلوم می‌شود اگر هم رأی ندادیم ما تکلیفمان را انجام دادیم دولت مثل یک وزارتخانه‌ای بی‌مسئولیتی فکری برایش خواهد کرد بعداً (سیدابوالفضل موسوی - اخطار دارم) الآن اخطار دیگر نداریم الآن چند نفر وقت گرفتند.

هادی - آقای هاشمی یک بار هم به وزیر مشاور در امور اجرایی مجلس رأی داده آیا آن رأی مجلس معنایش اینست...

رئیس - خود شورای نگهبان چند بار این را صحنه گذاشتند تا به حال، حالا شما یک دفعه بردارید ... در قانون بودجه مکرر آمده وزیر مشاور در امور اجرایی همه اینها در آن بوده قانون تصویب کرده آمده ما الآن بحثمان آن جورها نیست عجله هم نداریم، ان شاء الله اگر آقایان رأی بیاورند بعد تکلیف ما هست کار خودمان را انجام می‌دهیم. یکی از نمایندگان - ان شاء الله (خنده نمایندگان).

رئیس - ان شاء الله که یعنی خدا هر دو طرف را می‌خواهد دیگر (خنده نمایندگان) (سیدابوالفضل موسوی - آقای هاشمی اجازه بفرمائید) ما بحث نداریم قبل از شما آقای اصغری وقت گرفتند.

موحدی ساجدی - اگر قرار است بحث باشد وقت گرفتند.

سید ابوالفضل موسوی - در فرمایشات شما خلاف قانون اساسی بود.

رئیس - حرف‌های من ممکن است همه‌اش خلاف قانون اساسی باشد حالا اصلاً بحث که نیست، بحث نداریم (سیدابوالفضل موسوی - اگر اجازه بدهید) اجازه هم نمی‌دهم آقای مهندس غرضی تشریف بیاورند. اولین مدافع صحبت کند.

خلخالی - من اخطار دارم، اخطار من هم وارد است.

رئیس - آقای خلخالی خواهش می‌کنم ما را اذیت نکنید.

خلخالی - من که اهل اذیت نیستم.

نیک‌روش - آقای هاشمی نتیجه این صحبت‌ها که شد چه شد؟ رأی نمی‌گیرید؟

رئیس - خیر، رأی که نیست ما کار خودمان را انجام می‌دهیم هر کس خواست به وزیر مشاور رأی می‌دهد، هر کس خواست رأی نمی‌دهد.

شورای نگهبان مذاکراتی انجام گرفته و از رادیو پخش شده که برای جنابعالی براساس اصل ۱۱۳ که مسئولیت اجرای قانون اساسی را دارید تکلیف ایجاد کرده است، توجه فوری حضرتعالی را به مورد فوق جلب می‌نماید.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تذکر در خصوص چگونگی بررسی لایحه بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی جهت رفع ایرادات آن

تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۲۲

کمیسیون محترم بودجه مجلس شورای اسلامی

با سلام و مسئلت مزید توفیقات و تقدیر از تلاشهایی که در کم کردن نقاط ضعف لایحه بودجه فرموده‌اید زحمت‌افزا می‌شود، اگرچه طی نامه‌هایی که در سالهای قبل یکی به عنوان ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و دیگر به عنوان کمیسیون محترم بودجه فرستاده‌ام فی الجمله دیدگاه‌های خود را محض اطلاع و بررسی به عرض رسانده‌ام اینکه هم به طور مختصر و اشاره دلایلی را که به موجب آنها بودجه مصوب برای سال ۱۳۶۵ را براساس موازین شرعی و هم با توجه به قانون اساسی مورد اشکالات متعدد دانسته‌ام به عرض می‌رسانم بدیهی است موارد و تبصره‌هایی که مربوط به ضرورت‌های فعلی مثل جنگ تحمیلی است مورد هیچگونه ایرادی نبوده و نیست، و اما ملاحظات و ایرادات:

- ۱- ابتناء لایحه بر درآمدهای غیر حقیقی من جمله بهای نفت که در حال حاضر تا ۱۲ دلار تنزل کرده و بعید نیست که بیشتر از این هم تنزل نماید.
- ۲- ابتناء لایحه بر قوانین طاغوتی غیر شرعی و مغایر با قانون اساسی مثل قانون حمایت از مصرف‌کننده.
- ۳- اشتغال لایحه بر مخارج و مصرفی که لااقل در شرایط مالی فعلی اسراف یا تبذیر است.
- ۴- ابتناء لایحه بر قوانین مالیاتی دوره طاغوت مثل قانون مالیات بر ارث که متأسفانه با اصلاحات شورای انقلاب تعارض آن با آیات محکمه ارث در اذهان بیشتر مقبول می‌شود.
- ۵- اشتغال لایحه بر تأمین اعتبار جهت مصارف اداره و مدیریت موارد و بخشهایی که در نظام اسلام زیر پوشش مدیریت مستقیم و اداره حکومت نیست.
- ۶- اشتغال بعض تبصره‌ها بر امور و مسائلی که خارج از بودجه است.
- ۷- اشتغال بعض تبصره‌ها بر وضع قوانین مالیاتی جدید که این هم خارج از لایحه

بودجه است به ملاحظه در لایحه بودجه دخل و خرج براساس قوانین و منابع قانونی تأمین اعتبار و مصارف قانونی بررسی می‌شود و درآمدها به طور متناوب و با رعایت اولویتها بر موارد هزینه توزیع می‌گردد، اما وضع منابع یا مصارف و موارد جدید خارج از این برنامه است و بودجه سالانه نخواهد بود.

۸- اشمال آن بر تأمین اعتبار برای واحدهایی که به موجب قانون اساسی قانونیت ندارند.

۹- اشمال آن بر استقراض از بانکها و تضمین وامها که از یک سو با وضع مالی موجود و وامهای سالهای گذشته که پرداخت نشده زمینه مقبولی برای پرداخت آنها نیست و از سوی دیگر اگر مستلزم چاپ اسکناس شود علاوه بر عواقب سوءاقتصادی آن از این جهت که مالیات اسکناسهای در جریان را تنزل می‌دهد موجب اضرار به مردم و کاهش توان فعالیتهای اقتصادی آنان می‌شود و هم بازپرداخت مطالبات مردم را از بانک از صورت حقیقی خارج کرده و به مالیاتی که کمتر از مالیات وام دریافتی بوده تبدیل می‌نماید و بالاخره از لحاظی مفهوم برقراری مالیات جدید دارد چه فرق است بین چاپ اسکناس بدون پشتوانه که موجب تنزل درصدی از مالیات اسکناسهای در جریان می‌شود و گرفتن همان درصد از مردم ظاهراً از لحاظ فشار مالی بر مردم تفاوت نداشته باشند بلکه شاید عواقب سوء دوم کمتر باشد و خلاصه این استقراض همه را در فشار قرار می‌دهد و مفهومش کم کردن حقوق کارمند، دستمزد کارگر، کم بها کردن تولیدات کشاورزی، و ... است.

۱۰- اشمال مصوبه بر تصویب پیشنهادها و ازدیاد اعتبارات و سپس بالا بردن سقف بودجه (درآمد) که مسلماً چنانکه بعض نمایندگان محترم و مخبر بودجه هم اخطار کردند بی‌زمینه و موهوم است و مفهومش غیر از اخفاء عدم تعادل بودجه و ظاهر نشدن کسری بودجه نمی‌باشد.

۱۱- در مواردی که دولت کسری بودجه را باید با استقراض تأمین نماید با ملاحظه وضع اقتصادی و مالی دولت در حال حاضر اگر ضرورت مبرم نباشد استقراض با توجه به اینکه نظام اقتصادی کشور را در مخاطره قرار می‌دهد مشروع نیست لذا باید اولاً درآمدهای دولت به مواردی اولی و اهم توزیع شود و ثانیاً نسبت به هزینه‌هایی که تأمین اعتبار آنها به وسیله استقراض انجام می‌شود باید ضرورت آن موارد به طور

موردی و به مجلس پیشنهاد شود چنانچه طبق فرمان حضرت امام مدظله ضرورت انجام آن با استقراض تصویب شد نسبت به هر موردی که تصویب شد عمل شود. امید است تذکرات فوق مورد توجه برادران عزیز قرار گرفته که لااقل در سالهای آینده ملحوظ شود.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ

علی آراد - خسرو بیژنی - لطف الله صافی (دبیر شورای نگهبان) و...

تذکر به ریاست جمهوری وقت در خصوص مغایرت بخشنامه نخست وزیر با قانون اساسی

شماره: ۸۰۹۷

تاریخ: ۱۳۶۶/۲/۹

حضرت حجت الاسلام آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در مورد لایحه اراضی شهری مصوب ۱۳۳۶۶/۲/۸ مجلس شورای اسلامی جناب آقای نخست وزیر طی بخشنامه‌ای دستور داده‌اند که وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی تا پایان رسیدگی و اعلام نظر شورای نگهبان از هرگونه اقدام مغایر لایحه مزبور با جدیت جلوگیری نمایند با توجه به اینکه طبق قانون اساسی قوانین پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان و امضاء ریاست جمهوری و ابلاغ به دولت قابل اجراء است و دستور فوق به طور ضمنی اجراء لایحه مذکور و همچنین جلوگیری غیر قانونی از آزادی عمل افراد است، بخشنامه مرقوم مغایر با قانون اساسی است. و با توجه به اینکه مقام ریاست جمهوری مسئولیت اجراء قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را عهده‌دار است، مراتب جهت استحضار جنابعالی و اقدام مقتضی اعلام می‌شود.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

به دنبال این تذکر از سوی ریاست جمهوری وقت تذکری به این شرح خطاب به نخست وزیر وقت ارسال گردید:

شماره: ۲۶۲-۱۱/م

تاریخ: ۱۳۶۶/۲/۱۲

جناب آقای مهندس سراج‌الدین کاظمی

وزیر محترم مسکن و شهرسازی

تذکر شماره ۸۰۹۷ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ شورای نگهبان در مورد بخشنامه جناب آقای نخست وزیر پیرامون لایحه اراضی شهری مصوب ۱۳۶۶/۲/۸ مجلس شورای اسلامی به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی‌نوشت فرمودند:

«جناب آقای نخست وزیر

بخشنامه یاد شده برخلاف قانون اساسی است. شایسته است آن را کان لم یکن اعلام فرمائید».

مراتب برای اطلاع و اقدام مقتضی ابلاغ می گردد.

مصطفی میرسلیم

سرپرست نهاد ریاست جمهوری

رونوشت:

حضرت آیت الله لطف الله صافی (دام عزه) دبیر محترم شورای نگهبان برای اطلاع.

تذکر در خصوص توجه به حق قانونی شورای نگهبان هنگام بررسی لایحه بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی

شماره: ۵۹۰۹

تاریخ: ۱۳۷۲/۱۱/۲

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای ناطق نوری
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی دامت افاضاته
با سلام

نظر به اینکه مجلس محترم شورای اسلامی در سالهای گذشته هنگام طرح لایحه بودجه سالانه کل کشور بدون توجه به حق قانونی شورای نگهبان مصرح در اصول نود و چهارم و نود و پنجم^(۱) قانون اساسی، تبصره‌های تصویب شده لایحه بودجه را برای شورا ارسال می‌نمود و این امر مانع از دقتهای همه جانبه شورای نگهبان هنگام بررسی مهمترین قانون مصوب مجلس محترم که ترسیم‌کننده راه و روش آینده کشور است می‌باشد لذا مقتضی است هنگام ارسال لایحه بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور و سالهای آینده به مدت اظهار نظر شورای نگهبان در قانون اساسی توجه شود تا با فرصت و دقت بیشتر بتوانیم اظهار نظر نمائیم.

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

(۱) اصل نود و پنجم: در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

تذکر به ریاست جمهوری وقت در خصوص مغایرت مصوبه هیأت وزیران با قانون اساسی

شماره: ۷۴/۲۲/۰۱۰۱

تاریخ: ۱۳۷۴/۱۲/۱۷

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران «دام عزه»
با سلام

عطف به مصوبه شماره ۱۵۱۳۶/ت/۱۵۶۹۵ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۷ هیأت محترم وزیران،^(۱)

شماره: ۱۵۶۹۵/ت/۱۵۱۳۶

تاریخ: ۱۳۷۴/۱۲/۱۷

(۱)

وزارت کشور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۶ به استناد ماده (۸۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴ تصویب نمود:

متن زیر به عنوان تبصره به بند (ب) قسمت پنجم ماده (۴۵) آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اضافه می‌شود:

تبصره - به منظور حصول اطمینان از صحت شمارش و قرائت آرای بازرسان وزارت کشور و موظفند پس از اعلام نتیجه نهایی آرا، صندوقهایی را که در هر یک از حوزه‌های انتخابیه بنا به اعلام و دستور رئیس‌جمهور معین می‌شود، بازشماری و قرائت کنند و نتیجه را در صورت جلسه قید نمایند.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس‌جمهور

شماره: ۱۱۸۲۰/۵/ب

تاریخ: ۱۳۷۴/۱۲/۱۷

برادر گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهوری در رابطه با تصویب‌نامه شماره ۱۵۱۳۶/ت/۱۵۶۹۵ ه مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۷ اضافه بر اینکه به موجب ماده ۹۰ قانون انتخابات متن تبصره اضافه شده به بند ب قسمت پنجم ماده ۴۵ آئین‌نامه، می‌باید ابتدا از طرف وزارت کشور تهیه شود و علاوه بر اینکه در مجموعه قانون انتخابات اختیار یا مسئولیت خاصی از جمله اختیار موضوع تصویب‌نامه فوق‌الاشعار به رئیس‌جمهور اعطاء نشده است و افزون بر اینکه مسئولیت حسن جریان انتخابات به دستور ماده ۲۵ قانون انتخابات برعهده وزارت کشور محول شده و این مسئولیت قابل تفویض به هیچ مقام دیگری و از جمله رئیس‌جمهوری نیست اصولاً با عنایت به اینکه چنانچه وزارت کشور سوء جریانی در امر انتخابات و از جمله شمارش و قرائت آرا مشاهده نکند متوقف ساختن دستور قانونی ماده ۲۴ قانون انتخابات، مغایر قانون و مخالف نظر مقنن است.

لذا تصویب‌نامه سابق الذکر از آن جهت که در صورت عدم مشاهده سوء جریان شمارش و قرائت آرا، از طرف وزارت کشور، نیز بازرسان وزارت کشور را موظف کرده است که پیش از اعلام نتیجه نهایی آرا صندوقهایی را که در هر یک از حوزه‌های انتخابیه بنا به اعلام و دستور رئیس‌جمهور معین می‌شود، بازشماری و قرائت کنند و نتیجه را ←

موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۷ شورای نگهبان مطرح گردید و «مصوبه مذکور خلاف نظارت عام شورای نگهبان شناخته شد. زیرا نظارت این شورا بر حسب تفسیری که انجام شده و مصوبه مجلس شورای اسلامی عام و در تمام مراحل است.

البته در هر مورد که آرای صندوق یا صندوقهایی مورد اعتراض باشد می‌تواند اعتراض خود را به شورای نگهبان تسلیم و درخواست بازرسی و شمارش مجدد آرا نمایند، شورا نیز کما فی السابق ترتیب اثر داده و خود را موظف می‌داند رسیدگی کند. این دوره هم با دوره‌های گذشته، وظایف تغییری نکرده است.» با آرزوی مزید توفیقات حضرتعالی.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

در پاسخ به تذکر شورای نگهبان، ریاست وقت جمهوری اسلامی چنین مرقوم نمود:

شماره: ۹۱۸۳-۷۴ م

تاریخ: ۱۳۷۵/۱/۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

بازگشت به نامه شماره ۷۴/۲۲/۰۱۰۱ مورخ ۷۴/۱۲/۱۷ در خصوص مصوبه ۱۵۱۳۶/ت/۱۵۶۹۵ مورخ ۷۴/۱۲/۱۷ هیأت محترم وزیران، توجه اعضای محترم آن شورا را به موارد ذیل جلب می‌نمایم:

۱- انتخابات مجلس شورای اسلامی و نظارت شورای محترم نگهبان بنا به اصول ۶۲^(۱) و ۹۹ قانون اساسی انجام پذیرفته و رئیس جمهور به استناد اصل ۱۱۳ قانون

→ در صورتجلسه قید نمایند مغایر با قانون است علیهذا مستنداً به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و قانون نحوه اجراء اصل هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مراتب جهت اقدام لازم و اعلام نتیجه به آگاهی می‌رسد.

بدیهی است با عنایت به قریب‌الوقوع بودن امر شمارش و قرائت آرا در لغو مصوبه اقدام سریع مبذول خواهد شد.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

رونوشت:

۱- وزیر محترم کشور، جناب آقای بشارتی جهت استحضار و اقدام لازم.

۲- شورای محترم نگهبان، حضرت آیت‌الله جنتی جهت استحضار

(۱) اصل شصت و دوم: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

مذکور بعد از مقام رهبری بالاترین مقام کشور و مجری قانون اساسی و به موجب اصول ۱۲۱ و ۱۲۲،^(۱) پاسدار قانون اساسی و مسئول انجام وظایف قانونی خود در برابر ملت، رهبر و مجلس می‌باشد و بنا به صراحت ماده ۱۳ قانون حدود و وظایف و مسئولیت‌های ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ که مقرر می‌دارد «به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی و پی‌گیری بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد».

نه تنها موضوع تصویب‌نامه اخیر هیأت وزیران، بلکه برای اجرای قانون اساسی به طور جامع و کامل حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی و ... را دارا می‌باشد.

۲- انجام انتخابات از آغاز تا انتها یک امر اجرایی کامل و تمام عیار است و از این جهت در حیطه وظایف و مسئولیت‌های قوه مجریه قرار می‌گیرد و به استناد اصل شصتم قانون اساسی که اعمال قوه مجریه را از طریق رئیس جمهور و وزرا می‌داند، رئیس جمهور موظف است که کار انتخابات را به بهترین وجه سامان بخشد.

۳- به موجب اصل یکصد و سی و چهارم، رئیس جمهور بر کار وزیران نظارت داشته و براساس اصل یکصد و سی و هفتم، وزیران در مقابل رئیس جمهور مسئول انجام وظایف خویش می‌باشند. و با توجه به اینکه وزارت کشور بنا به صراحت قانون انتخابات حسن جریان انتخابات است؛ مداخله و اقدام رئیس جمهور برای اطمینان از انجام وظایف وزارت کشور و حسن جریان انتخابات امری طبیعی و بلکه الزامی تلقی می‌گردد.

۴- از جمله حقوق مسلم و پذیرفته شده در قانون اساسی برای مردم حق انتخاب شدن و انتخاب کردن است و رئیس جمهور بنا به سوگندنامه اصل ۱۲۱ قانون اساسی، ضامن حقوق معوقه معرفه در قانون اساسی بوده و بدون مداخله لازم نمی‌تواند ضامن این امر باشد.

با عنایت به موارد فوق و سایر مواردی که به موقع به آن پرداخته خواهد شد. رئیس جمهور در اجرای قانون انتخابات دارای مسئولیت بوده و به طور مستقیم و یا با واسطه

(۱) اصل یکصد و بیست و دوم: رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

وزارت کشور از حقوق قانونی خود برای اطمینان از حسن جریان امور استفاده می‌نماید البته این نظارت و کنترل نافی وظایف و اختیارات نظارتی شورای نگهبان نبوده بلکه می‌تواند اقدامات آن شورای محترم را تکمیل نماید.

با توجه به مراتب فوق، مقتضی است نظریه قبلی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

۱۳۷۴/۱۲/۲۸

۱۰

تذکر به ریاست جمهوری وقت در خصوص مغایرت انتصاب رئیس سازمان بازرسی
کل کشور به امر بازرسی انتخابات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی

شماره: ۷۵/۲۱/۱۴۰۷

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۱/۱۶

حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامت تأییداته
با سلام و تحیات

حکم حضرتعالی درباره بازرسی رئیس محترم سازمان بازرسی کل کشور در
انتخابات میاندوره‌ای پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی که طی نامه شماره
۱۱۲۹۸۱/۱۱ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۳ دفتر رئیس جمهور^(۱) جهت اطلاع شورا ارسال گردیده
بود در جلسه سه شنبه ۷۵/۱۱/۱۶ شورای نگهبان مطرح شد، «از نظر این شورا حکم

(۱)

شماره: ۱۱۲۹۸۱/۱۱

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۱/۳

حضرت آیت الله جنتی
دبیر محترم شورای نگهبان
با سلام؛

به پیوست تصویر حکم شماره ۱۱۲۵۷۶ مورخ ۷۵/۱۱/۱ مقام محترم ریاست جمهوری به عنوان رئیس محترم سازمان
بازرسی کل کشور در خصوص بازرسی انتخابات میان دوره‌ای پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، جهت اطلاع
جناب عالی و اعضاء محترم شورای نگهبان ارسال می گردد.

محسن هاشمی

رئیس دفتر رئیس جمهور

شماره: ۱۱۲۵۷۶

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۱/۱

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای رئیسی
رئیس محترم سازمان بازرسی کل کشور

با توجه به اهمیت برگزاری هر چه سالمتر انتخابات میان دوره‌ای پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و ضرورت
اطلاع رسانی سریع و مستمر به اینجانب، به موجب این حکم به امر بازرسی انتخابات اقدام نماید. دستگاههای اجرایی
وزارتخانه‌ها به ویژه سازمانها و نهادهایی که به طور مستقیم مسئول برگزاری انتخابات می باشند همکاری و مساعدت
لازم را مبذول خواهند داشت.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

مذکور با قانون اساسی و قوانین عادی سازگاری ندارد زیرا قانون اساسی برای تضمین سلامت انتخابات نظارت شورای نگهبان را پیش‌بینی کرده، بر حسب نظر تفسیر شورا این نظارت هم استصوابی است، قانون عادی هم برای رسیدگی به کار مجریان بازرسی وزارت کشور را پیش‌بینی کرده، با این وضع محلی برای بازرس دیگری در قانون وجود ندارد، وزارت کشور هم تحت نظر ریاست جمهوری است که وظایف قانونی خود را در حوزه کار آن وزارت از طریق وزیر کشور اعمال می‌نماید. لذا در انتظار هست در حکم مذکور تجدید نظر فرمائید.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

ریاست وقت جمهوری اسلامی در پاسخ چنین مرقوم نمود:

شماره: ۱۱۴۲۴۱

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۱/۲۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

بازگشت به نامه شماره ۷۵/۲۱/۱۴۰۷ مورخ ۷۵/۱۱/۱۶ توجه اعضاء محترم آن شورا را به موارد ذیل جلب می‌نمایم:

۱- رئیس‌جمهور به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی بعد از مقام معظم رهبری بالاترین مقام رسمی کشور و مجری قانون اساسی و به موجب اصول ۱۲۱ و ۱۲۲، پاسدار قانون اساسی و مسئول انجام وظایف قانونی خود در برابر ملت، رهبر و مجلس می‌باشد و به موجب نظریه تفسیری شماره ۸۲۵۵/ش مورخ ۵۹/۹/۱۲ شورای نگهبان از اصل ۱۱۳، و ماده ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵، رئیس‌جمهور به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد.

۲- براساس ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی است، از جمله حقوق مسلم و پذیرفته شده برای مردم در قانون اساسی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن است. طبیعی است که رئیس‌جمهور

بدون مداخله نمی‌تواند ضامن این امر مهم باشد.

۳- انتخابات یک امر کاملاً اجرایی است و از این جهت در حیطه وظایف قوه مجریه است که براساس اصل ۶۰ قانون اساسی اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا است و براساس اصل ۱۳۴ و ۱۳۷ رئیس جمهور بر کار وزیران نظارت تام داشته و آنها در قبال رئیس جمهور مسئول می‌باشند لذا امر بازرسی انتخابات مجلس و کلیه انتخاباتها از سوی رئیس جمهور، بازرسی عملکرد شورای نگهبان نیست هر چند آن نیز می‌تواند باشد، بلکه در مرحله اول نظارت بر عملکرد مجریان انتخابات است و این نظارت در عرض نظارت استصوابی شورای نگهبان نیست.

با عنایت به موارد فوق به نظر می‌رسد اصرار شورای محترم نگهبان در این باره می‌تواند متضمن شائبه سلب اختیارات قانونی از رئیس جمهور باشد لذا مقتضی است رسماً از این نظریه عدول شود.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

در خصوص پاسخ مذکور، شورای نگهبان طی نامه‌ای موارد زیر را متذکر گردید:

اصل ۱۱۳ مربوط به جایی است که اصلی از اصول قانون اساسی

یا به کلی اجراء نشده باشد یا متوقف شده باشد

شماره: ۷۵/۲۱/۱۴۵۹

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲

جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

نامه شماره ۱۱۴۲۴۱ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۳ در جلسات متعدد شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

اولاً در مورد تشکیلات بازرسی ریاست جمهوری نظر جنابعالی را به پاسخ شواری نگهبان به نامه ریاست معظم جمهوری وقت به شماره ۴۲۱۴ تاریخ ۶۰/۱۱/۱ که به پیوست ارسال می‌گردد جلب می‌نماید.

ثانیاً در مورد بازرسی سازمان بازرسی کل کشور از انتخابات نظر شورای نگهبان بدین

شرح اعلام می‌گردد:

«نظارت بر کلیه انتخابات همانند بررسی مصوبات مجلس و تطبیق آنها با موازین اسلام و قانون اساسی، و تفسیر قانون اساسی، به نص قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است و هیچ یک از این وظایف را حتی پاره‌ای از موارد نمی‌توان به عهده مقام یا دستگاه دیگری گذاشت، چنانکه مسئولیت‌های مقامات و نهادهای دیگر مانند رهبری، ریاست جمهوری، قوه قضائیه، قوه مقننه، دیوان محاسبات، دیوان عدالت اداری و امثال آنها را نیز نمی‌توان از تشکیلات دیگری خواست و گرنه اصل ۵۷ نقض و تداخل قوا صورت خواهد گرفت. به همین دلیل بسیاری از مصوبات مجلس را که در برخی از موارد رسیدگی به تظلمات و شکایات را به عهده جای دیگری نهاده بود شورا برخلاف اصل ۱۵۹^(۱) قانون اساسی شناخته و رد کرد. اصل ۹۹ و تعدادی از اصول دیگر هم مانند اصل ۱۵۹ است.

سازمان بازرسی کل کشور طبق اصل ۱۷۴ براساس حق نظارت قوه قضائیه بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در خصوص دستگاههای اداری به وجود آمده و مربوط به حوزه کار قوه قضائیه می‌باشد و به هیچ وجه به امر انتخابات و مسئولیت شورای نگهبان ارتباط ندارد، ضمناً اصل ۱۱۳ نیز مربوط به جایی است که اصلی از اصول قانون اساسی یا به کلی اجراء نشده باشد یا متوقف شده باشد در اینجا وظیفه ریاست جمهور است که از مقامات مسئول بخواهد آن اصل را اعمال کنند و آن هم به مسائلی از قبیل انتخابات مربوط نمی‌باشد».

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

(۱) اصل یکصد و پنجاه و نهم: مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

تذکر در خصوص چگونگی اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی

شماره: ۷۵/۲۱/۱۵۳۴

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۱۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

چون به صراحت اصل ۱۱۲ قانون اساسی مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی در صورتی قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت است که شورای نگهبان آن را خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی تشخیص داده و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورا را تأمین نکند، علیهذا ارجاع موضوع از ناحیه ریاست و به تشخیص اعضاء کمیسیون حتی با اطلاع مجلس کافی به تأمین قیود و شرایط اصل مزبور نمی‌باشد و لازم است مصوبه پس از یأس از دستیابی به راه حل مناسب در جهت تأمین نظر این شورا و رأی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شود.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

فهرست اصول

اصول مورد اشاره

از قانون اساسی

اصولی از قانون اساسی که در این مجموعه به آنها اشاره شده است

صفحه	اصل
..... ۴۱، ۴۲، ۱۱۶، ۱۴۲، ۱۷۶، ۲۲۶، ۲۵۸، ۲۵۹	 ۴
..... ۱۰۳، ۲۱۳	 ۵
..... ۳۷۳	 ۸
..... ۲۳۳	 ۱۹
..... ۲۳۳	 ۲۰
..... ۵۹، ۵۸	 ۲۲
..... ۲۲۱	 ۲۴
..... ۷۵، ۷۴	 ۲۶
..... ۳۰۸	 ۲۷
..... ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۳۳، ۲۹۸	 ۳۰
..... ۳۰۴، ۳۰۵	 ۳۵
..... ۳۶۳، ۶	 ۳۶
..... ۳۶۳	 ۳۷
..... ۱۴۲، ۱۴۳، ۳۰۰	 ۴۳
..... ۱۹۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳	 ۴۴
..... ۱۹۵	 ۴۵
..... ۱۴۲، ۱۴۳	 ۴۹
..... ۳۴۰	 ۵۱
..... ۲۱۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۴، ۳۵۸	 ۵۲
..... ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۹۱، ۱۹۵	 ۵۳
..... ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۴۲، ۲۴۳	 ۵۵
..... ۲، ۶، ۷۴، ۸۰، ۲۱۳، ۴۰۶	 ۵۷
..... ۲، ۶، ۱۸۵، ۳۰۶	 ۵۸
..... ۲۳۷	 ۵۹
..... ۲، ۱۷، ۳۷۹، ۴۰۱، ۴۰۵	 ۶۰

۲.....	۶۱
۴۰۰.....	۶۲
۵۵، ۵۴.....	۶۴
۵۴.....	۶۷
۹۱، ۹۰، ۱۶، ۱۵، ۱۴.....	۶۹
۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷.....	۷۰
۱۹۳.....	۷۱
۳۰۷.....	۷۲
۳۶۶، ۳۵۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۲۲، ۳۲۰، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۱۱.....	۷۳
۲۰۴.....	۷۴
۲۷۶، ۲۷۱، ۲۵۵، ۲۲۲، ۲۰۷، ۲۰۶.....	۷۵
۲۵۹، ۲۵۸، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۳۹، ۸۳، ۷۵، ۷۴، ۴۹، ۴۸، ۴۷.....	۷۶
۱۴۶، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۱۲، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۴۰، ۲۸، ۲۳، ۲۲.....	۷۷
۹۱.....	۷۹
۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۷، ۲۶.....	۸۰
۲۹۷، ۲۹۱، ۳۷، ۳۶، ۳۴.....	۸۱
۵۱، ۳۴، ۲۵، ۲۴.....	۸۲
۲۹۹، ۸۳، ۷۵، ۷۴، ۷۰، ۶۹، ۴۹، ۴۸.....	۸۴
۳۰۶، ۲۳۴، ۲۲۰، ۱۹۹، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۳، ۳۵.....	۸۵
۴۰۰، ۳۸۲، ۳۰۷.....	
۲۳۳، ۲۳۲، ۲۲۹، ۷۰، ۶۹.....	۸۶
۱۶۹.....	۸۷
۳۸۰، ۲۸۴، ۲۶۷، ۲۶۶، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۹۷، ۹۷، ۸۲، ۷۵، ۷۴، ۷۰، ۶۹، ۴۹، ۴۸.....	۸۸
۱۶۹، ۱۶۸، ۱۲۰.....	۸۹
۳۲۹، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۳۹، ۱۳۸، ۸۲.....	۹۰
۲۵۹، ۲۵۸، ۲۲۸، ۲۲۷.....	۹۱
۳۹۸، ۲۳۷، ۱۹۹، ۱۱۶، ۸۸، ۱۸، ۱۷.....	۹۴

٣٩٨	٩٥
١٥٨ ، ١٥٧ ، ١٥٤ ، ١١٦ ، ١١٥ ، ٥٢ ، ١٨ ، ١٧	٩٦
١٥٢	٩٧
١٧٣ ، ١٦٧ ، ١٦٦ ، ١٥١ ، ١٤٥ ، ١٤٢ ، ١٤١ ، ١١٣ ، ١١١ ، ١٠٩ ، ١٠٨ ، ١٠٥ ، ٩٠ ، ٨٠ ، ٢٦	٩٨
٣٨٣ ، ٣٠٦ ، ٢٩١ ، ٢٩٠ ، ٢٨٦ ، ٢٧٣ ، ٢٧٢ ، ٢٥٩ ، ٢٢١ ، ٢٠٨ ، ١٩١ ، ١٨٨ ، ١٨٤	
٤٠٦ ، ٤٠٠ ، ٣٧٢ ، ٢٥٩ ، ٢٥٨ ، ١٧١	٩٩
٢٥٥	١٠٢
١٢٩ ، ١٠٣	١٠٧
١٠٤ ، ١٠٣	١٠٨
٢١٣ ، ١٢٤ ، ٦٤ ، ٦٣ ، ٤٥ ، ٤٤ ، ٤٣	١١٠
٨٦ ، ٨٥ ، ٨٤	١١١
٤٠٧ ، ٢٤١ ، ١٧٧ ، ١٧٦ ، ١٧٥	١١٢
٣٨٥ ، ٣٧٨ ، ٣٧٤ ، ٣٧٣ ، ٣٧٢ ، ٣٧١ ، ٣٧٠ ، ٢٣٢ ، ٢٣١ ، ٢٣٠ ، ٦٦ ، ٦٥ ، ١٧ ، ٧ ، ٦	١١٣
٤٠٦ ، ٤٠٥ ، ٤٠٤ ، ٤٠١ ، ٤٠٠ ، ٣٩٢	
٤٠٤ ، ٤٠١ ، ٢٧٥ ، ٦٦ ، ٦٥	١٢١
٤٠٤ ، ٤٠١	١٢٢
٢٠١ ، ١٩٩ ، ١١٧	١٢٣
١٢٦ ، ١٢٥	١٢٤
١٤٦ ، ١١٧ ، ١١٢ ، ٩٢ ، ٧٩ ، ٧٨ ، ٧٦	١٢٥
٤٠٥ ، ٤٠١ ، ١٩٧ ، ١٨٧ ، ١١٤ ، ١١٣ ، ١١٠ ، ١٨ ، ١٧	١٢٦
٢٨٥ ، ٢٨٤ ، ٢٣٩ ، ٢٣٨ ، ٢٣٦ ، ٢٣٤ ، ٢٢٠ ، ٢١٩ ، ٢١٨ ، ٢١٧ ، ٢١٦ ، ١٩٨ ، ١٩٧	١٢٧
٢٩	١٢٨
٥٧ ، ٥٦	١٣٠
٥٧ ، ٥٦	١٣١
١٦٩ ، ١٦٨	١٣٢
٣٨٠ ، ١٦٩	١٣٣
٣٨٠ ، ٢٦٨ ، ١٨١ ، ١٨٠ ، ١٤١ ، ١٢٠ ، ١١٩ ، ١٠٨ ، ٤٩ ، ٤٨ ، ١٨	١٣٤

۲۷۰، ۲۵۷، ۲۵۶، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۲۵.....	۱۳۵
۳۸۰، ۱۶۹، ۹۵، ۷۰.....	۱۳۶
۴۰۵، ۴۰۱، ۳۸۰، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۶۸، ۱۲۰، ۹۷، ۴۹، ۴۸.....	۱۳۷
۱۹۹، ۱۹۷، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۵۶، ۳۳، ۳۱، ۱۸.....	۱۳۸
۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۳۶، ۲۳۴، ۲۲۰، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰.....	
۴۰۰، ۳۱۶، ۳۱۳، ۲۶۸.....	
۲۸۶، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۱، ۹۴، ۹۳.....	۱۳۹
۲۹۵، ۲۹۰، ۲۸۹.....	
۱۰۶، ۱۰۵.....	۱۴۰
۱۷۹، ۱۵۱، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۲۵، ۱۱۸، ۸۷، ۸۱، ۸۰، ۵۰، ۴۶، ۳۸، ۳۰، ۲۱، ۹، ۸.....	۱۴۱
۳۸۰، ۳۱۷، ۳۱۱، ۳۰۲، ۲۸۸، ۲۶۰، ۱۸۵، ۱۸۴.....	
۲۰، ۱۲.....	۱۴۴
۲۵، ۲۴.....	۱۴۵
۳۶۸، ۳۰۹، ۲۷۸، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۴، ۲۲۲، ۶۸، ۷، ۶، ۳.....	۱۵۶
۳۶۸، ۳۰۹، ۲۷۷، ۲۲۴، ۲۲۲، ۲۰۸، ۱۲۴، ۳۲، ۹، ۶، ۵، ۳.....	۱۵۷
۳۰۹، ۲۲۴، ۲۲۲، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۱۲۴، ۱۲۳.....	۱۵۸
۴۰۶.....	۱۵۹
۳۰۹، ۲۰۹، ۲۰۸، ۸۲، ۴، ۳، ۲.....	۱۶۰
۲۳۱، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۰۶.....	۱۶۱
۱۶۴.....	۱۶۴
۴۱.....	۱۶۷
۱۰۶.....	۱۶۸
۶.....	۱۶۹
۲۵۴، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۰۰، ۴۱.....	۱۷۰
۳۲۷، ۳۲۵، ۳۲۴، ۲۲۳، ۱۰۹، ۱۰۶.....	۱۷۲
۳۸۱، ۲۳۲.....	۱۷۳
۴۰۶، ۳۸۱، ۲۳۰، ۲۰۰، ۶۸.....	۱۷۴
۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۱۲۱، ۱۸، ۱۷.....	۱۷۵

فہرست تفصیلی
و موضوعی

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول.....
۲.....	۱- تفسیر اصل یکصد و شصتم..... (حدود و اختیارات و وظایف وزیر دادگستری)
۶.....	۲- تفسیر اصل یکصد و سیزدهم..... (حق اخطار و تذکر توسط رئیس جمهور)
۸.....	۳- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم..... (ممنوعیت داشتن سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی توسط قضات)
۱۰.....	۴- مغایرت دخالت مشاورین و نمایندگان رئیس جمهور در امور اجرایی با قانون اساسی.....
۱۳.....	۵- تفسیر اصل یکصد و چهل و چهارم..... (شرط اسلام از شروط استخدام در ارتش است)
۱۴.....	۶- تفسیر اصل شصت و نهم..... (لزوم انتشار مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی از طریق رادیو و روزنامه رسمی)
۱۷.....	۷- تفسیر اصول نود و چهارم و نود و ششم..... (تشخیص مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است نه رئیس جمهور)
۲۰.....	۸- تفسیر اصل یکصد و چهل و چهارم..... (خدمت وظیفه اقلیتها در نیروهای مسلح منعی ندارد)
۲۱.....	۹- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم..... (مخالفت سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی با تصدی سرپرستی سازمان اوقاف)
۲۲.....	۱۰- تفسیر اصل هفتاد و هفتم..... (عدم شمول این اصل نسبت به نحوه وصول طلب و بازپرداخت اقساط معوقه)

- ۱۱- تفسیر اصول هشتاد و دوم و یکصد و چهل و پنجم..... ۲۴
(عدم ممنوعیت استفاده از تخصص کارشناسان خارجی به طور موقت در ارتش و منوط بودن استخدام آنها پس از تصویب مجلس شورای اسلامی)
- ۱۲- تفسیر اصل هشتادم..... ۲۶
(بلاشکال بودن اخذ و پرداخت وامها و کمکهای دستگاههای دولتی به یکدیگر بدون تغییر در ارقام بودجه)
- ۱۳- تفسیر اصل هفتاد و هفتم..... ۲۸
(عدم شمول این اصل نسبت به فسخ یا اقاله قراردادهایی که جنبه بین المللی ندارد)
- ۱۴- تفسیر اصل یکصد و بیست و هشتم (قبل از بازنگری)..... ۲۹
(عدم احتیاج تصویب صلاحیت سفرا توسط رئیس جمهور)
- ۱۵- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم..... ۳۰
(عدم شمول این اصل نسبت به افراد شاغلی که مستقلاً شغل دیگری را نمی پذیرند)
- ۱۶- تفسیر اصول پنجاه و سوم و یکصد و سی و هشتم..... ۳۱
(وظیفه مجلس شورای اسلامی در خصوص تعیین میزان حقوق مستخدمین دولت و تصویب اعتبار آن)
- ۱۷- تفسیر اصول هشتاد و یکم و هشتاد و دوم..... ۳۴
(عدم ممنوعیت ثبت شرکت یا مؤسسات خارجی در ایران و یا مشارکت و تحصیل مالکیت سهام شرکتهای ایرانی در حد کمتر از پنجاه درصد سهام و استفاده موقت از تجارت کارشناسان خارجی)
- ۱۸- تفسیر اصل هشتاد و یکم..... ۳۶
(عدم ممنوعیت ثبت شعب شرکتهای خارجی در ایران با توجه به ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای)
- ۱۹- تفسیر کلی اصل یکصد و چهل و یکم..... ۳۸
- ۲۰- تفسیر اصل هفتاد و هفتم..... ۴۰
(عدم شمول این اصل نسبت به عقد قراردادهای وزارت دفاع با شرکتهای خارجی و ایرانی در زمان جنگ)

- ۲۱- تفسیر اصل چهارم..... ۴۱
(وظیفه فقهای شورای نگهبان در خصوص مطابقت کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها با موازین اسلامی)
- ۲۲- تفسیر اصل یکصد و دهم (قبل از بازنگری)..... ۴۴
(نصب رئیس شهربانی کل کشور به عهده وزیر کشور است نه فرمانده نیروهای مسلح)
- ۲۳- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی..... ۴۶
(منافات داشتن سمت نمایندگی با عهده دار شدن یکی از مشاغل دولتی)
- ۲۴- تفسیر اصل هفتاد و ششم..... ۴۷
(حق تحقیق و تفحص در امور کشور بر عهده مجلس شورای اسلامی است نه نمایندگان مجلس)
- ۲۵- تفسیر اصول هفتاد و ششم، هشتاد و چهارم، هشتاد و هشتم، یکصد و سی و چهارم و یکصد و سی و هفتم..... ۴۸
(لزوم طرح سؤال از دولت و وزرا توسط نمایندگان در مجلس و ارائه پاسخ نسبت به آن در همان مکان)
- ۲۶- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم..... ۵۰
(ممنوعیت تصدی سمت ریاست یکی از سازمانها و ارگانهای دادگستری توسط اعضای شورای عالی قضائی)
- ۲۷- تفسیر اصل هشتاد و دوم..... ۵۱
(ضرورت تصویب استخدام کارشناسان خارجی در مجلس شورای اسلامی)
- ۲۸- تفسیر اصل نود و ششم..... ۵۲
(نحوه رأی‌گیری شورای نگهبان جهت اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی)
- ۲۹- تفسیر اصل شصت و هفتم..... ۵۴
(ممنوعیت ورود افراد دارای گرایش‌ات و عقاید مارکسیستی و ضد اسلامی به مجلس شورای اسلامی)

- ۳۰- تفسیر اصول یکصد و سی‌ام و یکصد و سی و یکم ۵۶
(اعتبار اقدامات و تصمیمات ۲ نفر از ۳ نفر اعضای شورای موقت ریاست جمهوری در صورت فوت یکی از آنها)
- ۳۱- تفسیر اصل بیست و دوم ۵۸
(اعلام نظر در خصوص صلاحیت داوطلبان نمایندگی بدون شرح و تفصیل)
- ۳۲- تفسیر اصل بیست و دوم ۵۹
(عدم جواز ارائه سوابق داوطلبان نمایندگی خارج از چارچوب قانون)
- ۳۳- تفسیر اصل هفتاد و هفتم ۶۰
(عدم شمول این اصل نسبت به ادغام یکی از شعب بانکهای ایرانی خارج از کشور در یکی از مؤسسات خارجی)
- ۳۴- تفسیر اصل هفتاد و هفتم ۶۲
(عدم شمول این اصل نسبت به انعقاد قرارداد شرکتها و مؤسسات دولتی با شرکتهای خصوصی خارجی)
- ۳۵- تفسیر اصل یکصد و دهم ۶۳
(عدم داشتن مسئولیت رئیس ستاد مشترک ارتش نسبت به امور استخدامی نیروهای انتظامی)
- ۳۶- تفسیر اصول یکصد و سیزدهم و یکصد و بیست و یکم ۶۵
(مغایرت تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری با قانون اساسی)
- ۳۷- تفسیر اصول یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و هفتاد و چهارم ۶۸
(حدود اختیارات سازمان بازرسی کل کشور)
- ۳۸- تفسیر اصول هشتاد و چهارم، هشتاد و ششم و هشتاد و هشتم ۶۹
(حق سؤال از هیأت دولت و وزرا و اظهارنظر آزادانه در همه مسائل داخلی و خارجی کشور توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی)
- ۳۹- تفسیر اصل پنجاه و سوم ۷۱
(عدم شمول این اصل نسبت به درآمدهای دریافتی و اختصاصی جمعیت هلال احمر)

- ۴۰- تفسیر اصول هفتاد و ششم، هشتاد و چهارم و هشتاد و هشتم ۷۴
(عدم حق دخالت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در امور اجرایی مربوط به انتخاب‌کنندگان خود)
- ۴۱- تفسیر اصل یکصد و بیست و پنجم ۷۶
(عدم شمول این اصل نسبت به ارسال نامه درخواست کار به کشور دیگر)
- ۴۲- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم ۸۰
(ممنوعیت پذیرفتن سمت ریاست دانشگاه و مسئولیت‌های اجرایی و عضویت در هیأت‌هایی که شغل رسمی محسوب می‌شوند با تصدی نمایندگی)
- ۴۳- تفسیر اصول هشتاد و هشتم و یکصد و شصتم ۸۲
(چگونگی سؤال و تفحص مجلس شورای اسلامی از قوه قضائیه و میزان مسئولیت وزیر دادگستری در مقابل مجلس شورای اسلامی)
- ۴۴- تفسیر اصل یکصد و یازدهم ۸۴
(عدم اعتبار قانونی مصوبات مجلس خبرگان رهبری خارج از محدوده این اصل و سایر اصول قانون اساسی)
- ۴۵- تفسیر اصل یکصد و یازدهم ۸۶
(تغییر و اصلاح مقررات تشکیل مجلس خبرگان بر عهده این مجلس است)
- ۴۶- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم (قبل از بازنگری) ۸۷
(ضرورت تصویب تصدی موقت وزارتخانه‌هایی که نخست وزیر سرپرستی آنها را به عهده خواهد گرفت توسط رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی)
- ۴۷- تفسیر اصل نود و چهارم ۸۸
(ضرورت ارسال تفاسیر قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان جهت انطباق با موازین شرع و قانون اساسی)
- ۴۸- تفسیر اصل شصت و نهم ۹۰
(چگونگی تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی در موارد ضرورت و اضطرار)
- ۴۹- تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم ۹۲
(مؤخر بودن تصویب قرارداد توسط مجلس شورای اسلامی از انعقاد آن)

- ۵۰- تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم ۹۳
(ضرورت تصویب قراردادهای جزئی و یادداشت تفاهم‌ها در مجلس شورای اسلامی)
- ۵۱- تفسیر اصل یکصد و سی و ششم ۹۵
(ضرورت تقاضای رأی اعتماد دولت از مجلس شورای اسلامی در صورت تغییر نیمی از اعضای هیأت وزیران به یکباره یا به مرور زمان)
- ۵۲- تفسیر اصل هشتاد و هشتم ۹۷
(مسئول بودن وزرا و پاسخگویی ایشان در مقابل مجلس شورای اسلامی و اعلام مغایرت تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور با قانون اساسی)
- ۵۳- تفسیر اصل سی‌ام ۹۸
(عدم منافات تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی و غیرانتفاعی با آموزش رایگان)
- ۵۴- تفسیر اصل یکصد و هشتم ۱۰۳
(وظیفه تغییر قانون انتخابات مجلس خبرگان با همان مجلس)
- ۵۵- تفسیر اصل یکصد و چهارم ۱۰۵
(ضرورت کسب اطلاع مجلس شورای اسلامی قبل از رسیدگی به جرائم عادی ارتكابی رئیس‌جمهور، نخست وزیر و وزرا در دادگاه‌های عمومی دادگستری)
- ۵۶- تفسیر اصل یکصد و سی و چهارم ۱۰۸
(عدم مغایرت ایجاد سازمانهای وابسته به نخست وزیری با این اصل و مغایرت واگذاری سازمانهای مزبور از نخست وزیری به وزارتخانه‌های دیگر با قانون اساسی)
- ۵۷- تفسیر اصل یکصد و هفتاد و دوم ۱۰۹
(تعیین وظایف خاص نظامی و انتظامی و حدود آن به وسیله قانون عادی)
- ۵۸- تفسیر اصل یکصد و بیست و ششم ۱۱۰
(اجرای تصویب‌نامه و آیین‌نامه باید با رعایت نظر رئیس‌جمهور صورت گیرد)
- ۵۹- تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم ۱۱۲
(عدم لزوم گذراندن قراردادهای منعقد شده بین دولت ایران و شرکتهای دول خارجی از تصویب مجلس شورای اسلامی)

- ۶۰- تفسیر اصل یکصد و بیست و ششم (قبل از بازنگری)..... ۱۱۳
(عدم رسمیت اجرایی مصوبات هیأت وزیران قبل از اعلام نظر رئیس جمهور)
- ۶۱- تفسیر اصل نود و ششم..... ۱۱۵
(تشخیص مغایرت یا انطباق قوانین با موازین اسلامی با فقهای شورای نگهبان)
- ۶۲- تفسیر اصل یکصد و بیست و پنجم..... ۱۱۷
(امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها با رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی می باشد)
- ۶۳- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم (قبل از بازنگری)..... ۱۱۸
(مسئولیت تصدی وزارتخانه‌ها فقط با وزرا یا نخست وزیر در حال تصدی موقت وی می باشد)
- ۶۴- تفسیر اصل هشتاد و هشتم..... ۱۱۹
(حق سؤال از وزیر مسئول)
- ۶۵- تفسیر اصل یکصد و پنجاه و هشتم (قبل از بازنگری)..... ۱۲۳
(چگونگی انتخاب اعضای شورای عالی قضائی پس از انقضای مدت مسئولیت آنها)
- ۶۶- تفسیر اصول یکصد و بیست و چهارم، یکصد و سی و پنجم و یکصد و چهل و یکم
(قبل از بازنگری)..... ۱۲۵
(ضرورت معرفی نخست وزیر از سوی رئیس جمهور پس از تجدید انتخابات و انتخاب شدن وی به این مسئولیت و نیز ضرورت موافقت رئیس جمهور و تصویب مجلس با تصدی موقت وزارتخانه فاقد وزیر توسط نخست وزیر)
- ۶۷- تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم..... ۱۲۷
(شرح و توضیح نظریات ۱۳۶۲/۹/۸ و ۱۳۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان)
- ۶۸- تفسیر اصل یکصد و هفدهم..... ۱۲۹
(چگونگی احتساب آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری)
- ۶۹- تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و سی و نهم..... ۱۳۱
(شرح و توضیح مجدد نظریات ۱۳۶۲/۹/۸ و ۱۳۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان)

- ۷۰- تفسیر اصل سی ام ۱۳۳
(عدم استفاده از این اصل در خصوص تأکید بر دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاههای غیرانتفاعی)
- ۷۱- تفسیر اصل یکصد و سی و نهم ۱۳۴
(عدم شمول این اصل نسبت به طرح دعوی در مراجع قضائی)
- ۷۲- تفسیر اصول هفتادم ۱۳۷
(حق شرکت اعضای هیأت دولت در مجلس شورای اسلامی و بیان مطلب توسط ایشان با توجه به دستور مجلس)
- ۷۳- تفسیر اصل یکصد و سی و چهارم ۱۴۱
(بلامانع بودن تشکیل هر نوع سازمانی جهت ایجاد هماهنگی و... زیر نظر نخست وزیر)
- ۷۴- تفسیر اصول چهل و سوم و چهل و نهم ۱۴۲
(عدم ممنوعیت دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولتها و مؤسسات خارجی)
- ۷۵- تفسیر اصل نودم ۱۴۴
(قابل طرح بودن شکایات مربوط به تخلفات مسئولین فعلی در ارتباط با وظایف آنها بعد از انقلاب اسلامی)
- ۷۶- تفسیر اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم ۱۴۶
(لزوم تصویب لوایح مربوط به الحاق ایران به سازمانها و مجامع بین‌المللی در مجلس شورای اسلامی)
- ۷۷- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم ۱۴۷
(بلامانع بودن تصدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی با پذیرفتن سمت آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی)
- ۷۸- تفسیر اصل هفتاد و ششم ۱۴۹
(عدم حق تحقیق و تفحص در خصوص حوزه وظایف مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان)

- ۷۹- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم..... ۱۵۱
(بلامانع بودن عضویت وزرا و کارمندان دولت در هیأت امنای مؤسسات خصوصی و یا دولتی)
- ۸۰- تفسیر اصل نود و هفتم..... ۱۵۲
(بیان مقصود از فوری بودن طرح یا لایحه)
- ۸۱- تفسیر اصل هشتاد و پنجم..... ۱۵۳
(لزوم ارسال کلیه اساسنامه‌های سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت جهت تشخیص عدم مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان)
- ۸۲- تفسیر اصل یکصد و شصت و یکم..... ۱۶۱
(شمول دیوانعالی کشور به دادسرای دیوانعالی)
- ۸۳- تفسیر اصل یکصد و شصت و چهارم..... ۱۶۴
(عدم ارتباط استثنای مندرج در این اصل با جمله صدر آن)
- ۸۴- تفسیر اصل نود و هشتم..... ۱۶۶
(چگونگی تشخیص تفسیر اصول قانون اساسی از نظریات مشورتی شورای نگهبان)
- ۸۵- تفسیر اصل یکصد و سی و پنجم..... ۱۶۸
(لزوم دادن رأی عدم اعتماد به هنگام استیضاح وزرا جهت کنار گذاشتن آنها)
- ۸۶- تفسیر اصل نود و نهم (نظارت استصوابی)..... ۱۷۱
- ۸۷- تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم..... ۱۷۲
(عدم شمول کلمه قوانین مذکور در این اصل به قانون اساسی)
- ۸۸- تفسیر اصل یکصد و دوازدهم..... ۱۷۵
(عدم استقلال مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت تجدید نظر در مصوبات خود، عدم مخالفت مصوبات آن با موازین شرع و چگونگی ارجاع معضل به مقام معظم رهبری، داشتن حق طرح و تصویب قانون مغایرت با مجلس شورای اسلامی)
- ۸۹- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم..... ۱۷۹
(ممنوعیت سمت نمایندگی با تصدی پست ریاست دیوان محاسبات کشور)

- ۹۰- تفسیر اصول یکصد و سی و چهارم و یکصد و سی و هشتم ۱۸۰
(مرجع اتخاذ تصمیم بودن هیأت وزیران در موارد اختلاف و مخالفت عضویت غیر وزرا در کمیسیون مناطق آزاد تجاری - صنعتی با قانون اساسی)
- ۹۱- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم و استفساریه در خصوص اصل هشتاد و پنجم ۱۸۴
(ممنوعیت تصدی ریاست دانشکده با سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی)
- ۹۲- تفسیر اصل هفتاد و سوم ۱۸۶
(لازم الاجرا بودن تفسیر قوانین عادی از زمان بیان مراد مقنن و عدم تسری آن به موارد مختمومه و استفساریه در خصوص این تفسیر)
- ۹۳- تفسیر اصل پنجاه و دوم و استفساریه در خصوص اصل پنجاه و سوم ۱۹۱
(لزوم تقدیم بودجه سالانه کل کشور و متمم و اصلاحات آن به صورت لایحه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی و استفساریه در خصوص اصل پنجاه و سوم)
- ۹۴- تفسیر اصول هفتاد و یکم و نود و سوم ۱۹۳
(ملاک و معیار ترجیح یکی از دو قانون معارض)
- ۹۵- تفسیر اصل پنجاه و پنجم ۱۹۵
(حدود صلاحیت دیوان محاسبات کشور)
- ۹۶- تفسیر اصول یکصد و بیست و ششم، یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هشتم ۱۹۷
(وظیفه دولت از زمان پایان یافتن دوره ریاست جمهوری تا هنگام استقرار دولت جدید و چگونگی تصمیمات آنها در این فاصله)
- ۹۷- تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم ۱۹۹
(مخالفت ارجاع تصویب آئین نامه به کمیسیون یا کمیسیونهای مجلس)
- ۹۸- تفسیر اصل پنجاه و دوم و استفساریه در خصوص اصل هفتاد و چهارم ۲۰۴
(عدم جواز تغییر در ارقام بودجه و تصویب متمم و چند دوازدهم بودجه از طریق ارائه طرح قانونی به مجلس شورای اسلامی و استفساریه در خصوص اصل هفتاد و چهارم)
- ۹۹- تفسیر اصل هفتاد و پنجم ۲۰۶
(مخالفت الزام دولت به تقسیم استان خراسان به چند استان از طریق ارائه طرح قانونی)

- ۱۰۰- تفسیر اصول یکصد و پنجاه و هشتم و یکصد و شصتم ۲۰۸
(حدود وظایف و اختیارات وزیر دادگستری و لزوم تصویب تشکیلات وزارت دادگستری در هیأت دولت)
- ۱۰۱- تفسیر اصول چهل و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم ۲۱۲
(نظارت مستقیم مقام معظم رهبری بر صدا و سیما و مغایرت تأسیس شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی با قانون اساسی)
- ۱۰۲- تفسیر اصل یکصد و بیست و هفتم ۲۱۶
(انحصار محدوده این اصل به تصمیمات)
- ۱۰۳- تفسیر اصل نود و هشتم ۲۲۱
(تفسیر اصول قانون اساسی انحصاراً بر عهده شورای نگهبان می‌باشد)
- ۱۰۴- تفسیر اصول یکصد و پنجاه و ششم، یکصد و پنجاه و هفتم و یکصد و پنجاه و هشتم ۲۲۲
(تفاوت لوایح قضائی و غیرقضائی و عدم استقلال هیأت دولت جهت تنظیم لوایح قضائی جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی)
- ۱۰۵- تفسیر اصل یکصد و هفتادم ۲۲۵
(ابطال آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولتی از زمان تصویب آنها)
- ۱۰۶- تفسیر بند (۲) اصل نود و یکم ۲۲۷
(وظیفه انتخاب حقوق‌دانان شورای نگهبان توسط مجلس شورای اسلامی فقط از میان افراد معرفی شده توسط رئیس قوه قضائیه)
- ۱۰۷- تفسیر اصل هشتاد و ششم ۲۲۹
(عدم شمول این اصل نسبت به موارد ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی)
- ۱۰۸- تفسیر اصل یکصد و بیست و هفتم ۲۳۴
(عدم شمول اصل ۱۲۷ به تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها)
- ۱۰۹- تفسیر اصول نود و چهارم و پنجاه و نهم ۲۳۷
(ارسال درخواست مراجعه به آرای عمومی به شورای نگهبان)

- ۱۱۰- تفسیر اصل یکصد و بیست و هفتم..... ۲۳۸
- ۱۱۱- تفسیر اصل یکصد و دوازدهم..... ۲۴۰
(عدم ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام به مصوباتی که شورای نگهبان آن را مبهم دانسته)
- ۱۱۲- تفسیر اصل پنجاه و پنجم..... ۲۴۲
(تحدید صلاحیت دیوان محاسبات به اعتبارات منظور در بودجه کل کشور)
- ۱۱۳- تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم..... ۲۴۴
(اختیار رئیس مجلس در رسیدگی به مصوبات دولت خارج از اصل ۱۳۸ به مصوبات دولت که خارج از مواد مذکور از اصل ۱۳۸ می باشد.)
- ۱۱۴- تفسیر اصل یکصد و هفتادم..... ۲۵۱
(ناظر به قوه مجریه بودن تعبیر دولتی)
- ۱۱۵- تفسیر اصل یکصد و هفتادم..... ۲۵۲
(ممنوعیت اجرای مصوبه ابطال شده در مواردی که به مرحله اجرا درنیامده)
- ۱۱۶- تفسیر اصل هفتاد و پنجم..... ۲۵۵
(شمول اصل به هر نوع طرحی که بار مالی داشته باشد)
- ۱۱۷- تفسیر اصل یکصد و سی و پنجم..... ۲۵۶
(عدم امکان تعیین سرپرست برای بیش از یک سه ماه)
- ۱۱۸- تفسیر اصول چهارم، نود و یکم و نود و نهم..... ۲۵۸
(تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان توسط شورای نگهبان)
- ۱۱۹- تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی..... ۲۶۰
(عدم شمول ممنوعیت جمع مشاغل در خصوص عضویت به عنوان هیأت مدیره یا مدیرعامل در مؤسسات فرهنگی غیردولتی و غیرعمومی)

فصل دوم ۲۶۱

۱- نظریه مشورتی در خصوص اصل هشتادم ۲۶۲
(عدم نیاز تمدید موافقتنامه به تصویب در مجلس شورای اسلامی)

۲- نظریه مشورتی در خصوص اصل هشتادم ۲۶۳
(لزوم تصویب مواردی که تمدید قرارداد یا تمدید مهلت استفاده از لزوم در آنها پیش بینی نشده است در مجلس شورای اسلامی)

۳- نظریه مشورتی در خصوص اصل هشتاد و هشتم ۲۶۶
(وظیفه پاسخ به سؤال نماینده توسط وزرا در مهلت ده روز و مرجع تشخیص موارد عذر موجه در این خصوص)

۴- نظریه مشورتی در خصوص تشکیل شورای اقتصاد ۲۶۸

۵- نظریه مشورتی در خصوص اصل یکصد و سی و پنجم ۲۷۰
(عهده دار بودن مسئولیت اداره امور جاری با دولت سابق در فاصله معرفی نخست وزیر جدید جهت اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی)

۶- نظریه مشورتی در خصوص اصل هفتاد و پنجم ۲۷۱
(این اصل ناظر به پیشنهاد نمایندگان در لایحه بودجه نمی باشد)

۷- نظریه مشورتی در خصوص اصل یکصد و سی و نهم ۲۷۲
(لزوم رعایت اطلاق این اصل به موافقت نامه های پیش از انقلاب اسلامی)

۸- نظریه مشورتی در خصوص اصل یکصد و بیست و یکم ۲۷۵
(سوگند رئیس جمهور و مواردی که می تواند آن را امضا نماید)

۹- نظریه مشورتی در خصوص اصل هفتاد و پنجم ۲۷۶
(لزوم تعیین طرق جبران کاهش یا تأمین هزینه برای قابلیت یافتن طرح در مجلس شورای اسلامی)

۱۰- نظریه مشورتی در خصوص ارتباط پلیس قضائی با قوه قضائیه ۲۷۷
(عدم مغایرت ارتباط مذکور از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی با قانون اساسی)

۱۱- نظریه مشورتی در خصوص اصل چهل و چهارم و استفساریه در خصوص این نظریه..... ۲۷۹
(بلااشکال بودن تأسیس مؤسسات اعتباری تا زمانی که فعالیت خود را به عملیات بانکی توسعه ندهند)

۱۲- نظریه مشورتی در خصوص اصول یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هفتم..... ۲۸۴
(حق سؤال از رئیس‌جمهور و وزرا در صورتی که وظایف خود را قانوناً به دیگری تفویض نموده‌اند با مجلس شورای اسلامی است ولی اگر مجلس این وظیفه را به عهده غیر رئیس‌جمهور و وزیر بگذارد حق سؤال از وی سلب می‌شود)

۱۳- نظریه مشورتی در خصوص اصل یکصد و سی و نهم..... ۲۸۶
(شمول این اصل نسبت به اموال شرکتهای دولتی)

فصل سوم..... ۲۸۷

۱- استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم..... ۲۸۸

۲- استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و نهم..... ۲۸۹

۳- استفساریه در خصوص اصل هشتاد و یکم..... ۲۹۱

۴- استفساریه در خصوص مرجع پذیرش استعفای وزیر..... ۲۹۲

۵- استفساریه در خصوص مرجع پذیرش استعفای وزیر..... ۲۹۳

۶- استفساریه در خصوص انطباق شوراهاى تصمیم گیرنده با قانون اساسی..... ۲۹۴

۷- استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و نهم..... ۲۹۵

۸- استفساریه در خصوص اصل هشتاد و یکم..... ۲۹۷

۹- استفساریه در خصوص اصل سی ام..... ۲۹۸

۱۰- استفساریه در خصوص اصل چهل و سوم..... ۳۰۰

۱۱- استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم..... ۳۰۲

۱۲- استفساریه در خصوص اصل سی و پنجم..... ۳۰۴

۱۳- استفساریه در خصوص اصل هشتاد و پنجم..... ۳۰۶

- ۱۴- استفساریه در خصوص اصل بیست و هفتم ۳۰۸
- ۱۵- استفساریه در خصوص اصل یکصد و پنجاه و ششم ۳۰۹
- ۱۶- استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم ۳۱۱
- ۱۷- استفساریه در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم ۳۱۳
- ۱۸- استفساریه در خصوص اصل یکصد و چهل و یکم ۳۱۷

فصل چهارم ۳۱۹

- ۱- سؤال در خصوص ماده یک قانون ملی شدن بانکها مصوب جلسه ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب ۳۲۰
- ۲- سؤال در خصوص لایحه تشکیل کمیسیون به منظور اتخاذ تصمیم در مورد خسارت دیرکرد مصوب جلسه ۲۲/۱۲/۱۳۵۸ شورای انقلاب ۳۲۱
- ۳- سؤال در خصوص قانون الحاق سازمان قضائی ارتش به دادگستری ۳۲۳
- ۴- سؤال در خصوص لایحه تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه مصوب شورای انقلاب ۳۲۶
- ۵- درخواست توضیح در خصوص روش بررسی و اظهارنظر شورای نگهبان پیرامون مصوبات مجلس شورای اسلامی و تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری ۳۲۸
- ۶- سؤال در خصوص جایگاه قانونی ستاد انقلاب فرهنگی ۳۳۷
- ۷- سؤال درخواست انطباق آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین با قانون اساسی و شرع) ۳۳۸
- ۸- سؤال در خصوص ارجاع به داوری پیش بینی شده در قراردادهای بین المللی منعقدہ بین ایران و سایر کشورها (مصوب مجلس شورای اسلامی) ۳۴۰
- ۹- سؤال در خصوص ماده ۷ قانون معادن مصوب خرداد ماه ۱۳۶۲ ۳۴۲
- ۱۰- سؤال در خصوص قانون انحلال سازمان پیشاهنگی کشور ۳۴۳

- ۱۱- سؤال در خصوص جایگاه قانونی کمیته امداد امام خمینی (ره)..... ۳۴۴
- ۱۲- سؤال در خصوص هماهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان با مجلس شورای اسلامی جهت وضع قانون ۳۵۰
- ۱۳- سؤال در خصوص طرح قانونی نحوه تشکیل پیام آوران بهداشت ۳۵۳
- ۱۴- سؤال در خصوص گزینش افراد وابسته یا همفکر به گروهها، مسلکها و فرق دینی ۳۵۵
- ۱۵- سؤال در خصوص اینکه «آیا سازمان انرژی اتمی می تواند از استقلال مالی برخوردار باشد یا خیر؟»..... ۳۵۷
- ۱۶- درخواست از شورای نگهبان جهت پذیرش همتائی با مجالس سنای دنیا به همراه مکاتبه شورا با وزارت امور خارجه در این زمینه ۳۶۰
- ۱۷- سؤال در خصوص لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی ۳۶۳
- ۱۸- سؤال پیرامون اینکه آیا مجلس شورای اسلامی حق وضع قانون در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد یا خیر..... ۳۶۵
- ۱۹- سؤال در خصوص اینکه آیا قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب شورای انقلاب با قانون اساسی مغایرت دارد یا خیر ۳۶۸
- ۲۰- درخواست توضیح در خصوص علل عدم اعلام رد صلاحیت نامزدهای عضویت در مجلس خبرگان رهبری و نظریه شورای نگهبان در این زمینه (با توجه به محدوده اختیارات ریاست جمهوری مصرح در اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی)..... ۳۷۰
- فصل پنجم..... ۳۷۵**
- ۱- تذکر ارشادی به نخست وزیر وقت مبنی بر ارائه لوایح مطابق با موازین اسلام جهت رفع نیازهای جامعه به مجلس شورای اسلامی ۳۷۶
- ۲- تذکر ارشادی به ریاست جمهوری وقت در خصوص اجرای قانون اساسی ۳۷۸
- (چگونگی تعیین سرنوشت نهادها و سازمانهای مستقل یا وابسته به نخست وزیری، مغایرت ایجاد وزارت مشاورت با قانون اساسی و نحوه عمل منطبق با قانون اساسی نسبت به این دستگاهها)

- ۳- تذکر به ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در خصوص درج موضوع تفویض اختیار و آزمایشی بودن و مدت اجرای آن در مصوبات (موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی)..... ۳۸۲
- ۴- نظریه و تذکر در خصوص طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی..... ۳۸۳
- ۵- تذکر ارشادی به رئیس جمهوری وقت مبنی بر اجرای اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی..... ۳۸۵
(ارائه تذکر به مجلس شورای اسلامی در خصوص ملاحظه جایگاه رفیع شورای نگهبان به هنگام نطق در مجلس شورای اسلامی)
- ۶- تذکر در خصوص چگونگی بررسی لایحه بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی جهت رفع ایرادات آن..... ۳۹۳
- ۷- تذکر به ریاست جمهوری وقت در خصوص مغایرت بخشنامه نخست وزیر با قانون اساسی (بخشنامه صادره در خصوص لایحه اراضی شهری)..... ۳۹۶
- ۸- تذکر در خصوص توجه به حق قانونی شورای نگهبان هنگام بررسی لایحه بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی..... ۳۹۸
- ۹- تذکر به ریاست جمهوری وقت در خصوص مغایرت مصوبه هیأت وزیران با قانون اساسی (مغایرت شمارش مجدد آرای صندوقهای مورد نظر ریاست جمهوری توسط ایشان با قانون اساسی)..... ۳۹۹
- ۱۰- تذکر به ریاست جمهوری وقت در خصوص مغایرت انتصاب رئیس سازمان بازرسی کل کشور به امر بازرسی انتخابات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی..... ۴۰۳
(اصل ۱۱۳ مربوط به جایی است که اصلی از اصول قانون اساسی یا به کلی اجرا نشده باشد یا متوقف شده باشد)
- ۱۱- تذکر در خصوص چگونگی اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی..... ۴۰۷
(مصوبه مجلس پس از یأس از دستیابی به راه حل مناسب در جهت تأمین نظر شورا با رأی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردد)

غلط‌نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۲۱	بیست و چهارم	دول خارجی	خارجی دولتی
۴۲۴	یستم	عبارت «عدم استقلال مجمع تشخیص مصلحت نظام...» حذف و به جای آن عبارت «در خصوص مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام» جایگزین شود.	

Collection of Guardian Council Interpretative and Advisory Views

**"Respect to Constitution Articles with Questions
and Notifications"**

(1359 – 1388)

(2nd Print, 1st Edition)

**Guardian Council's Research Center
(GCRC)**



مرکز تحقیقات شورای نگهبان